

کیمهان

۴۷۶

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲ تا ۸ شهریور ۱۴۰۳ خورشیدی

سال چهل و یکم - شماره ۱۹۴۲



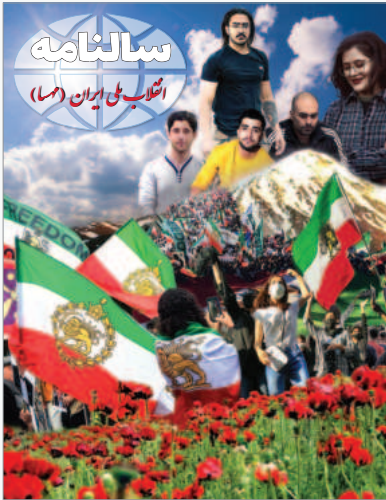
چرا اعتصاب پرستاران

«مهم» است؟

پرستار
دار بزن
حقتو فریاد
زن

حق مسکن ۱۰۰ تومنی
نمیخوایم نمیخوایم

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۴۲ (۴۷۶)
جمعه ۲ تا ۸ شهریور ۱۴۰۳
۲۳ تا ۲۹ اوت ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

www.kayhanlife.com

سایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاهل عنکیوت به قلم حامد محمدی (آفسر خلیان)»
برای نخستین بار ایجاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

خبرنامه کانون فرنگی پرس کهن ایرانی
پایه پداری نزدیک دهریان، ۱۱ آگوست ۲۰۲۴، پداری ۱۴۰۳ خورشیدی

کانون فرنگی پرس (ایران) در برنامه شنبه ۳۱ آگوست خود را گل جدید برزاری کند:

عزت‌الله دکتراپرام فریانی
دربانم برتری ایران از دوران پهلوی تا امروز

نمایش مستند زندگی هنرمند برام شنبلی
کارگردان: مرتضی ایرانی

کلاس های زبان فارسی مدرسه کانون ایران
مسئولان اداری و آموزشی این مدرسه به اطلاع مخاطبان ثبت نام فرزندانشان در کلاس های آموزشی می‌رساند که مدرسه کانون ایران بازگشایی شده است.
همچنین برای رفاه حال بزرگانان و افرادی که خارج از لندن زندگی می‌کنند نیز کلاس های آنلاین برگزار می‌شود.
تلفن تماس: ۰۷۷۹۰۹۴۴-۰۷

برای بازنمایی مجدد باهنرمندانی که با یک تپش
با حضور سیمین انصاری و مرتضی کتاب جدید: روایات، خاطرات زهره اکمن از نخستین پرستاران حرفه ای دوران حکومت رضا شاه

زمان گردهمایی این ماه: ساعت ۷ پس از نیمهروز شنبه ۳۱ آگوست ۲۰۲۴
مکان: گلساید اسکس در منطقه نانتینگ هیل کیت
Essex Church: 112 Palace Gardens Terrace, Notting Hill, London W8 4RT
ورود: ۵ پوند

کتاب و هنر برای از بین بردن آلودگی و حفظ روایت ابراهیم برزاری کوهستانی های آن مسکونی می‌کند

کیشان

* فهرست مطالب *

سرمقاله - تأیید کنندگان و تأیید شوندگان و اعتماد کنندگان آیا خودشان بهم اعتماد دارند؟! / الا هه بقراط ۴

تیر هفته - چرا اعتصاب پرستاران «مهم» است؟! ۴-۵

با بدن در آخرین روزهای ریاست جمهوری تحریم علیه صد اوسیمای ... / ۶

بلینکن دست خالی از خاور میانه به واشنگتن بازگشت ... / ۷

چرا حکومت ایران «انتقام» از اسرائیل را به تأخیر انداخته؟! ... / ۸

مذاکرات اسرائیل و حماس در دو حه «سازنده» بود ولی به بن بست رسید! ... / ۹

ما شاء الله کر می، پدر دادخواه، با اتهامات واهی به ۸ سال و ۱۰ ماه حبس، یک میلیارد دو ... / ۱۰-۱۱

امر به معروف نهی از منکر ... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱

تأسیس دانشگاه در ایران از زبان دکتر علی اکبر سیاسی (۲) ... / ۱۲-۱۴

درگیری پشت پرده برای انتصاب رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ... / ۱۴-۱۵

جمهوری اسلامی عامل حمله سایبری هکرها به ستادهای انتخاباتی ترامپ و ... / ۱۶

جمهوری اسلامی به دنبال همکاری با دوشرکت چینی برای تولید ماهواره های ... / ۱۶-۱۷

حمله اسرائیل به چند انبار مهمات حزب الله در شرق لبنان ... / ۱۷

اختلاف بین رجب طیب اردوغان و پسران اسماعیل هنیه بر سر سه میلیارد دلار پول ... / ۱۸

خبری از «خونخواهی فوری» اسماعیل هنیه نشد ... / ۱۹

تحریم ۱۸ نفتکش وابسته به «سپاه قدس» با تصویب وزیر دفاع اسرائیل ... / ۲۰

فراخوان «سازمان حقوق بشر ایران» برای حمایت از کارزار اعتراضی «سه شنبه های ... / ۲۰-۲۱

«واشنگتن پست»: «تماس نخست وزیر قطر با ایران» و احتمال خودداری حزب الله ... / ۲۱

بررسی صلاحیت وزیرای دولت پزشکیان در مجلس شورای اسلامی ... / ۲۲

تورسریب خلیل الممدوح از فرماندهان گروه «فتح» ... / ۲۳

«جتهای ایران» و اسرائیل نسخه صدام اتمی را پیچیدند! ... / ۲۳

یحیی سنوار؛ حکومت بر ویرانه ها ... / بهنام محمدی ۲۳

چرا گروه های چپ فمینیست، «کوئیر» و مدافع محیط زیست به نام ... / حنیف حیدر نژاد ۲۴-۲۵

حمله حوثی ها به نفتکش یونانی «سونیون» در دریای سرخ ... / ۲۶

ادعای عجیب خبرگزاری فارس: «وزن بالا» عامل سقوط هلی کوپتر رئیس بود ... / ۲۶-۲۷

حراج نفت ایران با همکاری دلال های مالزی ... / ۲۷

تأیید حکم محکومیت منشی ۹۹ ساله اردو گاه مرگ نازی ها ... / حنیف حیدر نژاد ۲۸-۲۹

وزارت خارجه آلمان یورش مأموران امنیتی به مؤسسه گوته در تهران را ... / ۲۹

چالش ایلان ماسک با قوانین فضای مجازی در اتحادیه اروپا ... / فرد صابری ۳۰

یادداشت وزیر خارجه اسرائیل در روزنامه «تلگراف»: اسرائیل در خط مقدم مبارزه ... / ۳۱

رای اعتماد به همه وزیرای کابینه پس از چند روز نمایش موافق و مخالف ... / ۳۲

اعتصاب بی سابقه پرستاران در چند شهر ایران ... / ۳۳-۳۴

اشکال مختلف سانسور؛ از حکومت تا بازار ... / ۳۴

پدیده اخراج کارگران در آستانه بازنشستگی؛ جامعه بازنشسته ایران معترض است! ... / ۳۴-۳۵

اصفهان؛ جلوه های هولناک فرونشست در ایران ... / ۳۶-۳۷

۲۷ درصد کلاس اولی ها ثبت نام نکرده اند ... / ۳۷-۳۸

«وضعیت اضطراری» بهداشت جهانی در پی شیوع ابله میمونی ... / ۳۸-۳۹

شایعه «۱۳ صفر» چه بود؟ هجوم «بی سابقه» شهروندان به طلا فروشی ها ... / ۴۰

روستا های ایران در محاصره «تنش آبی»؛ بیش از هفت هزار روستا به آب ... / ۴۱

کیفیت پایین آموزشی بامدیریت جهادی جمهوری اسلامی ... / ۴۲

عضو نظام صنفی رایانه ای تهران با «فشل» خواندن امنیت داده هادر کشور ... / ۴۳

طبقه متوسط در ایران طی هشت سال ۸۸ درصد آبرفت! ... / ۴۴

خودکشی منجر به مرگ در جامعه پزشکی ایران: ۱۳ تا ۱۶ مورد در سال ... / ۴۵

قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران؛ صنایع همچنان زیان می دهند ... / ۴۶-۴۷

لباس های ورزشی بانوان در این سال ها تنگ تر و شورت های آنها کوتاه تر شده! ... / ۴۷

دستور به تعطیلی کارخانجات به دلیل قطع برق؛ اما برق با بانه های مرزی برای ... / ۴۸-۴۹

رابرت دهنوشی کنسرت گذار و مدبر بر نامه های پیشین چند خواننده ایرانی در ... / ۴۹

جزییاتی از پرونده فساد چای «دبش»؛ متهم ردیف اول در زندان است اما ... / ۵۰

تهدید امنیت غذایی میلیون ها شهروند در ایران؛ اعلام وضعیت بحرانی در ... / ۵۱

فقر در ایران تابع علت های متفاوت؛ از وضعیت سیاست خارجی و منطقه تا ... / ۵۲-۵۳

سفیر جمهوری اسلامی در مسکو: ایران آماده انتقال گاز روسیه از خاک خود است ... / ۵۳

خبرهای کوتاه ... / ۵۴-۵۵

پشت جلد - عکس هفته / دومین وزیر زن در نظام دولت مذکور و ضد زن! ۵۶

بازنشر
بازنشر



چرا اعتصاب پرستاران «مهم» است؟



● **تقویت شبکه‌های مستقل و سراسری برای هماهنگی اعتصابات «چشم اسفندیار» جمهوری اسلامی است و به همین دلیل کارشناسان و رسانه‌های حکومتی تلاش دارند چنین تبلیغ کنند که اعتصاب گسترده پرستاران صرفاً «صنفی» است و نسبتی با اعتراضات «سیاسی» ندارد.**

اینکه آنها نیز به خدمات پرستاران نیاز دارند، شعار دادند: «نیروی انتظامی، تو هم بستری میشی!»
اعتصاب زیر فشار سنگین «حراست»
اعتصاب پرستاران با وجود بخش فعال و سرکوبگر «حراست» در بیمارستان‌های دولتی صورت گرفته است؛ اینکه پرستاران موفق شده‌اند اعتصابی با این ابعاد را که حتی به لغو برخی جراحی‌ها در چند بیمارستان منجر شد، با غلبه بر فشارها و تهدیدهای مأموران امنیتی مستقر در بیمارستان‌ها انجام دهند یک رخداد مهم و قابل توجه است. به گزارش منابع صنفی، فشار نیروهای «حراست» و امنیتی برای پایان دادن به اعتصاب پرستاران همچنان ادامه دارد اما در آنسو نیز پرستارانی که سال‌ها صدای اعتراض و خواسته‌هایش از سوی مسئولان شنیده نشده، اینبار به صحنه آمده‌اند تا حق خود را بگیرند.

محمد شریفی مقدم دبیرکل «خانه پرستار» با اشاره به تهدیدهای نهادهای امنیتی و مدیریت بیمارستان‌ها برای پایان دادن به اعتصاب پرستاران گفته «پرستاران می‌دانند وقتی اعتصاب کرده‌اند آنها را تهدید می‌کنند که اخراج‌تان می‌کنیم. [آنها] می‌گویند باشد، اخراج کنید. یعنی وضعیت به جایی رسیده است که برای پرستار مهم نیست اگر اعتصاب کند اخراج می‌شود.»
نیروهای امنیتی و مدیران بیمارستان‌ها در کنار تهدید و هراس‌آفرینی و بازداشت، بازی روانی دیگری را نیز با پرستاران به راه انداخته و دانشجویان و افرادی را که تازه فارغ‌التحصیل شده و تجربه عملی در شغل پرستاری ندارند، در بیمارستان‌ها بجای پرستاران اعتصابی به کار می‌گیرند. اقدامی که هرچند برای هراس پرستاران و تزلزل امنیت شغلی آنها به عنوان اهرم فشار صورت گرفته اما در عمل بازی با جان بیمارانشان است!

پایداری پرستاران طی دو هفته گذشته در برابر موج تهدیدها، سبب بازداشت و تشکیل پرونده‌های قضایی علیه آنها شده است. به گزارش فعالان صنفی پرستاران طی دو روز گذشته چند پرستار در اعتصاب شهرهای اراک و تهران بازداشت شده‌اند.

سرمقاله

تأییدکنندگان و تأییدشوندگان و اعتمادکنندگان

آیا خودشان بهم اعتماد دارند؟!

شاید هیچ دوره‌ای از به اصطلاح انتخابات جمهوری اسلامی، به اندازه آنچه در تیرماه ۱۴۰۳ اجرا شد، نمایش نبوده به ویژه آنکه سبب آن نیز نه عادی بلکه یک سانحه‌ی مشکوک بود که در تازه‌ترین ادعای عجیب، به دلیل «وزن بالا» هلی‌کوپتر و سرنشین اضافی روی داده است!

فصل اول این سریال روحی با رأی اعتماد مجلس اسلامی اصولگرا به همه وزیران کابینه‌ی رئیس دولت اصلاح‌طلب و میان‌برده‌های موافق و مخالف و لو دادن‌های پزشکیان در مورد



نحوه‌ی گزینش وزرا و با «اکت» تکراری «سکه‌ی به پول» شدن محمدجواد ظریف اینبار با تشکیلات نوظهور و تبلیغاتی «شورای راهبردی انتقال دولت» به پایان رسید.

حالا فصل دوم که داستان واقعی مشکلات روزانه‌ی جامعه و نارضایتی‌های گسترده است شروع می‌شود. آتیم در حالی که مسعود پزشکیان که برخلاف رئیسی «شش کلاسه» گویا تحصیلات پزشکی دارد، نه تنها از نظر گفتاری و رفتاری و زبان و بیان در همان تراز است بلکه از چاشنی چاله‌میدانی هم برخوردار است؛ البته بدون آنکه بتوان انتظار داشت که در دفاع از چیزی، کت چروکیده روی دوش انداخته و پاشنه را ورکشیده دستمال «حق» بر عرق پیشانی بکشد. مهره‌ای که از همان اول همه مسئولیت، از انتصاب خودش تا معرفی کابینه‌ی راه، به گردن خامنه‌ای و امنیتی‌ها و پاسداران رژیم انداخت.

اینکه شماری برای تبلیغ نمایش انتخابات سنگ تمام گذاشتند و بعد هم به انواع و اقسام بندبازی و عنوان‌سازی پرداختند از جمله اینکه دولت سوم حجت‌الاسلام محمد خاتمی در راه است؛ بعد عده‌ای دیگر مدعی شدند که نخر! دولت سوم حجت‌الاسلام حسن روحانی می‌آید، خیلی زود رنگ باخت و معلوم شد دولت چهاردهم چیزی جز تداوم دولت حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی نیست که به برکت کشته شدن وی، تمام معتمدین خامنه‌ای و سپاه پاسدارانش بیش از پیش در آن گرد آمده‌اند.

با عباس عراقچی امین خامنه‌ای، همانکه با ظریف می‌خندید و مخفیگاه‌های اقی می‌مثل تورقوزآباد را انکار می‌کرد، برای اخاذی در مذاکره با غرب؛ با سیداسماعیل خطیب و اسکندر مؤمنی و امین حسین رحیمی و سیدعباس صالحی به ترتیب در وزارت اطلاعات و وزارت کشور و وزارت دادگستری و وزارت ارشاد اسلامی برای سرکوب و «جمع کردن» اعتراضات مردم؛ با عزیز نصیرزاده و محسن پاک‌نژاد در وزارت دفاع و نفت برای تدارکات نظامی و تأمین مالی شبه‌نظامیان و نیابتی‌ها و گروه‌های تروریستی. و همه اینها در همکاری خالصانه با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و انواع نیروهای امنیتی و اطلاعاتی. فعالیت بقیه وزارتخانه‌ها بستگی به عملکرد اینها دارد که نمی‌تواند چیزی جز تخریب و فلاکت و جنگ‌افروزی باشد که تا کنون نظام پیش برده است. البته دومین زن رژیم هم به وزارت «راه» در این بن‌بست مذکور و ضدزن رسید!

در این میان، با اینکه پزشکیان با اعتراف به این واقعیت که همه وزرای پیشنهادی با تأیید خامنه‌ای و امنیتی‌ها معرفی شده‌اند توانست در یک ضرب برای همه رأی اعتماد از مجلس اسلامی بگیرد، اما آیا خودشان با اینهمه افتضاح حفره‌های امنیتی بهم اعتماد دارند؟! یا همه این آرایش صحنه‌ی سپاهی و امنیتی پیامد ناگزیر نگرفتن رأی اعتماد از مردم است که سال‌هاست با «نه به جمهوری اسلامی» اعلام کرده‌اند این نظام را نمی‌خواهند!

از تبعیض درآمدی تا زورگویی مدیران

عوامل مختلفی در سال‌های گذشته سبب اعتراضاتی از سوی پرستاران شد که حالاً می‌رود تا به اعتصاب سراسری تبدیل شود.

چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ در گفتگو با وبسایت «اعتقاد آنلاین» با اشاره به اینکه حقوق ماهانه پرستاران در ایران ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان، برابر با حدود ۲۰۰ دلار است، گفت:



شده‌اند و حتی به گفته محمد شریفی مقدم «بیه» اخراج را نیز با اعتصاب «به تن خود مالیده‌اند» که شماری از آنها به دلیل فشار بالای کار با شیفت‌های طولانی و اضافه‌کار اجباری در ماه‌های گذشته دست به خودکشی زده و شماری دیگر بر اثر سندروم «کاروشی» جان باخته‌اند. «کاروشی» در زبان ژاپنی به معنای مرگ ناشی از کار زیاد است و به مرگ ناگهانی ناشی از فشار شغلی گفته می‌شود.

پرستاران به ویژه بخش مراقبت‌های ویژه و اورژانس نیز می‌گویند با وجود شرایط دشوار و پراسترس شغلی، در عمل کیسه بوکس همراهان بیمار، پزشکان و مدیران بخش هم هستند. همزمان با اعتصاب اخیر پرستاران، یک پرستار زن ۳۰ ساله در استان لرستان مورد حمله و تهدید به مرگ از سوی همراه یکی از بیماران قرار گرفت و همراه بیمار چنان گردن این پرستار را به قصد خفه کردن فشرده کرد که گردن وی آسیب دیده است.

فصل تازه اعتراضات صنفی در کشور

اکنون مشخص نیست دولت چهاردهم، و محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی چگونه قرار است در نخستین روزهای کاری خود، بحران ناشی از اعتصاب پرستاران را در ساختار درمانی کشور حل کرده و اعتصاب‌کنندگان را قانع کند که به سر کار برگردند. در هر حال به نظر نمی‌رسد در درازمدت دولت امکان پاسخگویی به همه خواسته‌های پرستاران را داشته باشد.

رفع مشکلات پرستاران نیازمند تزریق منابع مالی هنگفت به وزارت بهداشت، برای تحقق برابری دستمزد و افزایش درآمد آنهاست و همچنین نیازمند استخدام ده‌ها هزار پرستار برای جبران کمبود این نیرو، تا دیگر پرستاران شاغل ناچار به انجام شیفت‌های طولانی و اضافه‌کاری‌های اجباری نباشند. انجام این دو کار در شرایط کنونی سیاسی و اقتصادی کشور امری ناممکن است!

ساختار درمانی ایران در حالی سالانه چند هزار پرستار را به دلیل مهاجرت از دست می‌دهد که به گفته رئیس کل سازمان نظام پرستاری ساختاری درمانی کشور با کمبود بیش از ۱۰۰ هزار پرستار روبروست.

بر اساس برخی استانداردهای جهانی به ازای هر تخت بیمارستانی ساختار درمانی باید ۴ پرستار وجود داشته باشد و البته وزارت بهداشت جمهوری اسلامی نیز وجود ۵/۲ پرستار به ازای هر تخت را پذیرفته است اما آمارها نشان می‌دهد نسبت پرستار به تخت بیمارستانی در ایران ۰/۹ است.

در چنین شرایطی احتمال تداوم و تکرار اعتراضات و اعتصابات پرستاران در ماه‌های آینده وجود دارد و تا همینجا نیز نشان داده شده که شبکه‌های منسجم و توانا برای هماهنگی اعتراضات و اعتصابات در این صنف شکل گرفته است.

پیشتر شبکه‌های صنفی و مستقل برای پیشبرد اعتراضات در میان کارگران برخی کارخانه‌های بزرگ مانند فولاد خوزستان، ذوب آهن اصفهان، مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، و همچنین کارگران پیمان‌ی رسمی صنعت نفت، آموزگاران و بازنشسته‌ها شکل گرفته بود.

تقویت شبکه‌های مستقل و سراسری برای هماهنگی اعتراضات و اعتصابات «چشم اسفندیار» جمهوری اسلامی است و به همین دلیل در روزهای گذشته برخی کارشناسان و رسانه‌های حکومتی تلاش کرده‌اند چنین تبلیغ کنند که اعتصاب گسترده پرستاران صرفاً «صنفی» است و نسبتی با اعتراضات «سیاسی» ندارد. این در حالیست که با تداوم وضع موجود، اعتراضات صنفی با خواست تغییرات سیاسی پیوند خورده و جمهوری اسلامی برای جلوگیری از آن، می‌بایست اقداماتی انجام دهد که چون تا کنون قادر به انجام آنها نبوده، کار به اعتراض و اعتصاب رسیده است!

«در آلمان یک پرستار به محض ورود به کار ۲ هزار دلار می‌گیرد و در برخی دیگر کشورهای اروپای ۴ هزار دلار و در آمریکا و کانادا نیز ۵ هزار دلار حقوق ماهانه به پرستار می‌دهند. قیاس این اعداد نشان از یک فاصله عمیق دارد.» یکی از مهمترین خواسته‌های پرستاران افزایش درآمد است که با برقراری مواردی از جمله اجرای قانون تعرفه‌گذاری پرستاری، برقراری کارانه‌ی حذف شده، برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳، و تصحیح ردیف درآمدی «حق مسکن» در فیش حقوقی آنها صورت می‌گیرد.

قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در سال ۱۳۸۶ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد اما تا سال ۱۴۰۰ به اجرا درنیامد. در آخرین هفته‌های فعالیت دولت دوم حسن روحانی، این قانون با ۱۵ سال تأخیر برای اجرا ابلاغ شد اما همچنان پرستاران در انتظار اجرای آن هستند. بر اساس این قانون، تعرفه خدمات مختلف پرستاران افزایش پیدا کرده و در نتیجه درآمد آنها افزایش می‌یابد.

در حال حاضر برای خدمات ۲۴ ساعته گروه پرستاری برای یک بیمار، شامل خدمات پرستاری صبح‌کار، عصرکار و شب‌کار و همچنین خدمات کمک‌پرستاری و بهیاری و سرپرستاری و سوپروایزری، در کل ۲۷۰ هزار تومان پرداخت می‌شود که معادل ۴/۵ دلار است.

از سوی دیگر در پی کمبود نیروی پرستار و به ویژه پس از شیوع کرونا، اضافه‌کاری اجباری پرستاران به روندی مرسوم در بیمارستان‌های دولتی تبدیل شده که دستمزد آن هم به صورت منصفانه و براساس قانون پرداخت نمی‌شود!

همچنین قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه، و یا مواردی مانند تعطیلات موسمی و کاهش ساعات کاری به دلایلی مانند بدی آب و هوا یا «ماه رمضان» برای این قشر در نظر گرفته نمی‌شود.

اینها نمونه‌هایی از مشکلات و خواسته‌های پرستاران به شمار می‌رود. این روزها اعتصاب این قشر در حالی مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته که در عمل مزمین شدن خواست‌ها و حقوق بی‌پاسخ آنان، موج گسترده‌ای از مهاجرت پرستاران را در پی داشته است که سالانه بیش از سه هزار مورد ارزیابی می‌شود.

پرستاران در شرایطی این روزها متوسل به اعتصاب

حقوق پایه پرستاران در سال ۱۴۰۳ مبلغ ۲/۱۳ میلیون تومان در تهران و ۱۲ میلیون تومان در دیگر شهرهای بزرگ ایران است؛ رقمی معادل ۲۰۰ تا ۲۲۰ دلار در ماه!

بخش دیگری از درآمد ماهانه پرستاران رقم کارانه است که به گفته پرستاران به حدود ۵ میلیون تومان در ماه برابر با ۳/۸۳ دلار می‌رسد. در چنین شرایطی با توجه به رقم خط فقر ۳۲ میلیون تومانی در تهران، مجموع درآمد پرستاران آنها را زیر خط فقر قرار می‌دهد.

رقم کارانه یکی از موارد اعتراضی پرستاران است چرا که کارانه پزشکان شاغل در مراکز دولتی به چند صد میلیون تومان در ماه هم می‌رسد. از سوی دیگر پرستاران می‌گویند بخشی از کارها مانند تعویض پانسمان یا بخیه که آنها انجام می‌دهند، کارانه‌اش به پزشکان تعلق می‌گیرد.

کیهان لندن اسفندماه گذشته در گزارشی درباره اختلاف دستمزد پرستاران در ایران با دیگر کشورهای منطقه و جهان نوشته بود پرداخت بابت یک ساعت اضافه‌کاری به هر پرستار، بین ۱۳ تا ۲۰ هزار تومان است. یعنی معادل ۳۰ تا ۵۰ سنت! رقمی که حتی بدون نیاز به مقایسه با رقم موجود در سایر کشورهای منطقه و جهان، غیرمنطقی و به شوخی شبیه است. در کشور مالزی که یکی از کشورها با سطح دستمزد پایین به شمار می‌رود، پرستاران برای هر ساعت اضافه‌کاری ۵/۱ برابر دستمزد یک ساعت کار و رقمی حدود ۱۰ دلار دریافت می‌کند. در امارات متحده عربی هر ساعت کار پرستاران تعرفه‌ای معادل ۴۰ دلار در ساعت دارد که در صورت پذیرش اضافه‌کاری، ساعتی ۲۵ تا ۵۰ درصد به دستمزد آنان افزوده می‌شود که در مجموع دستمزد هر ساعت اضافه‌کاری را تا ۶۰ دلار افزایش می‌دهد.

در استرالیا که یکی دیگر از مقاصد مهاجرتی پرستاران ایرانی است، اضافه‌کاری در روزهای هفته ۵/۱ برابر درآمد معمولی برای دو ساعت اول و سپس دو برابر برای بقیه ساعات اضافه‌کاری است. متوسط دریافتی یک پرستار حدود ۴۰ دلار برای هر ساعت کار است.

در آلمان نیز اضافه‌کاری پرستاران بین ۲۵ تا ۵۰ درصد است و پرستاران این کشور به ازای هر ساعت کار دست‌کم ۱۸ یورو دریافت می‌کنند.

محمد شریفی مقدم دبیرکل «خانه پرستار» نیز روز

بایدن در آخرین روزهای ریاست جمهوری تحریم علیه صداوسیما جمهوری اسلامی را لغو کرد



جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا

«فری بیکن» در ادامه می‌نویسد که شماری از رسانه‌های وابسته به سازمان صداوسیما رژیم ایران به ویژه «پرس تی‌وی» اجزای کارزار اخبار دروغین و غیرواقعی از سوی جمهوری اسلامی از جمله علیه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به شمار می‌روند. به نوشته «فری بیکن» شبکه انگلیسی‌زبان «پرس تی‌وی» که نفوذ گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی از جمله شبکه «ایکس» دارد، در ماه‌های پس از حمله هفتم اکتبر تلاش کرد جهان را علیه اسرائیل بسیج کند. این شبکه در پخش گسترده تهدیدهای تروریستی حوثی‌های یمن که بعضاً به مرگ سربازان آمریکایی و غربی در منطقه منجر شده‌اند، نقش دارد و در بسیاری از برنامه‌های خود حمایت تبلیغاتی گسترده‌ای از عملیات حکومت رژیم تهران و نیروهای نیابتی‌اش تحت عنوان «محور مقاومت» انجام می‌دهد.

گفتنی است که سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده پیش از این گفته بود: «ما همچنان به شدت نگران نقش سازمان صداوسیما در سانسور کردن دسترسی مردم ایران به اطلاعات و نیز دست داشتن این سازمان در نقض حقوق بشر هستیم.»

ند پرایس افزود، «با اینکه معافیت محدود رادیو تلویزیون دولتی از برخی تحریم‌ها، ارائه خدمات پخش ماهواره‌ای به این سازمان را میسر می‌کند، اما این سازمان و مدیران ارشد آن به دلیل نقش خود در اعمال سانسور و نقض حقوق بشر، همچنان هدف تحریم‌های ایالات متحده آمریکا می‌مانند.» او تأکید کرد: «ما همچنان از هر ابزاری که در اختیار داریم استفاده می‌کنیم تا مسئولان حکومت ایران را به دلیل اقدامات خود در زمینه سانسور و نقض حقوق بشر پاسخگو کنیم.» «فری بیکن» به نقل از بهنام بن طالب‌لو تحلیلگر اندیشکده «دفاع از دموکراسی‌ها» می‌نویسد، «با لغو تحریم‌ها علیه صداوسیما جمهوری اسلامی، دولت بایدن صدور ایدئولوژی بنیادگرای اسلامی رژیم ایران را تسهیل می‌کند.»

استفاده می‌کند، اما دولت بر آنها چشم می‌پوشد.» پایگاه خبری «فری بیکن» در ادامه یادآوری کرده که در سال ۲۰۲۳ دولت بایدن تصمیم مشابهی را اتخاذ کرده بود. درست در جریانات سرکوب اعتراضات خیابانی در ایران علیه حجاب اجباری و زمانی که حکومت ولایت فقیه اعترافات



گزارش «واشنگتن فری بیکن»
درباره نقض اجرای «قانون مهسا»:
دولت «بایدن-هریس» تمایلی به مقابله
با تهدیدات جمهوری اسلامی ندارد

نادرستی را زیر تهدید و فشار برخی دستگیرشدگان از طریق تلویزیون حکومت پخش می‌کرد. «فری بیکن» در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا، شخصاً تهدید لغو تحریم‌ها علیه صداوسیما جمهوری اسلامی را امضاء کرده و این تصمیم را برای امنیت ملی آمریکا حیاتی دانسته است. در اظهاراتی مشابه، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با انتشار بیانیه‌ای تصمیم جدید دولت بایدن را تأمین‌کننده منافع این کشور دانسته است.

● پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد که دولت بایدن تحریم‌های آمریکا علیه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی را مجدداً لغو کرده است. این در شرایطی است که صداوسیما حکومت بعد از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، پای ثابت تولید محتوای ضداسرائیلی و ضدیهودی بود و از تروریسم حمایت می‌کرد. ● به نوشته «فری بیکن» این نخستین بار است که دولت بایدن-هریس بعد از حمله تروریستی حماس به اسرائیل برای جمهوری اسلامی معافیت تحریمی را تهدید می‌کند. ● سناتور تد کروز عضو کمیته روابط خارجی سنا در واکنش به این تصمیم می‌گوید: «مماشات دولت بایدن-هریس حد و مرز ندارد، حتا در شرایطی که نیابتی‌های جمهوری اسلامی روزانه به پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند.»

● «فری بیکن» در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا، شخصاً تهدید لغو تحریم‌ها علیه صداوسیما جمهوری اسلامی را امضاء کرده و این تصمیم را برای امنیت ملی آمریکا حیاتی دانسته است. ● بهنام بن طالب‌لو تحلیلگر اندیشکده «دفاع از دموکراسی‌ها» می‌گوید، «با لغو تحریم‌ها علیه صداوسیما جمهوری اسلامی، دولت بایدن صدور ایدئولوژی بنیادگرای اسلامی رژیم ایران را تسهیل می‌کند.»

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد که دولت بایدن تحریم‌های آمریکا علیه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی را مجدداً لغو کرده است. این در شرایطی است که صدا و سیما حکومت، بعد از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، پای ثابت تولید محتوای ضداسرائیلی و ضدیهودی بود و از تروریسم حمایت می‌کرد.

وزارت خارجه آمریکا روز نهم اوت (۱۹ مرداد) با ارسال نامه‌ای غیرعلنی به کنگره، نمایندگان آمریکا را از لغو تحریم صداوسیما رژیم به عنوان بازوی اصلی تبلیغات حکومت مطلع کرد. معافیت از تحریم‌ها به صداوسیما جمهوری اسلامی فرصت می‌دهد تا برای تولید و پخش برنامه‌های خود از اینترنت و ماهواره، معاملات مالی لازم را انجام دهد. در چنین فضایی جمهوری اسلامی با تبلیغات افراطی مخرب، تروریسم علیه اسرائیل و پایگاه‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه را تبلیغ می‌کند.

به نوشته «فری بیکن» این نخستین بار است که دولت بایدن-هریس بعد از حمله تروریستی حماس به اسرائیل برای جمهوری اسلامی معافیت تحریمی را تهدید می‌کند. پس از این حمله توسط حماس به عنوان نماینده تروریسم جمهوری اسلامی، سایر شرکای حکومت نیز حملات بیشتری را علیه پایگاه‌ها و پرسنل آمریکایی و همچنین دولت اسرائیل انجام داده است.

تهدید معافیت صداوسیما رژیم با خشم جمهوریخواهان مواجه شده است. سناتور تد کروز عضو کمیته روابط خارجی سنا در واکنش به این تصمیم می‌گوید: «مماشات دولت بایدن-هریس حد و مرز ندارد، حتا در شرایطی که نیابتی‌های جمهوری اسلامی روزانه به پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند. دولت اجازه داده است که بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به جیب آیت‌الله سراجیر شود، که او نیز از پول برای توسعه فعالیت‌های هسته‌ای، تروریسم و تبلیغات

بلیکن دست خالی از خاورمیانه به واشنگتن بازگشت حماس و اسرائیل توافق نکردند



آنتونی بلیکن پیش از ترک دوحه در نهمین سفرش به خاورمیانه طی ۱۰ ماه / اوت ۲۰۲۴

گفته است که اظهارات نتانیاهو در مورد حفظ کنترل مرز غزه و مصر برای نهایی کردن توافق آتش‌بس سازنده نیست، هرچند مقامات امنیتی اسرائیل این کردورها را مجاری تنفسی گروه تروریستی حماس می‌دانند.

بخش بین‌المللی بی‌بی‌سی به نقل از منابع اسرائیلی گزارش داد که نتانیاهو در این نشست گفته که بلیکن را «متقاعد کرده» که در توافق باید نیروهای اسرائیلی در مناطق جنوبی غزه در مرز مصر که «دارایی‌های استراتژیک نظامی و سیاسی» محسوب می‌شوند باقی بمانند. همین موضوع دولت بایدن را عصبانی کرده است.

در شرایطی که پیکر بی‌جان شش گروگان اسرائیلی در غزه شناسایی شده، آسوشیتدپرس در گزارشی نوشت، نتانیاهو به بستگان گروگان‌ها گفته که هدف اصلی «حفظ منافع امنیتی استراتژیک ما در برابر فشارهای شدید از داخل و خارج است.» اینهمه در حالیست که بلیکن پیش از بازگشت به واشنگتن در فرودگاه دوحه به خبرنگاران گفت، «اسرائیل پیشنهاد آمریکا را برای آتش‌بس پذیرفته است و اکنون زمان نقشی تعیین‌کننده در اینبار دارد.»

وی افزود، «زمان برای توافق آتش‌بس میان اسرائیل و گروه فلسطینی حماس حیاتی شده است. اسرائیل پیشنهاد ایالات متحده را برای پر کردن شکاف‌ها بین دو طرف پذیرفته و حماس هم باید از این پیشنهاد پیروی کرده و با آتش‌بس موافقت کند.»

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۳۱ مرداد گفت، «حالا توپ در میدان آمریکا است و باید دید آمریکا به دنبال توافق در جهت آتش‌بس است یا همچنان به دنبال حمایت از رژیم صهیونیستی است.»

گفته می‌شود آمریکا از طریق دولت‌های واسطه حماس را برای پذیرفتن پیشنهاد «پُل» زیر فشار قرار داده است اما هنوز این گروه تروریستی گزینه‌های جدید را نپذیرفته است.

همواره از روند مذاکرات اطلاع داشته و ارتباط با وی بطور مستمر وجود دارد.

نتانیاهو بر آزادی همه گروگان‌ها و همچنین استقرار نیروهای اسرائیل در جنوب غزه و کنترل بر گذرگاه‌های ورودی به مصر اصرار دارد. هرچند برخی منابع اسرائیلی



گزارش دادند که وی در حال چانه‌زنی با برخی وزرای کابینه است تا در برخی موارد از خود انعطاف نشان دهند.

گزارش‌های ضد و نقیض در اینبار زیاد است از جمله آنکه شبکه «کان ۱۱» اسرائیل به نقل از مقاماتی که در مذاکرات شرکت می‌کنند، گزارش داد، «اظهارات نتانیاهو برای خرابکاری در مذاکرات است.»

خرپرزاری فرانسه نیز به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی گزارش داد که نتانیاهو اظهاراتی را مطرح کرده که کمکی به مذاکرات برای آتش‌بس در غزه نمی‌کند. این مقام آمریکایی

پس از بی‌نتیجه ماندن دور اول مذاکره برای آتش‌بس در غزه که با میانجیگری مصر و قطر در دوحه برگزار شد، دور دوم این مذاکرات نیز در قاهره بدون نتیجه پایان یافت.

قرار بود بلیکن در یک سفر چهار روزه به اسرائیل، مصر و قطر تلاش‌های فشرده‌ای برای توافق میان اسرائیل و حماس انجام دهد. او گزینه‌هایی روی میز گذاشت که به «پیشنهاد پُل» معروف شد؛ پُلی که دولت بایدن امیدوار بود بین خواسته‌های متضاد طرفین برقرار شود و شکاف میان آنها را کاهش دهد تا راهی برای خروج از بن‌بست پیدا شود.

به گفته اسامه حمدان از رهبران حماس، گروه تروریستی حماس، یحیی سنوار همواره از روند مذاکرات اطلاع داشته و ارتباط با وی بطور مستمر وجود دارد.

نتانیاهو بر آزادی همه گروگان‌ها و همچنین استقرار نیروهای اسرائیل در جنوب غزه و کنترل بر گذرگاه‌های ورودی به مصر اصرار دارد. هرچند برخی منابع اسرائیلی گزارش دادند که وی در حال چانه‌زنی با برخی وزرای کابینه است تا در برخی موارد از خود انعطاف نشان دهند.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۳۱ مرداد گفت، «حالا توپ در میدان آمریکا است و باید دید آمریکا به دنبال توافق در جهت آتش‌بس است یا همچنان به دنبال حمایت از رژیم صهیونیستی است.»

پس از بی‌نتیجه ماندن دور اول مذاکره برای آتش‌بس در غزه که با میانجیگری مصر و قطر در دوحه برگزار شد، دور دوم این مذاکرات نیز در قاهره بدون نتیجه پایان یافت.

آنتونی بلیکن وزیر خارجه آمریکا که با هدف «فشار دیپلماتیک» به طرفین مذاکره برای برقراری آتش‌بس در غزه و آزادی گروگان‌ها به منطقه سفر کرده بود، روز سه‌شنبه ۲۰ اوت (۳۰ مرداد) دست خالی به واشنگتن بازگشت.

قرار بود بلیکن در یک سفر چهار روزه به اسرائیل، مصر و قطر تلاش‌های فشرده‌ای را برای توافق میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس انجام دهد. او گزینه‌هایی روی میز گذاشت که به «پیشنهاد پُل» معروف شد؛ پُلی که دولت بایدن امیدوار بود بین خواسته‌های متضاد طرفین برقرار شود و شکاف میان آنها را کاهش دهد تا راهی برای خروج از بن‌بست پیدا شود.

هرچند بلیکن برای دستیابی به توافق نتانیاهو را زیر فشار قرار داد اما بار دیگر بر «تعهد آهنین» آمریکا به پشتیبانی از امنیت اسرائیل تأکید کرد و گفت، «تشدید تنش به نفع هیچ‌یک از طرفین نیست.»

حماس پیش از این با انتشار بیانی‌های اعلام کرده بود، پیشنهاد جدید آمریکا در جهت برآورده کردن اهداف بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل است و در راستای موافقت با خواست این گروه نیست، به ویژه در زمینه پذیرش آتش‌بس دائمی و مسئله خروج نیروهای اسرائیل از غزه.

حماس همچنین اعلام کرد، پیشنهاد آمریکا به اصرار نتانیاهو برای ادامه اشغال محور «نتزاریم»، «گذرگاه رفح» و «کریدور فیلادلفی» در جنوب غزه تدوین شده است. آنها نتانیاهو را متهم کردند که مانع توافق می‌شود.

به گفته اسامه حمدان از رهبران حماس، یحیی سنوار

چرا حکومت ایران «انتقام» از اسرائیل را به تأخیر انداخته؟ «ترس خامنه‌ای و ملاها از ترور خودشان؟!»



علی خامنه‌ای و سایر مقامات حکومت برای هتیه «فماز میت» می‌خوانند

به بمباران گسترده تأسیسات هسته‌ای بلکه میادین نفتی آن نیز شود.

فراگر در ادامه می‌نویسد، با اینهمه بعید است که این تهدیدات جمهوری اسلامی را منصرف کرده باشد. دلیل واقعی تردید رژیم ایران برای حمله دوم به اسرائیل این است که علی خامنه‌ای و دیگر آخوندها می‌ترسند که خودشان به سرنوشت هتیه دچار شوند.

این استدلال که مقامات جمهوری اسلامی از ترور شدن خودشان بیم دارند یک واقعیت است زیرا اسرائیل بارها در عمق خاک ایران عوامل و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا متخصصان موشکی و اتمی حکومت را حذف کرده است.

در همین ارتباط علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی هشتم تیرماه ۱۴۰۰ در مصاحبه با وبسایت «جماران» گفته بود، «از نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و مخصوصاً اسرائیل غفلت شد. در ۱۰ سال اخیر متأسفانه نفوذ موساد در بخش‌های مختلف کشور به حدی است که جا دارد همه مسئولین جمهوری اسلامی برای جان خودشان نگران باشند. متأسفانه سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی بجای اینکه آنها را شناسایی کنند به جان خودی‌ها افتاده‌اند.» در پایان یادداشت جوزف فراگر آمده، ترور هدفمند هتیه نشان داد که اسرائیل توانایی نفوذ به عمیق‌ترین و پنهان‌ترین مخفیگاه‌های رژیم ایران را دارد. اسرائیل از انجام این کار خودداری کرده، اما این سریع‌ترین راه برای «تغییر رژیم» خواهد بود.

به باور این تحلیلگر سیاسی، «نفس‌های جمهوری اسلامی به شماره افتاده است. آنها به اندازه کافی در جهان ویرانی ایجاد کرده‌اند. مردم ایران لایق بهتر از اینها هستند.»

«رژیم ایران از کاهش تحریم‌ها در طول سال‌های بایدن-هریس سود برده است. ثروت‌های نفتی ایران از آن زمان زیاد شد که ۱۵۰ میلیارد دلار در زمان باراک اوباما به جیب آنها سرازیر شد تا برجام را امضاء کند... جو بایدن و معاون او کاملاً هریس نیز برای آزادی پنج آمریکایی که در ایران گروگان بودند شش میلیارد دلار باج دادند. کشتار وحشیانه «هفت اکتبر» پس از پرداخت این پول اتفاق افتاد. تیم بایدن-هریس بجای توقف انتقال پول، در روندی شرم‌آور ۱۰ میلیارد دلار دیگر به تهران داد.»

در ادامه این نوشتار آمده، مماشات با جمهوری اسلامی آنها را از همیشه مصمم‌تر کرده و همچنین عزم حکومت را برای گروگانگیری آمریکایی‌ها محکم‌تر کرده است. در چنین فضایی جمهوری اسلامی جوخه‌های ترور خود را علیه مقامات آمریکایی نیز تقویت کرد. اخیراً یک تاجر پاکستانی به نام آصف رضا مرچنت که دو هفته را در ایران گذرانده بود، به دلیل برنامه‌ریزی برای ترور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا بازداشت شده است.

فراگر اشاره می‌کند، حکومت ایران فعلاً از کارزار هریس-والز حمایت می‌کند. هک کمپین ترامپ تنها یکی از راه‌هایی است که رژیم ایران تلاش می‌کند بر انتخابات آینده آمریکا تأثیر بگذارد.

او سپس پرسش اصلی خود را چنین مطرح کرده است: «چرا [رژیم] ایران برای بار دوم به اسرائیل حمله نکرده است؟» پاسخ وی چنین است: ممکن است دلایل متعددی وجود داشته باشد. یکی از آنها ائتلافی است که علیه جمهوری اسلامی تشکیل شده که برای جلوگیری از یک تراژدی وحشتناک موفق بوده است. حکومت ایران این را هم می‌داند که حمله دوم می‌تواند نه تنها منجر

● جوزف فراگر تحلیلگر سیاسی معاون اجرایی «بنیاد میراث اسرائیل» در مقاله‌ای که ۱۹ اوت (۲۹ مرداد) در وبسایت «جویش نیوز سندیکا» (JNS) منتشر شد عنوان کرده دلیل تأخیر جمهوری اسلامی از اقدام انتقام‌جویانه علیه اسرائیل، ترس علی خامنه‌ای و سایر ملاها از تکرار سرنوشت اسماعیل هتیه برای خودشان است.

● نویسنده در مقدمه این یادداشت می‌نویسد «دستگاه تبلیغاتی حکومت ایران به دروغ ادعا می‌کند که علت تأخیر در انتقام از اسرائیل به تلافی ترور اسماعیل هتیه، این است که نمی‌خواهند مذاکرات آتش‌بس در غزه مختل شود. جمهوری اسلامی با این بهانه تلاش می‌کند در عرصه سیاست جهانی مشروعیت پیدا کند.»

● نویسنده در پاسخ به این پرسش که «چرا [رژیم] ایران برای بار دوم به اسرائیل حمله نکرده است؟» می‌نویسد، این اقدام می‌تواند نه تنها منجر به بمباران گسترده تأسیسات هسته‌ای بلکه میادین نفتی آن نیز شود.

● جوزف فراگر در عین حال می‌نویسد، با اینهمه بعید است که این تهدیدات جمهوری اسلامی را منصرف کرده باشد. دلیل واقعی تردید رژیم ایران برای حمله دوم به اسرائیل این است که علی خامنه‌ای و دیگر آخوندها می‌ترسند که خودشان به سرنوشت هتیه دچار شوند... اسرائیل از انجام این کار خودداری کرده است، اما این سریع‌ترین راه برای تغییر رژیم خواهد بود.»

● به باور نویسنده «نفس‌های جمهوری اسلامی به شماره افتاده است. آنها به اندازه کافی در جهان ویرانی ایجاد کرده‌اند. مردم ایران لایق بهتر از اینها هستند.»

جوزف فراگر تحلیلگر سیاسی و معاون اجرایی «بنیاد میراث اسرائیل» در مقاله‌ای که ۱۹ اوت (۲۹ مرداد) در وبسایت «جویش نیوز سندیکا» (JNS) منتشر شد عنوان کرده دلیل تأخیر جمهوری اسلامی از اقدام انتقام‌جویانه علیه اسرائیل، ترس علی خامنه‌ای و سایر ملاها از تکرار سرنوشت اسماعیل هتیه برای خودشان است.

نویسنده در مقدمه این یادداشت می‌نویسد «دستگاه تبلیغاتی حکومت ایران به دروغ ادعا می‌کند که علت تأخیر در انتقام از اسرائیل به تلافی ترور اسماعیل هتیه، این است که نمی‌خواهند مذاکرات آتش‌بس در غزه مختل شود. جمهوری اسلامی با این بهانه تلاش می‌کند در عرصه سیاست جهانی مشروعیت پیدا کند.»

فراگر با اشاره به اینکه «رژیم ایران سر مار» و «علت همه بی‌ثباتی‌ها در خاورمیانه» است عنوان می‌کند، اگر جمهوری اسلامی نمی‌بود، عملیات تروریستی «هفت اکتبر» هم اتفاق نمی‌افتاد و حزب‌الله هم موشک نمی‌داشت.

در این یادداشت آمده، «رژیم ایران قصد خود برای نابودی اسرائیل و آمریکا را پنهان نمی‌کند. این حکومت پایگاه شیطان است. شورش‌ها، اعتراض‌ها و خشونت‌هایی که در سرتاسر جهان در دانشگاه‌ها به راه افتاده و همچنین حملات سایبری تا حد زیادی توسط حکومت ایران تأمین مالی شده است. حکومت ایران نفرت و تروریسم را از راه‌ها و به اشکال مختلف صادر می‌کند.»

فراگر در بخشی از این یادداشت به انتقاد از سیاست‌های جو بایدن علیه جمهوری اسلامی پرداخته و می‌نویسد،

مذاکرات اسرائیل و حماس در دوحه «سازنده» بود ولی به بن‌بست رسید! هشدار به جمهوری اسلامی در مورد «اشتباه محاسباتی»



دیدار وزرای خارجه بریتانیا و فرانسه با وزیر خارجه اسرائیل در تل‌آویو / امرداد ۱۴۰۳

«ما مصمم به دفاع از خود هستیم. ما همچنین مصمم هستیم به هر دشمنی که جرأت حمله به ما را داشته باشد، بهای سنگینی تحمیل کنیم.» اینهمه در حالیست که دیوید لای وزیر خارجه بریتانیا، استفان سژورنه وزیر خارجه فرانسه و آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا به منطقه سفر کرده‌اند. اسرائیل کاتر وزیر خارجه اسرائیل به وزاری خارجه فرانسه و بریتانیا گفته است که اسرائیل انتظار دارد در صورت حمله رژیم ایران به اسرائیل، دولت بریتانیا و فرانسه از اقدام متقابل اسرائیل حمایت کنند.

وزرای خارجه فرانسه و بریتانیا در یک مقاله مشترک که در «آبزرور» (The Observer) منتشر شد در مورد پیامدهای فاجعه‌بار هرگونه اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی ایران هشدار داده و عنوان کرده‌اند: «یک اشتباه محاسباتی، خطر تبدیل شدن وضعیت به یک درگیری بزرگتر را در پی دارد و با شدیدتر شدن چرخه خشونت راه حل سیاسی دشوارتر می‌شود.»

یسراییل کاتر وزیر خارجه اسرائیل در دیدار با وزرای خارجه فرانسه و بریتانیا دو خواسته اساسی را مطرح کرده بود. او گفته بود، «ما از فرانسه و بریتانیا انتظار داریم که به‌طور شفاف و علنی به [رژیم] ایران بگویند که حمله به اسرائیل خط قرمز است». وی افزود: «اسرائیل از فرانسه و بریتانیا انتظار دارد که اگر [جمهوری اسلامی] ایران به اسرائیل حمله کند، ائتلاف به رهبری آمریکا نه تنها در دفاع از اسرائیل، بلکه در مقابله با [رژیم] ایران نیز به اسرائیل بپیوندد یعنی حمله به اهداف مهم در ایران». برخی منابع گزارش دادند که وزیر خارجه بریتانیا در این مورد به اسرائیل قول مثبت داده است.

«آتش‌بس کامل، خروج کامل نیروهای اسرائیلی از غزه، بازگشت آوارگان فلسطینی‌ها و تبادل گروگان‌ها با فلسطینی‌های زندانی» شروط توافق است اما بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد این شروط را نخواهد پذیرفت.

حماس روز یکشنبه ۲۸ امرداد با رد پیشنهاد جدید آمریکا اعلام کرد که گزینه‌های مطرح شده با خواسته‌های نتانیاو سازگار است. یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های نتانیاو استقرار نیروهای اسرائیل در مرزهای جنوبی غزه با مصر است.

بن‌بست در مذاکرات

موارد اختلاف میان اسرائیل و حماس به ویژه در مورد تبادل گروگان‌ها و اسیران با زندانیان فلسطینی و کنترل کریدورهای مرزی آنقدر زیاد است که دستیابی آنها به توافق در کوتاه‌مدت غیرممکن به نظر می‌رسد، هرچند که بلینکن به تل‌آویو سفر کرد تا شاید گره کور مذاکرات را باز کند.

پیشتر شماری از مقامات جمهوری اسلامی در گفتگو با رویترز اعلام کرده بودند که توافق بر سر توقف جنگ در غزه می‌تواند جمهوری اسلامی را از حمله تلافی‌جویانه به اسرائیل منصرف کند. حالا بن‌بست در مذاکرات این احتمال را که حکومت ایران علیه اسرائیل دست به اقدام بزند افزایش می‌دهد.

نتانیاو روز یکشنبه ۲۸ امرداد در واکنش به تهدیدات جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان بار دیگر اعلام کرد این کشور چه در عرصه دفاعی و چه در عرصه تهاجمی، خود را برای تهدیدات مختلف آماده کرده است. وی در جلسه هفتگی کابینه اسرائیل در اورشلیم گفت:

● مذاکرات دوحه در شرایطی برگزار شد که قدرت‌های غربی فشارهای دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی برای منصرف کردن تهران از «خونخواهی» هنیه را افزایش داده‌اند و با اعزام زیردریایی، ناو و چندین فروند هواپیمای جنگنده با انجام مانورهای نظامی مشترک در خلیج فارس و همچنین در آسمان عراق و اردن برای رژیم ایران خط و نشان کشیده‌اند.

● هرچند دولت‌های میانجی مذاکرات را «سازنده» دانستند اما حماس و اسرائیل نتوانستند به توافق برسند و اعلام شد که آمریکا پیشنهاد جدیدی روی میز گذاشته است که آنهم مورد موافقت حماس قرار نگرفت.

● حماس با رد پیشنهاد جدید آمریکا اعلام کرد که گزینه‌های مطرح شده با خواسته‌های نتانیاو سازگار است.

● نتانیاو در واکنش به تهدیدات جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان بار دیگر اعلام کرد «ما مصمم به دفاع از خود هستیم. ما همچنین مصمم هستیم به هر دشمنی که جرأت حمله به ما را داشته باشد، بهای سنگینی تحمیل کنیم.»

● دیوید لای وزیر خارجه بریتانیا، استفان سژورنه وزیر خارجه فرانسه در یک مقاله مشترک در «آبزرور» (The Observer) در مورد پیامدهای فاجعه‌بار هرگونه اقدام تلافی‌جویانه رژیم ایران هشدار داده و عنوان کرده‌اند: «یک اشتباه محاسباتی، خطر تبدیل شدن وضعیت به یک درگیری بزرگتر را در پی دارد.»

منابع اسرائیل، آمریکا و اروپا هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی و حزب‌الله به تلافی ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس و فواد شکر از فرماندهان حزب‌الله در لبنان، آماده حمله به اسرائیل هستند. برخی تحلیلگران هشدار می‌دهند که در صورت شکست مذاکرات دوحه احتمال آتش‌افروزی جمهوری اسلامی و نیابتی‌های آن زیاد است.

مذاکرات دوحه در شرایطی برگزار شد که قدرت‌های غربی فشارهای دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی برای منصرف کردن تهران از «خونخواهی» هنیه را افزایش داده‌اند و با اعزام زیردریایی، ناو و چندین فروند هواپیمای جنگنده با انجام مانورهای نظامی مشترک در خلیج فارس و همچنین در آسمان عراق و اردن برای رژیم ایران خط و نشان کشیده‌اند.

در چنین وضعیتی با میانجیگری آمریکا، قطر و مصر تلاش شد مذاکره بر سر آتش‌بس و توقف جنگ غزه و مبادله گروگان‌ها طرفین به یک نتیجه اولیه برسند. هرچند دولت‌های میانجی مذاکرات را «سازنده» دانستند اما حماس و اسرائیل نتوانستند به توافق برسند و اعلام شد که آمریکا پیشنهاد جدیدی روی میز گذاشته که آنهم مورد موافقت حماس قرار نگرفت.

رهبران حماس که هنوز در فکر حفظ قدرت و ادامه حکومت خود در غزه هستند، می‌گویند «ادامه عملیات اسرائیل مانعی برای پیشرفت در مذاکرات آتش‌بس است.» حسام بدران از اعضای ارشد حماس می‌گوید،

ماشالله کرمی، پدر دادخواه، با اتهامات واهی به ۸ سال و ۱۰ ماه حبس، یک میلیارد و ۹۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی و مصادره اموال محکوم شد!



● ماشالله کرمی پدر دادخواه محمدمهدی کرمی، که در جریان خیزش ملی با اتهامات واهی در حالی که فقط ۲۱ سال داشت سحرگاه ۱۷ دی ۱۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی به دار آویخته شد، از سوی دادگاه کیفری دو شهرستان نظرآباد به هشت سال و ده ماه حبس، جریمه نقدی و مصادره اموال محکوم شد. وی چندی پیش در بخش دیگری از پرونده خود توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به شش سال حبس محکوم شده بود.

● جمهوری اسلامی بجای پاسخگو بودن در ارتباط با جنایت و قتل دولتی که مرتکب شده، پدر دادخواه این جوان را مانند بسیاری از اعضای خانواده‌های دادخواه تحت پیگرد قضائی و انواع فشارهای غیرانسانی قرار داده است.

● ماشالله کرمی که ۳۱ امرداد پارسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، کارگر دستفروش است که پس از اعدام فرزندش به دادخواهی پرداخته است. او در حالی به «جرم» دادخواهی با اتهامات سنگین امنیتی و احکام بی‌پایه و ناعادلانه روبرو شده که همسر و فرزند دیگرش نیز پس از کشته شدن عزیزشان و دستگیری پدر زیر سنگین‌ترین فشارهای امنیتی و اقتصادی قرار گرفته‌اند.

ماشالله کرمی از سوی دادگاه کیفری دو شهرستان نظرآباد به هشت سال و ده ماه حبس، جریمه نقدی و مصادره اموال محکوم شد. وی چندی پیش در بخش دیگری از پرونده خود توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به شش سال حبس محکوم شده بود.

ماشالله کرمی پدر دادخواه محمدمهدی کرمی است که در جریان خیزش ملی با اتهامات واهی در حالی که فقط ۲۱ سال داشت سحرگاه ۱۷ دی ۱۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی به دار آویخته شد.

شها اروچی وکیل ماشالله کرمی روز شنبه ۲۷ امرداد در گفتگو با «شبکه شرق» با اشاره به آخرین وضعیت پرونده این پدر دادخواه که حدود یکسال از بازداشت او گذشته گفت: «بنا بر حکم صادره، آقای کرمی بابت اتهام تحصیل مال نامشروع به ۱۴ ماه حبس و بابت اتهام پولشویی به ۷ سال و ۸ ماه حبس و پرداخت حدود ۲ میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شده است. حکم اشد در قبال آقای کرمی قابل اجرا خواهد بود که یعنی ۷ سال و ۸ ماه حبس و پرداخت ۲ میلیارد تومان جزای نقدی. از میان ۱۰ متهم دیگر پرونده نیز، ۴ نفر حکم تعلیقی دریافت کرده‌اند و مابقی آنان نیز به ۹۱ روز حبس محکوم شده‌اند.»

وی اضافه کرد: «امروز رای شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ نظرآباد کرج به وکلای پرونده و آقای ماشالله کرمی در زندان ابلاغ شد. این حکم در نتیجه دادگاه برگزار شده در فروردین ماه صادر شده است. این پرونده مجموعاً ۱۱ متهم داشت که سنگین‌ترین حکم صادره توسط این شعبه به آقای کرمی اختصاص یافته است.»

این وکیل دادگستری با بیان اینکه «حکم صادره از دید

علی شریف‌زاده در گفتگو با «شبکه شرق» خبر داده بود: «دادگاه انقلاب با استناد به ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، تقاضای توقیف اموال آقای کرمی شامل یک باب منزل مسکونی در شهرستان تکاب و یک خودرو دنا را کرده است. مواد یاد شده به تحصیل اموال از طریق ارتکاب جرم یا استفاده از اموال در مسیر ارتکاب جرم اشاره دارد حال آنکه این اموال هیچ نقشی در اتهامات اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام ندارد. ضمن آنکه پرونده‌ای بابت همین اموال در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ با اتهام «تحصیل مال نامشروع و پولشویی» تشکیل شده است!»

وکیل ماشالله کرمی تاکید کرده بود: «از یکسو این اقدام در شرایطی صورت گرفته که هنوز شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ نظرآباد بابت اتهام «پولشویی و تحصیل مال نامشروع» حکمی صادر نکرده و از سوی دیگر، اتهامات امنیتی آقای کرمی ارتباطی با اموالی که او به واسطه هبه مردم به دست آورده، ندارد.»

آن زمان شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج ماشالله کرمی

وکلای پرونده، دارای ایرادات متعدد حقوقی و قانونی است»، گفت: «دلایل اثبات اتهامات انتسابی به آقای کرمی بنا بر حکم صادره توسط دادگاه، عمدتاً اظهارات دیگر متهمان پرونده است. همچنین دادگاه زدن سند خودرو و یک ملک به نام اقوام آقای کرمی را به عنوان ادله اثبات جرم در نظر گرفته است و متأسفانه به دفاعیات ما آنطور که باید و شاید توجه نشده است. جالب آنکه حکم اشد صادره توسط دادگاه کیفری ۲ نظرآباد از حکم صادره توسط دادگاه انقلاب سنگین‌تر است. با این حال، وکلای پرونده در موعد مقرر به حکم صادره اعتراض خواهیم کرد و امیدواریم دادگاه تجدیدنظر به ایرادات پرونده رسیدگی کند.»

علی شریف‌زاده وکیل دادگستری نیز ۲۲ امرداد از صدور حکمی توسط دادگاه انقلاب برای توقیف اموال ماشالله کرمی خبر داده بود.

جمهوری اسلامی بجای پاسخگو بودن در ارتباط با جنایت و قتل دولتی که مرتکب شده، پدر دادخواه این جوان را مانند بسیاری از اعضای خانواده‌های دادخواه تحت پیگرد قضائی و انواع فشارهای غیرانسانی قرار داده است.

را با اتهامات واهی و در حقیقت به جرم دادخواهی به ۶ سال حبس محکوم کرده بود. وکیل وی در آن زمان توضیح داده بود: «ما به حکم صادره اعتراض کردیم و پرونده برای بررسی و اعلام نظر، به شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر البرز ارجاع شد اما هنوز نتیجه این پرونده اعلام نشده است.»

وکیل ماشالله کرمی افزوده بود: «ما معتقدیم اتهامات نسبت داده شده به آقای کرمی با اعمال ارتكابی او همخوانی ندارد و عناصر مادی و معنوی جرم محقق نشده است.»

وی با بیان اینکه آقای کرمی از مردادماه سال گذشته تا امروز در زندان بسر می‌برد و در زندان به بیماری مبتلا شده است تاکید کرده بود: «تقاضای ما بررسی پرونده آقای کرمی با دید مثبت است و امیدواریم حکم برائت صادر شود.»

در ۴ اردیبهشت ماه علی شریف‌زاده اردکانی در حساب ایکس خود از برگزاری جلسه رسیدگی به پرونده این پدر دادخواه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج خبر داده و نوشته بود: «جلسه رسیدگی شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج برای ماشالله کرمی چهارم اردیبهشت تعیین شد. متأسفانه با تبدیل قرار بازداشت موقت به تامین مناسب، و آزادی ایشان موافقت نشد.»

وکیل ماشالله کرمی روز شنبه پنجم خرداد گفته بود موکلش به اتهام اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی به شش سال حبس و ضبط اموال که از کمک‌های مردمی تهیه شده است محکوم شد.

در این میان، در ۶ خردادماه، امیرحسین کوهکن وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز که وکالت پرونده دادخواهی وی را بر عهده داشت از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به شش سال حبس محکوم شد!

او وکالت پرونده دادخواهی ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی از کشته‌شدگان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ ایران، را بر عهده داشت.

بر اساس حکمی که آن زمان توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج صادر و به این وکیل دادگستری ابلاغ شده بود کوهکن از بابت اتهامات اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام به شش سال حبس محکوم شده است. این وکیل دادگستری در تاریخ هشتم شهریورماه سال گذشته، پس از احضار به اداره اطلاعات کرج بازداشت و در آذرماه سال ۱۴۰۲، با قرار تامین کفیری از زندان کجویی کرج آزاد شد.

ماشالله کرمی که ۳۱ امرداد پارسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، کارگر دستفروش است که پس از اعدام فرزندش به دادخواهی پرداخته است. محمدمهدی کرمی ۲۱ ساله یکی از ۹ جوان معترضی است که در جریان خیزش ملی ۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند. این جوان سحرگاه ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۱، با اتهام واهی قتل یک بسیجی به نام «روح‌الله عجمیان» به همراه سیدمحمد حسینی ۳۹ ساله اعدام شد.

برادر عجمیان چند ماه پس از اعدام آنها گفت که قاتلان برادرش افراد دیگری بوده‌اند که نگذاشتند پرونده‌شان پیگیری شود. دیگر جوانان اعدام شده توسط جمهوری اسلامی به جرم اعتراض و شرکت در جنبش ملی عبارتند از: محمد قبادلو، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی، مجید کاظمی و میلاد زهره‌وند.

اکنون ماشالله کرمی پدر دادخواه محمدمهدی در حالی به «جرم» دادخواهی با اتهامات سنگین امنیتی و احکام بی‌پایه و ناعادلانه روبرو شده که همسر و فرزند دیگرش نیز پس از کشته شدن عزیزشان و دستگیری پدر زیر سنگین‌ترین فشارهای امنیتی و اقتصادی قرار گرفته‌اند.

امر به معروف... نهی از منکر

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۹۰) بهمن‌ماه ۱۳۸۴



علی خامنه‌ای و عبدالحسین دستغیب

در حالات ربیعیه ابن خصیم است. از رفقای جناب ابن مسعود بوده. چند سال در مدینه منوره هر روز مشرف می‌شده خدمت ابن مسعود که قاری قرآن و عالم فقیه است تا از علم فقه و قرآنش استفاده نماید. چندی نیامد. زن ابن مسعود به شوهرش گفت این رفیق کور تو چند روزی است نمی‌آید. گفت من رفیق اعمی (نابینا) ندارم. گفت چرا، این که هر روز می‌آمد. گفت او که کور نیست. گفت من هر وقت نگاهش می‌کردم دیدم چشمش روی هم بود. من به خیالم کور است!

ای قربان چنین مردی که داخل خانه‌ای وقتی وارد می‌شود فضولی نکند، سر بلند نکند، داخل این اطاق و آن اطاق، زن و بچه‌ای را نگاه نکند. نعوذبالله که زندگی را زیر رو بکند! زنده‌ای بی‌مبالا در اداره‌ها

منکر دیگر: اگر دیدید زنی با سر برهنه و یا دست و پای باز در خیابانها آشکار می‌رود یا در بعضی ادارات بطوری که شنیده‌ام بعضی از زنها تکه دستمالی به مغز سرش چسبانده و بقیه بدنش پیداست، خودش را مسخره کرده که حجاب اسلامی دارم. هرکس به این ادارات مراجعه کرد و چنین وضعی را مشاهده کرد، باید اعتراض کند. بگوید ای بیت‌المال مسلمین حقوق می‌گیرید و این طور به اسلام خیانت می‌کنید؟ وای اگر در اداره‌ای آشکارا روزه خورده شود. یا زنی بدون حجاب اسلامی باشد مدیر آن اداره مشمول است. مخصوصا چند نفر را معین کرده‌ام برای این که در ادارات سرکشی کنند، به تمام مؤسسات بروند، اگر برخلاف اسلام چیزی مشاهده کردند به من خبر بدهند تا اقدام مقتضی انجام گیرد.

هر منکری که دیدید ساکت نباشید. برای خدا اسلام را یاری کنید. اگر بخواهند از هر جهت شهداء للناس شوند باید همه برنامه‌های اسلام را پیاده کنند. غربیها کاری به انسانیت ندارند و نمی‌فهمند حیا چیست. شما زنده‌ای ایران باید همه با هم برنامه قرآن را عمل کنید...

ای جوانهایی که در خیابانها که می‌گذرید وقتی با چنین زندهایی که بی‌حجابند و آرایش کرده‌اند برخورد کردید رو برگردانید، اعتنا نکنید، او با این سبک بیرون می‌آید که شما به او نگاه کنید و تحسینش نمائید. وقتی ببیند برعکس است و مورد نفرت جوانها قرار می‌گیرد ترك می‌کند.

چند گاهی است که از شهید محراب، حضرت آیت‌الله دستغیب، مهجور و از افاضات آن جناب محروم مانده‌ایم. وقت است که گریزی بزنییم به مجموعه آثار حضرتشان و هم بهره علمی ببریم، هم تکلیف شرعی به جای آوریم.

آیت‌الله حاج سید عبدالحسین دستغیب شیرازی رساله‌ای دارد به نام «امر به معروف و نهی از منکر». بخشی از رساله را اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می‌دهد و در بخشی نیز، به موارد حرام و حلال، که نهی از یکی و تکلیف به دیگری وظیفه اهل ایمان است اشاره می‌رود. شهید محراب از امام باقر (ع) نقل می‌کند که «امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق پروردگارتند. هرکس آنها را یاری کند خداوند او را عزیز می‌گرداند و کسی که با آنها بی‌اعتنایی کند خداوند او را ذلیل می‌سازد» و نیز از امام هشتم (ع) که فرمود «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر چنین کاری را نکردید اشرار را بر سران مسلط می‌گردند. آنگاه نیکانتان خداوند را می‌خوانند و دعایتان به اجابت نمی‌رسد».

با این توضیحات و توجیهاات، وقتی کسی رساله ایشان را بخواند طبعاً احساس تکلیف می‌کند و هرگاه بی‌اعتنا بگذرد، دلیل خواهد بود در نزد خدا و سهیم خواهد بود در تسلط اشرار بر بندگان خدا.

محض عمل به تکلیف و اجتناب از تقصیر است که حقیر کمتر از شعر اجازه می‌خواهد چند نمونه از معروفات و چند مورد از منکرات را یادآوری و مؤمنین را به رعایت آن دعوت کند. زفاف و سپاس خدا در حمله

... و همچنین پهلوی زنت که می‌روی برای خدا باشد. در فقه نوشته شده است هنگام جماع اول بگو بسم‌الله الرحمن الرحیم. از ما گذشته است. نوبت شماست. هرکدامتان زن گرفتید شب عروسی‌تان خیلی کار می‌شود کرد. عروس مستحب است با وضو باشد. داماد باید با وضو به حمله برود. در حمله نه به عنوان نر و ماده بهم بچسبند. پیش از مواقعه مستحب است سجده بگزاردند که داماد اول دو رکعت نماز بخواند. نماز شکر نعمت. این زن، نعمت است که خدا به تو داده است. جعل بینکم موده و رحمه اگر زن حلال نبود تو چه کار می‌کردی؟ نماز لیل زفاف را بخوان که یکی از موافق اجابت دعاست. دعا در این موقف مستجاب است!

چشم از ناموس میزبان کوتاه

تأسیس دانشگاه در ایران از زبان دکتر علی اکبر سیاسی (۲)

دانشگاه تهران تا روزی که استقلال یافت یکی از دارات وزارت فرهنگ بود

استادان دانشگاه و رؤسای دانشکده‌ها در اتاق انتظار وزیر فرهنگ انتظار می‌کشیدند تا خودی نشان دهند و به سلامشان جواب داده شود!

تاریخ نشر در کیهان لندن: بهمن‌ماه ۱۳۸۴ - شماره‌های ۱۰۹۱-۱۰۹۰

یادآور می‌شویم که از برکات انقلاب شکوهمند اسلامی، قلم بطران بر استقلال دانشگاه کشیدن و نشان دادن يك ملای دانشگاه ندیده در رأس دانشگاه تهران است.

استقلال آن بود، از وزارت خود در کابینه قوام‌السلطنه و به تصویب رساندن قانون استقلال دانشگاه سخن می‌گوید (نقل از خاطرات دکتر علی اکبر سیاسی: گزارش يك زندگی)

در بخش نخستین این مطلب، چگونگی تأسیس دانشگاه را در ایران از زبان شادروان دکتر علی اکبر سیاسی برایتان نقل کردیم. در بخش دوم، دکتر سیاسی که از پایه‌گذاران دانشگاه و مبتکر

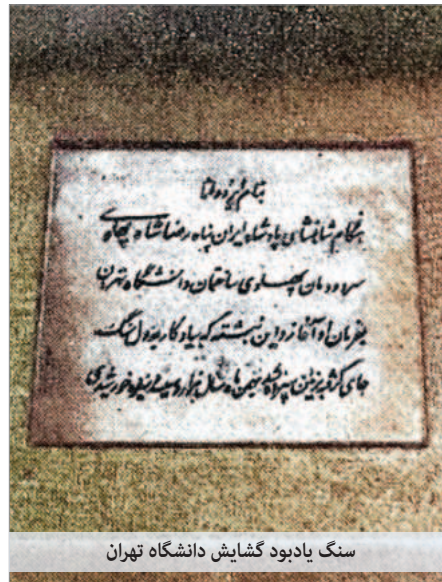
- اطاعت می‌کنم.
- راستی من حالا منزل خودم نیستم، منزل بهاء‌الملک هستم، به آنجا بیایید.

- مانعی ندارد. فرصتی است که به ایشان هم سلامی بکنم. پس لباس پوشیدم و رهسپار منزل بهاء‌الملک شدم. این منزل باغی بود در انتهای خیابان ارباب جمشید. وارد باغ که شدم و می‌خواستم به سوی عمارت بروم، پیشخدمتی که گویا در انتظار من بود با اشاره دست آلاچیق را نشان داد و گفت: «آنجا تشریف دارند.» من هم متوجه آنجا شدم تا حکیم‌الملک و بهاء‌الملک را ملاقات کنم. ولی به محض ورود چشمم به منظره‌ای افتاد که هیچ انتظارش را نداشت. جمع کثیری را دیدم که گرداگرد میز درازی نشسته مشغول گفتگو بودند. فوری عقب گرد کرده خواستم خارج شوم که کسی با صدای بم و بلند خود گفت: «کجا فرار می‌کنید؟ بفرمایید، شما از خود مائید.» و در حالتی که با دست خود صندلی را نشان می‌داد گفت: «آنهم صندلی شما است.» متوجه شدم که گوینده قوام‌السلطنه است. من هیچ گاه با او تماس پیدا نکرده بودم، فقط دوبار او را دیده بودم آنهم از دور. بر صندلی که گویا برای من خالی گذاشته بودند و بدان اشاره شده بود نشستم. آقایان مذاکرات خود را که با ورود من قطع شده بود دنبال کردند. دیدم از برنامه دولت که باید تقدیم مجلس شود سخن می‌گویند. بی‌اختیار تکانی خوردم، مثل این بود که می‌خواهم از جا برخیزم که همان صدای بم ناگهان گفت: «آقای دکتر سیاسی، شما وزیر فرهنگ این دولت هستید.» گفتم: «اجازه می‌فرمایید؟...» حکیم‌الملک که طرف دست راست قوام نشسته بود با اشاره دست مرا دعوت به سکوت کرد و قوام گفت: «اگر مطلبی دارید بعد با آقای حکیم‌الملک درمیان خواهید گذاشت.» این بگفت و بحث خود را درباره برنامه دنبال کرد.

در پایان جلسه قوام از جا برخاست و با تکان دادن سر با حاضران خداحافظی کرد و رفت. دیگران هم یکی پس از دیگری از آلاچیق خارج شدند. فقط من ماندم و حکیم‌الملک. من آغاز سخن کردم و گفتم: «می‌دانم که جنابعالی با حسن ظن و لطفی که نسبت به من دارید این لقمه را برایم گرفته‌اید. البته متشکرم ولی می‌دانید که نمی‌توانم قبول کنم.» گفت: «چرا؟» گفتم: «دلایل همان است که به ذکاء‌الملک گفته بودم و جنابعالی را همان موقع در جریان امر گذاشتم.» گفت: «اوضاع بکلی فرق کرده است. خارجیان دیگر در کار ما دخالت نمی‌کنند و اگر هم بکنند باید مقاومت کنیم و اگر لازم باشد واقعا فداکاری کنیم. در این موقع بحرانی وظیفه هر ایرانی وطن پرستی است که برای حفظ منافع کشور از خطر نهراسد و وارد میدان عمل شود.» گفتم: «اجازه دهید تا فردا فکر کنم.» هرچه می‌خواهید فکر کنید، مطلب همان است که گفتم و

داشتند و در اجتماع دارای نفوذ کلمه بودند تشکیل شده بود. و سهیلی تأسف داشت از این که از پشتیبانی این چنین انجمنی محروم باشد.

دولت سهیلی بیش از چند ماه دوام نکرد. چرا و چگونه آمد و چرا دولت مستعجل بود؟ توضیح آن با تاریخ نویسان است و من تاریخ نمی‌نویسم. بعد از سهیلی، احمد قوام (قوام‌السلطنه) نخست وزیر شد. روز بعد بود یا دو روز



سنگ یادبود گشایش دانشگاه تهران

بعد، درست به یاد ندارم. در منزل در دفتر کارم بودم، تلفن زنگ زد. مستخدم آمد و گفت آقای حکیم‌الملک شما را پای تلفن می‌خواهند. تعجب کردم، زیرا مدتی بود که با او تماس نداشتم. البته خود را همیشه مرهون او می‌دانستم چه او بود که سی سال پیش سبب شد من و عده‌ای دیگر از جوانان پس از گذراندن مسابقه برای ادامه تحصیل به اروپا برویم. تلفن را برداشتم و پس از سلام و تعارف، این گفتگو میان ما رد و بدل شد:

- مدتی است سراغی از ما نمی‌گیری، خیلی بی‌لطف شده‌ای...

- این چه فرمایشی است؟ می‌دانید من همیشه نسبت به جنابعالی ارادت داشته و دارم، اگر مزاحم نمی‌شوم این دلیل بی‌ارادتی نیست.

- آخر دل ما برای شما تنگ شده، کی می‌شود خدمت رسید؟

- اختیار دارید، هر موقع بفرمایید، به شرط اینکه مزاحم نباشم شرفیاب می‌شوم.

- پس همین الان بیایید، منتظرم.

دولت فروغی در اوایل سال ۱۳۲۱ سقوط کرد و مجلس شورای ملی تمایل خود را نسبت به علی سهیلی اعلام داشت و او طبق سنت معمول به نخست وزیری برگزیده شد. او عضو «انجمن ایران جوان» بود. بی‌درنگ به سراغ من آمد و به همکاری دعوت کرد. گفت: «وزارت خارجه یا وزارت فرهنگ هرکدام را که مایل باشی.» گفتم: «می‌دانی چرا همکاری با فروغی را قبول نکردم؟» گفت: «می‌دانم، خودت برایم گفته‌ای. ولی اوضاع خیلی فرق کرده. مقصود خارجیان انداختن شاه بود، بعد از آن دیگر در کارهای ما دخالت نمی‌کنند. کارشان فقط اسلحه رساندن به روسیه است و همان طور که فروغی در مجلس گفته و کلامش معروف شده است: آنها می‌آیند و می‌روند و به کسی کاری ندارند.» اصرار سهیلی از يك طرف و آرزوی قلبی من به اینکه نقشه‌های فرهنگی خود را اجرا کنم از طرف دیگر سبب شد که سرانجام بگویم: «وزارت فرهنگ را قبول می‌کنم ولی به يك شرط. آن شرط این است که دوست مشترکمان دکتر مشرف نفیسی را هم به همکاری دعوت کنی.» گفت: «این چه شرطی است می‌کنی؟ تو می‌دانی که به حق یا به ناحق لکه‌ای به دامان او زده‌اند و او در مجلس مخالفان فراوان دارد و عضویت او در دولت معنیش این است که نطفه در تخم کشته شود یعنی مجلس در همان جلسه اول دولت را واژگون کند.»

گفتم: «تو به خوبی می‌دانی که مشرف بی‌گناه است و می‌دانی سروصدای علیه او را چه کسانی به راه انداخته‌اند. وظیفه دوستی ما این است که با اعلام همکاری او به همه بفهمانیم که او را بیگناه می‌دانیم و او هم در مقام وزارت مجال بیاید که از خود دفاع کند و به معرفی دشمنان بی‌انصافی که او را ناجواهدرانه مورد تبلیغات سوء قرار داده‌اند بپردازد.» سهیلی گفت: «من خیلی برای مشرف متأسفم. ولی مخالفان و دشمنان او خیلی قوی‌تر از آن هستند که خیال می‌کنی. بنابراین از خر شیطان پیاده شو و از این شرط غیر قابل قبول صرف نظر کن...» گفتگوی ما در این باب مدتی به طول انجامید. آخرین حرف من این بود: «یا با مشرف می‌آییم و با تو همکاری می‌کنیم یا من از همکاری معذورم.»

ما از یکدیگر جدا شدیم در حالی که او بسیار ناراحت به نظر می‌رسید. حق هم داشت؛ چه او که برای نخستین بار خلعت نخست وزیری بر تن می‌کرد و آرزوی موفقیت و شهرت در سر داشت امیدوار بود با جلب همکاری رئیس «انجمن ایران جوان» پشتیبانی آن انجمن را جلب نماید. درست است که «ایران جوان» حزب سیاسی نبود ولی از برگزیدگان قاطبه جوانان و مردان روشنفکری که تحصیلاتشان از لیسانس به بالا بود و بسیاری از آنها دکتر، مهندس، استاد و... بودند و همگی کارهایی و مقاماتی

خود را دریافت دارند. برای امور مربوط به ارتقاء رتبه و نظایر آن، اداره کارگزینی و سایر ادارات وزارتخانه و رئیس آنها مرجع بودند. اگر مشکلی پیش می‌آمد که حل آن به دست وزیر فرهنگ بود باید از پیش وقت و اجازه شرفیابی (!) بخواهند. این شرفیابی البته امتیازی خاص محسوب می‌شد. این وضع ناپهناج و مخالف شأن علم و مقام استادی دانشگاه را من از همان روزهای اول وزارت برهم زد. نخستین باری که حضور شاه بار یافتم نظر خود را در این زمینه و درباره دیگر مسائل فرهنگی شرح دادم. او را بی‌اندازه علاقمند یافتم. او مرا مورد عنایت و محبت خاص قرار داد. سال اول سلطنتش بود، بیست و سه سال بیشتر نداشت. کسی را در برابر خود می‌دید با تجربه و اطلاعات بیشتر، ولی مانند خودش نسبتاً جوان و باحرارت و با شوق فراوان آماده خدمتگزاری به کشور. از همان جلسات اول ملاقات، میان ما یک نوع کشش و علاقه مخصوص به وجود آمد. او هر دفعه مرا به گرمی می‌پذیرفت، پهلوی خود اجازه نشست می‌داد و علاوه بر امور مربوط به فرهنگ و دانشگاه از مسائل دیگر مملکتی که درباره آنها هنوز چندان تجربه‌ای نداشت، با من به بحث و گفتگو می‌پرداخت و نظر می‌خواست.

این وضع و حال در سه چهار سال اول سلطنت همچنان

نفوذی نمی‌توانستند در دانشگاه داشته باشند مواجه شد. ولی این استقلال به وجهی پی‌ریزی شد و دانشگاه به صورت حصنی حصین درآمد که توانست بیش از دوازده سال در برابر حملات مخالفان ایستادگی کند و سرفراز باقی بماند. این مؤسسه بزرگ علمی از روز تأسیس یعنی از بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی تا روزی که من تصدی وزارت فرهنگ را عهده‌دار شدم (۱۳۲۱ شمسی)، در زمره یکی از ادارات آن وزارتخانه به شمار می‌رفت. دانشکده‌های آن مانند دبیرستانها و دبستانها سر و کارشان از هر حیث با ادارات مختلف آن وزارتخانه بود. روسای دانشکده‌ها و معلمان آنها را وزیر فرهنگ به دلخواه خود عزل و نصب می‌کرد به همان سهولتی که روسای دبیرستانها و دبستانها و دبیران و آموزگاران را عزل و نصب می‌نمود. شورای دانشگاه هم اسمی بود بی‌مسمی و از همان منصوب شدگان وزیر فرهنگ تشکیل می‌یافت به این صورت که وزیر آنها را به دفتر خود احضار می‌کرد و آنها رای وزیر را درباره مسائل مختلف می‌شنیدند و نظریات او را مورد تحسین و تصویب قرار می‌دادند.

برای این که از ناتوانی و بیمناکی کارکنان آموزشی دانشگاه که مانند کارکنان اداری مقامی متزلزل داشتند گونه و مثالی داده شود، اینک از قول پروفیسور شمس چشم پزشک معروف که از استادان دبیران و ارجمند دانشگاه است، داستان زیر

من به قوام السلطنه اطمینان داده‌ام که شما را برای قبول این مسئولیت حاضر خواهم کرد. حالا خود دانید.» فردای آن روز چند تن از استادان دانشگاه که از تشکیل دولت جدید آگاه شده بودند برای تبریک به منزل من آمدند. از آن جمله بودند فروزانفر (بدیع‌الزمان)، مسعود کیهان، سعید مالک (لقمان الملک)، سعید نفیسی... به آنها گفتم که من هنوز در این باب تصمیم... کلامم را قطع کردند و زبان به ملامت گشودند و گفتند: «دو بار فرصت خدمتگزاری به فرهنگ و دانشگاه را از دست داده‌اید و برایتان ثابت شده است که دیگران آرزوهایی را که برای فرهنگ و دانشگاه دارید انجام نمی‌دهند؛ آیا بیش از این تامل جایز است؟ آیا باید این فرصت هم از دست برود؟...»

گفتگوی ما در این باب مدتی به طول انجامید. سرانجام گفتم با شما موافقم. برخاستند و با گرمی تمام و آرزوی موفقیت برای من خداحافظی کردند و رفتند. باری، نخستین گام در سیاست برداشته شد.

از همان روزهای اول پس از آشنایی بیشتر با ادارات وزارت فرهنگ و روسای آنها و سوار شدن بر کار برای اجرای آرزوهای دیرین خود... استقلال دانشگاه، تعلیم و تربیت عمومی اجباری مجانی... شروع به طرح ریزی کردم. حدس می‌زدم که در اجرای نقشه‌هایی که داشتم با دشواری‌هایی روبرو خواهم شد. ولی از وسعت و شدت آنها بی‌اطلاع بودم. استقلال بخشیدن به دانشگاه نخست با مخالفت دستگاه وزارت و مقاومت منفی و مثبت همکاران نزدیک آغاز شد. از جمله تدابیری که به کار می‌بردند این بود که امور پیچیده و دشواری را که مدتها لاینحل مانده بود و پرونده‌های قطوری را تشکیل می‌داد نزد من می‌آوردند و تعیین تکلیف می‌خواستند. منظور این بود که وقت من گرفته شود و مجال برای کاری ابتکاری باقی نماند. معلوم شد که این عمل آنها در سایر وزارتخانه‌ها بی‌سابقه نبوده و به عنوان «وزیر گیج کن» شهرت داشته است. ولی این تدبیر بی‌نتیجه ماند زیرا من پرونده‌هایی را که تکلیفشان در مدت ساعات کار اداری روشن نمی‌شد، به منزل می‌بردم و تا نیمه‌های شب به مطالعه آنها می‌پرداختم و دستور لازم صادر می‌کردم. با این قدرت کار و همت لازم، مخالفت و مقاومت به زودی درهم شکست.

در ضمن عمل متوجه شدم که وزارت فرهنگ را پنج تن از رؤسای ادارات که در زمان حکمت منصوب شده و از ایادی او بودند، به نامهای یزدانفر، ایرانی، شوقی، مزینی و شمس آوری معروف به «خمسه خبیثه» می‌گرداند و وزیرانی که بعد از حکمت آمده بودند زیر نفوذ آنها قرار داشتند و نمی‌توانستند - یا نمی‌خواستند - آنها را تغییر دهند. من آنها را از کارهایی که داشتند برکنار کردم و چند تن از استادان دانشگاه - دکتر محسن هشترودی، دکتر مهدی جلالی، دکتر جناب، دکتر کنی و دکتر آل بویه - را به جای آنها گماشتم. باید به عنوان جمله معترضه بگویم که بجز یکی دو تن از این همکاران دانشگاهی دیگران با وجود فضل و دانش بخوبی سلف‌های خود از عهده کار اداری بر نمی‌آمدند. از رؤسای سابق دو تن را که گذشته از لیاقت و کاردانی بسیار صمیم بودند نگاه داشتم، یکی دکتر محمود مهران مدیر اداری و دیگری دکتر ردی آذرخشی، رئیس دفتر وزارتی، و اندکی بعد به آنها مقام مدیرکل دادم. این هر دو بعدها به مقامات عالی وزارت و سفارت رسیدند و در کارهایی که بر عهده داشتند خدمات شایانی به کشور انجام دادند.

استقلال دانشگاه

استقلال دانشگاه به وجهی که شرح می‌آید، با مخالفت شدید وزیران فرهنگی که بعد از من آمدند و دولت‌ها و گروهی از نمایندگان مجلس که برخلاف گذشته کوچکترین



رضاشاه کبیر و دکتر ابوالقاسم بختیار در آیین گشایش دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

ادامه داشت. ولی تماس دائم او با درباریان و متملقان نمی‌توانست در روحیه‌اش، در رفتار و گفتارش بی‌اثر باشد. مشکلات کشور را در نظر او بسیار بزرگ جلوه می‌دادند و او را مخصوصاً از فعالیت حزب توده بیمناک می‌ساختند. در نتیجه جلسات دو نفری ما آن جنبه بی‌ریایی و خودمانی را که داشت به تدریج از دست می‌داد و تعداد آنها که به طور متوسط دو بار در ماه بود به تدریج کاهش می‌یافت و از یک بار در ماه هم کمتر می‌شد. اینک برمی‌گردم به موضوع استقلال دانشگاه.

پس از جلب موافقت شاه نسبت به استقلال دانشگاه، موضوع را در هیأت دولت مطرح ساختم. دولت در کاخ ایبض (سفید) تشکیل می‌شد، وزیران دور میز مستطیل بزرگی می‌نشستند. قوام السلطنه بالای میز بود و وزیران مشاورش، حکیم الملک (ابراهیم حکیمی) و مستشار الدوله (صادق صادق) در طرفین او قرار داشتند. یکی از همکاران ظریف و شوخ، این دو وزیر را به عنوان «خصیتین» قوام یاد می‌کرد. دولت پیشنهاد مرا دایره به اعطای رسمی استقلال به دانشگاه پس از توضیحاتی که دادم مورد تصویب



عیناً نقل می‌شود:

اعتمادالسلطنه قراقرلو، وزیر فرهنگ چشم درد داشت، دعوت کرد از او عیادت کنم. صبح زود به منزلش (باغ بهاءالملک) رفتم. در اتاق انتظارش عده‌ای از استادان دانشگاه را دیدم که گوش تا گوش نشسته بودند. در اتاقی که دفترش بود مرا پذیرفت. پس از اینکه چشمش را معاینه کردم و دستور لازم را دادم و خواستم خارج شوم به او گفتم: «جناب آقای وزیر گویا امروز در اینجا کمیسیون‌ای از استادان تشکیل می‌دهید؟» گفت: «کمیسیونی در کار نیست. آقایان بیشتر روزها صبح اینجا می‌آیند که وقتی من از دفترم خارج می‌شوم به وزارتخانه بروم خودی نشان داده سلامی کرده باشند تا فراموش نشوند...»

این بود وضع و حال معلمانی که عنوان دانشیار و استاد داشتند. (در آن تاریخ معلمی دانشگاه با دانشیاری شروع می‌شد. استادیاری که مقدمه دانشیاری باشد بعدها به وجود آمد). این آقایان آخر هر ماه مانند سایر کارمندان اداری به حسابداری وزارت فرهنگ رجوع می‌کردند و احیاناً صف می‌کشیدند تا به نوبه از رئیس صندوق حقوق ماه گذشته

قرار داد.

اندکی بعد در روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۱ شمسی به مناسبت سالروز تأسیس دانشگاه، در حضور شاه و ملکه فوزیه جشن باشکوهی در سالن بزرگ دانشکده حقوق برپا گردید. (ساختمان دانشکده ادبیات و سالن بزرگ فردوسی هنوز نیمه تمام بود) سالن پر از جمعیت بود. در قسمتی از سالن استادان دانشگاه با لباس رسمی استادی و در قسمتهای دیگر وزیران و نخبه‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی و رجال کشور نشسته بودند. آقای قوام‌السلطنه با کسب اجازه از شاه از جای برخاست و اطلاعاتی را که من قبلاً با موافقت او و تصویب شاه تهیه کرده بودم، خواند.

خلاصه متن اعلامیه چنین بود: «با تصویب اعلیحضرت شاهنشاه و با توجه به روح قانون اساسی، دانشگاه این مؤسسه بزرگ علمی از امروز از وزارت فرهنگ تفکیک می‌شود و از این پس مستقیماً و مستقلاً به اداره امور علمی و اداری خود می‌پردازد.»

سالن در قسمتی که استادان نشسته بودند پر از شور و شغف زائدالوصف گردید و کف زدن حضار مدتی به طول انجامید. آنگاه فروزانفر (بدیع‌الزمان) به نمایندگی از طرف قاطبه دانشگاهیان نطقی ایراد کرد و از اعلیحضرت و نخست وزیر سپاسگزاری کرد.

از آن پس هر سال در روز ۱۵ بهمن این جشن باشکوه به نام جشن «تأسیس و استقلال دانشگاه» برپا گردید.

روز بعد دستور دادم در خارج از وزارتخانه محلی برای امور اداری دانشگاه تهیه شود. این محل نخست در ضلع شمال غربی میدان بهارستان اجاره شد. نام آن را «اداره کل دبیرخانه دانشگاه» گذاشتم. این اداره مرکب شد از ادارات مختلف مانند کارگزینی، آموزشی، حسابداری و بازرسی و مقرر گردید کارهایش زیر نظر مستقیم رئیس انتخابی دانشگاه، یک معاون و یک مدیر کل و رؤسای ادارات و رئیس خود به جریان بیفتد.

همزمان با این طرح ریزی، همه روسای دانشکده‌ها را (به استثنای ابرلن رئیس دانشکده پزشکی که به عنوان مستخدم خارجی قبلاً با موافقت من طبق قانون منصوب شده بود) از کار برکنار کردم و به دانشکده‌ها کتبا دستور دادم هر کدام شورائی از استادان خود تشکیل دهند و رئیس دانشکده خود را انتخاب و معرفی نمایند تا ابلاغ ریاست او صادر شود. این کار در دانشکده‌ها با شور و شغف فراوان صورت گرفت و این آقایان انتخاب شدند:

غلامحسین رهنما به ریاست دانشکده فنی، صدیق حضرت (مظاهر) به ریاست دانشکده حقوق، دکتر محمود حسابی به ریاست دانشکده علوم، سید محمد عصار به ریاست دانشکده ادبیات (بعدها ادبیات و علوم انسانی)، پروفیسور ابرلن فرانسوی به ریاست دانشکده پزشکی ابقاء گردید. از آن پس تشکیل شورای قانونی دانشگاه میسر می‌شد، زیرا این شورا طبق قانون از رؤسای دانشکده‌ها به اضافه یک استاد منتخب از هر دانشکده تشکیل می‌شد.

نخستین اقدام این شورا انتخاب رئیس دانشگاه بود که می‌بایستی از میان رؤسای دانشکده‌ها برگزیده شود. این کار در غیاب من صورت گرفت. وقتی به من اطلاع دادند که شورا به اتفاق آراء مرا به ریاست انتخاب کرده است کار فوری و مهمی را که در دست داشتم کنار گذاشتم و خود را به شورا رساندم و به همکاران دانشگاهی گفتم: «از حسن نظر شما متشکرم. این البته برای من افتخار خواهد بود که نخستین رئیس قانونی دانشگاه باشم. ولی چون یکی دو کار مهم دیگر در وزارت فرهنگ دارم که باید به انجام برسانم، نمی‌توانم فعلاً از عضویت دولت کنار بروم. بنابراین خواهش می‌کنم از میان خودتان کس دیگری را انتخاب کنید. من چون کار فوری دارم

که ناتمام است رای خود را به آقای دکتر امیراعلم می‌دهم. سعی خواهم کرد پیش از پایان جلسه شما، برای طرح یکی دو موضوع دیگر خودم را به اینجا برسانم.»

کار فوری نیمه تمام من مربوط به اوقاف بود که یکی از بستگان آقای بهبهانی، مجتهد بسیار بانفوذ، می‌خواست کلاه بزرگی را که از سالهای پیش بر سر دولت گذاشته بود تمدید کند. در اینجا باید به یاد آورد که در آن زمان وزارت فرهنگ همان وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» قدیم بود که بعدها به سه وزارتخانه تقسیم شد: وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر. اوقاف هم اداره مستقلی شد زیر نظر نخست وزیر.

باری، کار فوری من یک ساعت به درازا کشید. در بازگشت به شورا، امیراعلم که ریاست سنی داشت، بیاناتی نزدیک بدین مضمون ایراد کرد: «جناب آقای وزیر، ما پس از بحث و گفتگوی مفصل سرانجام به این نتیجه رسیدیم که تفکیک آنچه مربوط به دانشگاه است از وزارت فرهنگ و به خصوص بودجه و اعتبارات آن که باید به حسابداری دانشگاه انتقال یابد جز به دست خود جنابعالی میسر نخواهد بود و این خود جنابعالی هستید که می‌توانید بر استحکام بخشیدن به پایه‌های استقلال دانشگاه عملاً نظارت و دخالت آغشته باشید.» گفتم: «مثل این است که آقایان توجه نفرمودید به اینکه من در این موقع نمی‌توانم از وزارت فرهنگ استعفا بدهم و لازم است یکی دیگر از آقایان مسئولیت ریاست دانشگاه را قبول کند.»

در این موقع آقایان اعضای شورا یکی پس از دیگری بیاناتی کردند و دلایلی آوردند مبنی بر اینکه ریاست دانشگاه مستلزم کناره‌گیری از وزارت فرهنگ نیست و من می‌توانم قسمتی از وقت خود را به عنوان رئیس دانشگاه در اداره کل دبیرخانه دانشگاه که روابطش با ادارات و دوائر وزارت فرهنگ تقریباً مقطوع خواهد بود به رتق و فتق امور دانشگاه بپردازم و این مدت را فقط رئیس دانشگاه باشم نه وزیر فرهنگ. منطق و دلیل و پافشاری اعضای شورا مرا اقتاع و وادار به سکوت کرد به خصوص که این فکر به خاطر آمد که شاید این آقایان نتوانسته‌اند از میان خود کسی را برگزینند که همگی قبولش داشته باشند و نیز این فکر دیگر که نقشه‌هایی را که برای دانشگاه در سر داشتم خودم شاید بهتر از هر کس دیگر بتوانم به موقع اجرا درآورم.

مناسب دیدم که دکتر محمود مهران مدیرکل اداری وزارتخانه را به دانشگاه منتقل و ابلاغ مدیرکلی اداره کل دبیرخانه دانشگاه را به نام او صادر کنم. از وزارت فرهنگ آقایان احمد بیرشک، حسین گونیلی، ضیاءالدین شیبانی و شادان... نیز به اداره کل دبیرخانه دانشگاه انتقال یافتند و به ریاست ادارات آنجا گماشته و مامور شدند که زیر نظر و راهنمایی مدیرکل دبیرخانه تمام اسناد و مدارک و پرونده‌های مربوط به دانشگاه و دانشگاهیان را از ادارات مختلف وزارت فرهنگ بیرون بیاورند و به ادارات مربوط به اداره کل دبیرخانه دانشگاه منتقل سازند. این کار در مدتی کوتاه به خوبی صورت گرفت و بدین طریق از آن پس رابطه دانشگاهیان با وزارت فرهنگ بکلی قطع گردید و سروکارشان با اداره کل دبیرخانه دانشگاه افتاد.

من برای معاونت دانشگاه نخست غلامحسین رهنما و بعد مسعود کیهان را برگزیدم، ولی در واقع عنوانی افتخاری بود، چه همه کارهای دانشگاه را من شخصاً با همکاری صمیمانه دکتر مهران، مدیرکل که مردی بسیار دانا و باکفایت بود، انجام می‌دادم. سایر رؤسا، احمد بیرشک رئیس کارگزینی، حسین گونیلی رئیس بازرسی، ضیاءالدین شیبانی رئیس اداره آموزش، شادان رئیس دفتر... و دیگران نیز با کمال علاقمندی به کار خود مشغول بودند.

درگیری پشت پرده برای انتصاب رئیس سازمان حفاظت محیط زیست؛ فعالان و کارشناسان به پزشک‌ها هشدار دادند

● شماری از فعالان محیط زیست در نامه‌ای به مسعود پزشک‌ها درباره تعیین ریاست سازمان حفاظت محیط زیست هشدار دادند که «محیط زیست ایران تاب تحمل اشتباهات مدیران سیاسی را ندارد.»

● مهدی اسماعیلی بیدهندی استاد دانشگاه: در سال‌های قبل شاهد بودیم که رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در را می‌بندد، تصمیمات را می‌گیرد و تا زمان اجرای این تصمیمات، مردم و جامعه نخبگانی متوجه آن نشده‌اند. ● حمید ظهرابی از مدیران سازمان حفاظت محیط زیست گفته ۵۰ تا ۶۰ نفر از مدیران سابقه و باتجربه در این سازمان در طول فعالیت دولت رئیسی برکنار شدند.

● در طول حدود دو دهه گذشته، جایگاه ایران از نظر شاخص ارزیابی عملکرد محیط زیستی ۸۰ رتبه در سطح جهان کاهش یافته که ادعا می‌شود بیش از ۵۰ رتبه از آن مربوط به سه سال دولت سیزدهم بوده است.

معاون پیشین محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست می‌گوید رتبه‌ی شاخص عملکرد محیط زیستی ایران در دولت سیزدهم بیش از ۵۰ پله سقوط کرده است. جمعی از فعالان محیط زیست در نامه‌ای به مسعود پزشک‌ها درباره تعیین ریاست سازمان حفاظت محیط زیست هشدار دادند که «محیط زیست ایران تاب تحمل اشتباهات مدیران سیاسی را ندارد.»

با وجود لیست پیشنهادی اعضای هیئت وزیران و معاونت‌های مهم ریاست جمهوری، اما مسعود پزشک‌ها هنوز نام رئیس سازمان حفاظت محیط زیست را که معاون وی نیز خواهد بود اعلام نکرده است. برخی خبرهای غیررسمی حاکی از بروز اختلافاتی درباره گزینه‌های پیشنهادی و البته لابیگری جریان‌های مختلف برای تصاحب این معاونت است.

این در حالیست که محیط زیست ایران از جمله بخش‌هایی است که طی چهار دهه گذشته و تحت ناکارآمدی و بی‌تفاوتی مدیران مختلف آسیب فراوان دیده و به عقیده کارشناسان به حدی شکننده شده که تداوم تصمیمات نادرست می‌توان خسارت‌های جبران‌ناپذیر بیشتری در محیط زیست کشور به بار بیاورد.

در همین رابطه شماری از فعالان محیط زیست در نامه‌ای به مسعود پزشک‌ها درباره تعیین ریاست سازمان حفاظت محیط زیست هشدار دادند که «محیط زیست ایران تاب تحمل اشتباهات مدیران سیاسی را ندارد.»





فعالان محیط زیست تأکید کردند که «مبادا تحت تأثیر مسایل سیاسی و یا اثرگذاری افرادی که پیش از این در سمت ریاست این سازمان بوده، فردی خارج از چهارچوب‌های تخصصی به ریاست این سازمان تخصصی انتخاب شود».

آنها همچنین نوشته‌اند که مدیران سابق سازمان حفاظت از محیط زیست «خود بخشی از دلایل مشکلات ایجاد شده» در این نهاد هستند. آنها خواستار انتخاب «افرادی با سابقه از میان بدنه سازمان محیط زیست» شدند.

در این نامه همچنین آمده «انتخاب افراد غیرمتخصص و سیاسی تحت تأثیر جریان‌های سهم‌خواهی که بی‌شک ابتکار شما باعث ناامیدی آنها شده، یکی از مهمترین دلایل افول حفاظت محیط‌زیست در ایران در چند دهه گذشته بوده و نسبت به تکرار این روند و سیطره پنهان مدیران سیاسی و سابق این سازمان، نگران هستیم».

در پایان این نامه آمده که «وضعیت شکننده محیط زیست کشور و بحران‌های ناشی از آن دیگر تاب تحمل اشتباهات مدیران سیاسی و غیرمتخصص را نداشته و شاید این آخرین فرصت برای اصلاح روند خسارت‌باری باشد که هم‌اکنون شاهد نتایج بسیار تلخ آن بوده و بی‌شک در آینده تشدید خواهد شد.»

مهدی اسماعیلی بیدهدنی عضو هیئت علمی دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران درباره اختلافاتی که درباره تعیین رئیس سازمان حفاظت محیط زیست شکل گرفته به خبرگزاری «تسنیم» گفته «عده‌ای معتقدند رئیس سازمان حفاظت محیط زیست باید از پیکره سازمان باشد» و «عده دیگری معتقدند فردی که انتخاب می‌شود باید خارج از سازمان حفاظت محیط زیست باشد و معتقدند که اگر فردی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دیگر موفقیت‌های مدیریتی را در ادوار مختلفی کسب کرده باشد، می‌تواند این موفقیت را در سازمان حفاظت محیط زیست نیز تکرار کند.»

مهدی اسماعیلی بیدهدنی افزوده «راه درست این است که برای انتخاب رئیس سازمان، خارج از اینکه از اعضای سازمان باشد و یا از بیرون بیاید، شاخص‌هایی را در نظر بگیریم که یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها اشراف بر وضعیت محیط زیست کشور و چالش‌های محیط زیستی است که کشور با آن روبروست. بنابراین ضروری است که رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، ساختار حکمرانی در عرصه محیط زیست را بشناسد.»

این استاد دانشگاه ادامه داده «زمانی که از این ساختار حکمرانی صحبت می‌کنیم، تنها سازمان حفاظت محیط زیست مد نظر نیست بلکه کنش و واکنش‌های قانونی و تعاملات بین سازمان حفاظت محیط زیست با سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها را شامل می‌شود و فرد باید اشرافی بر همه اینها داشته باشد. رئیس سازمان باید تهدیدها، فرصت‌ها، چالش‌ها و ظرفیت‌های مدیریتی کشور در عرصه حکمرانی را بشناسد.»

او تأکید کرده که در حوزه ریاست سازمان حفاظت محیط زیست باید فردی مشغول شود که «شفاف» باشد و عملکرد خود را شفاف با جامعه نخبگانی، متخصصین و با مردمی که متأثر از تصمیمات وی خواهند بود، در میان بگذارد.

مهدی اسماعیلی بیدهدنی گفته در سال‌های قبل «شاهد بودیم که رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در را می‌بندد، تصمیمات را می‌گیرد و تا زمان اجرای این تصمیمات، مردم و جامعه نخبگانی متوجه آن نشده‌اند.»

طی سه سال گذشته شده است. حمید ظهرابی با اشاره به برکناری ۵۰ تا ۶۰ نفر از مدیران باسابقه و باتجربه در این سازمان در طول فعالیت دولت رئیسی گفته «بسیاری از مدیرانی که در این دوره کنار گذاشته شدند، سال‌ها در دولت‌های مختلف اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب کار کرده بودند و در سازمان محیط‌زیست، معمولاً انجام این حجم از تغییرات جناحی مرسوم نبود؛ به نحوی که به نظر می‌رسد در دولت سیزدهم، پروژه خالص‌سازی در سازمان محیط‌زیست هم اجرا شد و با این که وعده داده بودند چهره‌های جوانی را جایگزین خواهند کرد، اما همین اصل جوانگرایی را هم مورد توجه قرار ندادند و نتوانستند انتخاب‌های خوب و سازنده‌ای انجام دهند.»

او توضیح داده که ناکارآمدی ریاست سازمان حفاظت محیط زیست سبب سقوط رتبه شاخص عملکرد محیط زیستی ایران در شده است: «در سال ۲۰۰۴، رتبه شاخص عملکرد محیط‌زیستی ایران در دنیا ۵۲ بود، اما این عدد در سال ۲۰۲۰ به ۶۷ تنزل پیدا کرد و در سال ۲۰۲۲ هم این عدد به ۱۳۳ رسید؛ یعنی در طول حدود دو دهه گذشته، جایگاه کشورمان از نظر شاخص ارزیابی عملکرد محیط‌زیستی، ۸۰ رتبه در سطح جهان کاهش یافته که بیش از ۵۰ رتبه از آن مربوط به دولت سیزدهم بوده است.»

حمید ظهرابی نیز تأکید کرده که «رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست باید در انتصاب‌های خود به رزومه و شناسنامه کاری افراد توجه کند و نباید با این ادعا که قصد دارد نیروی جوان و تازه‌نفس به میدان بیاورد، افرادی را بدون انجام بررسی‌های کافی در سمت‌های مدیریتی حساس سازمان مستقر کند، زیرا خروجی چنین انتصاب‌هایی، اتخاذ تصمیمات نادرست مدیریتی خواهد بود.»

مسعود پزشکیان در حالی ظاهراً از جناح اصلاح‌طلب وارد رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری شد اما در هفته‌های گذشته عملکردی متفاوت از انتظار اصلاح‌طلبان داشته است. او وزرای ترکیبی از جریان اعتدالگرا و اصولگرا را به مجلس معرفی کرده و در سطوح معاونت‌ها نیز همچنان درگیری‌های پشت پرده برای گرفتن سهم هر یک جناحین حکومت از دولت چهاردهم در جریان است.

بر اساس گزارش‌ها، یکی از گزینه‌های مطرح برای ریاست سازمان محیط زیست، شینا انصاری متولد سال ۱۳۵۲ در تهران و از مدیران سازمان حفاظت محیط زیست است. گزینه‌ای که از سوی فعالان محیط زیست با حمایت برای ریاست بر سازمان حفاظت از محیط زیست روبرو شده اما به نظر می‌رسد جریان یا جریاناتی برای نرسیدن او به کرسی ریاست سازمان حفاظت محیط زیست در تلاش هستند.

فعالان محیط زیست او را فردی کاردان و دارای تخصص و پشتکار عملی در زمینه محیط زیست می‌دانند. شینا انصاری در اسفند ماه سال ۱۳۸۱ به عنوان سرپرست اداره تازه تاسیس محیط زیست شهرستان ری منصوب شد و در سال ۱۳۸۴ در مسئولیت سرپرست اداره محیط زیست تهران و سپس معاون اداره کل محیط زیست استان تهران قرار گرفت. وی در سال ۱۳۸۹ به سمت معاونت فنی اداره کل محیط زیست استان البرز و در سال ۱۳۹۲ به عنوان مدیرکل دفتر پایش فراگیر آلودگی سازمان حفاظت محیط زیست منصوب شد.

انصاری دو دوره تخصصی آلودگی هوا و پایش گازهای گلخانه‌ای را در کشور ژاپن در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۶ گذرانده است. دوره‌های تغییر اقلیم و ساختمان‌های سبز (سنگاپور)، محیط زیست دریایی منطقه راپمی (امارات)، حفاظت از لایه ازن (ژاپن) و همچنین فناوری‌های سبز (اتریش) از جمله دوره‌های آموزشی ضمن خدمت وی است.

وی چندین کتاب در زمینه محیط زیست به رشته تحریر درآورده و همچنین مقالات تخصصی در مجلات علمی و یادداشت‌های متعددی درباره مسائل و معضلات محیط زیستی کشور در روزنامه‌ها از وی منتشر شده است.

به نظر می‌رسد سازمان حفاظت محیط زیست یکی از کانال‌های رانته قدرت و ثروت در ساختار جمهوری اسلامی است و به همین دلیل تلاش گروه‌های مختلف برای تصاحب این سازمان با شدت در جریان است.

در همین رابطه حمید ظهرابی از مدیران سازمان حفاظت محیط زیست که خودش نیز از جمله گزینه‌های ریاست این سازمان است در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته عواملی مانند «شکل‌گیری برخوردهای سیاسی و جناحی در سازمان محیط‌زیست» سبب تشدید بحران‌ها در این سازمان

جمهوری اسلامی به دنبال همکاری با دو شرکت چینی برای تولید ماهواره‌های جاسوسی

● روزنامه «واشنگتن پست» به نقل از مقامات امنیتی غربی گزارش داد، جمهوری اسلامی برای ارتقای قابلیت‌های جاسوسی خود، به دنبال همکاری با دو شرکت ماهواره‌ای چینی است.

● ارزیابی مقامات امنیتی غربی و منطقه حاکی از احتمال به کار گرفتن این ماهواره‌ها برای اهداف نظامی است و در همین زمینه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال توافق با دو شرکت چینی است که در زمینه ساخت ماهواره‌های کوچک، اما با دوربین‌های قدرتمند فعالیت می‌کنند.

● به گفته این مقامات، جمهوری اسلامی به دنبال گسترش قابلیت‌های خود برای جاسوسی و رصد از راه دور و جمع‌آوری اطلاعات، از جمله تصاویر با کیفیت بالا از اهداف نظامی در اسرائیل و در سراسر خاورمیانه است.

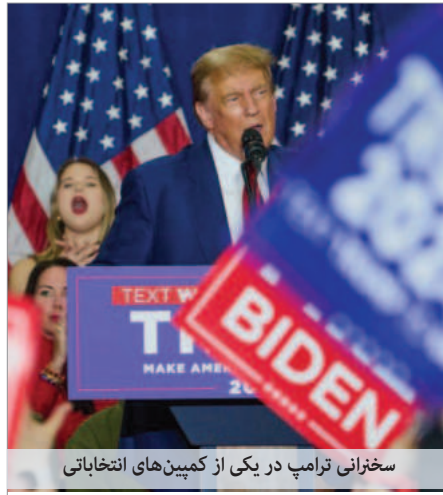
● نهادهای امنیتی هشدار داده‌اند، «توافق جمهوری اسلامی با این شرکت‌های چینی توانایی هدف‌گیری دقیق‌تری را برای موشک‌های بالستیک ایران فراهم می‌کند و سیستم‌های هشدار اولیه مؤثرتری برای شناسایی حملات به آنها ارائه می‌دهد. علاوه بر این، حکومت ایران می‌تواند اطلاعات ماهواره‌ای را با متحدان منطقه‌ای خود، مانند حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان در سوریه و عراق، که قبلاً پایگاه‌های نظامی آمریکا و کشتی‌های تجاری در خلیج فارس را هدف قرار داده‌اند، به اشتراک بگذارد.»

روزنامه «واشنگتن پست» به نقل از مقامات امنیتی غربی گزارش داد، جمهوری اسلامی برای ارتقای قابلیت‌های جاسوسی خود، به دنبال همکاری با دو شرکت ماهواره‌ای چینی است.

این روزنامه در گزارشی که روز جمعه ۱۶ اوت (۲۶ مرداد) منتشر شد، به نقل از مقامات امنیتی غربی و منطقه، نوشت که ارزیابی‌های اطلاعاتی در این زمینه حاکی از احتمال به کار گرفتن این ماهواره‌های جاسوسی برای اهداف نظامی است و در همین زمینه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دنبال توافق با دو شرکت چینی است که در زمینه ساخت ماهواره‌های کوچک، اما با دوربین‌های قدرتمند فعالیت می‌کنند.

به گفته این مقامات، جمهوری اسلامی به دنبال گسترش قابلیت‌های خود برای جاسوسی و رصد از راه دور و جمع‌آوری اطلاعات، از جمله تصاویر با کیفیت بالا از اهداف نظامی در اسرائیل و در سراسر خاورمیانه است.

در ماه‌های اخیر هیأت‌هایی از سپاه پاسداران و دو شرکت چینی تکنولوژی ماهواره‌ای چانگ گوانگ (Chang Guang Satellite Technology Co) و مینواسپیس (Mino-)



سخنرانی ترامپ در یکی از کمپین‌های انتخاباتی

تأثیرگذار می‌داند.

در این بیانیه همچنین آمده، «ما شاهد فعالیت‌های تهاجمی فزاینده ایران در این دوره از انتخابات بوده‌ایم که به ویژه عملیات‌های نفوذی که عموم مردم آمریکا را هدف قرار می‌دهد و عملیات سایبری که کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری را هدف می‌گیرند، در برمی‌گیرد.»

بر اساس این بیانیه، جامعه اطلاعاتی آمریکا مطمئن است که «حکومت ایران از طریق مهندسی اجتماعی و تلاش‌های دیگر به دنبال تماس مستقیم با افرادی بوده‌اند که دسترسی مستقیم به مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری هر دو حزب سیاسی را دارند.»

آنها به ستادهای انتخاباتی اعلام کرده‌اند که تدابیر لازم امنیتی از جمله استفاده از ایمیل‌های رسمی فقط برای امور رسمی، باز نکردن ایمیل‌های مشکوک، به‌روزرسانی نرم‌افزارها و استفاده از اسم رمزهای قوی، و فعال کردن سیستم «حراز هویت چندمرحله‌ای» را در نظر بگیرند.

واکنش جمهوری اسلامی: گزارش فاقد اعتبار است
نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل با رد این گزارش، آن را «بی‌اساس» و «فاقد هرگونه اعتبار» دانست و تأکید کرد ایران، نه انگیزه و نه قصدی برای دخالت در انتخابات آمریکا ندارد. نمایندگی رژیم ایران همچنین از ایالات متحده خواست تا شواهد کافی برای اثبات ادعای خود ارائه دهد و اگر چنین کاری کند، ایران مطابق با آن پاسخ خواهد داد. از دید تحلیلگران امنیتی «مهندسی اجتماعی» در واقع روندی است که طی آن هکرها با هدف دستکاری ذهنی و تأثیرگذاری روی افکار عمومی تلاش می‌کنند به محتوای محرمانه ایمیل‌ها و پیام‌های فردی و سازمانی دسترسی پیدا کنند. روزنامه «فایننشال تایمز» در گزارش خود با اشاره به حملات سایبری مرتبط با جمهوری اسلامی نوشت، «این وضعیت نشان می‌دهد عوامل مورد حمایت حکومت ایران برای دخالت در انتخابات آمریکا فعالیت خود را افزایش داده‌اند.»

برخی معتقدند جمهوری اسلامی تلاش می‌کند دونالد ترامپ دوباره رئیس جمهوری آمریکا نشود. استیون چونگ سخنگوی ستاد انتخاباتی ترامپ در اوایل این ماه گفت، «حکومت ایران می‌داند که ترامپ مانند چهار سال اول حضورش در کاخ سفید، مقابل تروریسم جمهوری اسلامی خواهد ایستاد.»

ترامپ قول داده است که اگر در انتخابات پیروز شود، مواضع سختی علیه رژیم ایران اتخاذ کند و مانع دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای شود.

نهادهای اطلاعاتی آمریکا: جمهوری اسلامی عامل حمله سایبری هکرها به ستادهای انتخاباتی ترامپ و هریس است

● مقامات اطلاعاتی آمریکا می‌گویند، جمهوری اسلامی ایران پشت حمله هکرها به کمپین ریاست جمهوری دونالد ترامپ بوده و همچنین تلاش کرده است تا کمپین انتخاباتی کامالا هریس را نیز به عنوان بخشی از تلاش‌های «تهاجمی فزاینده» تهران برای مداخله در انتخابات به خطر بیندازد.

● پلیس فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی)، دفتر مدیر اطلاعات ملی و سازمان امنیت سایبری و امنیت زیرساخت ایالات متحده در بیانیه‌ای مشترک که دوشنبه ۱۹ اوت (۲۹ مرداد) صادر شد اعلام کردند، اطمینان دارند حکومت ایران مسئول هک ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ است. آنها گفته‌اند این نفوذ سایبری را بخشی از تلاش گسترده‌تر تهران برای مداخله در سیاست آمریکا و بطور بالقوه شکل دادن به نتیجه انتخابات می‌داند.

● مقامات فدرال می‌گویند که عملیات هک و حملات مشابه از جمله «فیشبنگ» (سرقت اطلاعات) با هدف ایجاد اختلاف، سوء استفاده از شکاف در جامعه آمریکا و احتمالاً تأثیرگذاری بر نتیجه انتخاباتی است که رژیم ایران آن را به ویژه از نظر پیامدی که می‌تواند بر منافع آن داشته باشد، تأثیرگذار می‌داند.

سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا می‌گویند، جمهوری اسلامی ایران پشت حمله هکرها به کمپین ریاست جمهوری دونالد ترامپ بوده و همچنین تلاش کرده است تا کمپین انتخاباتی کامالا هریس را نیز به عنوان بخشی از تلاش‌های «تهاجمی فزاینده» تهران برای مداخله در انتخابات به خطر بیندازد. پلیس فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی)، دفتر مدیر اطلاعات ملی و سازمان امنیت سایبری و امنیت زیرساخت ایالات متحده در بیانیه‌ای مشترک که دوشنبه ۱۹ اوت (۲۹ مرداد) صادر شد اعلام کردند، اطمینان دارند حکومت ایران مسئول هک ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ است. آنها گفته‌اند این نفوذ سایبری را بخشی از تلاش گسترده‌تر تهران برای مداخله در سیاست آمریکا و بطور بالقوه شکل دادن به نتیجه انتخابات می‌داند.

پیش از این نهادهای اطلاعاتی آمریکا اعلام کرده بودند که حکومت ایران، در کنار روسیه، چین و کره شمالی کارزار گسترده‌ای برای حملات سایبری علیه آمریکا با هدف اختلال در روند انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده به راه انداخته‌اند.

مقامات فدرال می‌گویند که عملیات هک و حملات مشابه از جمله «فیشبنگ» (سرقت اطلاعات) با هدف ایجاد اختلاف، سوء استفاده از شکاف در جامعه آمریکا و احتمالاً تأثیرگذاری بر نتیجه انتخاباتی است که رژیم ایران آن را به ویژه از نظر پیامدی که می‌تواند بر منافع‌اش داشته باشد،

احتمال انفجار مواد منفجره یا موشک‌های عمل نکرده بسته شود.

دو منبع امنیتی به رویترز گفتند این حمله تلفات جانی نداشت. وزارت بهداشت لبنان گفت که هشت نفر در این حمله مجروح شدند که شش شهروند لبنانی و دو کودک سوری هستند.

این حمله پس از آن صورت گرفت که یک سرباز اسرائیلی در حمله پهبادی حزب‌الله کشته شد.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک منبع نزدیک به حزب‌الله که خواست نامش فاش نشود، نوشت: «حمله‌های اسرائیل در منطقه بقاع، انبارهای تسلیحات حزب‌الله را هدف قرار دادند.»

کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گزارش دادند چندین انبار مهمات حزب‌الله در نقاط مختلف هدف قرار گرفته است.

ارتش اسرائیل پیشتر اعلام کرده بود که در منطقه «دبر

حمله اسرائیل به چند انبار مهمات حزب‌الله در شرق لبنان؛ حذف فرماندهان میدانی «محور مقاومت» ادامه دارد



انفجار عظیم پس از هدفگیری زاغه مهمات حزب‌الله در بعلبک (دره البقاع) / مرداد ۱۴۰۳

القانون» و «طیبه» در جنوب لبنان یکی از فرماندهان نظامی حزب‌الله را هدف قرار داده است.

دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرده بود «حسین علی حسین» از فرماندهان ارشد یگان موشکی حزب‌الله در حمله یک پهباد به ماشین او کشته شده است. پیش از این حسین ابراهیم قصاب روز شنبه در حالی که سوار بر موتورسیکلت بود، در حمله هوایی در نزدیکی شهر ساحلی صور هدف قرار گرفت و کشته شد.

طی هفته اخیر با وجود فشارهای دیپلماتیک دولت‌های غربی، درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله اوج گرفته است.

حزب‌الله و جمهوری اسلامی تهدید کرده بودند که انتقام ترور فؤاد شکر را که در جنوب بیروت و اسماعیل هنیه را که در قلب تهران کشته شدند، خواهند گرفت.

رسانه‌های داخلی جمهوری اسلامی به نقل از منابع لبنانی روز یکشنبه ۱۸ مرداد ویدیویی از یک تونل زیرزمینی تسلیحاتی حزب‌الله منتشر کردند. گفته شد در این «شهر موشکی» هزاران فروند موشک آماده شلیک به اسرائیل است.

رسانه‌های حکومتی از جمله خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی با اشاره به روغمایی موشک «عماد۴» توسط حزب‌الله نوشتند «محرمانه بودن این پایگاه، توانایی‌های موشکی حزب‌الله را برجسته می‌کند، زیرا این تاسیسات در اعماق زمین، دور از دسترس اطلاعات دشمن و مصون از حملات است.»

● جنگنده‌های ارتش اسرائیل شامگاه دوشنبه ۱۹ اوت (۲۰ مرداد) چند انبار مهمات حزب‌الله در نقاط مختلف لبنان را هدف قرار دادند.

● ارتش اسرائیل همچنین انفجارهای پس از حمله اولیه را نشانه «مقادیر زیادی تسلیحات» در این انبار اعلام کرد. این حمله پس از آن صورت گرفت که یک سرباز اسرائیلی در حمله پهبادی حزب‌الله کشته شد.

● دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرده بود «حسین علی حسین» از فرماندهان ارشد یگان موشکی حزب‌الله در حمله یک پهباد به ماشین او کشته شده است. پیش از این حسین ابراهیم قصاب روز شنبه در حالی که سوار بر موتورسیکلت بود، در حمله هوایی در نزدیکی شهر ساحلی صور هدف قرار گرفت و کشته شد.

● جنگنده‌های ارتش اسرائیل شامگاه دوشنبه ۱۹ اوت (۲۰ مرداد) چند انبار مهمات حزب‌الله در نقاط مختلف لبنان را هدف قرار دادند.

اصابت موشک به یکی از این انبارها در «دره بقاع» یک انفجار بزرگ به همراه داشت که در پی آن زنجیره‌ای از انفجارهای ثانویه نیز به وقوع پیوست. ارتش اسرائیل اعلام کرد شدت انفجارها نشان می‌دهد مقادیر زیادی مهمات در آن زاغه ذخیره شده بود.

گفته می‌شود این انبار مهمات در نزدیکی محوطه اداره تحقیقات علمی کشاورزی لبنان قرار داشت. قرار شده در یک اقدام احتیاطی این ایستگاه ظاهراً تحقیقاتی به دلیل

Space) ، با یکدیگر ملاقات کرده‌اند.

شرکت چانگ گوانگ مستقر در چانگ‌چون در شمال شرقی جمهوری خلق چین که ظاهراً رابطه نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران برقرار کرده، ماهواره‌های کوچک و کم‌هزینه (cubesat) را با تجهیزات نوری می‌سازد که از نظر کیفیت تصاویر، با پیشرفته‌ترین ماهواره‌های آمریکا و اتحادیه اروپا رقابت می‌کند. شفافیت تصاویر ماهواره‌های این شرکت سه برابر بیشتر از «ماهواره خیام» ایران است. دو سال پیش، ماهواره خیام با موشک ماهواره‌بر «سایوز» روسیه از ایستگاه فضایی بایکونور قزاقستان به فضا پرتاب شد.

نهاد‌های امنیتی هشدار داده‌اند، «توافق جمهوری اسلامی با این شرکت‌های چینی توانایی هدف‌گیری دقیق‌تری را برای موشک‌های بالستیک ایران فراهم می‌کند و سیستم‌های هشدار اولیه مؤثرتری برای شناسایی حملات به آنها ارائه می‌دهد. علاوه بر این، حکومت ایران می‌تواند اطلاعات



نیروی هوافضای سپاه پاسداران ماهواره اطلاعاتی «نور ۳» را مهرماه ۱۴۰۳ با موشک «قاصد» به مدار زمین پرتاب کرد

ماهواره‌ای را با متحدان منطقه‌ای خود، مانند حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان در سوریه و عراق، که قبلاً پایگاه‌های نظامی آمریکا و کشتی‌های تجاری در خلیج فارس را هدف قرار داده‌اند، به اشتراک بگذارد.»

جمهوری خلق چین همواره یک شریک نظامی حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران بوده اگرچه پکن فروش تسلیحات خود به تهران را در اواسط دهه ۲۰۰۰ همزمان با تحریم‌های بین‌المللی کاهش داد. با این حال، این رابطه در سال‌های اخیر احیا شده و چین در سال ۲۰۱۵ فناوری ناوربری مبتنی بر ماهواره‌ای را به ایران عرضه کرد که دقت موشک‌ها و پهبادهای ایرانی را بهبود بخشید. این همکاری تجدید شده تحت توافقنامه ۲۰۲۱ شامل تعهد به تمرینات نظامی مشترک و پیشرفت‌های آتی در هواپیماها و هلیکوپترها است.

واشنگتن پست در ادامه می‌نویسد، «با اینهمه پکن در مورد ارائه کمک‌های نظامی مستقیم که می‌تواند تنش‌ها در خاورمیانه را تشدید کند، محتاط است. منافع استراتژیک چین در منطقه، به ویژه روابط اقتصادی آن با عربستان سعودی و امارات، یک اقدام موازنه دقیق در دیکته می‌کند. اولویت چین اجتناب از اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه شرکت‌هایش و همچنین پرهیز از کمک به بی‌ثباتی است که می‌تواند عرضه نفت حیاتی از خلیج فارس را مختل کند.»

اختلاف بین رجب طیب اردوغان و پسران اسماعیل هنیه بر سر سه میلیارد دلار پول

نابودی اسرائیل اعلام کرده، می‌ایستند. همدردی با فلسطینیان در جامعه قطبی‌شده ترکیه گسترده است. بسیاری از ترک‌ها واقعاً از ویرانی گسترده و مرگ غیرنظامیان وحشت‌زده‌اند و به همین دلیل سیاستمداران ترکیه بیشتر از انتقاد از اسرائیل سود می‌برند تا اینکه درباره نگرانی‌های امنیتی آن صحبت کنند. مقامات و چهره‌های نزدیک به حزب حاکم «عدالت و توسعه» نیز روابط شخصی با رهبران حماس دارند که به سال‌ها قبل برمی‌گردد. اردوغان شخصاً هنیه را می‌شناخت. جفری ال فلیک سفیر ایالات متحده در ترکیه، این هفته به خبرنگاران گفت، هاکان فیدان وزیر خارجه و رئیس اطلاعات سابق ترکیه، اغلب با هنیه ملاقات می‌کرد و گاهی پیام‌هایی از ایالات متحده به او می‌رساند. هفته گذشته اما فیدان طی یک کنفرانس مطبوعاتی با همتای خود از مونته‌نگرو، روش معمول خود را کنار گذاشت تا به اسرائیل حمله کند. وی گفت: «همدستان کشتار در غزه نباید بدون مجازات بماند. این قاتلان باید دیر یا زود در دادگاه‌های بین‌المللی پاسخگو باشند».

او همچنین از کشورهایی که به اسرائیل کمک نظامی می‌فرستند انتقاد کرد. فیدان نامی از این کشورها نبرد، اما ایالات متحده بزرگترین تأمین‌کننده سلاح برای اسرائیل است. فیدان گفت: «بسیار واضح است که چه کسی تنش‌ها را تشدید می‌کند. صورتحساب را به مقصد اشتباه نفرستید. راه صلح و آرامش در خاورمیانه از طریق مهار دیوانگی اسرائیل می‌گذرد». در این میان، مشخص نیست دعوت از محمود عباس به آنکارا بخشی از یک پیشنهاد سیاسی خاص از سوی ترکیه بوده یا نه. عباس نیز به دنبال راه حل دو کشوری با اسرائیل است. مقامات ایالات متحده پیشنهاد کرده‌اند که وی به عنوان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین- رقیب سرسخت حماس- می‌تواند به اداره غزه پس از جنگ کمک کند، ایده‌ای که نتایج آن را رد کرده است. اما اردوغان هفته گذشته به اعضای حزبش گفت که قبل از ترور هنیه، ترکیه قصد داشت از او برای سخنرانی در پارلمان این کشور دعوت کند.

با وجود لفاظی‌های تند، ترکیه روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع نکرده، اگرچه این روابط کاهش یافته و ترکیه تعلیق تجاری اعلام کرده است.

«نیویورک تایمز» در ادامه می‌نویسد، ترکیه همچنین پیشنهاد کرده است که به عنوان «ضامن» آتش‌بس غزه با حماس در ترتیبی که بر اساس آن ایالات متحده پایبندی اسرائیل را تضمین می‌کند، عمل کند. اما این پیشنهاد نیز مورد توجه قرار نگرفت.

فلیک سفیر ایالات متحده در ترکیه گفت که با وجود مرگ اسماعیل هنیه، ترکیه و ایالات متحده همچنان هدف مشترکی دارند.

او گفت: «می‌توان تصور کرد که دشوار است، اما ما هر دو، دو کشور ما، به دنبال یک چیز هستیم: آتش‌بسی که به نوعی صلح پایدار منجر شود».

با اینهمه وی معتقد است که اظهارات ضد اسرائیلی و طرفداری از حماس توسط رهبران ترکیه، ایفای نقش مرکزی ترکیه در مذاکرات آتش‌بس، نقشی مانند قطر و مصر، را دشوار کرده. او گفت: «در ارتباط با ایفای نقش میانجی، این سخن‌پراکنی‌ها کار را بسیار دشوار می‌کند».



دیدار اردوغان و یکی از پسران هنیه در استانبول

کند همانطور که وارد قره‌باغ شدید و همانطور که وارد لیبی شدید ممکن است با آنها هم همین کار را کنیم». اسرائیل کاتز در واکنش به این اظهارات اردوغان در شبکه «ایکس» با انتشار عکسی از صدام پس از دستگیری به همراه عکس اردوغان با عینک دودی و چفیه‌ای از پرچم ترکیه و فلسطین نوشت: «اردوغان راه صدام حسین را دنبال کرده و اسرائیل را به حمله تهدید می‌کند... ولی بهتر است به یاد داشته باشد که پایان صدام چگونه بود».

اردوغان از حامیان سرسخت رهبران حماس بارها اسرائیل و مقامات آن را با الفاظ و عبارات تند تهدید کرد. در واکنش به این تهدیدات نیز اسرائیل کاتز گفته بود اردوغان «ماهه رسوایی میراث آتاتورک» است. وی حتی عضویت ترکیه در «ناتو» را به پرسش کشید.

اینهمه در حالیکه ترکیه با وجود نزدیکی به رهبران گروه تروریستی حماس در «مذاکرات دوحه» حضور ندارد اما تلاش می‌کند به هر شکلی در مسئله فلسطین و حماس نقش کلیدی ایفا کند. ولی به نظر می‌رسد برای این کار با مواضع زیادی روبروست.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی با اشاره به سفر محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی به آنکارا می‌نویسد، هرچند اردوغان در سخنرانی‌های خود علیه اسرائیل صحبت می‌کند و بنیامین نتانیاهو را «خون‌آشام» خوانده است، اما با اینهمه بطور رسمی از راه حل دو کشوری برای مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها حمایت می‌کند و ظاهراً با هدف حماس برای محو کردن اسرائیل از نقشه جهان در تضاد قرار دارد.

در این گزارش آمده، از زمان شروع جنگ در غزه، ترکیه موضعی را اتخاذ کرده که به گفته مقامات و تحلیلگران ترک، ناشی از حمایت از فلسطینی‌ها، خشم از تلفات بالای غیرنظامیان و سیاست‌های داخلی کشور است. ترکیه برخلاف بسیاری از کشورهای با اکثریت مسلمان، اسرائیل را از نظر دیپلماتیک به رسمیت می‌شناسد و می‌خواهد در پایان دادن به جنگ غزه نقشی ایفا کند، در حالی که رهبران آن بطور همزمان در کنار حماس، گروهی که هدف خود را

● همزمان با برگزاری مذاکرات دوحه برای توقف جنگ در غزه، وزیر خارجه اسرائیل افشا کرد که بین رئیس جمهوری ترکیه و پسران اسماعیل هنیه رهبر حماس که در تهران ترور شد بر سر مبلغ هنگفتی از پول‌های هنیه در بانک‌های ترکیه اختلاف پیش آمده است.

● آنطور که اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل روز جمعه ۱۶ مرداد (۲۶ اوت) در «ایکس» ادعا کرده، اسماعیل هنیه به حساب خودش در بانک‌های ترکیه سه میلیارد دلار پول دارد که پسرانش به دنبال دریافت آن هستند اما رجب طیب اردوغان این مبالغ را آزاد نکرده است.

● کاتز تأکید کرد: «رد پای پول را دنبال کن» یک جمله معروف است. در این مورد، آدرس مشخص است!»

● جفری فلیک سفیر آمریکا در آنکارا به «نیویورک تایمز» می‌گوید: «اظهارات ضد اسرائیلی و طرفداری از حماس توسط رهبران ترکیه، ایفای نقش مرکزی ترکیه در مذاکرات آتش‌بس، نقشی مانند قطر و مصر، را دشوار کرده. او گفت: «در ارتباط با ایفای نقش میانجی، این سخن‌پراکنی‌ها کار را بسیار دشوار می‌کند».

همزمان با برگزاری مذاکرات دوحه برای توقف جنگ در غزه، وزیر خارجه اسرائیل افشا کرد که بین رئیس جمهوری ترکیه و پسران اسماعیل هنیه رهبر حماس که در تهران ترور شد بر سر مبلغ هنگفتی از پول‌های هنیه در بانک‌های ترکیه اختلاف پیش آمده است.

آنطور که اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل روز جمعه ۱۶ مرداد (۲۶ اوت) در «ایکس» ادعا کرده، اسماعیل هنیه به حساب خودش در بانک‌های ترکیه سه میلیارد دلار پول دارد که پسرانش به دنبال دریافت آن هستند اما رجب طیب اردوغان این مبالغ را آزاد نکرده است.

کاتز در اینباره نوشت، «این هفته درگیری بین اردوغان و پسران اسماعیل هنیه رخ داد که خواستار سه میلیارد دلاری بودند که در حساب‌های بانکی ترکیه به نام پدرشان نگهداری می‌شود. اردوغان از آزاد ساختن این مبلغ خودداری کرد».

وی در ادامه پرسیده، «هنیه که در اردوگاه آوارگان الشاطی متولد شده چگونه چنین ثروتی به دست آورده؟ اگر این پول به دست فلسطینی‌های غزه می‌رسید، چند نفر از آنها می‌توانستند زندگی بهتری داشته باشند؟ و از همه مهمتر ارتباط اردوغان با این پول چیست؟»

کاتز در پایان تأکید کرده «رد پای پول را دنبال کن» یک جمله معروف است. در این مورد، آدرس مشخص است!»

اختلاف اردوغان و پسران هنیه (عبدالسلام و همام هنیه) بر سر پول چند روز پس از دیدار آنها در استانبول مطرح شد. طبق گزارش روزنامه «صبح» ترکیه، ابراهیم کالین رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه (میت) و صفر توران مشاور ارشد اردوغان نیز در این دیدار حضور داشتند.

روابط ترکیه و اسرائیل پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل تیره شد، زیرا اردوغان مخالف عملیات نظامی در غزه علیه حماس است. ترکیه از آغاز شروع جنگ در غزه روابط تجاری خود با اسرائیل را کاهش داد و اردوغان در چند سخنرانی مواضع بسیار تندی علیه اسرائیل گرفت.

رئیس جمهوری ترکیه یکشنبه ۲۸ ژوئیه (هفتم مرداد) در یک جلسه حزبی در مورد ادامه جنگ در غزه گفته بود، «ما باید خیلی قوی باشیم تا اسرائیل نتواند به فلسطین حمله

خبری از «خونخواهی فوری» اسماعیل هنیه نشد مصلحت نظام فعلاً «عقب‌نشینی تاکتیکی» است!



تشییع جنازه اسماعیل هنیه در تهران

مراسم اربعین موکول شده زیرا بخشی از تمرکز حکومت روی تأمین امنیت این مراسم است و بخش زیادی از امکانات از جمله در بخش درمانی شامل آمبولانس و پزشک و نیروهای امدادگر برای این مأموریت اعزام شده‌اند. وبسایت اسرائیلی «وای نت» گزارش داد که مقامات ارشد سرویس‌های امنیتی این کشور به وزرای اسرائیل هشدار داده‌اند که حمله جمهوری اسلامی و حزب‌الله ممکن است به شکل ترور شخصیت‌های بلندپایه انجام شود. بعضی منابع داخلی نیز مطرح کرده‌اند که جمهوری اسلامی بجای حمله نظامی، ضربه امنیتی به اسرائیل خواهد زد. سعدالله زارعی از تحلیلگران نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اما می‌گوید «ضربه امنیتی دردناک نیست، به همین دلیل هم مطلوب اسرائیل است و چنین گزاره‌هایی را در افکار عمومی مطرح می‌کنند. در واقع طرف‌های مقابل دوست دارند ما پاسخ امنیتی بدهیم تا اینکه بخواهیم از نقطه برتری خود استفاده کنیم.»

در ایران از تریبون‌های نماز جمعه به حامیان نظام وعده داده می‌شود که «انتقام قطعی» است اما همزمان آیه جمعه برای آنها در مورد «ضرورت صبر» روضه و خطبه می‌خوانند. بسیاری از تحلیلگران می‌گویند انتقام برای جمهوری اسلامی از واجبات است زیرا اگر از آن صرف نظر کند باز هم ضربه خواهد خورد اما مسئله اینجاست که در صورت تلافی نیز تضمینی نیست که نظام مجدد ضربه‌ی دیگری نخورد. چنانکه عملیات «وعده صادق» که طی آن صدها موشک و پهپاد به اسرائیل پرتاب شد، نه تنها «بازدارنده» نبود بلکه سه ماه پس از آن هنیه در تهران و در اقامتگاه به اصطلاح «امن» ترور شد. واقعیت آن است که تا همینجا هم جمهوری اسلامی بازنده جنگ ترکیبی با اسرائیل است زیرا هنیه در حالی در قلب تهران در یک هتل حفاظت شده ترور شد که رژیم در مقابل هنوز نتوانسته پاسخی به این ضربه امنیتی بدهد. در جدال‌های امنیتی و درگیری‌های نظامی اگر میزان تهدیدات کلامی با سطح عمل در میدان واقعیت همخوانی نداشته باشد، زمینه‌ساز ضربات بعدی خواهد شد. ضعفی که سال‌هاست گریبان جمهوری اسلامی را گرفته است.

حرف‌ها «عقب‌نشینی تاکتیکی» در مقابل دشمن را تأیید کرده است. این حرف درست زمانی زده شد که خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات جمهوری اسلامی گزارش داد، «در صورت آتش‌بس در غزه به اسرائیل حمله نمی‌کنیم.»

همزمان جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا نیز گفت، «انتظار دارم» جمهوری اسلامی در صورت آتش‌بس در غزه، به اسرائیل حمله نکند. این‌که جمهوری اسلامی از ترس واکنش‌های اسرائیل و متحدانش از خونخواهی هنیه منصرف شود یا نه مشخص نیست اما به نظر می‌رسد درون نظام برسر این اقدام و حتا نوع آن اختلاف زیاد است. سردار پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تهدید کرده که حتا اگر در غزه آتش‌بس شود «پاسخ اسرائیل» را خواهیم داد.

وی در مصاحبه با وبسایت «دیدهبان ایران» که ۲۸ مرداد منتشر شد گفت، «ما نباید هیچ‌گاه برای انجام عملیاتی که می‌تواند بسیار بزرگ باشد، عجله کنیم» و «با توجه به اینکه رژیم اسرائیل به سرزمین ما تجاوز کرده است، نباید کسی اینطور تصور کند که اگر در غزه آتش‌بس اعلام شود، ما هم از حق خودمان گذشت خواهیم کرد.»

کوثری در پاسخ به این پرسش که آیا صحبت‌های خامنه‌ای درباره عقب‌نشینی تاکتیکی، ارتباطی به احتمال دست کشیدن ایران از ارائه پاسخ به اسرائیل دارد یا نه، گفت که «افراد می‌توانند تحلیل‌های متفاوتی» از حرف‌های خامنه‌ای داشته باشند، اما «ن نباید کسی اینطور تصور کند که اگر در غزه آتش‌بس اعلام شود، ما هم از حق خودمان گذشت خواهیم کرد و ما می‌توانیم امروز، فردا یا هر زمان دیگری این پاسخ را ارائه کنیم و هر زمان که خود ما تصمیم بگیریم و اراده کنیم، بر اساس مصالح خودمان و تدابیر هوشمندانه‌ای که اتخاذ خواهد شد، نسبت به انجام عملیات برنامه‌ریزی شده، اقدام خواهیم کرد.»

برخی منابع رسانه‌ای از جمله «نیویورک تایمز» به نقل از منابع ناشناس و تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که پاسخ رژیم ایران به اسرائیل به بعد از مذاکرات آتش‌بس موکول می‌شود. بعضی منابع نیز می‌گویند این واکنش به بعد از برگزاری

● دو هفته بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران در شرایطی که حزب‌اللهی‌ها از نظام توقع «انتقام فوری» و «فلج‌کننده» داشتند، تأخیر در «خونخواهی» و «مجازات سخت» آنها را سرخورده کرده است.

● طرفداران حکومت چشم‌انتظار عمل به «اقتدار نظام» با اقدامی در تراز ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران، علیه اسرائیل‌اند و همزمان مخالفان حکومت تأخیر در واکنش به ترور هنیه را ناشی از ترس خامنه‌ای و سپاه پاسداران از پیامدهای پس از آن می‌دانند. خود خامنه‌ای گفته است: «عقب‌نشینی تاکتیکی عیبی ندارد.»

● برخی منابع رسانه‌ای از جمله «نیویورک تایمز» به نقل از منابع ناشناس و تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند که پاسخ رژیم ایران به اسرائیل به بعد از مذاکرات آتش‌بس موکول می‌شود.

● بعضی منابع نیز می‌گویند این واکنش به بعد از برگزاری مراسم اربعین موکول شده زیرا بخشی از تمرکز حکومت روی تأمین امنیت این مراسم است و بخش زیادی از امکانات از جمله در بخش درمانی شامل آمبولانس و پزشک و نیروهای امدادگر برای این مأموریت اعزام شده‌اند.

● وبسایت اسرائیلی «وای نت» گزارش داد که مقامات ارشد سرویس‌های امنیتی این کشور به وزرای اسرائیل هشدار داده‌اند که حمله جمهوری اسلامی و حزب‌الله ممکن است به شکل ترور شخصیت‌های بلندپایه انجام شود.

دو هفته بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران در شرایطی که حزب‌اللهی‌ها از نظام توقع «انتقام فوری» و «فلج‌کننده» داشتند، تأخیر در «خونخواهی» و «مجازات سخت» آنها را سرخورده کرده است.

طرفداران حکومت چشم‌انتظار عمل به «اقتدار نظام» با اقدامی در تراز ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران، علیه اسرائیل‌اند و همزمان مخالفان حکومت تأخیر در واکنش به ترور هنیه را ناشی از ترس خامنه‌ای و سپاه پاسداران از پیامدهای پس از آن می‌دانند. حکومت برای انتقام از اسرائیل زیر فشار حامیان خود قرار دارد اما همزمان دولت‌های غربی با فشارهای دیپلماتیک و نمایش قدرت نظامی در منطقه اعلام کردند که مسئول هرگونه اقدام علیه اسرائیل و افزایش تنش‌ها در منطقه جمهوری اسلامی خواهد بود.

در چنین شرایطی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به فرمانده کل قوا در سخنانی که ۲۵ مرداد ایراد شد، «بدخواهان ایران» را متهم کرد که برای «به عقب‌نشینی واداشتن ملت ایران» به ایجاد جنگ روانی و هراس‌آفرینی روی آورده‌اند. خامنه‌ای یکی از پایه‌های اصلی این جنگ روانی را «بزرگمایی از توانایی‌های دشمنان» خواند و افزود که از آغاز تأسیس حکومت دینی در ایران دشمنان «به شیوه‌های مختلف به ملت ما تفهیم و القاء می‌کردند که باید از آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها [بترسد].»

وی سپس «احساس ضعف و انزوا و تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های دشمن را از آثار بزرگمایی توان آن» دانست و افزود، «عقب‌نشینی غیرتاکتیکی» در هر عرصه‌ای از جمله نظامی «غضب الهی را به دنبال دارد» اما گفت: «عقب‌نشینی تاکتیکی عیبی ندارد.»

به نظر می‌رسد روی سخن خامنه‌ای با جریان‌های داخلی است که مخالف انتقام از اسرائیل هستند و آن را به ضرر نظام می‌دانند هرچند برخی معتقدند خامنه‌ای با این

تحریم ۱۸ نفتکش وابسته به «سپاه قدس» با تصویب وزیر دفاع اسرائیل ادعای «هاآرتص» در مورد احتمال توقیف کشتی‌ها

فراخوان «سازمان حقوق بشر ایران» برای حمایت از کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»؛ ۸۵ اعدام در ۲۰ روز



● زندانیان شرکت‌کننده در «کارزار سه‌شنبه‌های سپاه نه به اعدام» در آخرین بیانیه خود با اشاره به احکام اعدام صادر شده برای زندانیان سیاسی در هفته‌های اخیر، از همه وجدان‌های بیدار در داخل و خارج کشور خواسته‌اند تا با همه توان علیه اعدام پیا خاسته و از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به هر شکل ممکن حمایت کنند.

● محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفت: «یک کارزار پایدار و جنبش همگانی تنها راه متوقف کردن ماشین اعدام جمهوری اسلامی و لغو این مجازات غیرانسانی‌ست. اکنون زندانیانی که هر هفته شاهد اعدام هم‌بندیان خود هستند این کارزار را آغاز کرده‌اند.»

● کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» سی‌امین هفته خود را پشت سر گذاشته و در حال فراگیر شدن در زندان‌های سراسر کشور است. مقارن با این کارزار، اعتراض‌های مدنی علیه مجازات اعدام نیز به اشکال مختلف در ایران ادامه یافته است.

بر اساس گزارش‌های سازمان حقوق بشر ایران در بیست روز گذشته دست‌کم ۸۵ نفر در ایران اعدام شده‌اند. همزمان با افزایش شمار اجرای احکام اعدام در زندان‌های ایران، کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» سی‌امین هفته خود را پشت سر گذاشته و در حال فراگیر شدن در زندان‌های سراسر کشور است. مقارن با این کارزار، اعتراض‌های مدنی علیه مجازات اعدام نیز به اشکال مختلف در ایران ادامه یافته است. سازمان حقوق بشر ایران ضمن حمایت از کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» از عموم مردم دعوت می‌کند تا برای توقف ماشین کشتار جمهوری اسلامی، به این کارزار بپیوندند.

محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان گفت: «یک کارزار پایدار و جنبش همگانی تنها راه متوقف کردن

نیز با دور زدن تحریم‌های بین‌المللی و نقض قوانین ایمنی دریایی و محیط زیست آن را به بازارهای خارجی منتقل می‌کند. اشاره این نهاد به «نقض قوانین ایمنی دریایی» مربوط به خاموش کردن سیستم موقعیت‌یاب این نفتکش‌ها برای دور ماندن از رصد و نظارت‌هاست که بسیار خطرناک است. در ارتباط با این تحریم‌ها روزنامه «هاآرتص» گزارش داد اسرائیل می‌خواهد «ناو شیخ» جمهوری اسلامی را به دام اندازد و یوآو گالانت وزیر دفاع این کشور دستور «توقیف» این نفتکش‌ها را صادر کرده است.

به نظر می‌رسد اسرائیل و آمریکا در یک اقدام ضد تروریستی به دنبال گزینه‌های جدید برای قطع تأمین مالی گروه‌های شبه‌نظامی منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران هستند. تعداد زیادی از نفتکش‌های متعلق یا وابسته به جمهوری اسلامی حامل نفت، گاز و میعانات اقدام به حمل محموله‌هایی می‌کنند که توسط شرکت‌های پوششی و

● دولت اسرائیل در اقدامی بی‌سابقه ۱۸ نفتکش جمهوری اسلامی را که بخشی از شبکه تأمین مالی «سپاه قدس» و حماس و حزب‌الله را تشکیل می‌دهند، تحریم کرد.

● «دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم» اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحریم این نفتکش‌ها در راستای کارزار اقتصادی اسرائیل علیه سازمان‌های تروریستی «از جمله نیروی قدس، حزب‌الله و حماس» است و یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل آن را تصویب کرده است.

● این دفتر همچنین اعلام کرد «محموله‌های نفتی این ۱۸ نفتکش، سهمیه‌ای است که جمهوری اسلامی برای سپاه قدس تعیین کرده و سپاه پاسداران نیز با دور زدن تحریم‌های بین‌المللی و نقض قوانین ایمنی دریایی و محیط زیست آن را به بازارهای خارجی منتقل می‌کند.»

دولت اسرائیل روز پنجشنبه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد) در اقدامی بی‌سابقه ۱۸ نفتکش جمهوری اسلامی را که بخشی



نفتکش «آرمان ۱۱۴» در حال انتقال محموله نفت خود را نفتکش «تینوس» / عکس: رویترز

دلالت‌های بین‌المللی به فروش می‌رسند و پول آن در ازای دستمزدهای سنگین به جیب حکومت سرازیر می‌شود.

برخی منابع گزارش دادند وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اقدامی مشابه اسرائیل به اجرا خواهد گذاشت هرچند در دولت دونالد ترامپ ده‌ها کشتی ایران تحت تحریم قرار گرفت اما در نهایت نظارت بر اجرای آن تحریم‌ها در دولت جو بایدن به شدت کاهش پیدا کرد.

وبسایت تخصصی ردیابی نفتکش‌ها «تانکر ترکرز» یک هفته پیش از (۱۹ مرداد) گزارش داد، ایران در حال حاضر دو میلیون بشکه نفت خام در روز صادر می‌کند. این رقم تقریباً چهار برابر بیشتر از زمانی است که در سال ۲۰۱۹ تحریم‌های آمریکا اجرایی شد.

تحریم این ۱۸ نفتکش در شرایطی صورت گرفت که گفته می‌شود نیروهای مسلح جمهوری اسلامی آماده «انتقام» ترور اسماعیل هنیه از اسرائیل هستند.

از شبکه تأمین مالی «سپاه قدس» و حماس و حزب‌الله را تشکیل می‌دهند، تحریم کرد.

«دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم» اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد که تحریم این نفتکش‌ها در راستای کارزار اقتصادی اسرائیل علیه سازمان‌های تروریستی «از جمله نیروی قدس، حزب‌الله و حماس» است و یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل آن را تصویب کرده است.

این نهاد توضیح داد، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد‌های حاصل از فروش نفت را که توسط این نفتکش‌ها حمل می‌شود برای «تأمین مالی و تقویت سازمان‌های تروریستی از جمله حزب‌الله و حماس» مورد استفاده قرار می‌دهد.

«دفتر ملی مقابله با تأمین مالی تروریسم» اسرائیل اعلام کرد، محموله‌های نفتی این ۱۸ نفتکش، سهمیه‌ای است که جمهوری اسلامی برای سپاه قدس تعیین کرده و سپاه پاسداران

میانجی در دوحه قطر از روز پنجشنبه ۱۵ مرداد مذاکرات برای توقف جنگ در غزه و تبادل گروگان‌ها را پیش می‌برند آنهم در حالی که نمایندگان اسرائیل در این مذاکرات حضور داشتند اما نمایندگان حماس غیبت کردند!

جان کرپی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «این مذاکرات حیاتی است. موانع باقیمانده می‌توانند از میان برداشته شوند و ما باید این فرآیند را به انجام برسانیم.» یک مقام آمریکایی نیز به رویتزر گفت مذاکرات «سازنده» بود. ویسایت روزنامه اسرائیلی «یدیعوت آحارانوت» گزارش داد، پس از مذاکرات روز اول در دوحه، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست‌وزیر قطر با مقامات تهران گفتگو کرده و آنها را در جریان آخرین پیشرفت‌ها در این مذاکرات قرار داده است.

این روزنامه به نقل از یک منبع بلندپایه از یکی از «کشورهای میانجی» ادعا کرد که نخست‌وزیر قطر در جریان این گفتگو، خطاب به مقامات ایران گفته است: «شما باید بطور کامل به ارزیابی این موضوع بپردازید که آیا درست زمانی که پیشرفت‌هایی در مذاکرات به وجود آمده، حمله به اسرائیل به صلاح شما یا حزب‌الله است یا نه؟»

«یدیعوت آحارانوت» در بخش دیگری از این گزارش نوشت، به نظر می‌رسد این تماس تلفنی موثر بوده زیرا مقامات یکی از کشورهای میانجی دریافتند که حزب‌الله فعلاً هر اقدامی در راستای تصمیم قبلی خود مبنی بر حمله به اسرائیل را متوقف کرده است. بر اساس همین گزارش، تیم اسرائیل نیز پیشنهاد

«واشنگتن پست»: «تماس نخست وزیر قطر با ایران» و احتمال خودداری حزب‌الله از حمله به اسرائیل در زمان برگزاری مذاکرات غزه

● روزنامه «اورشلیم پست» صبح جمعه ۱۶ اوت (۲۶ مرداد) به نقل از «واشنگتن پست» از قول یک منبع نزدیک به حزب‌الله نوشت که این گروه قصد ندارد در جریان مذاکرات قطر بر سر توقف جنگ در غزه دست به عملیات تلافی جویانه علیه اسرائیل بزند.

● این روزنامه به نقل از یک منبع بلندپایه از یکی از «کشورهای میانجی» ادعا کرد که نخست‌وزیر قطر در جریان این گفتگو، خطاب به مقامات ایران گفته است: «شما باید



بیلبورد اسماعیل هنیه رهبر حماس، قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» و فؤاد شکر فرمانده ارشد حزب‌الله در بیروت / رویترز

نخست‌وزیر قطر برای ماندن در دوحه برای ادامه مذاکرات در روز جمعه را با وجود نگرانی‌های امنیتی درباره ماندن در پایتخت قطر پذیرفته است که نشانه دیگری از پیشرفت مذاکرات است. رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه دهم مرداد ساعاتی پس از ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در شمال تهران، در بیانیه‌ای تهدید کرد که اسرائیل با این اقدام «زمینه مجازات سختی را برای خود فراهم ساخت!» وی گفت که خونخواهی هنیه را که در حریم جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید، وظیفه خود می‌دانیم. خامنه‌ای در پیام خود گفته بود «رژیم صهیونی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما را در خانه‌ی ما به شهادت رسانید و ما را داغدار کرد، ولی زمین‌های مجازاتی سخت برای خود را نیز فراهم ساخت.»

پیش از این آمریکا و اسرائیل پیش‌بینی کرده بودند حزب‌الله به زودی و در چند روز یا هفته آینده به ترور فؤاد شکر واکنش نشان خواهد داد.

بطور کامل به ارزیابی این موضوع بپردازید که آیا درست زمانی که پیشرفت‌هایی در مذاکرات به وجود آمده، حمله به اسرائیل به صلاح شما یا حزب‌الله است یا نه؟»

منابع اسرائیلی گزارش دادند که احتمال دارد حزب‌الله از انجام عملیات علیه اسرائیل در انتقام ترور فؤاد شکر و اسماعیل هنیه همزمان با برگزاری مذاکرات آتش‌بس در غزه و تبادل گروگان‌ها صرف نظر کند. روزنامه «اورشلیم پست» صبح جمعه ۱۶ اوت (۲۶ مرداد) به نقل از «واشنگتن پست» از قول یک منبع نزدیک به حزب‌الله نوشت که این گروه قصد ندارد در جریان مذاکرات قطر بر سر توقف جنگ در غزه دست به عملیات تلافی جویانه علیه اسرائیل بزند. مقامات حزب‌الله ادعا کرده‌اند که «می‌خواهند مانع روند مذاکرات یا توافق احتمالی شوند.» این منبع گفته حزب‌الله برای انتقام صبر می‌کند زیرا یک کار فوری یا محدود به زمان خاص نیست.

مقامات ارشد امنیتی ایالات متحده، قطر و مصر به عنوان

ماشین اعدام جمهوری اسلامی و لغو این مجازات غیرانسانی‌ست. اکنون زندانیانی که هر هفته شاهد اعدام هم‌بندیان خود هستند این کارزار را آغاز کرده‌اند.» او در ادامه گفت: «جمهوری اسلامی بزرگترین اعدام‌کننده در جهان است، و با کارزار «نه به اعدام»، ایران به خط مقدم مبارزه علیه اعدام تبدیل شده‌است! ما از مردم و نهادهای مدنی مخالف اعدام در سرتاسر جهان می‌خواهیم تا با اعلام همبستگی با کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به کنشگران در ایران یاری رسانند.»

بنا بر آمار مستندسازی شده به‌دست پژوهشگران سازمان حقوق بشر ایران، حکومت جمهوری اسلامی از ابتدای ماه آگوست و در سایه توجه افکار عمومی به تنش میان اسرائیل و ایران، دست‌کم ۸۵ زندانی از جمله یک زندانی سیاسی مرتبط با خیزش سراسری ۱۴۰۱ و ۸ شهروند افغانستانی را در زندان‌های قزلحصار، مرکزی کرج، یاسوج، میناب، زاهدان، مشهد، گرگان، کرمان، بم، رفسنجان، اراک، سبزوار، زاهدان، تبریز، اصفهان، خرم‌آباد، بوشهر، کرمانشاه، عادل آباد شیراز، قزوین، بندرعباس، زنجان و خواف به چوبه‌های دار سپرده است. کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» تا کنون دست‌کم در زندان‌های اوین، قزلحصار، ندامتگاه مرکزی کرج، عادل آباد شیراز، خوی، تبریز، خرم‌آباد، لاکان رشت، نقده، مریوان، اردبیل، سلماس، بانه، قائمشهر، سقز و زندان وکیل آباد مشهد برگزار شده است.

زندانیان شرکت‌کننده در «کارزار سه‌شنبه‌های سیاه نه به اعدام» در آخرین بیانیه خود با اشاره به احکام اعدام صادر شده برای زندانیان سیاسی در هفته‌های اخیر، از همه وجدان‌های بیدار در داخل و خارج کشور خواسته‌اند تا با همه توان علیه اعدام بیا خاسته و از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به هر شکل ممکن حمایت کنند.

این در حالی است که با افزایش شمار اعدام‌ها، حامیان جنبش علیه اعدام در ایران نیز به اشکال مختلف در برابر ماشین کشتار حکومت جمهوری اسلامی دست به اعتراض جمعی زده‌اند. رضا رسایی، زندانی سیاسی و از بازداشت‌شدگان خیزش سراسری ۱۴۰۱ در ایران، یکی از زندانیانی بود که دستگاه قضائی ایران او را در روز ۱۶ مرداد ماه در زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام کرد.

اعدام این زندانی که به‌دنبال یک محاکمه به‌شدت ناعادلانه به اعدام محکوم شده بود، موجی از واکنش‌های اعتراضی در داخل و خارج از کشور را به‌دنبال داشت.

یکی از برجسته‌ترین اقداماتی که در اعتراض به قتل دولتی رضا رسایی صورت گرفت، تحصن دستجمعی زنان محبوس در زندان اوین بود.

زنان زندانی سیاسی در زندان اوین، حوالی ظهر روز سه‌شنبه ۱۶ مرداد و همزمان با کارزار سه‌شنبه‌های علیه اعدام، پس از تجمع و تحصن در محوطه هواخوری زندان اوین، اعتراض خود را به اجرای حکم اعدام رضا رسایی اعلام کردند. این زنان همچنین با سر دادن شعار، خواهان لغو تمامی احکام اعدام صادر شده علیه زندانیان سیاسی و لغو کامل این مجازات غیرانسانی در ایران شدند.

به دنبال برپایی این تحصن، مأموران گارد حفاظت زندان به این تجمع در هواخوری یورش بردند که در جریان این یورش، شماری از زنان زندانی از جمله نرگس محمدی، نسرین جوادی، سروناز احمدی، سمانه اصغری، وریشه مرادی و ریحانه انصاری‌نژاد، مجروح و مصدوم شدند.

همچنین بر اساس آخرین خبرها، بند زنان زندان رشت نیز در اعتراض به صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و همچنین افزایش بی‌سابقه شمار اعدام‌ها در ایران، به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوسته‌اند.

بررسی صلاحیت وزرای دولت پزشکیان در مجلس شورای اسلامی

رای گیری چهارشنبه انجام می شود

روح‌الله ایزدخواه نماینده اصولگرای تهران نیز کنار گذاشته شدن اصلاح‌طلبان از کابینه پزشکیان را «نقطه قوت» خواند و گفت: «شنیدم در روزهای اخیر برخی در جناح اصلاحات به آقای پزشکیان اعتراض کردند که چرا از افراد افراطی و تندرو استفاده نشده؛ اتفاقاً این، نقطه قوت کابینه ایشان است.»

روح‌الله ایزدخواه البته با برنامه و خط مشی کابینه دولت چهاردهم مخالفت کرد و گفت: «وزارت و مسئولیت در جمهوری اسلامی کاسبی نیست، چه کاسبی اقتصادی باشد، چه کاسبی سیاسی» و «ما امروز در هر دو جناح چوب تندروی‌ها و افراطها را خورده‌ایم.»

مهدی کوچک‌زاده از دیگر نمایندگان مخالف نیز در تذکری آیین‌نامه‌ای گفت اصل جلسه امروز «بررسی برنامه دولت» است و در ادامه خطاب به محمدباقر قالیباف رئیس مجلس گفت: «آیا برنامه آقای پزشکیان به شما ارائه شده که به ما بدهید؟»

او در ادامه با اشاره به اینکه پزشکیان گفته است برنامه‌اش بر اساس نهج‌البلاغه و چشم‌انداز مورد نظر رهبر است و حرفی از برنامه خود ندهد، گفت: «آیا نمایندگان مخالف با نهج‌البلاغه و برنامه هفتم مخالف هستند؟»

روزنامه اصولگرای «وطن امروز» هم از احتمال اینکه چهار وزیر پیشنهادی رأی اعتماد نگیرند خبر داده و نوشته «هفته گذشته کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی وظیفه بررسی برنامه‌ها و صلاحیت وزرای پیشنهادی را بر عهده داشتند. معمولاً شیوه به این نحو بود که سخنگویان کمیسیون‌ها نظرات اعضای کمیسیون‌ها درباره وزرای پیشنهادی را اعلام می‌کردند. بررسی این سخنان در مجموع نشان می‌دهد دولت چالش اندکی برای گرفتن رأی اعتماد دارد اما حداقل ۴ نفر از وزرای پیشنهادی وضعیت مبهمی برای گرفتن رأی اعتماد دارند. قبل از پرداختن به وضعیت این ۴ نفر (وزرای پیشنهادی نفت، کار، صمت و بهداشت) ابتدا ببینیم کمیسیون‌ها چه نگاهی به وزرای پیشنهادی دولت داشته‌اند.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز همزمان با آغاز نشست علنی مجلس شورای اسلامی در مطلبی نوشت: «سابقه فعالیت‌های سیاسی برخی وزرای پیشنهادی در زاویه داشت با نظام‌الظهور من الشمس است. مثل وزیر پیشنهادی بهداشت در حمایت از سران فتنه و تهمت مهندسی انتخابات و حمله به شورای نگهبان و حمایت از تروریست‌های سوری در جنگ با بشار اسد و محروم‌قاومت، همصدا با ضدانقلاب دیده می‌شود! او حتی هنوز هم حاضر به برائت جستن از خطاهای گذشته‌اش نیست.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در این جلسه طی توضیحاتی گفت «رای‌گیری برای کابینه پیشنهادی در روز چهارشنبه هفته جاری انجام خواهد شد.» کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی هفته گذشته نشست‌هایی با وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان برگزار کردند. سخنگوی کمیسیون‌ها این جلسات نشان می‌داد اکثر وزرای پیشنهادی توانسته‌اند رضایت اعضای کمیسیون را جلب کنند اما برخی وزرا مانند وزیر بهداشت و وزیر نفت با نظر مخالف شماری از نمایندگان حاضر در کمیسیون‌ها روبرو شدند.



زد بطوری که در آخر سخنانش گفت: «بلد نیستم زیاد حرف بزنم، چیزهایی هم که باید از روی کاغذ بخوانم بدتر خراب می‌کنم.»

در نشست امروز مجلس شورای اسلامی شماری از نمایندگان موافق و مخالف با وزرای پیشنهادی نیز سخنرانی کردند.

در واکنش به شیوه سخنرانی شعاری و کلی‌گویی‌های پزشکیان، حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون اصل ۹۰ گفت: «نطق آقای پزشکیان شبیه نطق‌های مناظرات بود. انتظار دیگری در این جلسه داشتم.»

او با بیان اینکه «انتظارش از نطق پزشکیان این بود که به صراحت دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل مختلف بیان کند» گفت: «به عنوان مثال باید دیدگاه‌هایش را درباره ارز می‌گفت و برنامه‌هایش را اعلام می‌کرد.»

محمد قسیم سلطانی نماینده اهل سنت بوکان در مجلس شورای اسلامی که در دوران انتخابات از حامیان مسعود پزشکیان بود طی سخنانی از مسعود پزشکیان ابراز ناامیدی کرد و با انتقاد از عملکرد او یک مصرع خواند: «تو برو خوش باش با اطرافیان خوش‌مقال...»

مسلم صالحی نماینده مخالف کلیات کابینه چهاردهم نیز ایراداتی از جمله میانگین سنی بالا، تخصصی نبودن و رزومه ضعیف برخی وزرای پیشنهادی را مطرح کرد. او در سخنانش گفت: «در بین نمایندگان مجلس کسانی هستند که برای رأی‌آوری دکتر پزشکیان سینه سپر کردند توهین‌ها و تهمت‌ها شنیدند ولی بر عقیده‌شان مانند آن که برگرفته از سیاست‌ها و برنامه‌ها و شعارهایی بود که رئیس‌جمهور در ایام انتخابات مطرح کرد. نمایندگان هیچگاه در امور اجرایی دخالت نخواهند کرد و استقلال قوا را باور دارند؛ لذا حداقل نظر نمایندگان که بر پای عهدی که با شما بستند را لحاظ کنید؛ بودند نمایندگان که در آن موقع با رئیس‌جمهور همراه بودند و امروز دم از همراهی می‌زنند.»

● مسعود پزشکیان برای دفاع از وزرا سخنرانی کرد اما برنامه و چشم‌اندازی ارائه نداد و فقط به بیان جملات کلیشه‌ای و شعاری با تیپ‌های فراوان هنگام روخوانی متن پرداخت.

● محمد قسیم سلطانی نماینده اهل سنت بوکان که در دوران انتخابات از حامیان مسعود پزشکیان بود طی سخنانی از مسعود پزشکیان ابراز ناامیدی و انتقاد کرد و گفت: «تو برو خوش باش با اطرافیان خوش‌مقال...»

● روح‌الله ایزدخواه نماینده اصولگرای تهران: شنیدم در روزهای اخیر برخی در جناح اصلاحات به آقای پزشکیان اعتراض کردند که چرا از افراد افراطی و تندرو استفاده نشده؛ اتفاقاً این، نقطه قوت کابینه ایشان است.

● مهدی کوچک‌زاده از دیگر نمایندگان مخالف نیز در تذکری آیین‌نامه‌ای به قالیباف گفت «آیا برنامه آقای پزشکیان به شما ارائه شده که به ما بدهید؟» وی افزود پزشکیان برنامه‌اش بر اساس نهج‌البلاغه و چشم‌انداز مورد نظر رهبر است و حرفی از برنامه خود ندهد است.

نشست علنی مجلس شورای اسلامی برای بررسی صلاحیت وزرای دولت پزشکیان صبح امروز آغاز شد. مسعود پزشکیان برای دفاع از وزرا سخنرانی کرد اما برنامه و چشم‌اندازی ارائه نداد و فقط به بیان جملات کلیشه‌ای و شعاری با تیپ‌های فراوان هنگام روخوانی از متن پرداخت.

در ابتدای نشست علنی امروز، شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۳، در مجلس شورای اسلامی که برای آغاز بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی برگزار شد مسعود پزشکیان سخنرانی کرد.

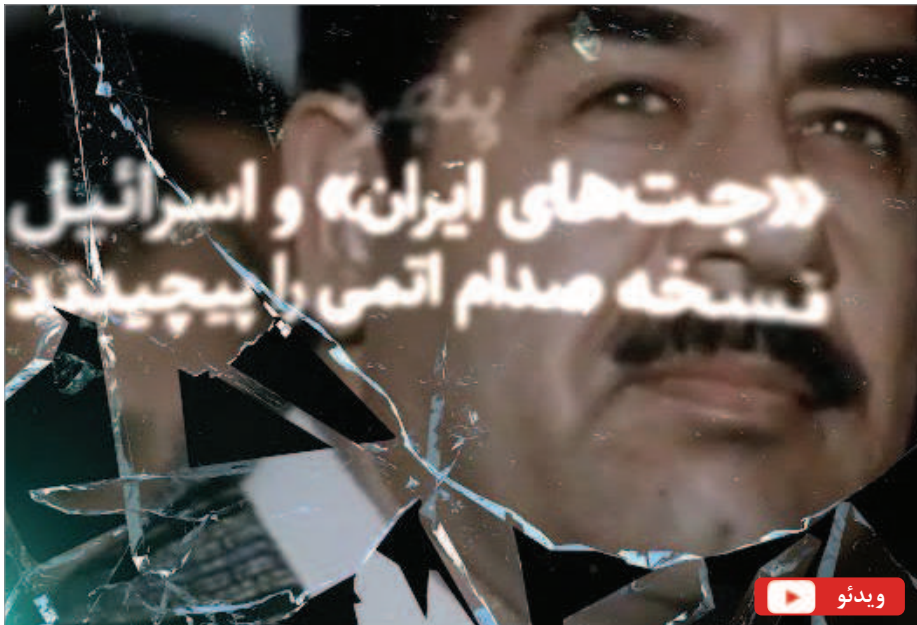
سخنان مسعود پزشکیان غیرمنسجم و بدون ارائه توضیحاتی در دفاع از کابینه و اساساً برنامه‌ها و چشم‌انداز دولت چهاردهم بود. او در جملاتی شعاری گفت: «رسالت دولت چهاردهم همان رسالت مالک اشتر در حکومت است. رسالت دولت چهاردهم این است که تامین آموزش و سلامت عادلانه و با کیفیت برای همه مردم صرف نظر از قومیت و جنسیت، توسعه زیرساخت‌ها، تنظیم‌گری، تامین امنیت و تقویت اقتدار ملی، مبارزه با دشمنان عزت و اقتدار کشور، آبادانی سرزمین و ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل است.»

پزشکیان در بخشی از سخنانش در عمل مردم را مجرم دانست و ضمن بیان اینکه «با همه وجود باید به مردم خدمت کرد. مانند یک حیوان نباید به جان مردم افتاد و آنها را لت و پاره کرد» گفت: «همانطور که دوست دارید خدا از شما بگذرد، شما هم از خطای مردم بگذرید. خدا از همه بالاتر است و خود را برابر جنگ با خدا قرار ندهید. نارضایتی مردم یعنی جنگ با خدا.»

مسعود پزشکیان همچنین گفت: «در اوایل انقلاب تصور می‌کردیم سرمایه‌داران آدم‌های بدی هستند و استعمارگر هستند، حضرت علی به مالک اشتر طبقات را نام می‌برد و صفاتی می‌شمارد. به تجار می‌رسید می‌گوید قضات و... پایدار نمی‌ماند مگر با تجار. نگاه ما باید آنگونه باشد که تاجران و تولیدکنندگان ما درست بتوانند کار کنند. این نگاهی است که هم از نظر علمی و اعتقادی به آن پایبند هستیم.»

پزشکیان با اینکه از روی متن می‌خواند اما تیپ‌های فراوان

«جتهای ایران» و اسرائیل نسخه صدام اتمی را پیچیدند



تولید پلوتونیوم، ساخت سلاح اتمی و تولید برق هم استفاده شود. اما این درخواست به نتیجه نرسید تا زمانی که ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه شد.

در ۱۹۷۵ یکسال پس از نخست وزیری شیراک در فرانسه نه تنها او از شرکت‌های فرانسوی برای ساخت راکتور اتمی در عراق حمایت کرد، بلکه فروش ۱۲.۵ کیلوگرم اورانیوم ۲۳۵ ایزوتوپی که هم در نیروگاه هسته‌ای و هم در سلاح هسته‌ای استفاده می‌شود را به عراق در ۱۹۷۸ تسهیل کرد.

در دهه ۱۹۷۰ میلادی صدام حسین به مرد شماره دو حزب بعث عراق تبدیل شده بود و حالا می‌توانست آرزوها و بلندپروازی‌های خود را متحقق کند. او در اوایل دهه ۱۹۷۰ دستور ایجاد یک برنامه پنهان تسلیحات هسته‌ای را صادر کرد. عراق که از ۱۹۵۹ به عضویت آژانس انرژی اتمی در آمده بود از ۱۹۷۲ تلاش کرد یک نیروگاه برق هسته‌ای با ظرفیت ۵۱۵ مگاوات از فرانسه دریافت کند. راکتور مورد درخواست عراق UNGG بود. راکتور فرانسوی که می‌توانست برای

ترور سر‌تیب خلیل المقدح از فرماندهان گروه «فتح»؛ ارتش اسرائیل: با «سپاه» همکاری داشت و اسلحه قاچاق می‌کرد



خلیل حسین المقدح مشهور به «ابوحسین» نفر وسط

خلیل حسین المقدح مشهور به «ابوحسین» از فرماندهان «گردان‌های شهدای الاقصی»، شاخه نظامی گروه فلسطینی «فتح»، روز چهارشنبه ۳۱ مرداد در حمله پهبادی اسرائیل به شهر «صیدا» در جنوب لبنان کشته شد.

ارتش اسرائیل اعلام کرد، «در مارس سال ۲۰۲۴ مقادیر زیادی سلاح به مناطقی از کرانه باختری قاچاق و به هسته‌هایی که توسط شبکه خلیل و منیر در لبنان استخدام و هدایت می‌شوند، تحویل داده شده است».

خلیل حسین المقدح مشهور به «ابوحسین» از فرماندهان «گردان‌های شهدای الاقصی»، شاخه نظامی گروه فلسطینی «فتح»، روز چهارشنبه ۳۱ مرداد در حمله پهبادی اسرائیل به شهر «صیدا» در جنوب لبنان کشته شد. روزنامه «رأی الیوم» به نقل از ارتش اسرائیل گزارش داد، سر‌تیب المقدح از طراحان عملیات مسلحانه علیه اسرائیل بود و با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتباط نزدیکی داشت. او به همراه برادرش «منیر المقدح» در حملات مستقیم و قاچاق سلاح به کرانه باختری نقش مهمی داشت. این روزنامه نوشت قتل المقدح ثابت کرد که دشمن «ترور» را به عنوان بخشی از اهداف خود علیه مقاومت فلسطین در لبنان، سوریه، کرانه باختری و غزه قرار داده است.

منابع اسرائیلی می‌گویند او نقش اساسی در تأمین سلاح و مهمات برای شبه‌نظامیان در کرانه باختری داشت.

ارتش اسرائیل اعلام کرد، «در مارس سال ۲۰۲۴ مقادیر زیادی سلاح به مناطقی از کرانه باختری قاچاق شده و به هسته‌هایی که توسط شبکه خلیل و منیر در لبنان استخدام و هدایت می‌شوند، تحویل داده شده است.» بعد از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس که در آن ۱۲۰۰ نفر از شهروندان اسرائیلی کشته و صدها نفر به گروگان گرفته شدند، اسرائیل کارزار ترور فرماندهان ارشد گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به حزب‌الله و حماس را آغاز کرد که طی آن شمار زیادی از آنها در لبنان، غزه، کرانه باختری و شهرهای سوریه حذف شدند. یکی از مطرح‌ترین این افراد اسماعیل هنیه بود که در قلب تهران در هتلی که سپاه از آن محافظت می‌کرد ترور شد.

یحیی سنوار؛ حکومت بر ویرانه‌ها



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

چرا گروه‌های چپ فمینیست، «کوئیر» و مدافع محیط زیست به نام دفاع از فلسطین با اسلامگرایان همراهی می‌کنند؟



حمایت دگرباشان جنسی از فلسطین

نگاهی، نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی است که بر اساس آن فقط می‌توان چیزهایی را که به خود تعلق دارد نقد کرد و باید در برابر سایر فرهنگ‌ها، ادیان و غیره سکوت نمود. این گفته اِشتوگنر یادآور استدلال جمهوری اسلامی است که بر اساس آن سرکوب زنان را با عنوان «نسبیت فرهنگی» یا «حقوق بشر اسلامی» توجیه کرده و پیش می‌برد و همزمان از پیوستن به برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به این حقوق طفره می‌رود. همچنین باید در نظر داشت که برخی احزاب سیاسی در کشورهای لیبرال دموکرات، به ویژه در حزب سبزها و احزاب چپ با دفاع از تر «نسبیت فرهنگی» در عمل جاده‌صاف‌کن اسلامیت‌ها در کشورهای خود شده‌اند.

اسرائیل «پیشگام امپریالیسم سفید غربی»

از کارین اِشتوگنر پرسش می‌شود: پس در این صورت نباید اسرائیل را هم نقد کنند؟ وی پاسخ می‌دهد: به نظر آنها، اسرائیل پیشگام امپریالیسم سفید غربی در یک جهان عربی بومی محسوب می‌شود. بدین ترتیب یهودیان به سادگی به عنوان یک اقلیت تحت تبعیض و مورد آزار و اذیت دیده نمی‌شوند. و این موضوع بسیار به یهودستیزی مربوط است. به «یهودستیزی برای برائت از گناه» یا «یهودستیزی ثانویه»، یعنی اگر گروه قربانی انکار شود، پس علیه آنها هیچ ضدیتی وجود نداشته و هرگز هم وجود نداشته! این ساده‌ترین راه برای خاتمه دادن به بررسی گذشته است. آنها وجود ندارند، هرگز هم وجود نداشته‌اند و حالا هم نباید باشند. و اصلاً همه آنها افراد مرفهی هستند!

سپس یک پرسش کلیدی مطرح می‌شود: چرا قتل عام ۷ اکتبر توانست بسیاری از گروه‌ها با پیشینه و مواضع مختلف، از فمینیست‌ها تا اسلامگراها و نئونازی‌ها و فعالان محیط زیست را دور خود متحد کند؟

اِشتوگنر پاسخ می‌دهد: «حتی در دوران پاندمی کرونا هم قابل توجه بود که اعتراضات علیه اقدامات بهداشتی، افراطیون راست تا چپ را بهم پیوند داد. بسیاری از

پس از تهاجم سازمان تروریستی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به خاک اسرائیل و کشتن حدود ۱۲۰۰ نفر در یک روز که بزرگترین کشتار یهودیان پس از جنگ جهانی دوم و هولوکاست به شمار می‌رود، کشورهای لیبرال دموکرات شاهد تظاهرات بسیاری از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی در محکومیت حمله اسرائیل به غزه بوده‌اند. در بسیاری از این تظاهرات بخش‌هایی از گروه‌های مختلف چپ فمینیست و گروه‌های موسوم به «کوئیر» (ال جی بی تی) یا دگرباشان جنسی نیز بطور دستجمعی شرکت داشته‌اند.

● کارین اِشتوگنر جامعه‌شناس اتریشی که مطالعاتش بر فمینیسم و یهودستیزی متمرکز است از جمله می‌گوید: «اغلب آنها ناآگاهند. برای آنها مهم است که در یک فعالیتی مشارکت داشته باشند، درگیر شوند. آنها فکر می‌کنند که در «سمت درست تاریخ» ایستاده‌اند. در حالی که [انگیزه آنها] بیشتر از آنکه به «آزادی فلسطین» مربوط باشد، به وضعیت خودشان مربوط است. دفاع از فلسطینی‌ها به ساختاری تبدیل می‌شود که در آن ناراضیاتی شخصی ارضاء می‌شود. این، نوعی انعکاس ضدغربی بودن در خود غرب است.»

گروه‌های فمینیست و یهودستیزی؟

«یودیشه آگماینه» از کارین اِشتوگنر می‌پرسد: بسیاری از فمینیست‌ها واقعیت زن‌ستیزانه خشونت حماس علیه زنان اسرائیلی و یهودی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را انکار می‌کنند. آیا واقعاً باور دارند که با یهودستیزی می‌توانند از فمینیسم دفاع کنند؟

اِشتوگنر در پاسخ می‌گوید: «اکثر آنها باور ندارند که ضدیهود هستند. مشکل اساسی همین است. آنها درک درستی از یهودستیزی معاصر ندارند و آن را فقط به عنوان یک مشکل تاریخی مرتبط با نازیسم می‌پذیرند. شکل‌های مدرن‌تر آن را نمی‌شناسند، به ویژه آنهایی که پشت «انتقاد از اسرائیل» پنهان می‌شوند. این واقعیت را که نفرت از اسرائیل به سرانجام به حملات علیه یهودیان تبدیل می‌شود، درک نمی‌کنند. اما با این حال من نمی‌گویم که همه افرادی که در اعتراضات دانشگاهی شرکت و در حمایت از فلسطین فعالیت می‌کنند، آگاهانه ضدیهود هستند.»

این استاد جامعه‌شناسی دانشگاه پاساو ادامه می‌دهد: «اغلب آنها ناآگاهند. برای آنها مهم است که در یک فعالیتی مشارکت داشته باشند، درگیر شوند. آنها فکر می‌کنند که در «سمت درست تاریخ» ایستاده‌اند. در حالی که [انگیزه آنها] بیشتر از آنکه به «آزادی فلسطین» مربوط باشد، به وضعیت خودشان مربوط است. دفاع از فلسطینی‌ها به ساختاری تبدیل می‌شود که در آن ناراضیاتی شخصی ارضاء می‌شود. این، نوعی انعکاس ضدغربی بودن در خود غرب است.»

اِشتوگنر در پاسخ به این پرسش که آیا چنین کاری حمایت از یک نیروی تروریستی زن‌ستیز اسلامی نیست، می‌گوید: «بسیاری از نمایندگان فمینیسم التقاطی، پسااستعماری یا کوئیر، درخواست حقوق زنان غربی برای فلسطینی‌ها را به عنوان نوعی موضع‌گیری علیه سیاست سرکوبگرانه و برتری‌طلبی غربی درک می‌کنند. زیرا از نظر آنان حقوق این زنان، موضوعی مطابق با استانداردهای غرب است. چنین

حنیف حیدرژاد- هفته‌نامه «یودیشه آگماینه»- Jüdische Allgemeine» پرتیراژترین نشریه یهودی در آلمان که متعلق به مرکز یهودیان این کشور است، بر مسائل زندگی یهودیان و موضوعات فرهنگی-سیاسی-اجتماعی مرتبط با آنها تمرکز دارد. وبسایت این نشریه در مطلبی که ۱۵ اوت منتشر شده، با کارین اِشتوگنر- Karin Stögner جامعه‌شناس در دانشگاه پاساو در جنوب آلمان گفتگو کرده است. مطالعات و پژوهش‌های کارین اِشتوگنر اتریشی بیشتر بر یهودستیزی و فمینیسم متمرکز است.

پس از تهاجم سازمان تروریستی حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به خاک اسرائیل و کشتن حدود ۱۲۰۰ نفر در یک روز که بزرگترین کشتار یهودیان پس از جنگ جهانی دوم و هولوکاست به شمار می‌رود، کشورهای لیبرال دموکرات شاهد تظاهرات بسیاری از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی در محکومیت حمله اسرائیل به غزه بوده‌اند. در بسیاری از این تظاهرات بخش‌هایی از گروه‌های مختلف چپ فمینیست و گروه‌های موسوم به «کوئیر» (ال جی بی تی) یا دگرباشان جنسی نیز بطور دستجمعی شرکت داشته‌اند. این حضور به ویژه در تجمعات و تظاهراتی که در دانشگاه‌ها انجام می‌شود، محسوس‌تر است. بسیاری از این گروه‌ها انگیزه شرکت خود در این تظاهرات‌ها را نه دفاع از حماس، بلکه دفاع از مردم غزه، آرمان فلسطین یا محکومیت کشتار غیرنظامیان توسط ارتش اسرائیل می‌دانند. اما همراهی، همسوئی و در مواردی همکاری این گروه‌ها با اسلامیت‌ها و افراطیون اسلامی که خواهان محو اسرائیل بوده و به شریعت و سرکوب زنان و همجنسگرایان باور دارند، بسیار پرسش‌برانگیز است. مصاحبه «یودیشه آگماینه» با کارین اِشتوگنر تلاشی برای پرداختن به این موضوع و بررسی برخی جوانب ناپیدای آن و درک مکانیسم‌های پیچیده یهودستیزی معاصر است. او در پایان به نقش رژیم جمهوری اسلامی در هدایت یهودستیزی در شرایط کنونی نیز اشاره می‌کند.

آشویتس (که یکی از بزرگترین اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها بود) آگاهی دارند، نوعی احساس گناه می‌کنند و این احساس گناه باعث می‌شود که به نوعی با یهودیان دشمنی کنند. به عبارت دیگر، این دشمنی به دلیل آگاهی از این جنایات است.

این مفهوم در تحقیقات موسسه مطالعات اجتماعی «مکتب فرانکفورت» در اوایل دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. پس از جنگ جهانی دوم، برخی نازی‌ها تلاش کردند هولوکاست را انکار کنند، اما تحلیل‌های تئودور آدورنو فیلسوف معروف نشان داد که بسیاری از شرکت‌کنندگان در یک آزمایش گروهی، هولوکاست را انکار نمی‌کردند، اما احساس گناه ناشی از این وقایع را به شکلی ناخودآگاه دفع می‌کردند درواقع همان احساسی که در فارسی با «کی بود کی بود من نبودم» بیان می‌شود. آنها از بازماندگان هولوکاست یا بطور کلی از یهودیان ناراحت بودند زیرا این افراد آنان را به یاد جنایات نازی‌ها و به یاد مسئولیت شخصی خودشان در آن جنایات می‌انداختند. به عبارت دیگر آگاهی درباره هولوکاست (کشتار یهودیان) همیشه باعث نمی‌شود که افراد حس یا رفتار ضدیهودیت نداشته باشند. بعضی‌ها به دلیل اینکه احساس گناه می‌کنند، ممکن است به شکلی دیگر با یهودیان دشمنی کنند، زیرا این آگاهی به آنها یادآوری می‌کند که نازی‌ها چه جنایاتی انجام داده‌اند. این نوع دشمنی با اصطلاح «یهودستیزی برای برائت از گناه» تعریف می‌شود.

می‌توان مثال ساده‌تری زد: بسیاری زن‌ستیزان دلیل تجاوز به یک زن را نه تجاوزگری خود، بلکه آن زن و نوع پوشش یا رفتار قربانی عنوان می‌کنند. وقتی آنها آگاه می‌شوند آنچه انجام داده‌اند جنایت، جرم یا در تفکر مذهبی خودشان نبوده و با عمل جنایتکارانه خود زندگی یک فرد را نابود کرده‌اند، از مواجهه با مسئولیت خود در برابر چنین جرم یا «گناهی» که مرتکب شده‌اند فرار کرده و برای آنکه آن جنایت را توجیه کنند، با مواضع زن‌ستیزانه خود آن زن را «عامل گناه» معرفی می‌کنند تا از این طریق به آرامش وجدان و به توجیه آن جنایت برسند.

رژیم آخوندها بدترین عنصر ضد یهود در جهان

«یودیشه آلمگامنه» از اِشتوگِر در مورد نوع نو یهودستیزی سوال می‌کند که چرا حالا و چرا در این مقیاس جهانی بروز کرده است؟

اِشتوگِر پاسخ می‌دهد: «به ۷ اکتبر و به دفاع اسرائیل از خودش مربوط می‌شود. یهودستیزان می‌خواهند یهودیان را بی‌دفاع ببینند، در موقعیت کسانی که می‌توان بدون مجازات به آنها حمله کرد. برای آنها موجودیت دولت یهود توهین‌آمیز است، همچنین به این دلیل که اسرائیل بارها عزم خود را علیه برتری‌جویی اعراب نشان داده است. پشتِ مقاومت امروز اسرائیل تجربه خود یهودیان نهفته است و آن اینکه جهان در جریان هولوکاست فقط تماشا کرد و کاری انجام نداد. ضرورت مطلق دفاع از موجودیت دولت اسرائیل امری بدیهی است. یهودستیزان باید که هولوکاست را انکار کنند تا مشروعیت اسرائیل را تضعیف کرده و موجودیت آن را به پرسش بکشند.»

اِشتوگِر در پایان گفتگوی خود به ریشه این شر اشاره کرده و می‌گوید: «شما باید رویکرد سیاسی داشته باشید و متجاوز واقعی در منطقه را شناسایی کنید و نام او را اعلام کنید. این متجاوز جمهوری اسلامی ایران است که دائماً اسرائیل را تهدید به نابودی می‌کند و از حماس، حزب الله و حوثی‌ها حمایت می‌کند. رژیم آخوندها در حال حاضر بدترین عنصر ضد یهود در جهان است.»

اکسیژن یا در صورت تولید گازهای سمی، قناری‌ها سریع‌تر از انسان واکنش نشان داده و می‌مردند و بال و پر زدن و مرگ قناری‌ها به معنی اعلام خطر برای کارگران معدن بود. این استاد جامعه‌شناسی که در حوزه یهودستیزی پژوهش‌های زیادی دارد پاسخ می‌دهد: «ما می‌دانیم که درجه آزادی یک جامعه را می‌توان بر اساس وضعیت یهودیان، زنان و همجنس‌گرایان اندازه‌گیری کرد. به محض اینکه در جامعه‌ای یهودیان دوباره مورد حمله قرار می‌گیرند، یعنی وضعیت آزادی و امنیت همه ما در معرض خطر است.»

درک «یهودستیزی برای برائت از گناه»

«یودیشه آلمگامنه» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا فکر می‌کنید خشونت جنسی علیه یهودیان افزایش خواهد یافت، به ویژه با نگاهی به فرانسه؟

اِشتوگِر پاسخ می‌دهد: «می‌خواهم چیزی را پیش‌بینی کنم. آنچه پس از ۷ اکتبر دیدیم این است که خشونت جنسی علیه یهودیان حتی توسط فمینیست‌های برجسته نادیده گرفته می‌شود، که این به ویژه نگران‌کننده است. من نمی‌توانم آن را جز به عنوان جایجا کردن قربانی و مهاجم توضیح دهم، به قیمت آنکه نمای مقاومت فلسطینی را بدون هیچ تناقضی حفظ کنیم و بتوانیم با آن همذات‌پنداری کنیم. [می‌توان خود را با این خیال فریب داد که] یک قهرمان نمی‌تواند تجاوز کند؛ پس جنایتی را که اتفاق افتاده نادیده می‌گیریم. زیرا اگر خشونت جنسی علیه یهودیان پذیرفته و محکوم شود، باید همزمان خصلت ضدیهودی این عمل را نیز بپذیریم.»

پرسش بعدی این است که آیا می‌توان انتظار داشت که محافل فمینیستی به زودی به درک این موضوع برسند؟ مگر چقدر می‌توان خود را به ندیدن زد؟ اِشتوگِر پاسخ می‌دهد: «می‌ترسم که اینطور شود که می‌گوئید، ماندن و درجا زدن در نابینائی! فقط باید به تاریخ آلمان نگاه کرد. چنین نابینائی می‌تواند تا آخر عمر ادامه داشته باشد و حتی به نسل‌ها منتقل شود. من معتقدم که مقاومت در برابر درک این واقعیت، ارتباط مستقیم با مقاومت در برابر درک واقعیت قربانیان هولوکاست دارد. این یک انتقال بین نسلی «مقاومت در برابر درک واقعیت» است. چنین مقاومتی در برابر پذیرفتن مسئولیت در شرایط پسااستعماری نیز مؤثر است. بریتانیای کبیر، فرانسه، اسپانیا، بلژیک، هلند، حتی آلمان، همه کشورهای استعماری سابق هستند. و تمام جنایات و بی‌عدالتی‌های تاریخی که این کشورها مرتکب شده‌اند به دوش اسرائیل انداخته شده. اسرائیل در حال حاضر برای همه چیز مجرم است و اگر علیه اسرائیل اقدامی انجام دهید، می‌توانید خود را از آن گناهان تاریخی پاک کنید. در این نگاه با تمام این جنایات وحشیانه تاریخی به اندازه کافی برخورد نشده است. این نوعی یهودستیزی ضد سرزنش است. می‌توانید ببینید که چنین مکانیسمی چقدر بادوام و محکم است. آدورنو از جامعه به عنوان زمینه گناه و درهم تنیدگی در بین نسل‌ها صحبت کرد و این را می‌توان در یهودستیزی نیز مشاهده نمود.»

اِشتوگِر در این پاسخ یک مکانیسم فکری پیچیده را که آگاهانه ایجاد شده و نسل به نسل در ناخودآگاه بسیاری از افراد لانه می‌کند توضیح می‌دهد. اشاره او به اصطلاح «یهودستیزی برای برائت از گناه» و «یهودستیزی ثانویه» است *Schuldabwehr-Antisemitismus*, «sekundärer Antisemitismus».

«یهودستیزی برای برائت از گناه» به این معناست که برخی افراد به دلیل اینکه از جنایات نازی‌ها در اردوگاه

معتزنان مشکلی با این نداشتند که تظاهرات توسط افراطیون راست هدایت شود. من این پدیده را به تکه‌تکه شدن جامعه و در نتیجه انزوای مردم نسبت می‌دهم. آنها کمتر به دیگران توجه می‌کنند و بیشتر به خودشان می‌پردازند. این به نظر من امروز دوباره تقویت شده است. اعتراضات به نوعی به رویدادهای سورنال (فراواقعیت) تبدیل شده و به عنوان فرصتی برای جبران تنهایی اجتماعی عمل می‌کند. در نفرت از اسرائیل آنها بهم می‌پیوندند [زیرا] این یک درمان ناقص برای انزوای اجتماعی ناآگاهانه‌ی آنها و برای درمان کمبود همبستگی خودشان محسوب می‌شود. او ادامه می‌دهد: «در ارتباط با دلایل خودنگری، نسبی‌گرایی و میل به حس تعلق به جایی یا چیزی، چندین عامل با هم ترکیب می‌شوند. از ۱۱ سپتامبر به اینسو یک جهت‌گیری ضدغربی مضحک در محافل فمینیست و کوئیر ایجاد شده و به نوعی نسبت به اسلامگرایی گرایش پیدا کرده‌اند. برخی از آنها به اشتباه فکر می‌کردند که این یک جایگزین برای مدرنیته غربی و فرار از اجبار هویتی است که به ویژه کوئیرها از آن رنج می‌برند.»

«یودیشه آلمگامنه» یادآوری می‌کند: اما در حکومت اسلامی ایران همجنس‌گرایان به دار آویخته می‌شوند...

اِشتوگِر پاسخ می‌دهد: «اینهمه نادیده گرفته می‌شود. این گروه‌ها به سختی به اسلامگرایی بطور خاص توجه می‌کنند و آن را بیشتر به عنوان مخالفت با غرب می‌بینند... خبرنگار می‌پرسد: یعنی می‌توان گفت که مثل ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سندرم استکهلم با تروریست‌ها ایجاد کرده است؟ اِشتوگِر پاسخ می‌دهد: «نزدیک به چنین چیزی! به نظر می‌رسد که در بین این گروه‌ها تا حدی نوعی همدلی و همزادپنداری با مهاجم به وجود آمده تا آنجا که حتی یک جریان ضد فمینیسم، چون ضد غرب است مشروعیت می‌یابد. پشت این موارد تجربه‌های ناگفته شخصی از ناتوانی و انزوا و نارضایتی از همه چیزهایی که با روشنگری غربی مرتبط است، قرار دارد. موضعی که در آن جهان‌گرائی، حقوق بشر، فردگرایی، رهایی، تساوی، برابری حقوقی زن و مرد، همه اینها بطور اساسی رد می‌شوند.»

باید یادآور شد در بین فعالین ایرانی در حوزه‌های که اِشتوگِر نام می‌برد نیز ضدیت با غرب، با آمریکا، با امپریالیسم و... پوششی شده تا با آن نزدیکی، همسوئی و همزائی خود را با اسلامگرایان حماس که از طرف جمهوری اسلامی حمایت می‌شوند، نادیده گرفته یا آن را توجیه کنند. «یودیشه آلمگامنه» با تعجب می‌پرسد: اما این مضحک است. حقوق LGBTQ به دلیل پایبندی به همین ارزش‌ها امکان‌پذیر شده. ولی اینطوری این فعالان خودشان را تضعیف می‌کنند.

اِشتوگِر که سال‌های طولانی در همین زمینه‌ها پژوهش کرده، پاسخ می‌دهد: «مطمئناً. این حقوق در جوامع ما از آسمان نازل نشده، بلکه در غرب با مبارزه و مقاومت‌های عظیم به دست آمده. با این حال، غرب برای بسیاری هنوز هم به عنوان دشمن اصلی تلقی می‌شود. اما این ارائه یک تصویر بسیار غیرپیچیده و اساساً سرکوبگرانه از غرب است که جنبه‌های آزادکننده غرب را نادیده می‌گیرد. این فعالان خودشان را به عنوان دشمنان غرب می‌بینند، نه بخشی از آن. موضوع بر سر حقوق فلسطینی‌ها نیست، بلکه این است که چگونه با غرب و مفهوم آن مقابله شود.»

خبرنگار می‌پرسد: این به معنی تضعیف و انحلال خشن و بی‌رحمانه نهادهای روشنگری غربی است. آیا به این ترتیب باز هم یهودی به «قناری اسیر در معدن» تبدیل شده؟ (در گذشته معدنکاران قناری‌هائی را در قفس با خود به عمق زمین و درون معدن می‌بردند، زیرا در صورت کم شدن

ادعای عجیب خبرگزاری فارس: «وزن بالا» عامل سقوط هلی کوپتر رئیسی بود، «دو نفر» اضافی سوار شده بودند!



در شرایطی که مه نسبتاً غلیظ در جنگل‌های نیروهای
امدادی لاشه هلی کوپتر را پیدا کردند

● سه ماه بعد از سقوط مشکوک هلی کوپتر حامل
ابراهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان، خبرگزاری «فارس»
وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه
۳۱ مرداد در ادعایی عجیب به نقل از یک «منبع امنیتی»
گزارش داد «وزن بالا»ی هلی کوپتر در فشار هوایی آن
منطقه «عامل مهمی در عدم توانایی خلبان برای کنترل
هلی کوپتر بوده است».

● این منبع امنیتی توضیح داد، هلی کوپتر رئیسی «دو
نفر بیش از پروتکل‌های امنیتی را حمل کرده و زمانی که
خلبان توده مه را مشاهده کرده و خواسته بالگرد را در
ارتفاع پروازی مناسب تنظیم کند قدرت بالگرد کفایت کافی
را برای این اقدام نداشته و در محدودیت دید حاصل از مه
برخورد با کوه حادث شده است».

● ادعای اینکه در هلی کوپتر دو نفر بیشتر از
ظرفیت سوار شدند با «بند سوم» گزارش دوم ستاد
کل نیروهای مسلح که مورخ نهم خرداد ۱۴۰۳ در
مورد این سانحه منتشر شد در تناقض است. در گزارش
«کمیته ویژه» آمده بود ظرفیت هلی کوپتر از جهت
تعداد سرنشین و تجهیزات، متناسب با حداکثر وزن
استاندارد بود.

● هلی کوپتر حامل رئیسی از نوع «بل ۲۱۲» بود که تا
۱۵ نفر (دو خلبان و ۱۳ سرنشین) ظرفیت داشت. ←

کرد که یک نفتکش با پرچم یونان با نام «سونیون» با پرچم
یونان و متعلق به شرکت دلتا تانکرز در دریای سرخ در چند
نوبت مورد حمله شبه نظامیان حوثی قرار گرفت و در نهایت
دچار آتش سوزی شد.

سازمان امنیت تجارت دریایی بریتانیا UKMTO گفت که
در این حمله، شبه نظامیان سوار بر قایق‌های کوچک ابتدا با
سلاح‌های سبک در حدود ۱۴۰ کیلومتری غرب بندر الحُدیده
به نفتکش شلیک کردند. چهار پرتابه نیز به کشتی اصابت
کرد اما مشخص نیست پنهان بودند یا موشک.
بر اساس گزارش‌های اولیه پس از این حمله تلفات جانی
گزارش نشده اما کشتی در حالی که آتش گرفته بود به
حرکت خود ادامه داد.
سازمان کشتیرانی یونان اعلام کرد نفتکش «Sounion» با
۲۸ خدمه در حالی که از عراق به قبرس در حرکت بود مورد
حمله قرار گرفته است.
برخی منابع گزارش دادند «آتش سوزی در کشتی همچنان

حمله حوثی‌ها به نفتکش یونانی «سونیون» در دریای سرخ؛ یک کشتی با ۲۸ خدمه دچار آتش سوزی شد



نفتکش یونانی Sounion که در دریای سرخ هدف حمله حوثی‌ها قرار گرفت

ادامه دارد و موتور آن نیز بطور کامل از کار افتاده است»
اما بنابر گزارش رویترز «آتش سوزی جزئی بود» و «هیچ
گزارشی از آسیب به ۲۳ خدمه فیلیپینی و دو خدمه روس
این کشتی مخابره نشده است».

شرکت «دلتا تانکرز» اپراتور کشتی تأیید کرد که کشتی که
آسیب جزئی دیده و خدمه در حال ارزیابی وضعیت بودند
و به سفر خود ادامه خواهند داد.

اواخر روز چهارشنبه UKMTO گزارش داد که حوثی‌ها
یک کشتی دیگر را در خلیج عدن هدف قرار دادند اما هیچ
خسارتی گزارش نشد.

حوثی‌ها مسئولیت این حملات را هنوز بر عهده نگرفتند،
هرچند ممکن است ساعت‌ها یا حتی روزها طول بکشد تا
مسئولیت حملات را بپذیرند.

از زمان آغاز جنگ غزه در ماه اکتبر دست کم ۱۲۰ کشتی
مورد حمله قرار گرفتند و حداقل چهار کشتی غرق شده و
چهار ملوان نیز کشته شدند.

بعد از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در غزه علیه حماس،
علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی چندین بار در
سخنرانی‌های خود با انتقاد از مواضع رهبران دولت‌های
اسلامی منطقه در پشتیبانی از حماس و فلسطین از آنها
خواست «شریان‌های حیاتی رژیم صهیونیستی را قطع
کنند». اما هیچکدام از کشورهای مخاطب اعتنایی نکردند.

● ارتش بریتانیا روز چهارشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد) اعلام
کرد که یک نفتکش با پرچم یونان به نام «سونیون» با پرچم
یونان و متعلق به شرکت دلتا تانکرز در دریای سرخ در
چند نوبت مورد حمله شبه نظامیان حوثی قرار گرفت و در
نهایت دچار آتش سوزی شد.

● سازمان امنیت تجارت دریایی بریتانیا UKMTO گفت
که در این حمله، شبه نظامیان سوار بر قایق‌های کوچک
ابتدا با سلاح‌های سبک در حدود ۱۴۰ کیلومتری غرب بندر
الحُدیده به نفتکش شلیک کردند. چهار پرتابه نیز به کشتی
اصابت کرد اما مشخص نیست پنهان بودند یا موشک.

● سازمان کشتیرانی یونان اعلام کرد نفتکش «Soun-
ion» با ۲۸ خدمه در حالی که از عراق به قبرس در حرکت
بود مورد حمله قرار گرفته است.

● برخی منابع گزارش دادند «آتش سوزی در کشتی
همچنان ادامه دارد و موتور آن نیز بطور کامل از کار افتاده
است» اما بنا بر گزارش رویترز «آتش سوزی جزئی بود» و
«هیچ گزارشی از آسیب به ۲۳ خدمه فیلیپینی و دو خدمه
روس این کشتی مخابره نشده است».

● شرکت «دلتا تانکرز» اپراتور کشتی تأیید کرد که کشتی
که آسیب جزئی دیده و خدمه در حال ارزیابی وضعیت
بودند و به سفر خود ادامه خواهند داد.

ارتش بریتانیا روز چهارشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد) اعلام

حراج نفت ایران با همکاری دلال‌های مالزی؛ جمهوری اسلامی ارزان‌ترین نفت را به جمهوری خلق چین می‌فروشد

علاوه بر تخفیف به آنها، هزینه دلال‌های مالزی، سنگاپور، عمان، عراق و امارات را برای تغییر برند نفت ایران و پنهان کردن مبداء و حمل آن را نیز پرداخت می‌کند. واردات نفت چین از مالزی در ماه ژوئیه (مرداد و تیر) به حدود ۶/۲۱ میلیون تُن (معادل ۱/۴۷ میلیون بشکه در روز)، افزایش یافت. این میزان تقریباً سه برابر تولید روزانه این کشور در سال ۲۰۲۳ است. معامله‌گران می‌گویند نفت خام ایران ارزان‌ترین گزینه

● خبرگزاری بلومبرگ روز سه‌شنبه ۲۰ اوت (۳۰ امرداد) با اشاره به افزایش سهم دلال‌های مالزی در فروش پنهانی نفت ایران به چین گزارش داده که جمهوری اسلامی ارزان‌ترین نفت را به پالایشگاه‌های چینی می‌فروشد. ● در این گزارش آمده، ایران نفت سبک خود را [که نفت باکیفیت محسوب می‌شود] با شش دلار تخفیف نسبت به قیمت نفت برنت دریای شمال به چین می‌فروشد، در حالی



کشتیرانی و شرکت‌های نفتی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند

برای خریداران است. گفته می‌شود تقریباً ۶۰ درصد نفت ایران از طریق دلال‌ها در مالزی و تحت نام نفت مالزی به چین صادر می‌شود. آمارهای گمرک چین نشان می‌دهد که این کشور در هفت ماه ابتدایی سال ۲۰۲۴ روزانه بطور متوسط یک میلیون و ۲۳۰ هزار بشکه نفت از مالزی وارد کرده است. این در شرایطی است که تولید نفت مالزی حدود ۵۷۰ هزار بشکه در روز است. طبق داده‌های گمرک جمهوری خلق چین، واردکنندگان ثبت‌شده در استان شان‌دونگ این کشور بزرگ‌ترین خریداران نفت خام مالزی هستند که بیش از ۷۰ درصد از این حجم را به خود اختصاص می‌دهند. بطور کلی، هشت منطقه چین از جمله لیائونینگ و هنان از این کشور آسیای جنوب شرقی نفت وارد کرده‌اند که بیشترین میزان از اکتبر ۲۰۲۳ است. جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی ششم تیرماه ۱۴۰۳ بدون اشاره به ارزان فروشی نفت، گفت «صادرات نفت کشور در شرایط تحریم ۲/۵ برابر رشد کرد.» او کمتر از یک هفته بعد در واکنش به انتقادات به علت حراج نفت ایران در یک سخنرانی گفت، «به ۱۷ کشور دنیا نفت صادر می‌کنیم، می‌گویند تخفیف می‌دهند، میزان تخفیف‌ها از انگشتان دست من کمتر است!»

که روسیه با وجود تحریم‌ها، برای همین نوع نفت کمتر از یک دلار تخفیف به چین می‌دهد. ● گفته می‌شود تقریباً ۶۰ درصد نفت ایران از طریق دلال‌ها در مالزی و تحت نام نفت مالزی به چین صادر می‌شود. ● آمارهای گمرک چین نشان می‌دهد که این کشور در هفت ماه ابتدایی سال ۲۰۲۴ روزانه بطور متوسط یک میلیون و ۲۳۰ هزار بشکه نفت از مالزی وارد کرده است. این در شرایطی است تولید نفت مالزی حدود ۵۷۰ هزار بشکه در روز است. ● خبرگزاری بلومبرگ روز سه‌شنبه ۲۰ اوت (۳۰ امرداد) با اشاره به افزایش سهم دلال‌های مالزی در فروش پنهانی نفت ایران به چین گزارش داده که جمهوری اسلامی ارزان‌ترین نفت را به پالایشگاه‌های چینی می‌فروشد. ● در این گزارش آمده، ایران نفت سبک خود را [که نفت باکیفیت محسوب می‌شود] با شش دلار تخفیف نسبت به قیمت نفت برنت دریای شمال به چین می‌فروشد، در حالی که روسیه با وجود تحریم‌ها، برای همین نوع نفت کمتر از یک دلار تخفیف به چین می‌دهد. ● پالایشگاه‌های کوچک چین که به «تی‌پُت» (قوری) معروف‌اند مشتریان نفت ایران هستند و جمهوری اسلامی

سه ماه بعد از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان، خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه ۳۱ امرداد به نقل از یک «منبع امنیتی» در ادعای عجیب گزارش داد «وزن بالای هلی‌کوپتر در فشار هوایی آن منطقه عامل مهمی در عدم توانایی خلبان برای کنترل هلی‌کوپتر بوده است.»

در بخشی از این گزارش آمده، پرونده به صورت کامل در نهادهای نظارتی و امنیتی تکمیل شده و برآوردهای نهایی درباره علت سقوط حاکی از آن است که گروه پروازی و مسئولان امر بجز دو مورد تمام پروتکل‌های لازم را برای «تشریفات و امنیت رئیس جمهور» رعایت کرده‌اند.

این خبرگزاری اشاره دقیق به آن دو مورد نکرده است اما در ارتباط با آن نوشت، هنگام شروع پرواز تأخیری که به سبب دیدارهای رئیسی پیش آمده «وضعیت هوایی را نامطلوب کرد» و از طرف دیگر «وزن بالای بالگرد در فشار هوایی آن منطقه عامل مهمی در عدم توانایی خلبان برای کنترل بالگرد بوده است.»

«فارس» همچنین ادعا کرد، هلی‌کوپترها بر اساس تدابیر امنیتی دارای جی‌پاس نبودند و به علت آنکه سیستم‌های ناوبری آنها نوع مکانیکی بوده اساساً امکان خرابکاری از نوع جمر و هک سامانه‌های الکترونیکی منتفی است.

این منبع امنیتی همچنین عنوان کرد، «هیچ نشانه‌ای از عوامل شیمیایی و مواد آسیب‌زا نیز یافت نشده است.» «فارس» سپس مدعی شده که «حدود ۳۰ هزار نفر پس از این حادثه مورد آنالیز امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته‌اند و نتایج این بررسی‌ها نیز حاکی از عدم وجود عامل انسانی بوده و هیچ عامل مشکوکی شناسایی نشده است.»

همین منبع امنیتی در بخش دیگری از گزارش توضیح داد، «هلی‌کوپتر رئیسی دو نفر بیش از پروتکل‌های امنیتی را حمل کرده و زمانی که خلبان توده مه را مشاهده کرده و خواسته بالگرد را در ارتفاع پروازی مناسب تنظیم کند قدرت بالگرد کشتش کافی را برای این اقدام نداشته و در محدودیت دید حاصل از مه برخورد با کوه حادث شده است.»

در پایان نیز اشاره شده که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی بررسی‌های دقیقی خود را تکمیل کرده‌اند و اطمینان قطعی وجود دارد که آنچه اتفاق افتاده یک حادثه بوده است.

این ادعا که در هلی‌کوپتر رئیسی دو نفر بیشتر از پروتکل‌های امنیتی سوار شدند با «بند سوم» گزارش دوم ستاد کل نیروهای مسلح که مورخ نهم خرداد ۱۴۰۳ در مورد این سانحه منتشر شد در تناقض است. در گزارش «کمیته ویژه» آمده بود ظرفیت هلی‌کوپتر از جهت تعداد سرنشین و تجهیزات، متناسب با حداکثر وزن استاندارد بود.

هلی‌کوپتر حامل رئیسی از نوع «بل ۲۱۲» بود که تا ۱۵ نفر (دو خلبان و ۱۳ سرنشین) ظرفیت داشت.

علاوه بر ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه‌اش، حجت‌الاسلام محمدعلی آل‌هاشم امام جمعه تبریز (رئیس سابق عقیدتی سیاسی ارتش)، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، محافظان رئیسی و همچنین سرهنگ خلبان سید طاهر مصطفوی، سرهنگ خلبان محسن دریانوش، سرگرد فنی بهروز قدیمی نیز سرنشینان این پرواز بودند.

تأیید حکم محکومیت منشی ۹۹ ساله اردوگاه مرگ نازی‌ها: «مأمورم و معذور» نداریم!



ایرمارگارد فورشر در دادگاه/ ۱۹ اکتبر ۲۰۲۱ / رویترز

دلیل رد شد که از نظر دادگاه مهم نیست که آیا آن اردوگاه، «رسماً» اردوگاه مرگ اعلام شده بود یا نه، بلکه آنچه در آنجا به وقوع پیوسته، یعنی کشتار هزاران هزار نفر انسان است که مهم است.»

دیوان قضائی فدرال آلمان این نتیجه‌گیری دادگاه پیشین را تأیید می‌کند که: «در اینگونه اردوگاه‌های کار اجباری، افراد بسیاری در سطوح مختلف سیاسی، اداری یا نظامی بدون دخالت مستقیم در انجام قتل، در جنایت واقع شده مشارکت دارند. همچنین افراد زیادی تحت دستورات دولتی و در چارچوب زنجیره فرماندهی، مستقیم در انجام قتل‌ها نقش دارند.»

وبسایت شبکه یک تلویزیون آلمان در مطلبی از قول یکی از کارشناسان حقوقی خود در همین زمینه می‌نویسد: «دادگاه «ایتزهو» حکم داد که متهم از طریق کارهای اداری به مسئولان اردوگاه در کشتار سیستماتیک زندانیان کمک کرده است. حتی فعالیت‌های پشتیبانی نیز از لحاظ حقوقی می‌تواند به عنوان همدستی در قتل تلقی شوند.»

به نوشته این وبسایت، رئیس شعبه پنجم دادگاه، هنگام اعلام حکم گفت: «ممکن است برخی این سؤال را مطرح کنند که آیا پس از گذشت بیش از ۸۰ سال از هولوکاست، هنوز هم باید به جنایات منشی اردوگاه رسیدگی شود؟ حکم قانون کاملاً صراحت دارد: قتل مشمول مرور زمان نمی‌شود.»

اهمیت حکم دادگاه در آلمان

در آلمان از این حکم با عنوان یک حکم تاریخی یاد می‌شود. زیرا این اولین بار است که دیوان قضائی فدرال آلمان چنین حکمی صادر می‌کند. این حکم تأییدی است بر دیگر احکام مشابه که پیشتر از سوی دیگر دادگاه‌های بدوی یا ایالتی صادر شده بود و آنها را تقویت می‌کند. پرونده فورشر یکی از چندین پرونده‌ایست که از سال ۲۰۱۱ ←

است. او فقط یک کارمند ساده بوده و فعالیت روزمره‌اش با کار یک منشی، مثلاً در یک بانک تفاوتی ندارد. به عبارت دیگر مأمور بوده است و معذور!

شعبه پنجم دیوان قضائی فدرال آلمان در لایپزیگ درخواست تجدید نظر این زن را که اکنون ۹۹ سال دارد رد و حکم دادگاه بدوی در محکومیت او را تأیید کرد. دادگاه در حکم خود تأکید می‌کند: دادگاه ایالتی «ایتزهو» به درستی نتیجه گرفت که متهم از طریق کارهای اداری خود، نه تنها به فرمانده اردوگاه و معاون او که با آنها همکاری نزدیک [در کشتار زندانیان] داشته و از این نظر به آنها کمک فیزیکی کرده است، بلکه از نظر روانی نیز با ایفای نقش خود به عنوان یک کارمند مطیع و قابل اعتماد، در انجام ۱۰۵۰۵ قتل و ۵ اقدام به قتل وحشیانه که به او نسبت داده شده بود، کمک کرده است. فعالیت او به عنوان منشی تأیید در سازماندهی اداری اردوگاه از اهمیت محوری برخوردار بود. اینکه برخی اسناد [احکام مرگ زندانیان] احتمالاً توسط افراد دیگری تایپ شده‌اند، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تصمیم نهائی و حکم صادر شده ندارد. دادگاه همچنین تأکید می‌کند اینکه او یک کار معمولی دفتری را انجام می‌داد رد می‌کند، زیرا: «متهم بطور کامل از جنایات کسانی که به آنها کمک می‌کرده آگاه بوده و با ارائه خدمات خود، به نوعی با آنها همراهی می‌کرده است.» به عبارت دیگر: مأمور بودم و معذور، قابل پذیرش نیست! «آگاهی» از سازماندهی و برنامه‌ریزی و انجام جنایت، مسئولیت فردی به همراه می‌آورد.

در مورد اینکه اردوگاه «اِشتوتوهوف» هیچگاه بطور رسمی از سوی رژیم نازی‌ها یک اردوگاه «مرگ» اعلام نشده بود، یکی از سردبیران بخش حقوقی شبکه یک تلویزیون آلمان که به حکم دادگاه دسترسی دارد می‌گوید: «این استدلال به این

این زن در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵، دو سال، به عنوان منشی در اردوگاه کار اجباری و اردوگاه مرگ «اِشتوتوهوف» کار می‌کرد. دادگاه ایالتی «ایتزهو» در ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲، زمانی که فورشر ۹۷ ساله بود، او را به دلیل «مشارکت در قتل» بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۵ نفر مجرم شناخت.

در آلمان از این حکم با عنوان یک حکم تاریخی یاد می‌شود. زیرا این اولین بار است که دیوان قضائی فدرال آلمان چنین حکمی صادر می‌کند. این حکم تأییدی است بر دیگر احکام مشابه که پیشتر از سوی دیگر دادگاه‌های بدوی یا ایالتی صادر شده بود و آنها را تقویت می‌کند. پرونده فورشر یکی از چندین پرونده‌ایست که از سال ۲۰۱۱ در آلمان به جریان افتاده است. پرونده‌هایی که بر اساس یک رویه قضایی، به وضعیت آندسته از افراد که در سطوح مختلف در کشتار نازی‌ها با آنها همکاری کرده‌اند رسیدگی می‌کند.

به کار بردن واژه «کارخانه یا ماشین کشتار» چه در مورد کشتار زندانیان در اردوگاه‌های مرگ نازی یا در مورد کشتار زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت (و دیگر زندان‌های ایران) بر ماهیت مشترک این نوع جنایت‌ها اشاره دارد و تأییدی است بر این پیام که: قتل جنایت مشمول مرور زمان نمی‌شود... هم آمران و عاملان و هم همه افراد مشارکت‌کننده در ماشین کشتار، حتی در سطوح پشتیبانی و دفتری، در نقش مهره‌ها یا دندان‌های بزرگ و کوچک آن «ماشین کشتار» مشارکت داشته و مسئول بوده و باید در قبال جنایت‌های مرتکب‌شده پاسخگو باشند و نمی‌توانند مسئولیت شخصی خود را در آن مورد کتمان کرده و باید در حد نقش خود پاسخگو باشند. این پاسخگوئی کھولت یا بیماری نمی‌شناسد.

حنیف حیدرنژاد- روز ۲۰ اوت ۲۰۲۴ دیوان قضائی فدرال آلمان مستقر در شهر لایپزیگ درخواست تجدید نظر ایرمارگارد فورشر- Irmgard Furchner منشی سابق در اردوگاه کار اجباری و اردوگاه مرگ «اِشتوتوهوف» را رد و حکم دادگاه پیشین در محکومیت او را تأیید و آن را قطعی اعلام کرد.

این زن در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵، دو سال، به عنوان منشی در اردوگاه کار اجباری و اردوگاه مرگ «اِشتوتوهوف» کار می‌کرد. دادگاه ایالتی «ایتزهو» در ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲، زمانی که فورشر ۹۷ ساله بود، او را به دلیل «مشارکت در قتل» بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۵ نفر مجرم شناخت. بر اساس حکم دادگاه، وی به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. از آنجا که او در زمان وقوع جنایت هجده نوزده ساله بود، شعبه جوانان دادگاه بر اساس قوانین مرتبط با جوانان به اتهامات او رسیدگی و حکم صادر کرد.

منشی سابق اردوگاه مرگ نازی‌ها در اعتراض به این حکم از دیوان عالی قضائی آلمان درخواست تجدید نظر کرد. دلایل ارائه شده در اساس بر دو نکته تأکید داشت:

اول: اردوگاه «اِشتوتوهوف» هیچگاه بطور رسمی از سوی رژیم نازی‌ها یک اردوگاه «مرگ» اعلام نشده بود. دوم: او دخالت مستقیم در مرگ و کشتن زندانیان نداشته

وزارت خارجه آلمان یورش مأموران امنیتی به مؤسسه گوته در تهران را محکوم کرد



هجوم مأموران امنیتی به مؤسسه گوته در تهران / ۳۰ مرداد ۱۴۰۳

تدریس به فوریت از سر گرفته شود. شاهدان عینی در ارتباط با این هجوم گفتند مأموران نیروی انتظامی وقتی به مؤسسه گوته هجوم بردند که برخی زبان آموزان در حال امتحان بودند. گزارش شد که شماری از آنها مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. برخی افراد که در صحنه حضور داشتند روایت کردند، «وقتی مأموران به داخل طبقات هجوم آوردند، مدارک شناسایی از جمله پاسپورت زبان آموزان را هم از آنها گرفتند و می پرسیدند کجا می خواهید بروید؟»

مؤسسه گوته وابسته به سفارت آلمان در تهران است. در پی تعطیلی این مؤسسه، وزارت خارجه آلمان سفیر جمهوری اسلامی در برلین را احضار کرد.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی، این مراکز را «غیرقانونی» نامید و نوشت «دو شعبه از مراکز غیرقانونی وابسته به دولت آلمان» که با «نقض قوانین کشور، مرتکب اعمال غیرقانونی متعدد و تخلفات گسترده مالی شده بودند»، با دستور مقام قضایی تعطیل شدند.

وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در کانال تلگرامی خود با اشاره به خبر تعطیلی مراکز مرتبط با مؤسسه گوته نوشت: «گفته می شود این اقدامی متقابل در مورد بستی مراکز فرهنگی و اسلامی در آلمان است.»

حسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس»، در واکنش به پلمب مؤسسه گوته در کانال تلگرامی خود «عمیقاً ابراز تأسف» کرده و نوشته است، «امیدوارم که با تلاش های دیپلماتیک، برلین و تهران بتوانند مسیر فعلی قهر و دشمنی در روابط را به سمت دوستی و همکاری هدایت کنند. دولت جدید آقای پزشکیان یک فرصت مناسب است.»

● وزارت خارجه آلمان در بیانیه ای اعلام کرد، «ما اقدامات مقامات امنیتی ایران علیه موسسه زبان آلمانی در تهران را محکوم می کنیم. این اقدام را نمی توان با هیچ چیز توجیه کرد. تبادل زبان اساس درک و تفاهم متقابل است.»

● آلمان از «دولت جدید ایران» خواسته اجازه دهد روند تدریس به فوریت از سر گرفته شود.

● برخی افراد که در صحنه حضور داشتند روایت کردند، «وقتی مأموران به داخل طبقات هجوم آوردند، مدارک شناسایی از جمله پاسپورت زبان آموزان را هم از آنها گرفتند و می پرسیدند کجا می خواهید بروید؟»

● وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در کانال تلگرامی خود با اشاره به خبر تعطیلی مراکز مرتبط با مؤسسه گوته نوشت: «گفته می شود این اقدامی متقابل در مورد بستی مراکز فرهنگی و اسلامی در آلمان است.»

وزارت خارجه آلمان در بیانیه ای که ۳۰ مرداد صادر شد یورش نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به مؤسسه گوته در تهران را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده، «ما اقدامات مقامات امنیتی ایران علیه موسسه زبان آلمانی در تهران را محکوم می کنیم. این اقدام را نمی توان با هیچ چیز توجیه کرد. تبادل زبان اساس درک و تفاهم متقابل است.»

وزارت خارجه آلمان اعلام کرد، «این مؤسسه یک مکان ملاقات محبوب و رسمی است که در آن افراد تلاش شخصی زیادی برای فراگیری زبان در شرایط سخت از خود به خرج می دهند. کارکنان این مؤسسه بسیار متعهد به کار خود هستند که هدف آن تقویت پیوند میان مردم ایران و آلمان نیز هست.»

آلمان از «دولت جدید ایران» خواسته اجازه دهد روند

→ در آلمان به جریان افتاده است. پرونده هایی که بر اساس یک رویه قضایی، به وضعیت آندسته از افراد که در سطوح مختلف در کشتار نازی ها با آنها همکاری کرده اند رسیدگی می کند. اولین پرونده مربوط به محکومیت جان دمنایوک بود. او در دادگاهی در آلمان به عنوان نگهبان در اردوگاه مرگ به مشارکت در کشتار زندانیان محکوم شد. دمنایوک که اتهامات را رد کرده بود، پیش از رسیدگی به درخواست تجدید نظرش درگذشت.

اهمیت این حکم برای جنبش دادخواهی در ایران

همگان به یاد دارند که حمید نوری از زمانی که دستگیر شد ابتدا هویت خودش و اینکه همان «حمید عباسی» است که در زندان گوهردشت معاون دادیار زندان بوده انکار می کرد. سپس موجودیت زندان گوهردشت را رد و می گفت در مکانی که شاکیان و شاهدان می گویند زندانی به نام «جائی شهر» وجود داشته، نه گوهردشت. بعد از آن اساساً کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را رد کرد. بعد انکار کرد که او در مقطع زمانی کشتار زندانیان سیاسی، در زندان گوهردشت بوده و گفت به دلیل زایمان همسرش، در مرخصی زایمان و در کنار او بوده و... بعد از آنکه همه این ادعاها رنگ باخت، در دادگاه تجدید نظر ادعا کرد یک «کارمند ساده» بوده و در کشت هیچ زندانی دخالتی نداشته است. او سرانجام با همه این تلاش ها و دروغ ها در مرحله بدوی به دلیل مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی و مشارکت در قتل و به عنوان جنایتکار جنگی متهم شناخته و به حبس ابد محکوم شد و دادگاه تجدید نظر سوئد نیز این حکم را تأیید کرد.

دادستان دادگاه حمید نوری کشتار زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت در تابستان ۱۳۶۷ را اینگونه توصیف کرد: «هیچکس در مورد وقوع این اتفاقات در زندان ها از جمله زندان گوهردشت تردیدی ندارد. [در آلمان] گوهردشت به کارخانه کشتار تبدیل شد که سیستم برای این کار به یک سازماندهی مناسب نیاز داشت.»

به کار بردن واژه «کارخانه یا ماشین کشتار» چه در مورد کشتار زندانیان در اردوگاه های مرگ نازی یا در مورد کشتار زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت (و دیگر زندان های ایران) بر ماهیت مشترک این نوع جنایت ها اشاره دارد و تأکیدی است بر این پیام که: قتل جنایت مشمول مرور زمان نمی شود... هم آمران و عاملان و هم همه افراد مشارکت کننده در ماشین کشتار، حتی در سطوح پشتیبانی و دفتری، در نقش مهره ها یا دندان های بزرگ و کوچک آن «ماشین کشتار» مشارکت داشته و مسئول بوده و باید در قبال جنایت های مرتکب شده پاسخگو باشند و نمی توانند مسئولیت شخصی خود را در آن مورد کتمان کرده و باید در حد نقش خود پاسخگو باشند. این پاسخگوئی کھولت یا بیماری نمی شناسد.

با چنین دستاوردی در زمینه حقوقی و با استناد به اصل صلاحیت قضائی جهانی، دادخواهان و مدافعان حقوق بشر ایرانی می توانند هرچه امیدوارتر زمینه های دستگیری مشارکت کنندگان در دستگیری، سرکوب، کشتار و اعدام معترضین و زندانیان ایرانی را دنبال کنند.

همچنین نمونه حمید نوری به همه دست اندرکاران ریز و درشت سرکوب و کشتار مردم در ایران نشان داد که نمی توانند ادعا کنند که مامورند و معذور! آنها با دیدن چنین احکامی باید هرچه زودتر تصمیم بگیرند که دیگر مهره ماشین کشتار نبوده و به صف مردم پیوندند، وگرنه دیر یا زود، چه در ایران یا خارج از ایران باید پاسخگوی آنچه باشند که مرتکب شده اند.

چالش ایلان ماسک با قوانین فضای مجازی در اتحادیه اروپا



ایلان ماسک / اوت ۲۰۲۴ / رویترز

زیرا اینترنت، موتورهای جستجو و رسانه‌های اجتماعی، هیچ مرز ملی نمی‌شناسند.

DSA اجازه‌ی دستورات حذف برون مرزی را نیز می‌دهد، حتی اگر اطلاعات سانسور شده در کشوری که سرور در آن قرار دارد، غیرقانونی نباشد.

علاوه بر این، باید در نظر داشت که اتحادیه‌ی اروپا قصد دارد «نفرت» را در اروپا جرم‌انگاری و در طبقه‌بندی تروریسم و قاچاق اسلحه قرار دهد که این امر می‌تواند راه را برای موارد بیشتری به عنوان محتوای غیرقانونی، براساس دلایل ذهنی باز کند.

فضای ناخوشایند DSA، سانسور را در چارچوب محتوای غیرقانونی پنهان می‌کند و طبعاً قانونگذاران در مدار کج‌سلیقگی و منافع، دائماً چیزهای جدید و بیشتری را غیرقانونی اعلام می‌کنند؛ روندی که در مسیر خود به آدرس کاگب و جمهوری اسلامی می‌رسد با این مضمون که، تو آزادی سخن بگویی اما، آنچه را که ما می‌پسندیم!

با سوء استفاده‌ی ابزاری از نظم دموکراتیک هر کاری را می‌توان به نام قانون، غیرقانونی و دقیق انجام داد. موضوعی که فقط به اراده‌ی سیاسی و نیاز روز آن بستگی دارد و همزمان در کنارش هم مدام فریاد زد دموکراسی در خطر است!

در آخر، یادآوری می‌شود آنچه را کنوانسیون‌های اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق بشر در مورد آزادی بیان می‌گویند، مهمترین امر زیربنای قوانین دموکراتیک با اتکاء به ارزش‌های غربی بوده و امروز از آن در عمل چیزی در حد شعار باقی نمانده است.

در این منشور به صراحت تأکید شده که، هر کسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی عقیده و آزادی در دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید بدون دخالت مقامات «دولتی- حکومتی» و مستقل از مرزهای سرزمینی است.

*فرد صابری فعال و تحلیلگر سیاسی

معتقدست: این عمل باعث فریب مردم در هويت واقعی کاربران شده است. با این حال اتحادیه اروپا هیچ توضیحی در مورد کاربران یاد شده که همان مردم هستند ارائه نکرده است!

قانون «خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا» (DSA) این حق و تعهد را به حذف محتوای غیرقانونی در پلتفرم‌های اجتماعی و همچنین موتورهای جستجوگر می‌دهد و آنچه در این زمینه غیرقانونی تعریف شود، توسط قوانین ملی و قوانین اتحادیه اروپا تعیین می‌گردد. در عین حال، محتوای مضر از نظر خطرات سیستمی تحت قوانین ویژه‌ای، برای بزرگترین پلتفرم‌های اجتماعی و موتورهای جستجو ذکر شده و انتظار می‌رود این موارد خطرات سیستمی از نظر محتوای مضر، مانند اطلاعات نادرست را ذخیره و برطرف کنند.

باید به این نکته توجه داشت که DSA نمی‌تواند پلتفرم‌های اجتماعی را مجبور به حذف چیزی غیر از مطالب غیرقانونی کند اما، انتظار می‌رود که همزمان اقداماتی را علیه محتوای مضر انجام دهد.

به این ترتیب، از موتورهای جستجوی اصلی انتظار می‌رود که نتایج جستجوی خود را به ابتکار خودشان بر اساس آنچه دیگران مضر می‌دانند تعدیل کنند. به این صورت اتحادیه‌ی اروپا آزادی بیان را از طریق «نیابتی»ها محدود می‌کند.

اینکه نیابتی‌ها دقیقاً کجا و چگونه عمل می‌کنند، احتمالاً تا زمانی که این موضوع توسط دادگاه اتحادیه‌ی اروپا در آینده تصمیم‌گیری نشود، نمی‌توان در موردش سخن گفت زیرا، این یک بند به اصطلاح کشدار است و می‌تواند به اختلاف ماسک با اتحادیه اروپا بر سر سانسور مربوط باشد.

در همین ارتباط باید توجه داشت که آنچه در کشورهای مختلف عضو اتحادیه اروپا غیرقانونی اعلام شده، کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، در خصوص سقط جنین در مالت و لهستان، از یک قانون تبعیت نمی‌شود. بنابراین، اطلاعات سقط جنین آنلاین ممکن است با ارجاع به DSA سانسور شود و کل اتحادیه‌ی اروپا را تحت تأثیر قرار دهد

● جدال اخیر ایلان ماسک مالک پلتفرم ایکس (توییتر سابق) و تیری برتون کمیسر اتحادیه اروپا در ایکس و دیگر رسانه‌ها به نقطه‌ای رسیده که ماسک می‌گوید: اتحادیه اروپا قول داده در صورت موافقت او با سانسور محتوای خاص، در مدار قانونی اتحادیه‌ی اروپا قرار می‌گیرد و این مشکل رفع خواهد شد. او همچنین مدعی است که متا و گوگل چنین قراردادهایی با اتحادیه اروپا به ثبت رسانده‌اند.

● قانون «خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا» (DSA) این حق و تعهد را به حذف محتوای غیرقانونی در پلتفرم‌های اجتماعی و همچنین موتورهای جستجوگر می‌دهد و آنچه در این زمینه غیرقانونی تعریف شود، توسط قوانین ملی و قوانین اتحادیه اروپا تعیین می‌گردد.

● در همین ارتباط باید توجه داشت که آنچه در کشورهای مختلف عضو اتحادیه اروپا غیرقانونی اعلام شده، کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، در خصوص سقط جنین در مالت و لهستان، از یک قانون تبعیت نمی‌شود. بنابراین، اطلاعات سقط جنین آنلاین ممکن است با ارجاع به DSA سانسور شود و کل اتحادیه‌ی اروپا را تحت تأثیر قرار دهد زیرا اینترنت، موتورهای جستجو و رسانه‌های اجتماعی، هیچ مرز ملی نمی‌شناسند.

فرد صابری- جدال اخیر ایلان ماسک مالک پلتفرم ایکس (توییتر سابق) و تیری برتون کمیسر اتحادیه اروپا در ایکس و دیگر رسانه‌ها به نقطه‌ای رسیده که ماسک می‌گوید: اتحادیه اروپا قول داده در صورت موافقت او با سانسور محتوای خاص، در مدار قانونی اتحادیه‌ی اروپا قرار می‌گیرد و این مشکل رفع خواهد شد. او همچنین مدعی است که متا و گوگل چنین قراردادهایی با اتحادیه اروپا به ثبت رسانده‌اند.

این ادعای ایلان ماسک- که احتمال آن نیز می‌رود- یک رسوایی بزرگ برای اتحادیه اروپاست گرچه این موضوع می‌تواند در مورد چگونگی تفسیر قوانین آنلاین جدید اتحادیه اروپا باشد.

در روزهای گذشته، تیری برتون نوشته‌های تندی علیه ماسک در ایکس منتشر کرده که آخرین مورد آن به گفتگوی زنده ماسک با دونالد ترامپ در این غول رسانه‌ای پرداخته است. او می‌گوید: همه‌ی اقدامات کاهشی متناسب و مؤثر در خصوص تقویت محتوای «مضر» در ارتباط با رویدادهای مرتبط انجام می‌شود!

در اینجا، عبارت کلیدی «محتوای مضر» می‌تواند محل بحث باشد زیرا به شکل عمومی اطلاعات مضر، لزوماً غیرقانونی نیست. اما سوال اینجاست که اتحادیه اروپا دقیقاً دنبال چیست و از ایکس چه خواسته‌ای دارد که ماسک باید انجام دهد؟ سانسور و ساکت کردن افکار عمومی یا ممنوعیت در سایه؟ بر چه مبنایی و کدامین قانون؟

در سطح بالاتر، اتحادیه اروپا از نشان آبی پلتفرم ایکس شاک‌ی است. پیشتر رسانه‌ها، سیاستمداران، افراد مشهور و افراد برجسته یک نشان «وی‌آی‌پی» با نام خود دریافت می‌کردند تا تأیید شود که آنها مهم و واقعی هستند.

اکنون این مقوله با سیستمی جایگزین شده که در آن هر کسی که مایل به پرداخت ماهانه (آبومان) است نشان آبی (و بیشتر) دریافت می‌کند که تا حدودی به معنای تأیید شدن کاربر است اما، این موضوع مورد استقبال کسانی که نشان وی‌آی‌پی داشتند، قرار نگرفته و حال اتحادیه اروپا

یادداشت وزیر خارجه اسرائیل در روزنامه «تلگراف»: اسرائیل در خط مقدم مبارزه علیه حکومت آیت‌الله‌هاست و غرب باید حمایت کند



علی خامنه‌ای در حال اقامه نماز در جمع فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی / آوریل ۲۰۲۴

است، سکویی که کل جهان را تهدید می‌کند. تدابیر امنیتی اسرائیل برای مقابله با جاه‌طلبی‌های رژیم ایران که بطور فزاینده‌ای گستاخ‌تر می‌شود، ضروری است.

وزیر خارجه اسرائیل می‌افزاید، «با نگاهی به آینده، هر راه حلی برای غزه، یهودیه و سامره باید این واقعیت را توضیح دهد. خودگردانی فلسطین در امور داخلی، همراه با نظارت امنیتی اسرائیل، بهترین گزینه کوتاه‌مدت برای مقابله با نفوذ رژیم ایران است و در عین حال به فلسطینی‌ها حداکثر فرصت برای اداره امور خود را می‌دهد. این روند برای شکست چرخه خشونت که به جاه‌طلبی‌های حکومت ایران دامن می‌زند بسیار مهم است. تاریخ ثابت می‌کند که هر زمان اسرائیل از نظارت بر امنیت عقب‌نشینی می‌کند، اولین کسی که خلاء را پر می‌کند، یک نماینده تروریست تحت کنترل حکومت ایران است.»

او در بخش دیگری از این یادداشت می‌نویسد، خطرات در این مبارزه بسیار فراتر از اسرائیل است. توسعه‌طلبی کنترل نشده حکومت ایران، تلاش‌های عادی‌سازی با همسایگان عرب ما را از مسیر خارج کرده و امنیت انرژی جهانی و مبارزه با تروریسم بین‌المللی را تضعیف می‌کند. زیان اقتصادی جنگ‌افروزی رژیم ایران در حال حاضر تجارت جهانی را نگران کرده و قیمت کالاها را افزایش داده است.

در پایان کاتز خطاب به رهبران غرب می‌گوید، «اسرائیل در خط مقدم مبارزه جهان آزاد با محاصره جمهوری اسلامی قرار دارد. حمایت از اسرائیل در برابر آیت‌الله‌ها در تهران، حماس سنوار در غزه و حزب‌الله نصرالله در لبنان اقدامی برای حفظ خود از سوی همه کشورهای آزاد است. جهان باید تشخیص دهد که نبرد امروز علیه حکومت ایران در ساخت «حلقه آتش» در سراسر خاورمیانه ممکن است مقدمه‌ای برای رویارویی‌های گسترده‌تر باشد. واقعیت در برابر چشم همه قرار دارد. اکنون پرسش این است که آیا جهان قبل از اینکه خیلی دیر شود به هشدارها توجه خواهد کرد؟»

غزه تا لبنان و در سراسر خاورمیانه، شاهد حمله هماهنگ جمهوری اسلامی به ثبات منطقه بوده‌ایم. این تصادفی نیست؛ این دستورالعمل بازی حکومت ایران در میدان عمل است. از لبنان گرفته تا یمن، سوریه تا عراق، رژیم بی‌رحمانه دولت‌ها و سرزمین‌ها را تضعیف می‌کند و گروه‌های افراطی را برای خدمت به اهداف انقلابی‌اش مسلح می‌کند.»

تلاش‌های بی‌ثبات‌کننده حکومت ایران بطور فزاینده‌ای در یهودیه و سامره (کرانه باختری) مشهود است. تهران در حال تضعیف تشکیلات خودگردان فلسطین است و از گروه‌های افراطی با کامیون‌های اسلحه و پول حمایت می‌کند. اگر هشپاری اسرائیل نبود، یهودیه و سامره به سرعت به پایگاه دیگری از رژیم ایران تبدیل می‌شدند و ثبات اسرائیل و منطقه را تهدید می‌کردند. جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی بیش از پیش گسترش می‌یابد، زیرا تلاش‌های این حکومت برای قاچاق اسلحه از طریق اردن این کشور کلیدی میانه‌رو عربی را نیز به خطر می‌اندازد.

علاوه بر این، روابطی مانند آنچه وزیر کشور آلمان، نانسی فرز، در ارتباط با مرکز اسلامی هامبورگ و رهبر جمهوری اسلامی و حزب‌الله افشا کرده، نشان‌دهنده تلاش استراتژیک حکومت ایران برای گسترش ایدئولوژی انقلابی خود در سطح جهانی است.

کاتز با این توضیحات اشاره می‌کند، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محرک اصلی استراتژی رژیم ایران برای محاصره اسرائیل با «حلقه آتش» و تکثیر تروریست در خاورمیانه و جهان است. جامعه بین‌المللی باید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان بزرگترین سازمان تروریستی جهان اعلام کند و تحریم‌های فلج‌کننده بیشتری را علیه جمهوری اسلامی اعمال کند. این اقدامات برای توقف فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده رژیم ایران و تضمین امنیت جهان ضروری است.»

وی بیان می‌کند که جهان باید بپذیرد که مبارزه اسرائیل علیه حماس برای جلوگیری از ایجاد یک سکوی پرتاب تروریستی دیگر توسط حکومت ایران در مرزهای این کشور

● وزیر خارجه اسرائیل در یادداشتی که ۲۱ اوت (۳۱ امرداد) در روزنامه بریتانیایی «تلگراف» منتشر شد، به دولت‌های غربی هشدار داده با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی از اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی حمایت کنند تا شرایط برای بازگشت ثبات و آرامش به خاورمیانه فراهم شود.

● اسرائیل کاتز می‌نویسد انتصاب یحیی سنوار، مغز متفکر قتل عام هفتم اکتبر، به عنوان رهبر حماس ثابت می‌کند که حماس جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را که سنوار مرتکب شده تأیید می‌کند. این اقدام هرگونه توهم را در مورد اینکه یک جناح میانه‌رو از حماس وجود دارد که متمایز از شاخه نظامی و تروریستی آن است از بین می‌برد. در واقع کل این تشکیلات یک گروه تروریستی تحت کنترل رژیم ایران است.

● «اسرائیل در خط مقدم مبارزه جهان آزاد با محاصره جمهوری اسلامی قرار دارد. حمایت از اسرائیل در برابر آیت‌الله‌ها در تهران، حماس سنوار در غزه و حزب‌الله نصرالله در لبنان اقدامی برای حفظ خود از سوی همه کشورهای آزاد است. جهان باید تشخیص دهد که نبرد امروز علیه حکومت ایران در ساخت «حلقه آتش» در سراسر خاورمیانه ممکن است مقدمه‌ای برای رویارویی‌های گسترده‌تر باشد. واقعیت در برابر چشم همه قرار دارد. اکنون پرسش این است که آیا جهان قبل از اینکه خیلی دیر شود به هشدارها توجه خواهد کرد؟»

● اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل در یادداشتی که ۲۱ اوت (۳۱ امرداد) در روزنامه بریتانیایی «تلگراف» منتشر شد، به دولت‌های غربی هشدار داده با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی از اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی حمایت کنند تا شرایط برای بازگشت ثبات و آرامش به خاورمیانه فراهم شود.

کاتز در ابتدای این نوشتار تأکید کرد انتصاب یحیی سنوار، مغز متفکر قتل عام هفتم اکتبر، به عنوان رهبر حماس دو حقیقت نگران‌کننده را آشکار می‌کند: «اول اینکه حماس مثل همیشه افراطی باقی می‌ماند. رهبری سنوار - که با تاکتیک‌های خصمانه و وحشیانه او، از جمله تجاوز به زنان و گروگان‌های غیرنظامی بزرگترین کشتار یهودیان از زمان هولوکاست رقم خورد - ثابت می‌کند که حماس جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را که سنوار مرتکب می‌شود، تأیید می‌کند. این اقدام هرگونه توهم را در مورد اینکه یک جناح میانه‌رو از حماس وجود دارد که متمایز از شاخه نظامی و تروریستی آن است از بین می‌برد. در واقع کل این تشکیلات یک گروه تروریستی تحت کنترل رژیم ایران است.»

دومین مسئله‌ای که وزیر خارجه اسرائیل به آن اشاره کرده رابطه تنگاتنگ حماس و رژیم ایران است. او می‌نویسد، «حماس بطور کامل به عنوان نماینده [حکومت] ایران عمل می‌کند؛ رهبری حماس همیشه وقف تحقق هدف آیت‌الله‌ها برای نابودی اسرائیل از روی نقشه جغرافیا بوده است. حماس سنوار دیگر پشت نقاب جنگ برای مردم غزه پنهان نمی‌شود. در عوض، با افتخار آنها را قربانی ماشین جنگی بی‌امان و نسل‌کش تهران می‌کند.»

در این یادداشت آمده، طی ۱۰ ماه گذشته راهبرد شوم و وحشیانه حکومت ایران به وضوح علنی شده است. از

رأی اعتماد به همه وزرای کابینه پس از چند روز نمایش موافق و مخالف؛ پزشکیان می گوید کابینه چهاردهم کابینه خامنه‌ای و نهادهای امنیتی است!



● مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم گفت شماری از وزرای پیشنهادی مانند عباس عراقچی، عزیز نصیرزاده، علیرضا کاظمی، اسماعیل خطیب و حسین سیمایی صراف را بدون هماهنگی «بالا» انتخاب نکرده است.

● پزشکیان بر توافق با سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی نیز برای تعیین هیئت وزیران تأکید کرد: «با سازمان‌های امنیتی، سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات همه با هم توافق کردیم و این لیست کابینه را ارائه دادیم.»

● رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی گفته «همه لیست را به خامنه‌ای دادم. همه با هماهنگی و تفاهم آمدند. کسانی را که ذره‌ای شک درباره‌شان بود، در لیست نیاوردم.»

● آرای بالای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی نشان می‌دهد برخلاف تبلیغات اصلاح‌طلبان، نمایندگان مجلس دوازدهم با دولت مسعود پزشکیان همراه و همسو هستند.

پس از پایان نمایش‌های موافق و مخالف درباره هیئت وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان از سوی نمایندگان مجلس، همه ۱۹ وزیر کابینه رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی را دریافت کردند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه بعد از ظهر چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳ به تمامی وزرای پیشنهادی دولت مسعود پزشکیان رأی اعتماد دادند. طی روزهای گذشته بارها در جلسات بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی جنجال درست شده بود و حامیان پزشکیان موجی خبری درباره احتمال رأی عدم اعتماد به شماری از وزرای پیشنهادی راه انداخته بودند.

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم که بطور زود هنگام و سه سال پس از تشکیل دولت سیزدهم و کشته شدن ابراهیم رئیسی در حادثه مشکوک هلی‌کوپتر تشکیل شده، دقایقی پیش از برگزاری مراسم رأی‌گیری در مجلس، طی سخنانی از نمایندگان خواست به همه وزرای پیشنهادی رأی دهند و تأکید کرد این وزرا با هماهنگی کامل با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و نظر مستقیم علی‌خامنه‌ای تعیین شده‌اند.

پزشکیان گفت شماری از وزرای پیشنهادی مانند عباس عراقچی، عزیز نصیرزاده، علیرضا کاظمی، اسماعیل خطیب و حسین سیمایی صراف را بدون هماهنگی «بالا» انتخاب نکرده است.

او همچنین نسبت به همسو بودن کابینه با مجلس اطمینان داد: «امکان ندارد کسی را آورده باشم که حتی تصور ذهنی جزئی وجود داشته باشد که بخواهم از طریق او با مجلس تقابل کنم.»

پزشکیان در ادامه گفت که «در ذهن من ایده‌آلهایی بود اما وقتی دیدم توافق و تفاهمی نیست از آنها پایین آمدم. چون تفاهم برایم مهمتر است. کوتاه آمدم و باز هم برای وحدت کوتاه خواهم آمد.»

او بر توافق با سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی برای تعیین هیئت وزیران نیز تأکید کرد و گفت: «با سازمان‌های امنیتی، سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات همه با هم توافق کردیم و این لیست کابینه را ارائه دادیم.»

محمدرضا ظفرقندی وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان و

ارائه کرد، گفت: «من را وادار نکنید وارد جزئیات شوم. رأی بدهید برویم دولت را تشکیل بدهیم.»
بیشترین رأی اعتماد از سوی نمایندگان را صالحی وزیر ارشاد اسلامی با ۲۷۱ رأی دریافت کرد. صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی با ۱۶۸ رأی کمترین رأی اعتماد را گرفت.
آرای بالای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی نشان می‌دهد برخلاف تبلیغات اصلاح‌طلبان، نمایندگان مجلس دوازدهم با دولت مسعود پزشکیان همراه و همسو هستند.

اکنون با رأی اعتماد نمایندگان به همه وزرای پیشنهادی، هیئت دولت مسعود پزشکیان می‌تواند از فردا بطور رسمی فعالیت خود را آغاز کند.

فهرست وزرای دولت چهاردهم و آرای نمایندگان مجلس اسلامی دوازدهم به آنها به شرح زیر است:

وزارت اطلاعات: سید اسماعیل خطیب / ۲۶۱ رأی
وزارت اقتصاد: عبدالناصر همتی / ۱۹۲ رأی
وزارت امور خارجه: عباس عراقچی / ۲۴۴ رأی
وزارت بهداشت: محمدرضا ظفرقندی / ۱۶۳ رأی
وزارت کار: احمد میدری / ۱۹۱ رأی
وزارت جهاد کشاورزی: غلامرضا نوری / ۲۵۳ رأی
وزارت دادگستری: امین حسین رحیمی / ۲۶۸ رأی
وزارت دفاع: عزیز نصیرزاده / ۲۸۱ رأی
وزارت راه: فرزانه صادق مالواجرد / ۳۳۰ رأی
وزارت صمت: محمد اتابک / ۳۳۱ رأی
وزارت علوم: حسین سیمایی صراف / ۲۱۹ رأی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سیدعباس صالحی / ۲۷۱ رأی
وزارت کشور: اسکندر مومنی / ۲۵۹ رأی
وزارت میراث فرهنگی: سیدرضا صالحی امیری / ۱۶۸ رأی
وزارت نفت: محسن پاک‌نژاد / ۲۲۱ رأی
وزارت نیرو: عباس علی‌آبادی / ۲۵۵ رأی
وزارت ورزش: احمدی دنیامالی / ۲۵۳ رأی

آموزش پزشکی، احمد میدری وزیر پیشنهادی تعاون و کار و رفاه اجتماعی و رضا صالحی‌امیری وزیر پیشنهادی میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی طی روزهای گذشته با مخالفت‌هایی از سوی بخشی از نمایندگان روبرو شده بودند و رسانه‌های حکومتی از احتمال عدم رأی اعتماد به این افراد خبر می‌دادند. مسعود پزشکیان اما درباره آنها به نمایندگان اطمینان داد و گفت: «به من اعتماد کنید. اگر (این افراد) جهت‌گیری مقابل ولایت داشتند با آنها کنار نمی‌آمدم.»

پزشکیان درباره عباس صالحی وزیر پیشنهادی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت که خود علی‌خامنه‌ای مستقیم به او دستور داده است که بگوید: «[صالحی را] دعوتش کردم، مدام می‌گفت نه. [به خامنه‌ای] گفتم صالحی نمی‌آید، ایشان تلفن را برداشت، گفت به او بگویید بیاید.» او همچنین اطرافیان خود را نیز لو داد و تخریب کرد و گفت: «همین نوشته‌ها را می‌دهند دستم نمی‌توانم بخوانم چون آنچه در دلم هست و به آن معتقدم را می‌خواهم بگویم.»

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی گفته «همه لیست را به خامنه‌ای دادم. همه با هماهنگی و تفاهم آمدند. کسانی را که ذره‌ای شک درباره‌شان بود، در لیست نیاوردم.» وی افزود که فرزانه صادق مالواجرد وزیر پیشنهادی برای وزارت راه و شهرسازی را خامنه‌ای گفته در فهرست وزرا حضور داشته باشد.

یکی از حاشیه‌های مجلس درباره صلاحیت عباس عراقچی وزیر پیشنهادی امور خارجه بود؛ مسعود پزشکیان پیش از رأی‌گیری صلاحیت وزرا به نمایندگان گفت که عراقچی اولین کسی از فهرست وزرا بود که خامنه‌ای قبولش کرد و «گفت خوب است.»

او پس از آنکه همه آمارها از وزارتی را که از فیلتر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی رد شده و با اراده خامنه‌ای تعیین شده‌اند، از تریبون صحن علنی مجلس شورای اسلامی

اعتصاب بی سابقه پرستاران در چند شهر ایران اختلال در خدمات بیمارستان‌ها و بی‌اعتنایی و عدم پاسخگویی مقامات



● ۸۰ درصد پرستاران شیراز در اعتصاب هستند و نهادهای امنیتی در شیراز با تهدید و هراس‌آفرینی برای پایان دادن به اعتصاب پرستاران تلاش می‌کنند.

● دبیر «خانه پرستار» اعلام کرده که اعتصاب پرستاران در شیراز سبب تعطیلی اتاق عمل در چند بیمارستان شده است.

بیش از دو هفته از اعتصاب پرستاران در بیمارستان‌های دولتی شیراز و چند شهر دیگر ایران گذشت. در حالی که اعتصاب پرستاران سبب تعطیلی بخش جراحی برخی از بیمارستان‌ها و کار دیگر بخش‌های بیمارستان‌ها با اختلال روبرو شده اما وزارت بهداشت تا کنون اقدام موثری برای رسیدگی به خواسته‌های صنفی پرستاران انجام نداده است. پرستاران شاغل در ۹ بیمارستان دولتی شهر شیراز بیش از دو هفته است در اعتصاب بسر می‌برند. این اعتصاب به شهرهای دیگر از جمله بندرعباس، کرج، یزد، فسا، لامرد، بوشهر، گناوه، اراک و جهرم نیز کشیده شده است.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی نوشته ۸۰ درصد پرستاران شیراز در اعتصاب هستند و نهادهای امنیتی در شیراز با تهدید و هراس‌آفرینی برای پایان دادن به اعتصاب پرستاران تلاش می‌کنند.

خواسته اصلی پرستاران افزایش دستمزدها، لغو اضافه‌کاری اجباری، اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه است.

وبسایت «تجارت نیوز» در یک گزارش میدانی از اعتصاب پرستاران در سه بیمارستان نمازی، «چمران» و «فقیهی» شهر شیراز نوشته بسیاری از پرستارانی که دست از کار کشیده و برای احقاق حقوق خود اعتصاب کرده‌اند از روز اول و شروع این اعتراضات بارها تهدید شده‌اند و به آنها گفته شده اگر به سر کار خود بازنگردند، یا اخراج می‌شوند یا اینکه ممکن است با مجازات حبس روبرو شوند.

یکی از پرستاران به «تجارت نیوز» گفته «اول از همه باید بگویم که این اعتراضات به صورت خودجوش بوده و هیچکس ما را وادار به این کار نکرده است. ماه‌هاست پرستاران نه تنها در شیراز که در تمامی شهرها و استان‌های کشور سعی می‌کنند صدای اعتراض خود به شرایط حاکم بر بیمارستان‌های دولتی را به گوش مسئولان برسانند اما هیچکس توجهی به آنها نمی‌کند.»

او افزوده «از یکطرف مجبوریم ساعت‌های زیادی اضافه‌کاری اجباری در بیمارستان‌ها بگذاریم، از طرف دیگر تعداد بیمارانی که در هر شیفت کاری به یک پرستار داده می‌شود خیلی بیشتر از تعداد استاندارد است و در مقابل اعتراض پرستاران، به آنها می‌گویند باید این کار را انجام دهید و مسئولیت این تعداد بیمار با شماست. در این بین اگر هر اتفاقی برای بیماران رخ دهد این پرستار است که باید پاسخگو باشد. از طرفی ۱۷ سال است ما منتظر اجرایی شدن قوانینی هستیم که تصویب شده‌اند اما هیچکس زیر بار اجرای آن نمی‌رود.»

«تجارت نیوز» همچنین نوشته در پی بیش از دو هفته اعتصاب پرستاران در شیراز مقامات به استفاده از نیروهای بی‌تجربه در این بیمارستان‌ها بجای پرستارانی که ترک کار کرده‌اند اقدام کرده‌اند؛ افرادی که مدرک پرستاری دارند اما تجربه کار عملی نداشته و در بخش‌های اداری مشغول کار

محمد شریفی مقدم با اشاره به شرایط کاری دشوار پرستاران در ایران گفته «پرستاران به دلیل حقوق ناچیز و شرایط کاری سخت، به مهاجرت به کشورهای دیگر تمایل دارند.»

او افزوده که «حقوق پرستاران در ایران بسیار پایین‌تر از کشورهای دیگر است، بطوری که بسیاری از پرستاران ترجیح می‌دهند در خانه بمانند تا با حقوق ماهانه ۱۵ میلیون تومان این کار سخت را انجام دهند، ضمن اینکه به دلیل حقوق پایین، برخی پرستاران نمی‌توانند مسکن اجاره کنند و برای اجاره مسکن مجبور به کار سه شیفته می‌شوند تا پول یک شیفت کارشان را هزینه اجاره خانه کنند.»

دبیر «خانه پرستار» همچنین به مرگ‌های مشکوک پرستاران و افزایش خشونت فیزیکی در محیط کار اشاره کرده و گفته «به عنوان مثال، چشم یک پرستار در یاسوج به علت حمله همراهان بیمار تخلیه شد و مواردی از ضربه چاقو به پرستاران نیز گزارش شده است.»

این فعال صنفی همچنین به تهدید و اخراج پرستارانی که اعتراض می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «طی سه سال گذشته هیئت نظارت دانشگاه‌های علوم پزشکی که افراد این هیات هم از داخل همین دانشگاه انتخاب می‌شوند تعداد قابل توجهی از پرستارانی را که به شرایط موجود اعتراض داشته‌اند احضار و به انواع مجازات‌ها از قبیل تبعید، معلق کردن به مدت شش‌ماه یا بیشتر و حتی اخراج محکوم کرده‌اند. سوال اینجاست وقتی شما حق مسکن پرستاری را ۱۲۰ هزار تومان در نظر می‌گیرید، چطور انتظار دارید این پرستار هیچ اعتراضی به شرایط کاری و معیشتی خود نکند؟»

با گسترش اعتصاب پرستاران در شیراز، عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روز شنبه ۲۰ مردادماه ۱۴۰۳ در جمع تعدادی که نمایندگان جامعه پرستاری معرفی شدند در مجتمع «ولایت» شیراز حاضر شد و تلاش کرد پرستاران را قانع کند که به اعتصاب خود

بوده‌اند؛ دانشجویانی که هنوز درس‌شان تمام نشده و هنوز به مرحله گذراندن طرح هم نرسیده‌اند.

یکی از پرستاران شاغل در بیمارستان «چمران» گفته «اکثر کسانی که آمده‌اند تا جای پرستاران را پر کنند نیروهای کادری هستند که مدرک پرستاری هم دارند اما هیچ تجربه کار عملی‌ای ندارند و سال‌هاست در بخش‌های اداری مشغول کارند. از طرف دیگر دانشجویهای پرستاری را برای انجام کار به بیمارستان‌ها فرستاده‌اند و در این بین سرپرستارها نیز مجبورند کار پرستار را انجام دهند. مسئله اینجاست که انگار سود مدیران بر سلامت بیماران ارجحیت دارد.»

یکی از پرستاران با سابقه نیز معتقد است نسل جدید پرستاران بر خواسته‌هایشان پافشاری می‌کنند: «مطالبه‌گری در نسل جدید پرستاران خیلی بیشتر از پرستارانی است که سال‌های سال در این زمینه کار کرده‌اند و همیشه هم پاسخ اعتراض خود را یا با وعده گرفته‌اند یا تهدید به اخراج شده‌اند و در نهایت عقب نشسته‌اند. حالا پرستارهای جوان‌تر مطالبه‌گرتر هستند. متأسفانه برخوردی که با پرستاران طرحی و آموزشی می‌شود به مراتب بدتر از بقیه پرستاران است. شیفت‌های بلندمدت، فشار کاری زیاد، حقوق‌های بسیار پایین... همه اینها باعث می‌شود بالاخره یک جایی برای گرفتن حق خود دست از کار بکشند.»

محمد شریفی مقدم دبیر «خانه پرستار» نیز در گفتگو با روزنامه «شرق» اعلام کرده که اعتصاب پرستاران در شیراز سبب تعطیلی اتاق عمل در چند بیمارستان شده است.

او افزوده که «در اسفند سال گذشته ما هم در شیراز و هم در کرج شاهد تجمعات پرستاران بودیم اما پرستاران خارج شیفت تجمع می‌کردند و کسی دست از کار نمی‌کشید، اما در هفته‌های گذشته پرستاران در شیراز هم تحصن کردند و هم دست از کار کشیدند و اتاق عمل‌ها تعطیل شد و عملاً فقط بیماران اورژانسی، توسط سوپروایزرها پذیرش می‌شدند.»



➔ پایان دهند.

عباس عبادی در پایان دیدار با پرستاران گفت «دغدغه‌ها و چالش‌های همکاران خود در جامعه پرستاری را از زبان نمایندگان آنان شنیدم و بر اساس صورتجلسه انجام شده، مقرر شد با همکاری هیئت رئیسه دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مسئولان ستاد وزارت بهداشت و حمایت‌های وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در حد توان و حداکثر انرژی بتوانیم تعهدات خود را نسبت به پرستاران به نتیجه برسانیم که در این مسیر، از سایر نهادهای خارج از دانشگاه‌های علوم پزشکی و وزارت بهداشت، خواستاریم تا صدای همکاران در نظام سلامت را بشنوند و به یاری مجموعه سلامت بشتابند.»

«شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران» با انتشار متنی خواسته‌های پرستاران اعتصاب‌کننده شیراز را اعلام کرده است: ۱- تصحیح و تجدید نظر در مبلغ احکام پرستاری و تطبیق احکام با پرستاران سایر ارگانها از جمله شرکت نفت با توجه به یکسان بودن کار.

۲- برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب ۳

۳- اجرای صحیح قانون تعرفه‌گذاری پرستاری

۴- برقراری کارانه‌ی حذف شده

۵- تصحیح حق مسکن در احکام پرستاری

۶- عدم اضافه کار اجباری طبق قانون و آرای متحده‌ی دیوان عدالت اداری

۷- اجرای صحیح قانون ارتقاء بهره‌وری و حذف حضور فیزیکی و غیرفیزیکی

۸- اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و امکان بازنشستگی پرستاران با ۲۰ سال سابقه

۹- تعطیلات موسمی و کاهش ساعات کاری که توسط مقامات مربوطه به صورت مقطعی اعلام می‌گردد نظیر بدی آب و هوا و ایام ماه مبارک رمضان به مرخصی سالانه افزوده گردد.

۱۰- تمامی آیت‌های فوق به صورت شفاف در فیش حقوقی درج شده و با توجه به تورم هر ماه تسویه گردد. ۱۱- تسویه حساب تمامی معوقات مالی پرستاری تاکنون در این بیانیه همچنین آمده است: «مشکلات مالی پرستاران شریف کشور که سال‌ها برای احقاق حقوق قانونی خود مسیبه‌های مختلف قانونی را پیموده، هر بار بدون نتیجه مانده و هر روز قانون جدیدی برای اعمال فشار بر پرسنل شریف و خدوم پرستاری وضع شده است.»

اعتصاب جاری پرستاران در شیراز و چند شهر دیگر بی‌سابقه بوده است. این اعتصاب طی روزهای گذشته مورد توجه برخی اصناف دیگر قرار گرفته است. انجمن صنفی معلمان استان فارس در بیانیه‌ای از اعتصاب پرستاران حمایت کرده و نوشته «پرستاران، معلمان و همه اقشار جامعه نیاز به یک فضای آرام و زندگی بی‌دغدغه دارند تا به خوبی و در کمال آرامش از عهده مسئولیت خطیر خود برآیند و بر کیفیت کارشان افزوده شود.»

در بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس تأکید شده «این حق قانونی هر شهروندی است که از حداقل‌های زندگی یعنی حق معیشت برخوردار باشد.»

انجمن صنفی معلمان فارس به نمایندگی از معلمان این استان نوشته حمایت خود را از پرستاران زحمتکش فارس و سراسر کشور اعلام می‌کند و اعتراض آنها را کاملاً قانونی می‌داند. تشکل دانشجویان پیشرو در بیانیه‌ای اعلام کرد اعتصاب سراسری پرستاران که با تجمعات اعتراضی همراه شده، فضای سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داده و نظام سلامت کشور را با بحرانی بی‌سابقه مواجه ساخته است.

این تشکل صنفی با بیان اینکه پرستاران به ستوه آمده از وضعیت شغلی خود با سلاح اعتصاب به جنگ حکومت آمده‌اند، تأکید کرد این اعتراضات با توجه به حساسیت مسأله نظام درمانی، کیفیت تازه‌ای به مبارزات به حق پرستاران بخشیده است.

پدیده اخراج کارگران در آستانه بازنشستگی جامعه بازنشسته ایران معترض است!

● حقوق بازنشستگی بر اساس میانگین حقوق ۲ سال آخر پیش از بازنشستگی محاسبه می‌شود و اگر در دو سال پایانی باقیمانده به بازنشستگی، کارگران از بیمه بیکاری استفاده کنند حقوق بازنشستگی آنها به شدت کاهش می‌یابد. ● در سال‌های اخیر بازنشستگان دولت که تحت عنوان بازنشستگان کشوری نیز شناخته می‌شوند در کنار بازنشستگان دیگر صندوق‌های بازنشستگی از جمله تأمین اجتماعی و مخابرات اعتراضاتی گسترده به وضعیت حقوق و معیشتی خود برگزار کرده‌اند.

● کارشناسان معتقدند یکی از مهمترین بحران‌های پیش روی دولت پزشکیان ساماندهی به مشکلات صندوق‌های بازنشستگی است.

در شرایطی که بازنشستگان مختلف کشوری و تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی نسبت به دستمزدهای ناچیز و عدم پرداخت مزایای بازنشستگی و افزایش نیاقت دستمزدها معترض هستند، در پدیده‌ای جدید کارفرمایان اقدام به اخراج کارگرانی با ۲۸ سال سابقه شغلی می‌کنند. این موضوع سبب بر باد رفتن روند بازنشسته شدن و پرداخت حقوق بازنشستگی به این کارگران می‌شود.

خرپگزاری «ایلنا» گزارش داده که بدقیالی بیش از این نمی‌توان سراغ داشت که کارگری که ۲۸ سال تمام صاحب شغل و درآمد بوده و حقوق نسبتاً بالایی هم داشته، در دو سال آخر اشتغال، با تیغ تیز اخراج کارفرما آشنا شود. اخراج یا به زبان سرمایه‌داران حامی مقررات‌زدایی «تعديل» [اخراج]، در دو سال آخر اشتغال کارگران سرنوشت آنها را عوض می‌کند و به ناکجا می‌کشاند.

اخراج کارگران در آستانه بازنشستگی بطور گسترده در جریان است و به پدیده‌ای نگران‌کننده برای جامعه کارگری ایران تبدیل شده است. حقوق بازنشستگی بر اساس میانگین حقوق ۲ سال آخر پیش از بازنشستگی محاسبه می‌شود و اگر کارگران در دو سال پایانی باقیمانده به بازنشستگی از بیمه بیکاری استفاده کنند، مقرری ناچیز بیکاری در محاسبه حقوق بازنشستگی نقش خواهد داشت و بنابراین مستمری دریافتی زمان بازنشستگی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.

خرپگزاری «ایلنا» به نقل از یکی از کارگران نوشته این کارگر در سال‌های پایانی دهه ۹۰ مجتمع فولاد «قروه» که با تصمیم ناگهانی سهامداران اصلی تعطیل شد، کمی بیشتر از یک سال تا بازنشستگی راه داشت؛ اما کارگر متخصص کوره‌های ذوب که آن زمان بیشتر از دو برابر حداقل دستمزد، حقوق می‌گرفت، مجبور شد به بیمه بیکاری پناه برد.

یکی دیگر از کارگران مجمع فولاد «قروه» به «ایلنا» گفته مجبور شده پولی را بطور صوری به یک کارفرمای دیگر بپردازد تا در چند ماه باقیمانده تا زمان بازنشستگی برایش حق بیمه بالاتر از حداقل رد کند؛ او تأکید می‌کند «پشتک وارو زدم و پول از جیب دادم تا توانستم با حقوقی تقریباً برابر با حقوق خودم بازنشست شوم...»

اشکال مختلف سانسور؛ از حکومت تا بازار



ویدئو ▶

از مرزهای کشور نیز تأثیر می‌گذارد. البته در کشورهای دموکراتیک نیز اگرچه سانسور حکومتی غیر از موارد محدودی وجود ندارد، ولی اشکال دیگر سانسور هنوز محدودیتهائی ایجاد می‌کنند. احمد رأفت با علیرضا آبیژ شاعر و پژوهشگر که کتابی در رابطه با سانسور در ایران در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ به زبان انگلیسی منتشر کرده، گفتگویی انجام داده است.

یکی از مشکلات کسانی که با خلاقیت سر و کار دارند، سانسور است. از سانسور حکومتی تا خودسانسوری، از سانسور بازار تا فشار برای ساکت کردن صداهای متفاوت. امروز نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شاعران، هنرمندان دیداری و شنیداری و سینماگران در جمهوری اسلامی، مجبور به همزیستی با اشکال مختلف سانسور هستند. سانسوری که به نوعی دیگر بر فعالیت‌های آنها در خارج

به «نگاه قابلیت پروری»، گذار از «مردم موجب بگیر دولت» به «دولت موجب بگیر مردم».

خواسته اصلی کارگران همسان سازی و افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم است. صندوق‌های بازنشستگی اما به دلیل مشکلات مالی و نداشتن منابع این قوانین را سال‌هاست اجرا نمی‌کنند. مریم زنده‌دل کارشناس حقوق کار و تأمین اجتماعی در اینباره به وبسایت «تجارت نیوز» گفته «مسئله همسان سازی و متناسب سازی حقوق بازنشستگان

از کانال‌های رانت برای مافیاهای اقتصادی حکومت تبدیل شده تا منابع را به تاراج ببرند و صندوق‌ها را به آستانه ورشکستگی برسانند. در این میان عدم تسویه حساب دولت با این صندوق‌ها نیز سبب افزایش زیان آنها شده است.

کارشناسان معتقدند یکی از مهمترین بحران‌های پیش روی دولت پزشک‌های ساماندهی به مشکلات صندوق‌های بازنشستگی است.

وحید محمودی استاد اقتصاد دانشگاه تهران در یادداشتی

در ادامه گزارش «ایلنا» آمده مریم، زنی سرپرست خانوار که سال‌ها در یک شرکت تولیدی کار کرده، سرنوشت مشابهی دارد؛ او در نهایت نتوانسته حق خود را بگیرد و با بیمه بیکاری بازنشست شده: «شرکت ۶ ماه مانده به بازنشستگی ما اعلام انحلال کرد و ما را اخراج کرد؛ به در و دیوار زدیم، وکیل گرفتیم، شکوائیه به اداره کار نوشتیم اما هیچکدام افاقه نکرد؛ خلاصه کارفرما قوی‌تر بود... خیلی از ما با بیمه بیکاری بازنشست شدیم؛ در حقمان ظلم شد؛



تجمع بازنشستگان کشوری، مخابرات و تأمین اجتماعی در شهر کرمانشاه، چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳

از زمانی تبدیل به معضل شد که بازنشسته‌های کشوری و دیگر نهادهای عمومی مانند نفت، فولاد و بانک‌ها خود را از قوانین بازنشستگی تأمین اجتماعی مستثنی کردند. این صنایع و نهادها هر کدام با تشکیل صندوق بازنشستگی جدا سعی در بهبود شرایط بازنشستگان خود داشتند.»

مریم زنده‌دل افزوده «البته که این راهکار هم در بسیاری مواقع به بن‌بست خورد و بسیاری از این صندوق‌ها عملاً ورشکسته و باری اضافه بر دوش دولت شدند. مسئله مهم این است که وقتی این اجازه به نهادها داده می‌شود تا سیستم پرداخت خود را منفک کنند، قطعاً در امر پرداخت‌ها بی‌عدالتی پیش خواهد آمد.»

این کارشناس توضیح داده که سازمان تأمین اجتماعی تنها منبع درآمدی‌اش از افراد بیمه‌شده است و برای انجام چنین کاری نیازمند اعتبار است. درواقع این سازمان تأمین مالی برای اجرای این طرح را ندارد. از یکطرف هم دولت میلیاردها تومان به این سازمان بدهکار است و آن را پرداخت نمی‌کند.

در میان بازنشستگان دولت نیز تبعیض حقوق وجود دارد؛ برای نمونه به گفته مریم زنده‌دل «یک بازنشسته آموزش و پرورش با ۳۰ سال سابقه و مدرک تحصیلی لیسانس در نهایت ماهانه ۱۲ تا ۱۵ میلیون تومان حقوق بازنشستگی دریافت می‌کند اما یک دیپلمه و بازنشسته صندوق نفت تا ماهی ۵۰ میلیون تومان مستمری دارد.»

او همچنین تأکید کرده «مسئله هرم جمعیتی و پیر شدن جمعیت کشور اصلاً داستان و افسانه نیست. در حال حاضر تعداد افرادی که حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی می‌پردازند کمتر از تعداد افرادی است که به عنوان بازنشسته از این سازمان مستمری می‌گیرند. سازمانی که تأمین مالی‌اش از طریق همین حق بیمه‌هاست و دولت هم هیچ مسئولیتی در قبال آن نمی‌پذیرد قطعاً با چنین مشکلات بزرگی باید دست و پنجه نرم کند.»

در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته «روند هرم جمعیتی ایران به سمت میانسالی و پیری در حرکت است. رشد جمعیت و آمار باروری در سه دهه اخیر روند کاهشی داشته که به کاهش جمعیت جوان کشور و کاهش نیروی انسانی در سن کار منجر شده است، بطوری که در سال ۱۴۱۵ حدود ۵ میلیون نفر بیشتر از حد معمول بازنشسته خواهند شد و به سرعت به آستانه زمان بسته شدن پنجره جمعیتی کشور خواهیم رسید.»

این استاد دانشگاه افزوده نسبت مصارف به منابع در دسترس صندوق‌های بازنشستگی در کشور به مرز ۵/۲ برابر نزدیک شده است. به این معنا که ارقام پرداختی صندوق‌های بازنشستگی به بازنشستگان دو و نیم برابر بیشتر از منابع در دسترس این صندوق‌ها است.

وحید محمودی همچنین افزوده که راهکارهای پیشنهادی اصلاح پارامتریک و غیرپارامتریک زیادی از طرف متخصصان این حوزه پیشنهاد شده است: «پیشنهادهایی نظیر بازنگیری در سن و ساختار بازنشستگی، بازنگیری در ترکیب پرداخت مستمری به متوفیان و وراثت، بازنگیری در سیاست‌های بازنشستگی پیش از موعد، بازنگیری مشاغل سخت و زیان‌آور، بازنینی و مدیریت روابط دولتی و ساختار حاکمیتی صندوق‌ها و اتخاذ سیاست‌های صحیح جهت عبور از بحران‌های کنونی و پیشنهادهای تکمیلی می‌تواند ایجاد «صندوق بازنشستگی تکمیلی» باشد.»

او در ادامه نوشته از همه مهم‌تر برای حل بحران «باید نگاه خود را از حکمرانی آتش‌نشانی به ریشه بحران برگردانیم. مهم‌ترین دلیل وقوع این بحران و بحران‌های مشابه، به شیوه حکمرانی ملی در کشور برمی‌گردد. به بیان دیگر نیازمند اصلاح اندیشه حکمرانی هستیم؛ گذار از «دولت رفاه» به «جامعه رفاهی»، گذار از «حمایت‌های اجتماعی» به «بیمه‌های اجتماعی»، گذار از «دولت پرستار» به «دولت توانمندساز»، گذار از «نگاه صدقه‌ای و گداپروری»

سی سال کارگری کرده بودیم و شش ماه به پایان کار شرکت را منحل کردند، بعد از چند هفته وسط همان شرکت دیوار کشیدند و با نام دیگر کار را ادامه دادند؛ فقط ما در آتش سوختیم، بی هیچ جرمی...» این زن کارگر تا آخر عمر باید با حقوقی بسازد که خیلی کمتر از استحقاقش هست؛ هیچکس هم به دادش نخواهد رسید.

خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده «کارگران به امید بازنشستگی سال‌ها کار سخت را تحمل می‌کنند، سعی می‌کنند خود را پله به پله از نردبان شکسته‌ی پیشرفت بالا بکشند، اما فقدان تشکلهای مستقل و قدرتمند، رواج قراردادهای موقت و همه‌کاره بودن کارفرما در محیط کارگاه، کار را خراب می‌کند و امیدها را ناامید می‌سازد؛ غول اخراج همیشه در کمین است، حتی وقتی کمتر از یک سال تا بازنشستگی فاصله داری.»

کارگران و دیگر اقشار بازنشسته نیز به دلیل ناکارآمدی جمهوری اسلامی وضعیت مطلوبی ندارند و با وجود سن بالا ناچارند مدام، در سرما و گرما، در تجمعات اعتراضی شرکت کنند تا شاید مسئولانی که نشان داده‌اند گوش شنوا ندارند، وضعیت درآمدی و مزایای شغلی آنها را مورد بازنگیری قرار دهند. هرچند بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی که غالباً جزو جامعه بزرگ کارگری ایران هستند سال‌هاست به حقوق ناچیز بازنشستگی خود اعتراض می‌کنند، اما در چند سال گذشته بازنشسته‌های سازمان‌های دولتی که تحت عنوان بازنشستگان کشوری نیز شناخته می‌شوند در کنار بازنشستگان دیگر صندوق‌های بازنشستگی از جمله مخابرات، اعتراضاتی گسترده به وضعیت حقوق و معیشتی خود برگزار کرده‌اند.

صندوق‌های بازنشستگی در ایران با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی قرار بود درآمد داشته و منابع مورد نیاز برای پرداخت حقوق و دیگر مزایای بازنشستگی را تأمین کنند. فعالیت اقتصادی این صندوق‌ها اما به یکی

اصفهان؛ جلوه‌ی هولناک فرونشست در ایران



اینباره گفته «این استان در جنوب خودش دشت مهیار، در شمالش مورچه‌خورت در شرق خودش دشت سگری و در غرب خودش زرین‌شهر با جریان‌های کاهنده کارایی سرزمین مهیبی درگیر است و این جریان‌ها به سرعت در حال پیشروی به سمت مرکز شهر هستند و ما شاهد بروز ترک‌هایی انکارنشده‌ی در سازه‌های باستانی اصفهان هستیم.»

هرچند گزارش‌ها از بحران در قلب شهر تا ۱۵ سال آینده حکایت دارد اما همین حالا برخی خانه‌ها، ترمینال‌ها و مراکز پستی در این استان خالی شده‌اند. چند وقت پیش وزارت نیرو مجبور شده چندین دکل برق را در دشت مهیار جابجا کند. روزنامه «هم‌میهن» نیمه خردادماه امسال در گزارشی از آثار فرونشست‌ها در استان اصفهان از ایجاد شکاف‌ها و ترک‌هایی در بناهای تاریخی اصفهان از جمله مسجد جامع عباسی، مسجد حکیم، مسجد عتیق، بقعه شهشهان، حمام وزیر، مسجد و حمام علی قلی‌آقا، مسجد سید، سی و سه پل و پل خواجو خبر داد.

بحران فرونشست همچنین دامن مدارس این استان را هم گرفته است. وبسایت «خبر آنلاین» در گزارشی نوشته مدارس متأثر از فرونشست «نه تنها بر ایمنی دانش‌آموزان تأثیر نهاده، بلکه بر کیفیت آموزشی نیز تأثیر منفی داشته است.»

در این گزارش آمده که فرونشست آسیب‌های قابل توجهی به ۴۰ مدرسه در شهرستان‌های برخوار، شاهین‌شهر و نواحی ۴ و ۵ کلانشهر اصفهان شده است که این آسیب‌ها شامل ترک‌های ساختاری و تغییرات در زیرساخت‌های بنا می‌شود. این گزارش تأکید کرده که در استان اصفهان، بیش از ۳۷۰ هزار دانش‌آموز در مقاطع مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل هستند، با آسیب به ۴۰ مدرسه، بیش از ۱۰ هزار دانش‌آموز به طور مستقیم تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند.

فرونشست‌ها در شهری که با وجود گذشتن رود وسیع زاینده‌رود از میانه‌ی آن یکی از زیباترین و باصفا‌ترین شهرهای کشور بود حالا مردم را یکی پس از دیگری از خانه و کاشانه ←

احمدرضا لاهیجان‌زاده مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفته بود که اگر فکر اساسی برای تغذیه آبخوان‌های دشت اصفهان نشود، در سال ۱۴۱۰ نرخ فرونشست در شمال اصفهان به ۲ متر و در بخش مرکزی این کلانشهر به نیم متر می‌رسد.

او همچنین فرونشست را یکی از چالش‌های اصلی محیط زیستی اصفهان معرفی کرده و گفته بود که «از ۳۵ دشت استان که مورد مطالعه قرار گرفته است، ۲۹ دشت از نظر فرونشست در شرایط بحرانی قرار دارد.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان با ارائه آمار دیگری افزوده بود که «یکهزار و ۲۰۰ کیلومترمربع از مساحت اصفهان و شهرهای اطراف آن دچار فرونشست با نرخ ۱/۱۵ سانتی‌متر در سال است و فرونشست در دشت اصفهان، جمعیتی بالغ بر ۲/۵ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار خواهد داد.»

پژوهش‌هایی که بیشتر نیز از سوی پژوهشگران درون ایران و خارج از کشور انجام شده نشان می‌دهد نرخ فرونشست در چند استان دیگر نیز برابر با اصفهان و حتی بیشتر است اما آنچه وضعیت اصفهان را بحرانی‌تر کرده اینست که برخلاف دشت‌های دیگر دارای فرونشست در کشور، فرونشست در دشت اصفهان با محدوده اصلی شهر درگیر شده و به مرکز شهر در حال نفوذ است.»

موضوعی که از سوی احمدرضا لاهیجان‌زاده هم مورد تأکید قرار گرفته است. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفته «همه سازه‌ها اعم از لوله‌های انتقال گاز، آب و فاضلاب، قطار شهری و بناهای تاریخی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

به گفته او باید حداقل ۱۰ تا ۱۵ مترمکعب آب در رودخانه زاینده‌رود در محدوده دشت اصفهان جریان داشته باشد تا روند فرونشست متوقف شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های فرونشست‌ها در استان اصفهان، گستره‌ی فرونشست در این استان است. محمد درویش در

● در سناریوی خوشبینانه در سال ۱۴۱۸ آبخوان اصفهان تخلیه می‌شود. در سناریو بدبینانه در سال ۱۴۰۹ آبخوان اصفهان تخلیه می‌شود.

● برخی خانه‌ها، ترمینال‌ها و مراکز پستی در این استان خالی شده است. چند وقت پیش وزارت نیرو مجبور شد چندین دکل برق را در دشت مهیار جابجا کند.

● بحران فرونشست همچنین دامن مدارس این استان را هم گرفته و این موضوع نه تنها ایمنی دانش‌آموزان را به خطر انداخته، بلکه بر کیفیت آموزشی نیز تأثیر منفی داشته است.

● فرونشست‌ها در شهری که با وجود گذشتن رود وسیع زاینده‌رود از میانه‌ی آن یکی از زیباترین و باصفا‌ترین شهرهای کشور بود حالا مردم را یکی پس از دیگری از خانه و کاشانه می‌راند و سبب مهاجرت آنها به دیگر شهرها می‌شود.

در حالی که پیشتر گزارش‌هایی از وضعیت بحرانی فرونشست در اصفهان منتشر شده بود، اکنون برخی کارشناسان از احتمال «تخلیه» آبخوان‌های اصفهان تا حدود ۱۵ سال دیگر خبر می‌دهند. فرونشست در شهر اصفهان سبب آسیب به اماکن تاریخی و دیگر بناها از جمله مدارس شده است. اصفهان در مرکز ایران از جمله شهرهایی است که وضعیت خشکسالی و فرونشست در آن بحرانی گزارش شده است. اکنون یک فعال محیط زیست موضوع «تخلیه» آبخوان‌ها را به نقل از یک پژوهشگر استاد دانشگاه مطرح کرده است. محمد درویش فعال محیط زیست با استناد به پژوهش‌های صورت گرفته از سوی دکتر نادی، یکی از اساتید دانشگاه اصفهان، گفته درباره «تخلیه» اصفهان دو سناریو وجود دارد. سناریو خوشبینانه این است که با این روند در سال ۱۴۱۸ آبخوان اصفهان تخلیه می‌شود. در سناریو بدبینانه در سال ۱۴۰۹ آبخوان اصفهان تخلیه می‌شود.

موضوع تخلیه آبخوان‌ها پیشتر و در تیرماه امسال هم از سوی مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان به عنوان هشدار جدی مطرح شده بود.

۲۷ درصد کلاس اولی‌ها ثبت نام نکرده‌اند؛ تشدید بحران کمبود کلاس درس با افزایش شمار دانش آموزان افغانستانی



از سه دهک بالای درآمدی بودند.»

در شرایطی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تحصیل رایگان تا دیپلم مورد تأکید قرار گرفته اما به گفته کارشناسان فقر مهمترین عامل بازماندگی از تحصیل دانش آموزان است. در همین رابطه محمد رضاخواه عضو کانون صنفی معلمان به روزنامه «پیام ما» گفته بازماندن از تحصیل، عوامل مختلفی دارد و شامل دو بخش است؛ یک بخش مشکلات اقتصادی و بخش دیگر فرهنگی و اجتماعی. همانطور که می‌دانید، درحال حاضر بحث کودکان کار و به‌کارگیری کودکان برای معیشت خانواده‌هایی که مشکل اقتصادی دارند، مطرح است.

محمد رضاخواه افزوده «این خانواده‌ها کودکانشان را برای کار به بیرون می‌فرستند و این بچه‌ها در حقیقت نمی‌توانند به مدرسه بروند. زیرا در ساعات مدرسه سر کار حاضرند و کمک‌حال خرج خانواده هستند و به معیشت خانواده خود کمک می‌کنند.»

این فعال صنفی افزوده که «مشکلات اقتصادی خانواده هم به هر حال متنوع است. گاهی سرپرست خانواده فقط یک مادر است، گاهی کودکان بدسرپرست هستند، یعنی سرپرست از بچه‌ها حمایت مالی ندارد و خودش کاری انجام نمی‌دهد. همچنین یک موضوع، مشکلات فرهنگی است که در بخش‌هایی از کشور وجود دارد.»

به گفته محمد رضاخواه بخش‌هایی از خانواده‌ها در مناطق دورافتاده و محروم هستند که تمایلی ندارند بچه‌هایشان را به مدرسه بفرستند یا مدرسه و تحصیل خیلی برایشان مهم نیست که بچه درس بخواند یا درس نخواند. این خانواده‌ها خیلی پیگیر این نیستند که بچه‌ها را به مدرسه بفرستند.

آمار کودکان بازمانده از تحصیل روندی افزایشی را طی کرده و با اینکه آموزش و پرورش ترجیح می‌دهد آمارهای شفاف در اینباره ارائه ندهد اما مقامات این وزارتخانه صعودی بودن آمار ترک تحصیل دانش‌آموزان، به

● آمارها بیانگر عدم ثبت نام ۲۷ درصد از کلاس اولی‌ها در مدرسه است. سال گذشته این رقم ۲۳ درصد بود که امسال با افزایش ۴ درصدی روبرو شده است.

● در شرایطی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تحصیل رایگان تا دیپلم مورد تأکید قرار گرفته اما به گفته کارشناسان فقر مهمترین عامل بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان است.

● محمد رضاخواه فعال صنفی گفته خانوارهای فقیر کودکان‌شان را برای کار به بیرون می‌فرستند و این بچه‌ها نمی‌توانند به مدرسه بروند چون در ساعات مدرسه سر کار هستند تا کمک خرج خانواده باشند.

آمارها نشان می‌دهد ۲۷ درصد از کلاس اولی‌ها در ایران هنوز برای رفتن به مدرسه ثبت نام نکرده‌اند. فقر و نیاز خانوارها به نان آور مهمترین علت بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود. امسال بحران کمبود کلاس درس نیز به دلیل افزایش شمار دانش‌آموزان افغانستانی تشدید نیز شده است.

آمارها بیانگر عدم ثبت نام ۲۷ درصد از کلاس اولی‌ها در مدرسه است. سال گذشته این رقم ۲۳ درصد بود که امسال با افزایش ۴ درصدی روبرو شده است.

آمارهای ارائه شده مختلف درباره کودکان بازمانده از تحصیل نشان می‌دهد در فاصله بین سال‌های تحصیلی ۹۴-۹۵ تا ۹۹-۹۸ حدود چهار میلیون و ۸۹ هزار نفر در ایران از تحصیل بازماندند.

هادی موسوی نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پاییز پارسال با ارائه آماری اعلام کرد که «حدود یک و نیم میلیون کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. کسانی که از نظر مشخصات اقتصادی و اجتماعی آنها بیشترین شباهت با کودکان بازمانده از تحصیل را دارند. از نظر آموزشی و تبعیض آموزشی نیز سال گذشته، ۱۲ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ کنکور فقط از مدارس دولتی بودند. ۸۴ درصد قبولی‌های رتبه زیر ۳۰۰۰ هم فقط

می‌راند و سبب مهاجرت آنها به دیگر شهرها می‌شود. آمار رسمی و به‌روز درباره تعداد مهاجرت در اصفهان در دست نیست اما آمارهای سرشماری سال‌های گذشته نشان می‌دهد اصفهان در فاصله سال‌های ۹۰ تا ۹۰ تا ۹۵ مهاجرپذیر بوده اما این روند از سال ۹۶ تا ۱۴۰۱ روند معکوس گرفته است.

ابتدای امرداد امسال مهدی حجازی رئیس اتحادیه املاک اصفهان با اشاره به رکود بازار مسکن در اصفهان اعلام کرده بود که «بسیاری از اصفهانی‌ها برای فرار از بی‌آبی و فرونشست زمین به شمال کشور پناه برده‌اند.»

وبسایت «تجارت نیوز» مهاجرت گسترده شهروندان از اصفهان به شهرهای شمال کشور را تأیید کرده و نوشته در برخی از محله‌های شمال ایران، یعنی استان‌های گیلان و مازندران، مردم با لهجه اصفهانی حرف می‌زنند.

این گزارش افزوده که اگر آمارهای ادارات آموزش و پرورش را در شهرستان‌های شمالی کشور بررسی کنید، بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان جدیدالورود اصفهانی هستند. این موضوع نشان‌دهنده این است که بخش قابل توجهی از هم‌وطنان ما در اصفهان دارند خانه و کاشانه خود را به این دلیل که امیدی برای آینده اصفهان ندارند رها می‌کنند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» هم نوشته کافی است وارد استان گیلان شویم تا از گوشه و کنار لهجه زیبای اصفهانی به گوش برسد. در تمامی شهرهای شمال از جمله در استان گیلان، محله‌هایی با حضور و سرمایه اصفهانی‌ها شکل گرفته که در میان مردم محلی به اصفهانی محله مشهور شده‌اند. اصفهانی‌ها برای سرمایه‌گذاری، فرار از آلودگی هوا، فرونشست و کمبود آب به سوی شمال کشور رفته‌اند و جامعه متکثری از آنها با توان مالی متفاوتی در گیلان شکل گرفته است.

روزنامه «جوان» نیز در مطلبی نوشته «سخت‌ترین کار ممکن ترک خانه و زندگی است. آن هم وقتی یک عمر برای ساختنش تلاش کرده باشی. گاه، اما اجبار، آدمی را وادار به انجام هر کاری می‌کند، مثل کوچ اجباری. زلزله خاموش و فرونشست دیگر در حد حرف و حدیث نیست. واقعیتی است که مردم خود به چشم دیده‌اند. به همین دلیل هم به رغم تمام عشق و علاقه‌ای که به شهر و زندگی خود دارند، ناچار به کوچ کردن شدند.»

الله موسوی کارشناس محیط زیست نیز معتقد است که عدم پرداخت حقایق تالاب‌ها باعث خشکسالی و ایجاد ریزگرد در کشور می‌شود. او توضیح داده که «بسیاری تالاب در کشور وجود دارد که چندین سال است حقایق دریافت نکرده‌اند. وزارت نیرو باید این حقایق را برپا کند. این روش باید در تالاب‌هایی که هیچ حقایق‌ای دریافت نمی‌کنند، به‌طور کامل اصلاح شود.»

این کارشناس در گفتگو با «پانا» گفته «اگر قانون‌شکنی در رابطه با عدم پرداخت حقایق تالاب‌ها ادامه یابد و برای ترمیم و حراست از آنها عملی انجام نشود، مشکلات تالاب‌ها در کشور به بحران تبدیل شده و معضلاتی همچون خشکسالی و ایجاد ریزگرد در کشور و در مکان‌های مختلف چندین برابر خواهد شد.»

به گفته الله موسوی «دادن حقایق به تالاب‌ها یک قانون است و اگر قانون‌شکنی در رابطه با عدم پرداخت حقایق تالاب‌ها ادامه یابد و برای ترمیم و حراست از آنها عملی انجام نشود، مشکلات تالاب‌ها در کشور به بحران تبدیل شده و معضلاتی همچون خشکسالی و ایجاد ریزگرد در کشور و در مکان‌های مختلف چندین برابر خواهد شد. می‌توان گفت پرداخت حقایق‌ها مهم‌ترین عملی است که در رابطه با تالاب‌ها باید انجام شود.»

«وضعیت اضطراری» بهداشت جهانی در پی شیوع آبله میمونی

● در بیانیه تدریس آدهانوم قریسوس مدیرکل سازمان جهانی بهداشت که پس از نشست کمیته اضطراری آژانس بهداشت سازمان ملل در روز سه‌شنبه منتشر شد، گسترش این بیماری در قاره آفریقا یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی عنوان شده است. این دومین بار در دو سال گذشته است که برای بیماری آبله میمونی وضعیت اضطراری بهداشت جهانی اعلام می‌شود.

● به گفته مقامات مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آفریقا در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد از موارد ابتلا در کنگو مربوط به کودکان زیر ۱۵ سال است که ۸۵ درصد از مرگ و میرها را نیز شامل می‌شود.

● دولت سوئد روز پنجشنبه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد ۱۴۰۳) اولین مورد ابتلا به سویه کشنده ام‌پاکس یا آبله میمونی را در خارج از آفریقا تایید کرد.

● بنا بر گزارش اکونومیست، در حالی که نوع سال ۲۰۲۲ عمدتاً توسط تماس جنسی مرد با مرد منتقل می‌شد، به نظر می‌رسد نوع Clade Ib از طریق هرگونه تماس فیزیکی گسترش می‌یابد.

در حالی که دُزهای اندکی از واکسن آبله میمونی MproX در آفریقا موجود است، سازمان جهانی بهداشت، شیوع فزاینده این ویروس در قاره آفریقا را یک «وضعیت اضطراری» بهداشتی در دنیا معرفی کرده است. در همین حال، دولت سوئد اولین مورد ابتلا به سویه کشنده ام‌پاکس یا آبله میمونی را در خارج از آفریقا تایید کرد.

سازمان جهانی بهداشت روز چهارشنبه ۱۴ اوت (۲۴ مرداد) با اعلام اینکه شیوع فزاینده آبله میمونی MproX در قاره آفریقا یک «وضعیت اضطراری» بهداشتی در دنیاست، هشدار داد این ویروس ممکن است به مرزهای بین‌المللی سرایت کند.

در بیانیه تدریس آدهانوم قریسوس مدیرکل سازمان جهانی بهداشت که پس از نشست کمیته اضطراری آژانس بهداشت سازمان ملل در روز سه‌شنبه منتشر شد، گسترش این بیماری در قاره آفریقا یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی عنوان شده است.

این دومین بار در دو سال گذشته است که برای بیماری آبله میمونی وضعیت اضطراری بهداشت جهانی اعلام می‌شود.

وضعیت اعلام شده، بالاترین سطح هشدار سازمان جهانی بهداشت محسوب می‌شود و هدف از تعیین آن پیشبرد تحقیقات، تأمین مالی و انجام اقدامات بین‌المللی بهداشت عمومی و همکاری برای مهار این بیماری است.

به گفته مقامات مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آفریقا در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد از موارد ابتلا در کنگو مربوط به کودکان زیر ۱۵ سال است که ۸۵ درصد از مرگ و میرها را نیز شامل می‌شود.

بنا بر اعلام سازمان جهانی بهداشت، در سال جاری بیش از ۱۴ هزار مورد ابتلا به این بیماری و ۵۲۴ مورد مرگ بر اثر آن در قاره آفریقا ثبت شده که از آمار سال گذشته فراتر رفته است.

صورت ساخت ۲۰۰ واحد مسکونی و بیشتر، باید سرانه فضای آموزشی نیز تأمین شود.

شمار دانش‌آموزان در برخی مدارس سبب دو شیفته شدن آنها با کلاس درس‌هایی با بیش از ۴۰ دانش‌آموز شده است. رضا مرادصحرایی وزیر آموزش و پرورش هم گفته که در برخی کلاس‌های درس تعداد دانش‌آموزان افغانستانی بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی است: «باید درباره اتباع فکر جدی داشته باشیم. در برخی شهرها تعداد دانش‌آموز اتباع از دانش‌آموزان عادی در یک کلاس بیشتر شده است.»

بسیاری از کلاس‌های درس نیز نیاز به بازسازی و نوسازی دارند. عباس زارع مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران خردادماه امسال در جمع خبرنگاران گفت بیش از ۸۱۰۰ کلاس درس در تهران نیازمند تخریب است و ۱۳ هزار و ۵۸۵ کلاس درس دیگر نیز نیازمند نوسازی هستند.

بر اساس توضیحات عباس زارع در استان تهران ۵۶۲۹ مدرسه دولتی و ۵۹۴۰۰ کلاس درس داریم که ۱۳/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند تخریب و بازسازی هستند و عمدتاً در شهر تهران در مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۹ و در شهرستان‌های تهران در شهریار، شهرری، دماوند و پاکدشت قرار دارند. مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران افزوده که «۱۳۵۸۵ کلاس درس در استان تهران نیازمند مقاوم‌سازی هستند یعنی در مجموع ۲۲/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند مقاوم‌سازی هستند.»

او همچنین درباره کمبود کلاس درس در این استان گفته «سرانه فضای آموزشی در استان تهران ۴/۷۴ مترمربع است و در ۴ منطقه ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سرانه از این مقدار هم پایین‌تر است، ۱۳۴ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهر تهران و ۶۹۵ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهرستان‌های استان تهران نیاز داریم و در مجموع به ۸۲۹ مدرسه ۱۵ کلاسه برای رسیدن به سرانه متوسط ۴/۷۴ متر مربع با اعتبار ۲۴ هزار و ۸۷۰ میلیارد تومان نیاز داریم.» به گفته عباس زارع، برای بازسازی ۸ هزار کلاس و احداث ۵۵۰ مدرسه، هر یک با ۱۵ کلاس، رقمی معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است.

امرداد سال گذشته حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور با ارائه آماری درباره وضعیت کلاس‌های درس گفته بود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

حمیدرضا خان‌محمدی افزوده بود که «مدارس تهران پر تراکم هستند و اگر اعتبارات با رویکردی که ما پیشنهاد دادیم در برنامه هفتم مصوب شود می‌توانیم به سرعت این مسئله را حل کنیم» و تأکید کرده بود که در مدارسی که پر خطر تشخیص داده شده‌اند دانش‌آموزان در شیفت‌های مخالف یکدیگر تحصیل می‌کنند.

بر اساس توضیحاتی که حمیدرضا خان‌محمدی داده بود، مدارس به دلیل نداشتن سرانه دچار مشکلات مالی هستند و خودشان نمی‌توانند کلاس‌های درس را ترمیم کنند.

بر اساس قانون، آموزش و پرورش به ازای هر دانش‌آموز که در مدارس دولتی ثبت‌نام می‌کند باید هزینه‌ای را به مدرسه برای امور جاری از جمله پرداخت قبوض و تعمیرات و نگهداری پرداخت کند که به «سرانه» معروف است. آموزش و پرورش به دلیل کسری بودجه سال‌هاست پرداخت سرانه به مدارس دولتی را متوقف کرده یا با تأخیر زیاد و بطور ناقص انجام می‌دهد.

همچنین بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سرانه فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز باید به بیش از هشت مترمربع افزایش یابد، حال آنکه در حال حاضر سرانه فضای آموزشی دانش‌آموزان از پنج مترمربع هم کمتر است.

ویژه به علت فقر، را تأیید می‌کنند.

پیشتر رضا مرادصحرایی وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم به خبرنگاری «تابناک» گفته بود: «فقر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جاماندن از تحصیل است. استان‌هایی که دهک‌های پایین‌تری از جامعه را دارند، بیشتر با این موضوع مواجه هستند.»

محمد رضاخواه هم به «پیام‌ما» گفته «برای خانواده ۱۰ میلیون آورده دارد و بخشی از معیشت خانواده را تأمین می‌کند. وقتی ماهی مثلاً ۱۰ میلیون تومان وارد خانه شود، برای آن‌ها به‌صرفه نیست این بازوی مالی را از دست بدهد. آموزش و پرورش نهایتاً اگر بخواهد کودکی را به تحصیل برگرداند، می‌تواند به خانواده اطمینان‌خاطر بدهد که مثلاً من در مدرسه تغذیه این بچه را انجام می‌دهم یا نیازش به کتاب درسی و لوازم‌التحریر و کیف و ... در برایش انجام می‌دهم. ولی خانواده می‌گوید، این بچه برای من ماهی ۱۰ میلیون تومان درآمد دارد و من این منبع مالی را پس از بازگشت به تحصیل از دست می‌دهم.»

وزارت آموزش و پرورش مدعی است سامانه‌ای برای شناسایی افراد بازمانده از تحصیل با عنوان «سامانه شهید محمودوند» راه‌اندازی کرده است. داده‌های این سامانه ادعا می‌کند سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ حدود ۵۰ هزار نفر از افراد بازمانده از تحصیل جذب شده است؛ با اینهمه از آنسو تعداد بیشتری دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند.

حجت‌الله الماسی معاون وزیر آموزش و پرورش گفته فقط در مقطع کلاس اول دبستان ۳۰ هزار دانش‌آموز برای ثبت‌نام مراجعه نکرده‌اند. حجت‌الله الماسی روز گذشته به خبرنگاری «ایسنا» گفته ۳۰ هزار دانش‌آموز کلاس اولی به پایگاه‌های سنجش آمادگی تحصیلی مراجعه نکرده‌اند و ۱۵ شهریورماه آخرین مهلت مراجعه دانش‌آموزان به پایگاه‌های سنجش آمادگی تحصیلی خواهد بود.

اینهمه در حالیست که کمبود مدرسه در مناطق محروم نیز یکی از عوامل بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان است. آمار منتشر شده در بهمن‌ماه گذشته از وجود ۱۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل فقط در استان سیستان و بلوچستان حکایت داشت؛ کودکانی که در کنار فقر به دلیل نبود مدرسه در نزدیکی محل زندگی‌شان فرصت درس خواندن را از دست داده‌اند!

فاروق اعظمی نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان‌ها بیان پارسال شمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در این استان را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده و گفته بود: «سالانه ۳۰ درصد از دانش‌آموزان این استان به دلیل مشکلاتی مانند هزینه میلیونی سرویس مدارس مجبور به ترک تحصیل هستند. این تعداد دانش‌آموز هم به ۱۵۰ هزار بازمانده از تحصیل اضافه می‌شوند.»

در این میان هجوم گسترده و سازمانیافته مهاجران قانونی و غیرقانونی افغانستانی بحران کمبود کلاس درس را تشدید کرده است. حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور از وضعیت بحرانی در هفت نقطه کشور در رابطه با کمبود فضای آموزشی خبر داده است.

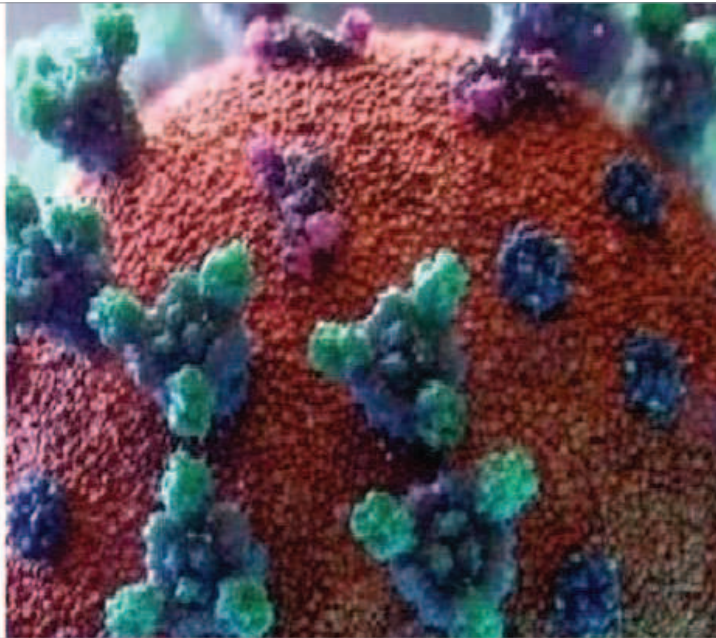
او با اشاره به اینکه «مهاجرتهای درون‌کشوری و مهاجرت افغانستانی‌ها نیز بحران ایجاد کرده» توضیح داده است که بهارستان در استان تهران، استان البرز، قم، حاشیه شهر مشهد، شیراز، ارومیه، تبریز و اصفهان «مهاجرپذیرترین» شهرهای کشور هستند. از قرار معلوم منظور از «مهاجرپذیرترین» اینست که بیشترین شمار مهاجران افغانستانی در این نواحی زندگی می‌کنند.

در عین حال، رئیس سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس کشور توضیح داده که بر اساس قوانین موجود در

در خردادماه ۱۴۰۱ یک پزشک تصویر یک کودک مشکوک به ابتلا به ویروس «آبله میمونی» را در انستیتو پاستور در توئیتر خود منتشر کرد که با تکذیب وزارت بهداشت جمهوری اسلامی روبرو شد. پس از پشت سر گذاشتن بیش از دو سال پُر از ابتلا و مرگ و میر و رنج بیماری ناشی از شیوع کرونا، آن زمان اخباری درباره شناسایی ویروس «آبله میمونی» منتشر شد که نخستین موارد ابتلای آن در آفریقا و سپس در دیگر کشورها موجب بروز نگرانی‌هایی شده بود.

هشدار می‌دهند که یک نوع مرگبارتر این بیماری تمایل گسترش را با نرخ مرگ و میر پنج درصد در بزرگسالان و ۱۰ درصد در کودکان نشان می‌دهد. بنابر گزارش اکونومیست، در حالی که نوع سال ۲۰۲۲ عمدتاً توسط تماس جنسی مرد با مرد منتقل می‌شد، به نظر می‌رسد نوع Clade Ib از طریق هرگونه تماس فیزیکی گسترش می‌یابد. دو سویه «ام پاکس» در حال حاضر در گردش است. اولی علائم شدیدتر و میزان مرگ و میر تا ۱۰ درصد را به همراه

هرچند تا کنون بیش از ۹۶ درصد از همه موارد ابتلا و مرگ و میر در اثر آبله میمونی در یک کشور (کنگو) ثبت شده، با این حال، در ماه‌های اخیر این بیماری از کنگو به کشورهای همسایه از جمله بوروندی، کنیا، رواندا و اوگاندا سرایت کرده و باعث به وجود آمدن بحران سلامت در این منطقه شده است. این در شرایطی است که دانشمندان نگران شیوع نوع جدیدی از این ویروس، موسوم به «کلاد ای-بی»، در آن ناحیه هستند که می‌تواند از طریق تماس نزدیک معمول، از جمله



از اواسط اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ این ویروس در بریتانیا، آلمان، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، فرانسه، سوئد، آمریکای شمالی و استرالیا و به تازگی امارات متحده عربی نیز مبتلایانی داشته که به صدها تن رسیده بود و شماری نیز مشکوک به ابتلا بودند. نخستین مورد ابتلا به آبله میمونی در خارج از آفریقا هفتم ماه مه (۱۸ اردیبهشت) همان سال در بریتانیا مشاهده شد. از آن پس، مبتلا شدن ۱۳۱ نفر دیگر به ویروس تایید شده بود و ۱۰۶ تن نیز مشکوک به ابتلا بوده‌اند. این آمار به منزله شیب ملایم شیوع و گسترش خفیف ویروس تلقی شده بود و به گفته کارشناسان خطر اپیدمی منتفی بود.

تب، سردرد و تاول‌ها و جوش‌های پوستی از علائم ابتلا به این بیماری ویروسی است که ابتدا از صورت فرد شروع می‌شود و سپس به اندام دیگر سرایت می‌کند.

آن زمان پزشکان تاکید داشتند که آبله میمونی معمولاً خفیف است و بیشتر بیماران طی چند هفته بدون استفاده از داروی خاصی بهبود پیدا می‌کنند و دلیل ابتلا به آن را هم از طریق تماس بسیار نزدیک با فرد آلوده می‌دانند. اما حالا تصور حادثی از این بیماری ارائه می‌شود.

بیماری آبله میمونی که بر اثر عفونت به ویروس آبله میمونی پدیدار می‌شود، یک بیماری مشترک بین انسان و حیوانات است که پیش از این عمدتاً در مناطق جنگلی آفریقای حاره‌ای دیده می‌شد اما طی دو سال گذشته در دیگر مناطق جهان به ویژه اروپا مشاهده شده است.

دوره‌ی این بیماری بطور معمول بین دو تا چهار هفته طول می‌کشد. دوره پنهان آبله میمونی پس از ابتلای افراد به ویروس بین پنج تا ۲۱ روز است؛ به عبارت دیگر علائم بیماری در مبتلایان بین پنج تا ۲۱ روز پس از ورود ویروس به بدن بروز می‌کند.

دومی که مسئول شیوع این بیماری در سال ۲۰۲۲ است، کمتر کشنده است اما در گذشته توانست در خارج از آفریقا گسترش یابد. در همین حال، پروفیسور «دیوید هیمن» از دانشکده بهداشت و پزشکی استوایی لندن گفت که ام پاکس می‌تواند به زودی جایگاه اپیدمیولوژیک باقی مانده از آبله را پر کند و این واکسن دیگر در پیشگیری موثر نیست.

به گفته این متخصص، از آنجا که تصور می‌شود میزان مرگ و میر این عفونت ۱۰ درصد است و در افرادی که با عفونت HIV زندگی می‌کنند بیشتر است، خطر عوارض جدی بالا است. اگرچه جهان برای شیوع ام پاکس در خارج از آفریقا در حال آماده شدن است، وضعیت در آفریقا همچنان نادیده گرفته می‌شود و جان افراد در جمهوری دموکراتیک کنگو به خطر می‌افتد.

همچنین برایان لایوس استادیار گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی دانشگاه نوادا لاس وگاس، توضیح داده است: «در کنترل این شیوع مشکلاتی وجود دارد.» به گفته وی، «ما شاهد گسترش این بیماری در اردوگاه‌های آوارگان بوده‌ایم، جایی که تراکم بالای جمعیت خطر گسترش بیماری‌های عفونی را افزایش می‌دهد.»

او هشدار داد که این ویروس، جهش یافته و اکنون راحت‌تر بین مردم پخش می‌شود. همچنین کمبود و عدم دسترسی به واکسن‌ها هم معضلی دیگر است.

در سال ۲۰۲۲ نیز سازمان جهانی بهداشت پس از شیوع این بیماری در بیش از ۷۰ کشوری که قبلاً موارد ابتلا را گزارش نکرده بودند، این بیماری را یک وضعیت اضطراری جهانی اعلام کرد که بیشتر مردان همجنسگرا و دوجنس‌گرا را تحت تأثیر قرار می‌داد. در شیوع آن سال، کمتر از یک درصد از افراد مبتلا جان خود را از دست دادند.

تماس جنسی، به راحتی در بین افراد منتقل شود و گسترش یابد. کارشناسان هشدار داده‌اند یک سویه جدید و کشنده از بیماری «ام پاکس» که پیشتر با عنوان آبله میمونی شناخته می‌شد در آفریقا در حال گسترش است.

روز پنجشنبه، سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد که پس از شیوع آبله میمونی در جمهوری دموکراتیک کنگو، این بیماری برای دومین بار در دو سال گذشته به سایر کشورها سرایت کرده و بر همین اساس یک وضعیت اضطراری بهداشت عمومی جهانی اعلام می‌شود.

در همین حال، دولت سوئد روز پنجشنبه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد ۱۴۰۳) اولین مورد ابتلا به سویه کشنده ام‌پاکس یا آبله میمونی را در خارج از آفریقا تایید کرد.

خبرگزاری فرانسه به نقل از یک اپیدمیولوژیست علت ابتلای این فرد سوئدی را «بازدید از بخشی از آفریقا که در آن شیوع گسترده‌ای از نوع کشنده این بیماری وجود دارد» اعلام کرده است.

ظهور ام پاکس که بطور معمول در مرکز و شرق آفریقا یافت می‌شود به اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد. اکنون واکسنی برای این بیماری وجود دارد که البته رسیدن آن به کشورهایی که فاقد منابع و زیرساخت جهت یک برنامه هماهنگ هستند، کند بوده است.

در سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر در طول شیوع جهانی این بیماری که بیشتر توسط نسخه ویروسی «Clade Ib» ایجاد شده بود، آلوده شدند.

ایالات متحده ۳۲ هزار و ۶۳ مورد ابتلا به این بیماری با ۵۸ مورد مرگ و میر را در طول دوره شیوع این بیماری گزارش کرده است.

اکنون کارشناسانی که روندهای اخیر را دنبال می‌کنند،

شایعه «۱۳ صفر» چه بود؟ هجوم «بی سابقه» شهروندان به طلافروشی‌ها برای خرید طلا!



صف مقابل طلافروشی‌ها در مرکز و جنوب تهران / ۱۸ مرداد ۱۴۰۳

باید بررسی شود چگونه فضای مجازی توانسته بر باورها و اعتقادات مردم چنین اثری بگذارد.

برخی وبسایت‌ها که اخبار و گزارش‌های ظاهراً جدی اقتصادی را پوشش می‌دهند نیز حتا تحلیل کردند که در «۱۳ صفر طلا بخیریم یا نه؟!»

هرچند برخی تحلیلگران خرید طلا توسط شهروندان را نشانه‌هایی از بهبود وضعیت اقتصادی ارزیابی می‌کنند اما بعضی دیگر معتقدند خروج پول از بانک‌ها توسط مردم عادی و تبدیل آن به دلار یا فلزات گرانبها به دلیل ترس آنها از بدتر شدن وضعیت اقتصادی است.

بر اساس گزارش‌های میدانی، تحت تأثیر شرایط بد کشور و نگرانی از درگیری و بی‌ارزش‌تر شدن ریال، بسیاری از مردم ترجیح دادند پول‌شان را از بانک خارج کنند و آن را تبدیل به دلار یا طلا کنند. همین وضعیت در بورس نیز اتفاق افتاد و خیلی از سهامداران پس از ترور اسماعیل هنیه و تهدید جمهوری اسلامی به «انتقام» با سقوط شدید بازار سرمایه، در صف فروش قرار گرفتند.

پدram سلطانی کارشناس اقتصادی در واکنش به هجوم برخی شهروندان برای خرید طلا می‌گوید، «شایعه کرده بودند انگار که اگه ۱۳ صفر طلا بخری پولدار میشی، بعد ملت واقعاً هجوم برده بودند. سمت بازار طلا این رو باور نکردم تا یکی از دوستانم تو بازار طلا تایید کرد که بازار به شدت شلوغ بوده. این شایعه چرا سال‌های قبل نبود؟»

محمد کشتی آرای نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر نیز در بخش دیگری از مصاحبه خود با ایلنا صف بستن شهروندان برای خرید طلا را «بسیار تعجب‌آور» دانست و گفت: «معتقدم این اقدام و این رویه یک مبارزه دینی است و هر تشکیلاتی که با هر نیتی با انتشار این محتوا در فضای مجازی و شبکه اجتماعی که در روز ۱۳ صفر باید یک تکه طلا خریداری کرد، می‌تواند در حوزه‌های دیگر هم چنین اثری را بر باور مردم بگذارد.»

خرید طلا شایعه‌ای بود که همزمان با «۱۳ صفر» به راه افتاد. گویا در چند کانال تلگرامی به نقل از احادیث و روایات امامان شیعه ادعا شد که خرید طلا در این روز شگون دارد و «برکت مال» می‌آورد! همین شایعه باعث شد برخی از مردم سراغ خرید طلا بروند.

گزارش‌های میدانی حاکی از شلوغی طلافروشی‌ها در تهران، مشهد، تبریز، شیراز و ساری بود و چندین عکس و ویدیو در این ارتباط منتشر شد. برخی منابع این رویداد را ناشی از شایعه و خرافات ارزیابی کرده و برخی آن را «ترفند بی‌رحمانه طلافروشی‌ها» نامیده‌اند.

هجوم برخی شهروندان به طلافروشی‌ها برای خرید طلا آنهم در ماه صفر در حالی صورت می‌گیرد که اتفاقاً سنتی‌های مذهبی و خرافاتی‌ها بر این باورند که خرید طلا و جواهر در ماه محرم و صفر شگون ندارد و «خوش یمن» نیست!

وضعیت هجوم به طلافروشی‌ها به اندازه‌ای عجیب بود که فعالان بازار طلا نیز به آن واکنش نشان داده‌اند.

در همین ارتباط محمد کشتی آرای نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر روز دوشنبه ۲۹ مرداد به خبرگزاری ایلنا گفت: «در پی انتشار محتوای فضای مجازی درباره اینکه خرید هر مقدار طلا در روز ۱۳ صفر خوش یمن است و به اصطلاح شگون دارد، روز گذشته [یکشنبه] شاهد صف طویل خرید طلا بودیم و بازار بسیار شلوغ بود... در سال‌های گذشته مطلقاً چنین چیزی در بازار طلا دیده نمی‌شد و این میزان تقاضا برای خرید طلا در روز ۱۳ صفر تنها به دلیل تأثیر محتوای فضای مجازی بر روی مردم است.»

وی تأکید کرد: «فارغ از اینکه این باور درست است یا غلط، این میزان اثرگذاری فضای مجازی بر روی رفتار و باور مردم قابل تامل است که چرا تبلیغات و محتوای فضای مجازی اینگونه رفتار مردم را تغییر می‌دهد. این تقاضای قابل توجه برای خرید طلا در حالی بود که در سال‌های گذشته چنین رسم و رسومی را در بین مردم ندیده بودیم و

● روز یکشنبه ۱۸ مرداد (مصادف با ۱۳ ماه صفر) بازار خرید طلا رونق ناگهانی گرفت. تعدادی از طلافروشی‌ها و فعالان شبکه‌های اجتماعی تصاویری را منتشر کردند که برخی از شهروندان برای خرید طلا در مقابل طلافروشی‌ها صف کشیده‌اند.

● عده‌ای از طلافروشی‌ها گفته‌اند علت هجوم برخی برای خرید طلا شایعه‌ای بود که همزمان با «۱۳ صفر» به راه افتاد. گویا در چند کانال تلگرامی به نقل از احادیث و روایات امامان شیعه ادعا شد که خرید طلا در این روز شگون دارد و «برکت مال» می‌آورد. همین شایعه باعث شد برخی سراغ خرید طلا بروند.

● گزارش‌های میدانی حاکی از شلوغی طلافروشی‌ها در تهران، مشهد، تبریز، شیراز و ساری بود و چندین عکس و ویدیو در این ارتباط منتشر شد. برخی منابع این رویداد را ناشی از شایعه و خرافات ارزیابی کرده و برخی آن را «ترفند بی‌رحمانه طلافروشی‌ها» نامیده‌اند.

● محمد کشتی آرای نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر روز دوشنبه ۲۹ مرداد، به خبرگزاری ایلنا گفت: «در سال‌های گذشته مطلقاً چنین چیزی در بازار طلا دیده نمی‌شد و این میزان تقاضا برای خرید طلا در روز ۱۳ صفر تنها به دلیل تأثیر محتوای فضای مجازی بر روی مردم است.»

● هرچند برخی تحلیلگران خرید طلا توسط شهروندان را نشانه‌هایی از بهبود وضعیت اقتصادی ارزیابی می‌کنند اما بعضی دیگر معتقدند خروج پول از بانک‌ها توسط مردم عادی و تبدیل آن به دلار یا فلزات گرانبها به دلیل ترس آنها از بدتر شدن وضعیت اقتصادی است.

در ایران روز یکشنبه ۱۸ مرداد (مصادف با ۱۳ ماه صفر) بازار خرید طلا رونق گرفت. تعدادی از طلافروشی‌ها و فعالان شبکه‌های اجتماعی تصاویری را منتشر کردند که برخی از شهروندان برای خرید طلا در مقابل طلافروشی‌ها صف کشیده‌اند.

عده‌ای از طلافروشی‌ها گفته‌اند علت هجوم مردم برای

روستاهای ایران در محاصره «تنش آبی»؛ بیش از هفت هزار روستا به آب پایدار دسترسی ندارند



● بیش از ۷ هزار و ۳۰۰ روستا وجود دارد که ۵ ماه نخست امسال را با کمبود و یا نبود آب آشامیدنی سپری کرده است و در بیشتر موارد به این روستاها آب جیره‌بندی شده و یا با تانکر آبرسانی شده است.

● استان سیستان و بلوچستان رکورددار استان‌های بحران‌زده در زمینه عدم دسترسی روستاها به آب است و وضعیت استان «خراسان رضوی»، خراسان جنوبی، هرمزگان، یزد و خوزستان هم «وخیم» گزارش شده است.

● مدیر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب سیستان و بلوچستان از عدم دسترسی ۷۰۰ روستا به سیستم لوله‌کشی شهری فقط در اطراف زاهدان خبر داد.

بحران کمبود آب سبب اختلال در دسترسی ده‌هزار روستا به آب شده بطوری که بر اساس آمارها طی پنج ماه نخست امسال بیش از هفت هزار روستا به آب پایدار دسترسی نداشتند.

بر اساس آمارها در سراسر ایران بیش از ۷ هزار و ۳۰۰ روستا وجود دارد که ۵ ماه نخست امسال را با کمبود و یا نبود آب آشامیدنی سپری کرده‌اند و در بیشتر موارد به این روستاها آب جیره‌بندی شده و یا با تانکر آبرسانی شده است.

روستاهای استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، «خراسان رضوی»، خراسان جنوبی، یزد و خوزستان بیشترین مشکلات را دارند. سیستان و بلوچستان رکورددار استان‌های بحران‌زده در زمینه عدم دسترسی روستاها به آب است و وضعیت «خراسان رضوی»، خراسان جنوبی، هرمزگان، یزد و خوزستان هم «وخیم» گزارش شده است.

این در حالیست که آمارها از بسر بردن ۲۵۸ شهر کشور در وضعیت تنش آبی خبر می‌دهند؛ در شهرها اما آبرسانی با تانکر عملی‌تر بوده اما در روستاها به ویژه روستاهای دورافتاده آبرسانی به‌گندی و نامنظم صورت گرفته است.

هاشم امینی مدیرعامل آبفای کشور تیرماه امسال با ارائه گزارشی از مدیریت تنش آبی در روستاها، مدعی شده بود که «از مجموع ۱۰ هزار روستا که به عنوان استان‌های دارای تنش آبی و یا بدون شبکه شناسایی شده‌اند، آبرسانی به ۵ هزار و ۷۰۰ روستا تکمیل شده و شاخص بهره‌مندی روستاهای ایران از آب شرب و بهداشتی پایدار به ۸۷ درصد رسیده است و با برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته تا پایان سال ۱۴۰۳، همه این ۱۰ هزار روستا آبرسانی می‌شوند.»

گزارش‌های دولت همچنین مدعی است که برای تأمین آب آشامیدنی در سیستان و بلوچستان، استانی که بیشترین تعداد روستاهای دارای تنش آبی در کشور را دارد، ۱۵۰ حلقه چاه عمیق به‌منظور تأمین آب حفر شده است.

از سوی دیگر شرکت آبفای استان البرز نیز اعلام کرده است که ۱۲۰ حلقه چاه جدید به‌منظور تأمین آب آشامیدنی حفر شده است. در استان «خراسان رضوی»، ۴۰ پروژه آبرسانی تعریف شده و ۱۳ حلقه چاه در خراسان جنوبی به شبکه آب روستایی وارد شده است.

این ادعاها در حالیست که اظهار نظرهای شمار دیگری از مقامات ادعاهای دولت در موفقیت برای آبرسانی به بیش از ده هزار روستای دچار تنش آبی را رد می‌کند.

کاهش ۱۰۰ میلیارد متر مکعبی آب ورودی کشور است. صادق ضیائی‌ان رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای سازمان هواشناسی در واکنش به این خبر به خبرنگاری «ایرنا» گفته «بارش‌های کمتر از نرمال در اغلب مناطق کشور در پاییز امسال پیش‌بینی می‌شود» اما این خبر را تأیید نکرده است.

صادق ضیائی‌ان افزوده که «دقت این پیش‌بینی‌ها بالا نیست و در بهترین حالت احتمال وقوع آنها حدود ۶۰ درصد است. مطابق آنچه نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهد، بارش‌ها در پاییز امسال گرایش به کمتر از نرمال دارد و کمتر از میانگین بارش بلندمدت ۳۰ ساله خواهد بود.

هرچند در مناطق مختلف کشور متفاوت خواهد بود.» در گزارشی که به تازگی در مجله علمی «نیچر» منتشر شده آمده پدیده خالی‌شدن سریع سفره‌های آب زیرزمینی در سراسر جهان رخ داده و نرخ‌های اُفت تراز آب زیرزمینی در دهه‌های اخیر شتاب گرفته است، به گونه‌ای که در برخی مناطق، سالانه ۵۰ سانتی‌متر یا بیشتر اُفت می‌کند.

این گزارش افزوده با وجود این روند، نمونه‌های بسیاری را می‌توان نشان داد که اقدامات سنجیده توانسته است به روند کاهش منابع آب زیرزمینی پایان دهد. این نتایج نشان می‌دهد که جوامع، لزوماً محکوم به خالی‌شدن منابع آب زیرزمینی خود نیستند و با اقدامات به‌موقع، می‌توانند این منبع مهم را احیاء کنند.

درباره ایران اُفت تراز آب زیرزمینی از سال ۲۰۰۰ در بسیاری از مناطق افزایش یافته بطوری که در مناطق خشک با زراعت و آبیاری شدید، تراز آب زیرزمینی بیش از پنج متر در سال کاهش می‌یابد.

توسعه منابع جایگزین جدید مانند رودخانه‌های محلی، درپیش‌گرفتن سیاست‌های کاهش تقاضا از منابع آب زیرزمینی و پرکردن هدفمند سفره‌های زیرزمینی با آب سطحی» راهکارهای ارائه شده برای پر شدن سفره‌های زیرزمینی آب هستند.

رضا نوذری مدیر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب سیستان و بلوچستان روز دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ از دسترسی نداشتن ۷۰۰ روستا فقط در اطراف زاهدان به سیستم لوله‌کشی شهری خبر داد.

مدیر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب سیستان و بلوچستان گفته حتی در شهر زاهدان به عنوان مرکز استان نیز در گرم‌ترین روزهای سال، قطع مکرر آب رخ داده است. او تأکید کرده که افزایش مصرف در نیمه‌های امرداد سبب اختلال در آبرسانی شده است.

در چنین شرایطی نه تنها برنامه‌های توسعه‌ای در جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شده، بلکه اقدامات غیرکارشناسی حکومت سبب تشدید اثرات تغییر اقلیم در کشور شده است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد با تداوم شرایط فعلی وضعیت تنش آبی در شهرها و روستاهای کشور تشدید شود.

در همین رابطه بهلول علیجانی بنیانگذار «آب و هواشناسی سینوپتیک» در ایران گفته که علت اصلی افزایش دما در ایران را باید در عواملی مانند تخریب محیط زیست، حذف پوشش گیاهی، مصرف سوخت‌های فسیلی و اسراف در حوزه انرژی دنبال کرد که بررسی‌ها نشان می‌دهد هر سال نسبت به سال قبل وضعیت بدتری به ثبت می‌رسد.

بهلول علیجانی هشدار داده که «مدیران اجرایی کشور باید بدانند که تغییرات اقلیمی و گرمایش در صورت بی‌توجهی، عواقب خطرناکی را متوجه کشور می‌کند و به صورت کلی به نظر من پدیده تغییرات از حملات نظامی و بحران‌های سیاسی به مراتب خطرناک‌تر است.»

همچنین بر اساس پیش‌بینی سامانه‌های جهانی هواشناسی، گستره ایران به احتمال ۵۰ تا ۷۰ درصد در پاییز سال ۱۴۰۳ خشکسالی و کاهش چشمگیر بارندگی را تجربه می‌کنند.

بر این اساس یک سوم از بارندگی سالانه ایران در فصل پاییز رقم می‌خورد و خشکسالی در این فصل به معنای

کیفیت پایین آموزشی با مدیریت جهادی جمهوری اسلامی میانگین معدل دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان ۱۰/۸۹ شد



فکری قابل توجهی بروز و ظهور پیدا می‌کند که حتی نوعی عدم درک را در محیط آموزشی سبب می‌شود.

وبسایت «الف» در بخش دیگری از این مطلب نوشته که در سال‌های گذشته مسئله آموزش و چشم‌انداز روشنی که دانش‌آموزان از این طریق می‌توانند برای آینده خود ترسیم کنند، دچار چالش شده و گویی دانش‌آموزان راه‌های دیگری غیر از تحصیل (نظیر ورود زودتر از موعد به بازار کار) را در قیاس با تمرکز تلاش‌های خود بر تحصیلشان، جهت ترسیم چشم‌انداز روشن برای آیندشان مساعد می‌بینند.

همچنین با اشاره به نبود عدالت در ساختار آموزشی آمده که «در چهارچوب نظامی آموزشی، هرچه عقبه مالی افراد(والدین) قوی‌تر باشد، فرصت‌های آنها نیز بیشتر می‌شود. موضوعی که نه تنها در بحث انگیزه فردی دانش‌آموزان در موضوع آموزش، تأثیرات منفی را به همراه دارد بلکه نوعی ناامیدی و سرخوردگی را در میان آنها نسبت به آینده و البته ماهیت رقابت با هم‌تایان خود در سطح کشور نیز ایجاد می‌کند. مسائلی که در کلیت خود تأثیرگذاری منفی را بر کیفیت آموزش در ایران دارند.»

در حالی که مشکلات ساختار آموزشی ایران در طول سال‌ها انباشته شده اما هر دولتی نیز تلاش می‌کند بجای ارائه راهکارهای عملی برای حل بحران، مشکلات را با فرافکنی به گردن دولت دیگر بیان‌دازد.

رضامراد صحرایی دوشنبه ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۲ در همایش ملی تقدیر از شوراهای آموزش و پرورش برتر سراسر کشور که با حضور وزیر کشور برگزار شد، گفته بود: «برخی بجای آنکه امید را ببینند، اعلام کردند میانگین معدل رشته علوم انسانی ۸/۷۵ است؛ آیا این معدل حاصل عملکرد دولت دو ساله است! این معدل پایه دوازدهم است و شفاف به مردم گفتیم «این وضعیت آموزش کشور در دولتی است که آن را تحویل گرفتیم.»

وزیر آموزش و پرورش دولت رئیسی این را هم مدعی شده بود که «نهضت ارتقای کیفیت در آموزش و پرورش به راه افتاده است و مدرسه دالان اشتغال و زندگی است نه صرفاً دالان دانش!»

می‌شود تا روند تغییرات آموزشی و میزان کاهش و افزایش عملکرد دانش‌آموزان کشورهای شرکت‌کننده مشخص شود. ایران در آزمون پرلز ۲۰۲۱ در انتهای جدول قرار داشت و فقط کشورهای اردن، مصر، مراکش و آفریقای جنوبی بعد از ایران قرار داشتند. در سطح منطقه، کشورهای ترکیه، قطر، امارات، بحرین، عربستان، جمهوری آذربایجان، ازبکستان و عمان، وضعیت بهتری در مقایسه با ایران داشتند.

بر اساس نتایج منتشر شده آزمون «تیمز ۲۰۱۹» در ریاضیات پایه چهارم ایران با نمره ۴۴۳ بین ۵۸ کشور در جایگاه ۵۰ قرار دارد؛ در علوم پایه چهارم نیز ایران با نمره ۴۴۱ در جایگاه ۴۸ قرار دارد. در آزمون ریاضی حدود ۳۲ درصد دانش‌آموزان پایه چهارم نمره کمتر از ۴۰۰ گرفته‌اند یعنی در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارند.

در علوم پایه هشتم نیز بین ۳۹ کشور، ایران جایگاه ۳۲ را دارد! در این آزمون ۲۸ درصد دانش‌آموزان ایرانی موفق به کسب نمره حداقلی (۴۰۰) نشده‌اند که این میانگین در سطح بین‌المللی ۱۵ درصد بوده است.

وبسایت «الف» خردادماه سال گذشته در گذشته عوامل کیفیت آموزشی پایین در ایران را مورد بررسی قرار داد. در این مطلب «ضعف‌های زیرساختی نظام آموزشی»، «تاخیر تاریخی در نظام آموزشی»، «نبود چشم‌انداز روشن برای آینده» و «نابرابری‌های آموزشی» به عنوان مشکلاتی عنوان می‌شوند که سبب کاهش کیفیت آموزشی در ایران شده‌اند. برای نمونه اشاره شده بود که در ایران هیچ سامانه‌ای برای سنجش ملی در بحث آموزش در کشور وجود ندارد و کشور در حوزه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری حوزه آموزشی، با چالش‌های زیادی روبروست.

این مطلب افزوده بود که نظام آموزشی ایران از روند پیشرفت‌های بین‌المللی در این حوزه عقب می‌ماند و این نوعی عدم توازن را در رقابت ایران با دیگر کشورها به ویژه در سطح منطقه در باب ارتقای کیفیت نظام آموزشی‌اش ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر میان معلمان و دانش‌آموزان که دو طیف و نسل متفاوت را نمایندگی می‌کنند نیز شکاف‌های تاریخی و

● «ضعف‌های زیرساختی نظام آموزشی»، «تاخیر تاریخی در نظام آموزشی»، «نبود چشم‌انداز روشن برای آینده» و «نابرابری‌های آموزشی» به عنوان مشکلاتی عنوان می‌شوند که سبب کاهش کیفیت آموزشی در کشور شده‌اند.

● در حالی که مشکلات ساختار آموزشی ایران در طول سال‌ها انباشته شده اما هر دولتی نیز تلاش می‌کند بجای ارائه راهکارهای عملی برای حل بحران، مشکلات را با فرافکنی به گردن دولت دیگر بیان‌دازد.

مقامات وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده‌اند که مجموع میانگین معدل دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان در سه رشته ریاضی، تجربی و علوم انسانی به ۱۰/۸۹ رسیده است.

محسن زارعی رئیس مرکز سنجش و ارزیابی کیفیت آموزش و پرورش با ارائه گزارش تحلیل نمرات دانش‌آموزان دبیرستانی اعلام کرده که در رشته علوم تجربی، میانگین معدل دانش‌آموزان از ۱۱/۳۳ سال گذشته به ۱۲ رسیده است.

او افزوده که در رشته ریاضی فیزیک از ۱۰/۷۹ به ۱۱/۸۲، در علوم انسانی از ۸/۷۵ به ۹/۱۳ رسیده است. معدل میانگین در مجموع سه رشته، از ۱۰/۲۳ به ۱۰/۸۹ صدم رسیده و ۵۵ صدم در مجموع سه رشته ارتقای نمره صورت گرفته است.

محسن زارعی همچنین گفته که مدارس غیردولتی نتایج ضعیف‌تری نسبت به مدارس دولتی داشته‌اند. در مجموع میانگین مدارس غیردولتی در امتحانات نهایی در هر سه پایه از مدارس دولتی پایین‌تر است. علت این است که مدارس غیردولتی کماکان بر مهارت‌های تست‌زنی و حافظه‌محوری تأکید دارند در حالیکه باید به معلم‌محوری و کتاب درسی رجوع کنند.

بنا بر ادعای رئیس مرکز سنجش و ارزیابی کیفیت آموزش و پرورش این نمرات بطور کلی در حالی با افزایش نسبت به سال گذشته روبرو شده که همچنان میانگین پایینی برای معدل دانش‌آموزان دبیرستانی و نشانه‌ای از کیفیت آموزشی پایین در مدارس ایران است.

نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ نشان می‌داد که ایران در کیفیت آموزشی و وضعیت علمی مدارس، جزو ضعیف‌ترین کشورها در سطح منطقه است. آزمون پرلز هر ۵ سال یکبار انجام

عضو نظام صنفی رایانه‌ای تهران با «فشل» خواندن امنیت داده‌ها در کشور خواستار «رفع فیلترینگ» شد



● عضو نظام صنفی رایانه‌ای تهران: شرکت‌ها و سازمان‌ها در سراسر کشور بر روی امنیت خود کار می‌کنند اما این کار را با حساسیت انجام نمی‌دهند، چرا که دولت یک چارچوب و استاندارد منظم و مشخص را تعیین نکرده است.

● عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات دولت رئیسی در دوران تبلیغات نمایش انتخابات تیرماه گفته بود اختیار فیلترینگ در دست دولت و وزارت ارتباطات نیست و از نامزدها خواسته بود وعده بیخود در اینباره ندهند.

عضو نظام صنفی رایانه‌ای تهران با «فشل» خواندن حوزه امنیت داده‌ها در ایران گفته «رفع فیلترینگ، رفع تحریم‌ها، قانونگذاری و استانداردسازی بحث امنیت داده در کشور و تخصیص جایگاهی به هوش مصنوعی» از خواسته‌های فعالان این صنف از وزیر آینده ارتباطات است.

علیرضا مسلمی عضو نظام صنفی رایانه‌ای تهران در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» با تأکید بر اینکه «حوزه امنیت داده در ایران خیلی فشل است» گفته «شرکت‌ها و سازمان‌ها در سراسر کشور بر روی امنیت خود کار می‌کنند اما این کار را با حساسیت انجام نمی‌دهند، چرا که دولت یک چارچوب و استاندارد منظم و مشخص را تعیین نکرده است تا در بخش امنیت سایبری تمام سازمان‌ها و شرکت‌ها برآساس آن چارچوب پیش بروند. انتظار می‌رفت که در حوزه امنیت دقت بیشتری شود و تقاضایی که فعالان این حوزه از وزرای آینده دارند، نیز همین موضوع است.»

به عقیده این فعال صنفی باید قانونگذاری و استانداردسازی‌هایی در رابطه با حوزه امنیت داده صورت بگیرد و اقدامات «سلیقه‌ای» پایان پیدا کند.

علیرضا مسلمی مهمترین خواسته‌های فعالان صنف خود از وزیر جدید ارتباطات را رفع فیلترینگ، رفع تحریم‌ها، قانون‌گذاری و استانداردسازی بحث امنیت داده در کشور و تخصیص جایگاهی به هوش مصنوعی عنوان کرده است. او توضیح داده که فیلترینگ امنیت داده را به خطر انداخته است: «تحریم‌ها باعث شده است که ارتباط ما با منابع اصلی بطور کامل قطع شود. درواقع ما نمی‌توانیم با شرکت‌هایی که منبع هستند ارتباط برقرار کنیم و برای اینکه بتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم، مجبور شده‌ایم با شرکت‌های واسطه کار را پیش ببریم. این کار هزینه ما را افزایش داده است و در کنار آن روزرسانی‌ها را برای ما دشوار کرده است.»

عضو نظام صنفی رایانه‌ای تهران همچنین از «بحران نیروی متخصص» در این صنف خبر داده و گفته «زمانی که نیرو از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، دانش کافی را دارد اما تجربه لازم را ندارد، اما حقوق درخواستی آن‌ها بالا است و برای شرکت‌ها جذب این نیروها صرفه اقتصادی ندارد. ما برای اینکه بتوانیم این مشکل را برطرف کنیم، اقدام به راه‌اندازی آکادمی کرده‌ایم که این فاصله از دانشگاه تا بازار کار را کم کند. امیدوار هستیم که این آکادمی بتواند کمک شایانی به ما کند.»

ستار هاشمی وزیر پیشنهادی مسعود پزشکیان برای وزارت ارتباطات اما درباره فیلترینگ گفته بر اساس سیاست‌های کلی نظام پیش خواهد رفت.

این در حالیست که موضوع رفع فیلتر و آزادی‌های اینترنتی از جمله وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان بود؛ وعده‌ای که از سوی حامیان پزشکیان مورد تبلیغ قرار گرفت

بهرام صلواتی رئیس «رصدخانه ملی مهاجرت ایران» با اشاره به تمایل دیگر کشورها به جذب نیروی انسانی متخصص در حوزه آی تی و تجارت الکترونیک، گفته بود «یکی از دلایلی که شرکت‌ها مهاجرت می‌کنند، به مسائل زیرساختی که در این چندوقت اخیر هم پررنگ شده است، مربوط می‌شود. از جمله شرایط ناپایدار اینترنتی و ارتباطی که منجر به آسیب دیدن بسیاری از کسب و کارها شده است. مسئله اینترنت در خیلی از کشورها، امر پیش پا افتاده‌ای و ابتدایی‌ترین زیرساخت ارتباطی است و برای همین مهاجرت گروهی یک تیر و چند نشان می‌شود.»

مدیر رصدخانه مهاجرت ایران، درباره مهاجرت گروهی استارت‌آپ‌ها به کشورهای حوزه خلیج فارس نیز گفته بود که «در بحث استارت‌آپ‌ها، شرکت‌ها و تیم‌ها یک موقعیتی است که مهاجرت سرمایه‌گذار یا ایده‌پرداز را داریم. الان خیلی از کشورها به این نکته رسیده‌اند که سرمایه انسانی در ابعاد مختلفش، یعنی در سطح سرمایه‌گذار، ایده‌پرداز، مدیر، بدنه اجرایی و حتی افراد کارشناس، همه ذی قیمت هستند و خیلی از شرکت‌ها و تیم‌ها اگر می‌خواهند به کشوری، از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس بروند، با این پیشنهادات رو به رو هستند که صرفاً برای ثبت یا ایجاد شرکت اقدام نکنند بلکه برای راه‌اندازی و به نوعی اجرای این ایده هم اقدام کنند.

بهرام صلواتی افزوده بود که بطور کلی نیروی انسانی ایران، مخصوصاً نیروی کارشناس یا تحصیلکرده برای کشورهای دیگر جذاب شده است، «بدین منظور اگر افراد بخواهند کسب و کاری راه بیاندازند، بهترین فرصت این است که از تیمی که با آن کار کرده، با آن آشنایی دارد، ایده را می‌شناسد و از همه مهمتر هزینه‌اش هم به نسبت هم‌تایانش در آن کشور ارزان‌تر است، استفاده کند.»

او توضیح داده بود «به دلیل اینکه میل به مهاجرت در داخل کشور افزایش پیدا کرده و از سوی دیگر ظرفیت کشورهای اروپایی یا مقاصد اصلی محدود است، بر این اساس مقاصد جدیدی همچون کشور ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس شکل گرفته است که قسمتی از بار مهاجرتی ایران دارد در آنجا تخلیه می‌شود.»

و از آن به عنوان یکی از وعده‌های مهم وی نام برده می‌شد. پزشکیان در مناظره‌های پیش از دور اول انتخابات رفع فیلترینگ را به دلیل آسیبی که به کسب و کارها می‌زند مطرح کرده بود. در پست‌هایی که در صفحه پزشکیان در شبکه اجتماعی ایکس منتشر شده نیز به معایب فیلترینگ، آسیب دیدن کسب و کارها به دلیل محدودیت‌ها و داغ شدن بازار فروش فیلترشکن اشاره شده است.

«تمام تلاش خود را برای اصلاح نظام ناکارآمد فیلترینگ به کار می‌بندم» و «اینترنت را باید آزاد کنیم» از جمله وعده‌ها و شعارهایی است که پزشکیان پیش از دور اول انتخابات تیرماه مطرح کرده بود.

او در تبلیغات برای دور دوم انتخابات نیز همچنان رفع محدودیت «اینترنت» و «فیلترینگ» را از جمله وعده‌هایش قرار داده بود. برای نمونه گفته بود که «در تمام دنیا در مواقع خاص محدودیت‌هایی دارند اما نباید اینطور باشد که الان وقتی هیچ مسئله‌ای نیست فیلترینگ بگذاریم.»

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات دولت رئیسی در دوران تبلیغات نمایش انتخابات تیرماه گفته بود اختیار فیلترینگ در دست دولت و وزارت ارتباطات نیست و از نامزدها خواسته بود وعده بیخود در اینباره ندهند. عیسی زارع‌پور تأکید کرده بود که «فیلتر از اختیارات دولت نیست و این موضوع در کارگروه رفع مصادیق مجرمانه تصمیم‌گیری می‌شود.»

وزیر ارتباطات دولت ابراهیم رئیسی توضیح داده بود که «در این کارگروه اعضای مختلفی وجود دارند که ۶ عضو این کارگروه خارج از دولت است. در این کارگروه و بر اساس ضوابطی که وجود دارد در صورت مجرمانه تشخیص دادن محتوای شبکه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری و فیلترینگ انجام می‌شود.» فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنتی از جمله عوامل اثرگذار بر آمار مهاجرت از ایران بوده است. رصدخانه ملی مهاجرت ایران بهمن‌ماه ۱۴۰۱ از افزایش مهاجرت شهروندان به دلیل «ضعیف اینترنت در کشور» خبر داده و تأکید کرده بود که به دلیل موانعی که برای مهاجرت به اروپا و آمریکا وجود دارد، ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس به مقصد جدیدی برای «تخلیه بار مهاجرت ایرانیان» تبدیل شده‌اند.

طبقه متوسط در ایران طی هشت سال ۸۸ درصد آب رفت!



ایران، پیش‌بینی می‌شود روند افزایش جمعیت زیر خط فقر ادامه یابد. همچنین فاصله کاهش‌یافته فاصله افراد بالای خط فقر تا خط فقر در این سال‌ها، امکان سقوط طبقات متوسط اقتصادی را به وضعیت فقر مطلق افزایش داده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر نیز در گزارشی از وضعیت فقر در ایران نوشته بود که شکاف فقر که فاصله فقرا تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدر خود یعنی ۳۷ درصد رسید. این مرکز پژوهشی تأکید کرده بررسی مصارف خانوار در سال‌های گذشته کاهش در رفاه خانوارها را تأیید می‌کند. برای مثال نگاهی به مصرف خوراک خانوار سه اتفاق را بطور همزمان نشان می‌دهد: اول افزایش سهم خوراک از کل هزینه خانوار، دوم: کاهش کل خوراک خانوار (یعنی همان کاهش کالری دریافتی) و سوم کاهش کیفیت کالری دریافتی خانوار.

همزمان وبسایت «اگو ایران» نوشت: «هیولای فقر روزه‌روز فرته‌تر می‌شود. در سال‌های اخیر بسیاری از کسانی که از طبقه متوسط بودند به زیر خط فقر سقوط کردند و آنها که زیر خط فقر بودند بیش از پیش به حاشیه رانده شدند. حالا بازوی پژوهشی مجلس در گزارشی هشدار داده که نرخ خط فقر در کشور در حال افزایش است.»

یکی از مهمترین عوامل حذف طبقه متوسط افزایش سرسام‌آور هزینه مسکن به ویژه در کلانشهرها است. برنامه‌های دولت‌های مختلف اصلاح‌طلب و اصولگرا در ربع قرن گذشته برای ساماندهی به بازار مسکن و ساخت مسکن ارزان با شکست روبرو شده است. طی سال‌های گذشته تورم در بازار اجاره‌بهای مسکن هر ساله تا بیش از صد درصد هم افزایش یافته است. در آنسو درآمدها با افزایش اندکی روبرو شده و خانوارهای مستأجر ناچار شده‌اند سهم بیشتری از درآمد خود را برای پرداخت اجاره‌بها هزینه کنند. مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران در ادامه گفته از آنجا که بسیاری از صنایع داخلی به مواد خام و قطعات وارداتی وابسته هستند، کاهش واردات می‌تواند خط تولید را مختل کرده و منجر به از دست رفتن مشاغل و کاهش فعالیت‌های اقتصادی شود که تأثیری منفی بر طبقه متوسط می‌گذارد. هزینه‌های بالاتر ورودی کالاهای وارداتی می‌تواند به مصرف‌کنندگان منتقل شده و باعث افزایش قیمت کالاهای و خدمات شود. کوچک شدن طبقه متوسط در همه کشورها از جمله ایران اثرات مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در پی دارد چرا که این طبقه همواره اهرم اصلی در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود و بخش زیادی از تولیدات و توسعه فرهنگ بر اساس پویایی در این طبقه صورت می‌گیرد. رانده شدن این قشر به زیر خط فقر، آنها را درگیر روزمره‌ترین دغدغه‌های اقتصادی از جمله تأمین هزینه خوراک و مسکن می‌کند. از سوی دیگر افزایش جمعیت فقرا در ایران نیز به تهدیدی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده که احتمال شورش گرسنگان را به همراه دارد؛ موضوعی که همین حالا نیز از سوی برخی تحلیلگران مطرح می‌شود که شورش نان ممکن است به زودی به مشکلی جدی برای حیات حکومت تبدیل شود.

پیش از این و در تیرماه امسال نیز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار داده با ادامه موج تورم در ایران، روند افزایش جمعیت زیر خط فقر ادامه یابد. آخرین داده‌های رسمی از نرخ فقر در ایران نشان می‌دهد نرخ فقر متوسط کشور از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش چشمگیری داشته و از حدود ۲۰ درصد به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال پایانی برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰) از میان جمعیت سه دهک پایین درآمدی کشور که جامعه هدف اصلی نیازمند به پوشش حمایتی است، حدود ۷۵ درصد فاقد هر گونه پوشش حمایتی مشخص بودند. در ادامه گزارش این مرکز آمده که با ادامه موج تورمی در

● عضو معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران: تورم ناشی از بازگشت دوباره تحریم‌ها، در کنار حادث شدن نابرابری دستمزدها در کشور سبب شده حدود ۸۸ درصد از جمعیت متوسط به جمعیت فقرا افزوده شود.

● طی هشت سال گذشته درآمد سرانه به شدت کاهش یافته بطوری که شکاف درآمد سرانه در دوره سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ بطور متوسط سالانه ۲۲ درصد بوده اما در طول ۸ سال حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است.

یکی از اعضای «اتاق تهران» اعلام کرده که طی هشت سال گذشته طبقه متوسط در ایران سالانه حدود ۱۱ درصد کوچکتر شده است. ناتوانی جمهوری اسلامی در کنترل تورم به ویژه پس از بازگشت دوباره تحریم‌ها سبب شده جمعیت زیادی از قشر متوسط به زیر خط فقر رانده و در قشر فقیر قرار بگیرند.

حسین اشرفی عضو معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران با ارائه نتایج یک پژوهش درباره آثار تورم بر قشر متوسط گفته که تورم ناشی از بازگشت دوباره تحریم‌ها، در کنار حادث شدن نابرابری دستمزدها در کشور سبب شده حدود ۸۸ درصد از جمعیت متوسط به جمعیت فقرا افزوده شود.

وی توضیح داده که شاخص‌های اقتصادی کلیدی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران بعد از سال ۲۰۱۲ همزمان با تأثیر این تحریم‌ها در کاهش سریع درآمدهای نفتی و مختل کردن تجارت و سرمایه‌گذاری در تمامی بخش‌های اقتصادی، دچار شوک‌های شدیداً نامساعد در اقتصاد کلان شد صادرات نفتی تنها تحت این تحریم‌ها کاهش نیافت، بلکه دولت حتی نمی‌توانست درآمدهای صادراتی را به دلیل تحریم‌های مالی به داخل بازگرداند. علاوه بر این، رژیم سنگین تحریم‌ها که در سال ۲۰۱۲ به اوج خودش رسیده بود، در سال‌های بعد همراه با نوساناتی به روند خود ادامه داد.

اشرفی افزوده که عامل دیگری که به کاهش اندازه طبقه متوسط در ایران در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ کمک کرد، بدتر شدن نابرابری در درآمد بود. ضریب جینی یا نابرابری درآمد ایران بطور پیوسته از ۳۴ در سال ۲۰۱۳ به ۳۷/۴ در سال ۲۰۱۸ و ۳۶/۵ در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. ترکیب رشد اقتصادی منفی و افزایش نابرابری، تعداد زیادی از خانوارهای طبقه متوسط را به سوی فقر سوق داد و باعث کاهش اندازه نسبی طبقه متوسط شد. به گفته حسین اشرفی طی هشت سال گذشته درآمد سرانه به شدت کاهش یافته بطوری که شکاف درآمد سرانه در دوره سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ بطور متوسط سالانه ۲۲ درصد بوده اما در طول ۸ سال حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است.

عضو اتاق تهران افزوده سرانه واقعی بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۹ بطور متوسط حدود ۳۶۰۰ دلار بوده است. به عبارت دیگر، در صورت عدم وجود تحریم‌های اقتصادی عمده پس از سال ۲۰۱۲ متوسط درآمد سرانه می‌توانست ۳۶۰۰ دلار بیشتر افزایش پیدا کند. بیشترین کاهش نیز مربوط به سال ۲۰۱۹ است که در آن درآمد سرانه از دست‌رفته، به رقم ۴۲۷۶ دلار رسید. او همچنین از بالا رفتن هزینه واردات کالا در هشت سال گذشته اشاره کرده و گفته کاهش ارزش ریال ایران باعث شد تا اضافه‌پرداخت بازار سیاه و هزینه‌های واردات افزایش یابد. هزینه‌های بالاتر واردات و کمبود دلارهای نفتی، تأثیر منفی بر واردات کالاها گذاشته و کمبود کالاهای وارداتی باعث افزایش قیمت‌ها شده و تلاش برای حفظ سطح زندگی را برای طبقه متوسط گران‌تر کرده است.

خودکشی منجر به مرگ در جامعه پزشکی ایران؛ ۱۳ تا ۱۶ مورد در سال!



«محرمانه» شدن آمارهای مرتبط با خودکشی

دکتر حمید یعقوبی روانشناس بالینی و دانشیار روانشناسی بالینی از دانشگاه شاهد و رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی در نشست خودکشی درمانگران که در ۳۱ خرداد برگزار شد اعلام کرد: «در ۱۰ سال اخیر شاهد رشد قابل توجه خودکشی در ایران هستیم. در سال ۱۴۰۲ در جلسه‌ای غیررسمی به ما آمار دادند که حدود ۷ هزار نفر خودکشی کرده‌اند که می‌شود ۸ در ۱۰۰ هزار نفر. این آمار در سال پیش از آن ۷ در ۱۰۰ هزار نفر بوده است. اینها مواردی است که در پزشکی قانونی ثبت و ضبط شده است. به‌ازای هر خودکشی، ۲۰ برابر آن اقدام به خودکشی بوده است؛ یعنی ۱۳۳ به ۱۰۰ هزار.»

یکی از مهمترین موضوعاتی که در این نشست مطرح شده بود آمار غیررسمی خودکشی در سال ۱۴۰۲ بود که اکنون به‌صورت محرمانه درآمده است؛ از سال ۱۴۰۰ سازمان پزشکی قانونی، آمار خودکشی را اعلام نمی‌کند اما در بعضی جلسات این آمارها به صورت جسته و گریخته اعلام می‌شود. حسن رفیعی روانپزشک و عضو کمیته روانپزشکی اجتماعی انجمن روانپزشکان نیز در این نشست اعلام کرده بود: «خودکشی پزشکان، دانشجویان و دستیاران براساس شواهد پراکنده بین ۱۳ تا ۱۶ مورد در دو، سه ماه اخیر بوده است. این نشان‌دهنده افزایش این موارد است. انجمن روانپزشکان با وزیر بهداشت در اینباره سه مکاتبه کرده است، اما هیچ واکنش و جوابی در اینباره نگرفته‌ایم.»

در همین ارتباط دبیرکل «خانه پرستار» در روزهای نخست امرداد از محرمانه شدن آمارهای حوزه پرستاری از جمله آمار خودکشی و مهاجرت خبر داده بود.

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار در گفتگو با وبسایت «تابناک» گفته بود برخی آمارهای حوزه پرستاری از جمله آمار خودکشی، مهاجرت و... غیرقابل انتشار است. اینهمه در حالیست که از روزهای گذشته پرستاران در شهرهای مختلف کشور در اعتراض به وضع بد معیشتی و فشار کار و اضافه‌کاری‌های بی‌رویه دست به اعتراض می‌زنند.

باخت. این منابع همچنین گفته بودند که دکتر مهران بیش از سه سال در بیمارستان‌های رازی و ایرانه‌ر شهرستان سراوان کار می‌کرده و پس از تسویه حساب با این دو بیمارستان به منزل خود در اصفهان منزل و اقدام به خودکشی کرده و دکتر فاطمه رضایی پور در منزل شخصی خود در زاهدان دست به خودکشی زد.»

تعدادی از همکاران این دو پزشک علت خودکشی آنها را مانند دیگر موارد خودکشی‌های کادر درمان که به طرز عجیبی گسترش یافته، شیفت‌های سنگین و عدم پرداخت حقوق متناسب با جایگاه شغلی آنان عنوان کرده بودند. در همین ارتباط هدیه کیمیایی روزنامه‌نگار و خبرنگار اجتماعی ۱۱ امرداد در شبکه ایکس از خودکشی دو پزشک جوان خبر داد: بهنام حمزه مقدم، متخصص بیهوشی در شیراز، پیام آهنی، دکترای حرفه‌ای پزشکی در کرمانشاه، محمدحسین شعبانی دانشجوی ورودی بهمن ۹۶ دانشگاه علوم پزشکی شاهرود نیز یک هفته پیشتر به زندگی خود پایان داده بود. محمدحسین شعبانی اینترن ورودی بهمن ۹۶ دانشگاه علوم پزشکی شاهرود نیز صبح روز یکشنبه ۱۴ امرداد ۱۴۰۳ در خوابگاه سپهر این دانشگاه به زندگی خود پایان داد. همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که دو روز پیش از این حادثه، یک رزیدنت اطفال نیز با اقدام به خودکشی، به زندگی خود خاتمه داده بود.

در هفته دوم امرداد مصطفی معین وزیر پیشین بهداشت توضیح داد که «احساس تبعیض و ستم و بردگی در ساختار سلامت و نظام اجتماعی» از عوامل مهم اقدام به خودکشی پزشکان و متخصصان جوان است.

به عقیده مصطفی معین «کار و کشیک شبانه‌روزی و فرساینده جسم و روان دستیاران در بخش‌های بیمارستانی و اورژانس‌ها مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.»

اقدام به خودکشی بیشتر در بین پزشکانی که عموماً مشغول گذران طرح خود در مناطق دورافتاده یا دولتی هستند، یا دانشجویانی که با مبلغ بسیار ارزان و تحقیر و فشار زیاد به کار گرفته می‌شوند، یا تحت فشار مشکلات مالی و معیشتی و دوری از خانواده قرار دارند دیده می‌شود.

● وبسایت «امتداد» در گزارشی با اعلام افزایش آمار خودکشی در جامعه پزشکی ایران نوشته است: «طبق بررسی‌های انجام‌شده، آمار خودکشی در جامعه پزشکی ۱/۳ تا ۵ برابر افزایش پیدا کرده است بطوری که در جمعیت رزیدنتی کشور، که معادل ۱۴ هزار نفر است، سالانه بطور متوسط ۱۳ خودکشی منجر به مرگ داریم.»

● بر اساس این گزارش آمار خودکشی در میان پزشکان مرد ۴۰ درصد و در پزشکان زن ۱۳۰ درصد، نسبت به جمعیت عمومی، افزایش یافته که عدد قابل توجه و نگران‌کننده‌ای است.

خودکشی پزشکان و پرستاران جوان در چند سال اخیر به یک پدیده‌ی عجیب و قابل بررسی و تأمل تبدیل شده و به شکل عجیبی افزایش یافته است.

وبسایت «امتداد» در گزارشی با اعلام افزایش آمار خودکشی در جامعه پزشکی ایران نوشته است: «طبق بررسی‌های انجام‌شده، آمار خودکشی در جامعه پزشکی ۱/۳ تا ۵ برابر افزایش پیدا کرده است بطوری که در جمعیت رزیدنتی کشور، که معادل ۱۴ هزار نفر است، سالانه بطور متوسط ۱۳ خودکشی منجر به مرگ داریم.»

بر اساس این گزارش آمار خودکشی در میان پزشکان مرد ۴۰ درصد و در پزشکان زن ۱۳۰ درصد، نسبت به جمعیت عمومی، افزایش یافته که عدد قابل توجه و نگران‌کننده‌ای است. همچنین در سال گذشته نیز ۱۶ پزشک خودکشی کردند.

بر اساس اطلاعات ارائه‌شده توسط یکی از پزشکان اورژانس بیمارستان بهارلو، در میان جمعیت ۱۴ هزار نفری رزیدنت‌های پزشکی در ایران، هر سال بطور متوسط ۱۳ نفر به دلیل خودکشی جان خود را از دست می‌دهند.

این پدیده از خرداد ۹۸ و با مرگ مشکوک دکتر رسول قاندری، دستیار سال دوم ارتوپدی بیمارستان «خمینی» (بیمارستان هزار تخته‌خوابی پهلوی) در تهران، آغاز و با شیوع بیماری کرونا و افزایش فشارهای کاری، روانی، و مالی بر کادر درمان به شدت اوج گرفت.

در گزارش‌های مربوطه به فشار کار و درآمد پایین و نداشتن چشم‌انداز برای آینده و همچنین تحقیر و توهین از سوی مدیران و مسئولان مربوطه اشاره می‌شود.

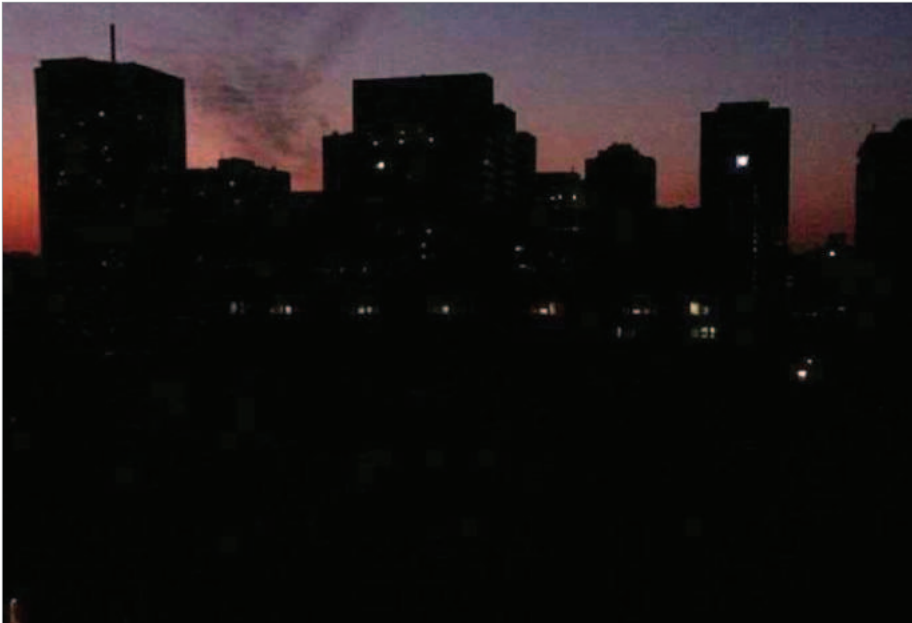
به گزارش «حال و ش» که خبرهای استان سیستان و بلوچستان را بازتاب می‌دهد، روز چهارشنبه ۲۴ امرداد ۱۴۰۳، دومین پزشک در سراوان در فاصله ۲۴ روز از خودکشی اول با خوردن قرص دست به خودکشی زد.

هویت این دو پزشک، دکتر فاطمه رضایی پور اهل مشهد و دکتر اورژانس بیمارستان رازی و دکتر مهران خسروانیان اهل اصفهان و فارغ التحصیل رشته‌ی پزشکی از دانشگاه یزد دکتر اورژانس بیمارستان‌های رازی و ایرانه‌ر شهرستان سراوان، اعلام شده است.

دکتر پرستو بخشی، دکتر سمیرا آل‌سعیدی، دکتر نور فروغی نسب، دکتر زهرا ملکی قربانی، دکتر مهران خسروانیان و دکتر شعله توکلی شیراجی از جمله پزشکان جوانی هستند که از ابتدای امسال خبر خودکشی و جان باختن آنها منتشر شده است.

بر اساس منابع «حال و ش»، دکتر فاطمه در منزل شخصی خود در شهر زاهدان با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرده و با انتقال به بیمارستان «امام علی» زاهدان چهارشنبه‌شب ۲۴ امرداد ماه در همین بیمارستان جان خود را از دست داد و دکتر مهران در تاریخ یکم امرداد در منزل خود در اصفهان با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد و جان

قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران صنایع همچنان زیان می‌دهند



● جعفر قادری نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی گفته است که صنایع آلومینیوم در استان فارس در سال جاری از سوددهی به سمت «زیان‌ده بودن» حرکت می‌کند.

● مقامات دولت از ابتدای فروردین امسال با جیره‌بندی برق بخش صنعت تلاش کرده بودند قطع برق به بخش خانگی نرسد اما در مدیریت مصرف انرژی هم مانند تولید شکست خورده‌اند.

● زیان هنگفت وارد شده به صنایع مختلف کشور در ماه‌های گذشته، در شرایطی که این صنایع به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به سختی حیات خود را حفظ کرده‌اند، قابل جبران به نظر نمی‌رسد.

● «عصر ایران» نوشته در عمل از برق هسته‌ای خبری در «زندگی مردم» نیست؛ که اگر بود هر روز برق انبوهی از شهرها و روستاهای کشور چندین ساعت قطع می‌شد.

قطع گسترده برق در شهرهای مختلف کشور صنایع و کسب و کارها را با زیان‌های هنگفت روبرو و روند زندگی مردم را مختل کرده است.

خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی به «ضررهای سنگین» شرکت‌های خصوصی در شیراز به دلیل قطع ناگهانی و پی در پی برق اشاره کرده است.

یکی از مدیران شرکت‌های خصوصی که در دو روز گذشته قطع برق زیان هنگفتی به کسب و کار او وارد کرده گفته «در جریان قرار ندادن مردم و عدم اطلاع‌رسانی دستگاه‌های مربوط باعث شده تا در یک سردرگمی قرار بگیریم».

او افزوده که «قطعی برق باعث سوزانده شدن سرورهای این شرکت شده و بیش از یک میلیارد تومان ضرر دیده‌ایم». جعفر قادری نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی نیز گفته است که صنایع آلومینیوم در استان فارس در سال جاری از سوددهی به سمت «زیان‌ده بودن» حرکت می‌کند.

او گفته «سه واحد مانند فولاد نی ریز، فولاد کوار و... بخش عمده‌ای از برق مصرفی شیراز را مصرف می‌کنند؛ واحدی مانند آلومینیوم جنوب عنوان می‌کند که قطعی برق باعث شده تا این مجموعه در سال جاری از سوددهی به سمت زیان ده بودن حرکت کند».

نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه «واحدهایی مانند فولاد کوار و فولاد نیریز هم با مشکل زیان‌دهی مواجه شده‌اند» می‌افزاید: «شوربخانه قطعی برق علاوه بر ایجاد و مشکل برای مردم چالش‌هایی بزرگ برای واحدهای صنعتی و کارخانه‌های استان ایجاد کرده است».

علاوه بر این، صنایع غذایی از جمله صنایع لبنی، مرغداری‌ها و دامداری‌ها حتی نانوایی‌های کوچک با مشکلات جدی و خسارت‌های فراوان روبرو شده‌اند. روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن یکی از صاحبان مرغداری‌ها در بهبهان می‌گوید: «به خاطر بی‌برنامگی مسئولین خوزستان و مسئولین بهبهان به دلیل قطعی برق حدود ۹ هزار مرغ دو کیلویی تلف شدند و سه میلیارد خسارت به تولیدی وارد شده است».

و تعمیرات مربوط می‌دانستند. در نهایت اما یکی پس از دیگری اعتراف می‌کنند که به دلیل کمبود برق ناچار هستند برق بخش خانگی را قطع کنند.

در همین رابطه حبیب کاشانی عضو شورای شهر اسلامی تهران گفته که «شرکت توزیع نیروی برق تهران به این نتیجه رسید که چاره‌ای جز قطع برق برنامه‌ریزی شده، ندارد». حبیب کاشانی افزوده «در زمان قطعی برق، باید زمان‌بندی به مناطق اعلام شود، چرا که منازل مسکونی پمپ آب دارند و آب برخی واحدها نیز قطع می‌شود».

در این میان روزنامه «دنیای اقتصاد» در مطلبی نوشته که راه حل «مبارزه با مصرف بالای برق» در ایران «التماس‌درمانی» نیست و باید «افزایش شدید قیمت پلکانی» پیگیری شود.

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده که «با گران کردن قیمت برق، پرمصرف‌ها را به اصلاح رفتار سوق دهیم، مشکل کمبود برق منتفی خواهد شد».

این روزنامه در ادامه با انتقاد از سیاست‌ها و با اشاره به اینکه «کهاکان به دنبال راه حل معجزه‌آسا هستیم در حالی که در عرصه حکمرانی هیچ معجزه‌ای در کار نیست!» نوشته که «نتیجه این وضع آن است که فشار کمبود برق بر سر صنعت خراب می‌شود که صدای کمی دارد و مظلوم‌تر از دیگر بخش‌های کشور است».

گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد در حالی که جمهوری اسلامی در ۲۰ سال گذشته بخش عمده‌ای از سرمایه‌های کشور را به بهانه «تولید برق» صرف توسعه برنامه‌های هسته‌ای خود و «تکمیل نیروگاه بوشهر» کرده، مردم همزمان با تابستان و افزایش دما در ایران با مشکل تکراری قطع گسترده برق روبرو هستند.

وبسایت «عصر ایران» در مطلبی با عنوان «برق هسته‌ای کو» نوشته برق هسته‌ای حرف ندارد ولی از حرف تا عمل راه بسیار است. در عمل از برق هسته‌ای خبری در «زندگی مردم» نیست؛ که اگر بود هر روز برق انبوهی از ←

بر اساس گزارش‌های مردمی، در شهر شیراز در طول شبانه‌روز برق دست‌کم دو بار و به مدت دو ساعت قطع می‌شود و در پی آن، آب نیز قطع و آنت‌دهی گواشی‌های همراه ضعیف می‌شود.

احسان روشن پرتو مدیر روابط عمومی شرکت فرآورده‌های لبنی رامک نیز در گفتگو با «ایلنا» به بحران انرژی برای صنایع غذایی اشاره کرده و گفته «این بحران به ویژه برای صنعت لبنیات آسیبی بزرگ محسوب می‌شود چرا که لبنیات موجود زنده است و قطعی برق در مجموعه‌های صنایع غذایی، باعث ایجاد خسارت‌های سنگینی می‌شود که بر سلامت جامعه تأثیرگذار است».

قطع برق در دیگر استان‌های ایران نیز مانند استان فارس زندگی شهروندان و فعالیت اقتصادی را مختل کرده است. در سیستان و بلوچستان مردم مدت‌هاست با قطع مکرر و طولانی‌مدت برق روبرو هستند. در شهر اصفهان طی هفته گذشته چند نوبت بدون اعلام قبلی برق مناطق مختلف برای چند ساعت قطع شده است.

کسبه و مغازه‌داران «پاساژ نور» تهران واقع در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) نیز روز چهارشنبه ۲۴ مرداد در اعتراض به قطع طولانی برق دست به اعتراض زدند. آنها در محوطه جلوی پاساژ تجمع کردند که مأموران نیروی انتظامی برای متفرق کردن آنها دخالت کرد.

ویدئوهای اعتراضات نانوایان در شهرهای مختلف کشور نیز منتشر شده که از خراب شدن خمیر نان به دلیل قطع برق خبر می‌دهند.

مقامات دولت از ابتدای فروردین امسال با جیره‌بندی برق بخش صنعت تلاش کرده بودند قطع برق به بخش خانگی نرسد اما در مدیریت مصرف انرژی هم مانند تولید شکست خورده‌اند.

شهروندان از مدت‌ها پیش از قطع برق در محله‌های مختلف خبر می‌دادند و مقامات نیز رسیدن قطع برق به بخش خانگی را تکذیب یا گاهی قطع برق را به حوادث

لباس‌های ورزشی بانوان در این سال‌ها تنگ‌تر و شورت‌های آنها کوتاه‌تر شده!



مسابقه دو ۲۰۰ متر زنان / المپیک پاریس / ۸ اوت ۲۰۲۴ / رویترز

شيوه لباس پوشيدن ورزشكاران وجود ندارد. يكي از مواردی که فدراسيون بين‌المللی دو و میدانی بر آن تاکید دارد، این است که نباید از کفش‌هایی استفاده کرد که بطور ناعادلانه، مزیتی برای ورزشکاران یک کشور ایجاد کند؛ لباس‌ها نیز باید «تمیز بوده و بدن‌نما نباشند و به گونه‌ای طراحی شوند که با پوشیدن آن اعتراضی صورت نگیرد.» ورزشکاران حتی می‌توانند با پای برهنه بدوند یعنی همان کاری که آبه بیکلا دونده اتیوپیایی پیروز دو مارتن در سال ۱۹۶۰ انجام داد. مردانی که برای اولین بار در مسابقات دو و میدانی المپیک مدرن در سال ۱۸۹۶ شرکت کردند نیز شورت بلند و بالاپوش با کفش‌های کتان صاف می‌پوشیدند. البته این لباس‌ها به دورانی برمی‌گشت که هنوز صنعت پوشاک ورزشی در مراحل اولیه توسعه خود بود. به تدریج در طول دهه‌ها، پوشاک ورزشکاران بیشتر و بیشتر فنی شد و در کنار تغییر جنس الیاف، گاه برای بهتر کردن عملکرد ورزشکاران به آن پارچه‌ای اضافه می‌شد و گاهی نیز برای راحتی و سهولت حرکت، از پارچه‌ی آن کم می‌شد. برای زنان شرکت کننده در المپیک، از دهه ۱۹۶۰ میلادی لباس‌ها به تدریج تنگ‌تر و شورت‌ها کوتاه‌تر شدند. در دهه ۱۹۸۰ مدل‌های بیکیبی رایج شد و امروزه نیز شلوارک‌های تنگ، تاپ‌های کوتاه و لباس‌هایی از جنس عرق‌گیر و قابل تنفس با قابلیت کشش بسیار رایج هستند. دوبریانا ژنوا استاد مؤسسه فناوری مد در نیویورک و یکی از طراحان لباس برای شرکت‌هایی مانند Nike، North Face و Reebok با اشاره به لباس‌هایی که عضلات ورزشکاران را برجسته می‌کند، می‌گوید: «داشتن ظاهر خوب، اعتماد به نفس می‌آورد و احتمالاً به شما برای داشتن یک عملکرد ورزشی بهتر کمک می‌کند.»

با اینهمه او نیز تأیید می‌کند که ورزشکاران باید حق انتخاب داشته باشند و در میان لباس‌هایی با برش کوتاه یا بلند، در نهایت پوششی را انتخاب کنند که در آن احساس راحتی بیشتری می‌کنند. استاد فناوری مد نیز این پرسش را مطرح می‌کند که چرا لباس‌های زنانه باید بازر و برهنه‌تر از لباس‌های مردانه باشند و تأیید می‌کند که باید از چنین مراحل فراتر برویم.

● دونده‌ها در مسابقات المپیک و بین‌المللی اجازه دارند پابرهنه بدوند.

زنان برای نخستین بار در سال ۱۹۲۸ میلادی در مسابقات دو و میدانی المپیک شرکت کردند و تی‌شرت و شورت‌های گشادتر می‌پوشیدند و مجبور بودند از کمر بند استفاده کنند و دونده‌ها در مسابقات المپیک و بین‌المللی اجازه دارند پابرهنه بدوند. اما آن لباس‌های کاملاً غیرآیرونیامیک که در میانه مسابقه به پرواز درمی‌آمدند، امروز دیگر وجود ندارند و جای خود را به لباس‌های کشدار (Spandex) و شورت‌هایی با برش بلند داده‌اند.

با اینهمه هنگامی که در آوریل گذشته شرکت Nike از طرح‌های خود برای لباس‌های دوندگان زن و مرد ایالات متحده در مسابقات المپیک رونمایی کرد، سولاتی درباره تفاوت شیوه طراحی شورت‌های ورزشکاران دو و میدانی مطرح شد و اینکه چرا برش در شورت‌های دوندگان زن اینقدر بالا و فاق‌ها باریک است؟

لورن فلشمن ورزشکار پیشین دو و میدانی ایالات متحده یکی از منتقدان این طراحی بود و آن را ناشی از تسلط یک قدرت مردسالار بر نحوه طراحی لباس‌های زنانه در این ورزش دانست و افزود که پوشیدن چنین لباسی باعث می‌شود که ورزشکاران در زمان برگزاری مسابقات پاریس، بجای توجه به برنده شدن، حواس‌شان متوجه اندام خود باشد. با وجود این برخی ورزشکاران مانند کتی مون دونده آمریکایی بازی‌های المپیک پاریس حساسیت کمتری به این موضوع نشان دادند. کتی مون حتی یکی از این لباس‌ها با طراحی جدید را پوشید و عکسی از خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد و نوشت که این لباس‌ها روی مانکن‌ها به شکل اغراق شده‌ای به نمایش گذاشته شدند ولی درواقع چنین نیستند.

شرکت Nike نیز بعداً بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد که این طرح یکی از ۵۰ قطعه کل مجموعه است و روند مشاوره با ورزشکاران برای رفع نیازهای آنها ادامه دارد.

واقعیت این است که در پیست المپیک، قوانین زیادی درباره

شهرها و روستاهای کشور چندین ساعت قطع نمی‌شد.

در این مطلب آمده که «الان ۲۱ سال است که فعالیت هسته‌ای کشورمان به «مسئله‌ای جهانی» تبدیل شده و انبوهی از تحریم‌ها را متوجه مردم این دیار کرده ولی از «برق هسته‌ای» چنانکه باید خبری نیست. یعنی مردم در سراسر کشور مشکل قطعی برق در گرم‌ترین روزهای سال را دارند؛ در حالی که دست کم سیزده سال است که شدیدترین تحریم‌ها را هم تحمل کرده‌اند تا دانشمندان محترم هسته‌ای، «بازدهی شگفت‌انگیز مواد هسته‌ای در تولید برق» را محقق سازند.»

«عصر ایران» در پایان پرسیده «در شرایط فعلی، بد نیست مسئولان صنعت هسته‌ای کشور توضیح دهند که برق هسته‌ای دقیقاً از چه زمانی «زندگی مردم» را به شکلی ملموس و موثر روشن و خنک خواهد کرد؟»

اینهمه در حالیست که زبان هنگفت وارد شده به صنایع مختلف کشور در ماه‌های گذشته، در شرایطی که این صنایع به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به سختی حیات خود را حفظ کرده‌اند، قابل جبران به نظر نمی‌رسد.

روزنامه «شرق» هفته گذشته در گزارشی در اینباره نوشت عملکرد تولید ۱۲۰ شرکت بورسی نشان می‌دهد نزدیک به ۶۰ درصد این شرکت‌ها با کاهش تولید در چهار ماه ابتدای امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته مواجه بوده‌اند و برخی شرکت‌ها افت تولید تا حدود ۷۰ درصد داشته‌اند.

آمارهای ارائه شده از سوی «شرق» حکایت از آن دارد که در چهار ماه نخست امسال شرکت‌های پاکدیس کاهش ۷۲ درصدی، بهمن‌دیزل کاهش ۶۷ درصدی، کانی‌کربن طیس کاهش ۵۲ درصدی، گاز لوله کاهش ۴۷ درصدی، نورد و تولید قطعات فولادی کاهش ۳۷ درصدی، گسترش صنایع روی ایرانیان کاهش ۳۷ درصدی و بوتان کاهش ۳۵ درصدی تولید را در چهار ماهه ابتدای امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته تجربه کرده‌اند.

همچنین بخش قابل توجهی از شرکت‌های تولیدی هم کاهش ۱۰ تا ۳۰ درصدی تولید را در مدت زمان گفته شده ثبت کرده‌اند؛ برای مثال شرکت‌های ایران‌خودرو دیزل، چرخشگر، خوراک دام پارس و پتروشیمی سازند حدود یک سوم تولید خود را در چهار ماهه ابتدای امسال از دست داده‌اند.

از سوی دیگر شرکت‌های رینگ‌سازی مشهد کاهش ۲۸ درصدی، پتروشیمی کرمانشاه کاهش ۲۷ درصدی، نیان الکترونیک کاهش ۲۷ درصدی، بهار رز عالیس چناران کاهش ۲۷ درصدی، لوله و ماشین‌سازی ایران کاهش ۲۵ درصدی، سپیمان شاهرود کاهش ۲۴ درصدی، پارس‌خودرو کاهش ۲۳ درصدی و زر ماکارون کاهش ۲۳ درصدی را ثبت کرده‌اند.

این گزارش همچنین به ناترازی برق یا همان اختلاف میان تولید و مصرف اشاره کرده و نوشته آخرین گزارش سندیکای تولیدکنندگان برق حاکی از آن است که کمبود برق با سیر صعودی در سال‌های اخیر به ۱۸ هزار مگاوات در روز رسیده است. در واقع در یک بازه شش ساله کمبود برق بیشتر از ۳/۵ برابر شده است و پیش‌بینی می‌شود که با افزایش تقاضا و کمبود عرضه، ناترازی برق به سرعت رشد کند و خاموشی گسترده در انتظار صنایع و بخش خانگی باشد.

صنایع فولاد از جمله صناعی هستند که زیان گسترده‌ای از قطع یا جیره‌برقی متحمل شده‌اند. بر اساس اعلام شرکت فولاد خوزستان، بطور مشخص محدودیت‌های انرژی (برق و گاز) در ۳ سال گذشته، باعث از دست رفتن یک میلیون و ۵۵۰ هزار تن تولید فولاد خوزستان به ارزش حدود ۸۶۹ میلیون دلار شد. با نرخ دلار ۵۰ هزار تومانی هم این رقم معادل خسارتی بیش از ۴۳ هزار میلیارد تومان است!

دستور به تعطیلی کارخانجات به دلیل قطع برق اما برق پایانه‌های مرزی برای «موکب‌های اربعین» تأمین است!



را از حساب بیمه و مالیات کم می‌کند؟» کارخانجات صنعتی مشهد نیز به دلیل عدم تأمین برق، به مدت دو هفته تعطیل شده است. در همین ارتباط، وبسایت «جماران» ۲۷ مرداد به نقل از محمد بحرینیان، صنعتگر نوشت: «از مدیران همه کارخانجات صنعتی مشهد خواسته شده که از ۷ صبح تا ۷ شب، به مدت ۲ هفته، به علت کمبود برق، کارخانه‌ها را تعطیل کنند.» بحرینیان ضمن انتقاد از این شیوه تنظیم ساعت تعطیلی کارخانه تأکید کرد که حتی نمی‌توان کار را دو شیفته کرد. وی با تأکید بر اینکه چنین تصمیماتی صدمه جدی به تولید صنعتی در کشور می‌زند افزود: «هیچ از خود نمی‌پرسند که با چنین بخشنامه‌هایی، جریمه دیرکرد قراردادهای امضا شده تولید قطعات چگونه باید پرداخت شود؟! اگر ما به دیگر صنایع به موقع قطعات را ارسال نکنیم، آنها چگونه کار خود را در این مدت انجام خواهند داد؟ این زبان‌های ناشی از تعطیلی، چگونه باید جبران شود؟!» این صنعتگر اضافه کرد: «چنین تصمیمی حتی در دوره جنگ نیز سابقه نداشته است.» در همین ارتباط، روزنامه «دنیای اقتصاد» ۲۹ مرداد به نقل از مدیرعامل کرمان موتور نوشت: «قطعی مکرر برق، تولید خودرو را مختل کرده است.» سامان فیروزی با اشاره به اختلال در تولید اتومبیل به دنبال قطع مکرر برق، از برنامه جبرانی افزایش تولید در نیمه دوم سال خبر داد. وی گفت: «به علت قطعی مکرر برق شاهد کاهش و یا توقف تولید در شرکت‌های قطعه‌سازی هستیم و به دنبال آن، این شرکت‌ها با مشکلات تولید و اولویت بندی در تحویل قطعات به خودروسازان مواجه شده‌اند.»

نانوایان مجبور شدند آن را دور بریزند. در شرایطی که به علت کمبود آرد نانوایی‌ها سهمیه دریافت می‌کنند خراب شدن خمیر برای آنها ضرر سنگینی محسوب می‌شود. در ارتباط با دور ریختن خمیر نانوایی‌ها با قطع ناگهانی برق، محمدجواد کرمی رئیس پیشین اتحادیه نان‌های فانتزی تهران ۲۸ مرداد به خبرگزاری ایلنا گفت: «زمانی که به آرد آب و خمیر مایه افزوده می‌شود امکان نگهداری آن از بین می‌رود و باید حتما پخته و به نان تبدیل شود بنابراین وقتی خمیر داخل دستگاه خمیرگیر است باید برش بخورد و وارد مرحله پخت شود اما با قطع برق دیگر امکان تبدیل خمیر به نان وجود ندارد چون خمیر ترش می‌شود و باید دور ریخته شود و مانند گندم و آرد نیست که بتوان آن را تا مدت‌ها نگه داشت.» قطع برق همچنین شیفت شب کارخانجات داخل شهرک‌های صنعتی را تعطیل کرده است. به گفته رییس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی سراسر کشور از مدیران همه کارخانجات صنعتی مشهد خواسته شده که از ۷ صبح تا ۷ شب، به مدت ۲ هفته، به علت کمبود برق، کارخانه‌ها را تعطیل کنند. رییس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی سراسر کشور با انتشار پیامک اطلاع‌رسانی شرکت برق استان تهران در شبکه ایکس نوشت: «اسب زین‌شده‌ی دولت مرحوم رئیسی، شیفت شب کارخانجات شهرک‌های صنعتی استان تهران را تعطیل کرد. بر اساس ابلاغیه برق شهرک‌های صنعتی از ۱۸:۳۰ تا ۱۰ شب قطع می‌شود.» مهدی بستانچی اضافه کرد: «آقای دولت چه کسی خسارت تولیدکننده را می‌پردازد؟ دولت خسارت تولیدکننده

● به گفته رییس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی سراسر کشور از مدیران همه کارخانجات صنعتی مشهد خواسته شده که از ۷ صبح تا ۷ شب، به مدت ۲ هفته، به علت کمبود برق، کارخانه‌ها را تعطیل کنند.

● یک صنعتگر: «هیچ از خود نمی‌پرسند که با چنین بخشنامه‌هایی، جریمه دیرکرد قراردادهای امضا شده تولید قطعات چگونه باید پرداخت شود؟! اگر ما به دیگر صنایع به موقع قطعات را ارسال نکنیم، آنها چگونه کار خود را در این مدت انجام خواهند داد؟ این زبان‌های ناشی از تعطیلی، چگونه باید جبران شود؟! چنین تصمیمی حتی در دوره جنگ نیز سابقه نداشته است.»

● در حالی که قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران وضعیت تولید صنایع، کارخانجات و نیز زندگی مردم عادی را مختل کرده، اعلام شده که برق پایانه‌های مرزی برای «موکب‌های راهپیمایی اربعین» به صورت پایدار تأمین می‌شود.

بر اساس آمار شرکت مدیریت شبکه برق، روز شنبه ۲۷ مرداد، میزان مصرف برق نسبت به سال گذشته بیش از ۱۳ هزار مگاوات افزایش نشان می‌دهد. با این حال نمی‌بایست شهرها در خاموشی فرو روند اما برق بخش خانگی و صنایع در بسیاری از شهرها به دلیل کمبود برق با قطع طولانی روبروست و خاموشی حتی به بیمارستان‌ها هم رسیده است. قطع برق و آب زندگی عادی مردم و فعالیت اصناف مختلف را مختل کرده است.

ویدئوهای زیادی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد به علت قطع برق خمیر آرد نانوایی‌ها در نقاط مختلف ایران از بین رفته و قابل استفاده نیست و

رابت دهنوشی کنسرت گذار و مدیر برنامه‌های پیشین چند خواننده ایرانی در لس آنجلس کشته شد



رابت دهنوشی در کنار گوگوش

ساعت ۰۸:۴۵ صبح پنجشنبه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد)، در یک مرکز خرید در شهر گلندیل در ایالت کالیفرنیا در غرب آمریکا به قتل رسید. بازپرس پرونده اعلام کرد دهنوشی که پدر دو فرزند است، در کنار اتومبیل خود در پارکینگ ایستاده بود که فردی با موتور یا پیاده به سمت او رفت و اقدام به تیراندازی کرد.

پلیس اعلام کرد تحقیقات در این مورد را آغاز کرده و هنوز دلیل و انگیزه قتل مشخص نیست. به گفته شاهدان، فرد ضارب سوار بر یک موتور سیکلت بود و پس از تیراندازی از صحنه فرار کرد.

در ارتباط با قتل وی یک نفر بازداشت شده اما هیچ اشاره‌ای به مشخصات وی نشده است.

بعضی کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرده‌اند که او «ضدانقلاب» بود و توسط «بچه‌های بالا» کشته شده است. منظور از «بچه‌های بالا» آمران و عوامل حکومت هستند.

تصاویر منتشر شده در صفحه اینستاگرام دهنوشی، پوسته‌های تبلیغاتی کنسرت‌های گوگوش و عکس‌هایی از او را در کنار هنرمندان معروف چون بهروز وثوقی و داریوش اقبالی نشان می‌دهد.

در این ارتباط مدیرعامل توانیر در ۲۷ مرداد به خبرگزاری مهر گفت: «تأمین برق مواکب راهپیمایی اربعین در داخل کشور و طول مسیر تا پایانه‌های مرزی کشور به صورت پایدار وجود دارد.»

وی افزود: «اکیپ‌های صنعت برق از سراسر کشور وظیفه تأمین برق پایدار مواکب اربعین در مسیرهای منتهی به راهپیمایی زائران اربعین در داخل کشور را برعهده دارند.»

● بر اساس گزارش رسانه‌های محلی آمریکا، دهنوشی حوالی ساعت ۰۸:۴۵ صبح پنجشنبه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد)، در یک مرکز خرید در شهر گلندیل در ایالت کالیفرنیا در غرب آمریکا به قتل رسید. بازپرس پرونده اعلام کرد دهنوشی که پدر دو فرزند است، در کنار اتومبیل خود در پارکینگ ایستاده بود که فردی با موتور یا پیاده به سمت او رفت و اقدام به تیراندازی کرد.

● پلیس اعلام کرد تحقیقات در این مورد را آغاز کرده و هنوز دلیل و انگیزه قتل مشخص نیست. به گفته شاهدان، فرد ضارب سوار بر یک موتور سیکلت بود و پس از تیراندازی از صحنه فرار کرد.

● بعضی کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرده‌اند که او «ضدانقلاب» بود و توسط «بچه‌های بالا» کشته شده است. منظور از «بچه‌های بالا» آمران و عوامل حکومت هستند.

رابت دهنوشی شهروند ایرانی-آمریکایی ساکن لس‌آنجلس به ضرب گلوله کشته شد. وی کنسرت‌گذار معروف و از مدیران پیشین برنامه‌های گوگوش و تعدادی دیگر از خوانندگان ایرانی در خارج کشور بود.

بر اساس گزارش رسانه‌های محلی آمریکا، دهنوشی حوالی

هر روز برق انبوهی از شهرها و روستاهای کشور چندین ساعت قطع نمی‌شد.

در این میان، در حالی که قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران وضعیت تولید صنایع، کارخانجات و نیز زندگی مردم عادی را مختل کرده، اعلام شده که برق پایانه‌های مرزی برای «موکب‌های راهپیمایی اربعین» به صورت پایدار تأمین می‌شود.

→ روزهای گرم تابستان و قطع برق، مشکلات و آسیب‌پذیری این منطقه و کارخانه را افزایش می‌دهد و از این رو خطوط تولید کرمان موتور نیز با آسیب‌های بیشتری روبرو می‌شود.

نگرانی کارگران کارخانجات مختلف از توقف تولید ناشی از قطع برق

خبرگزاری ایلنا در ۲۸ مرداد به نقل از یک منبع کارگری در کارخانه سیمان گلستان نوشت: «کارگران کارخانه «سیمان پیوند» از قطع یک هفته‌ای برق این کارخانه به سبب محدودیت تأمین برق در استان گلستان خبر دادند.»

وی با بیان اینکه این شرکت به دلیل توقف تولید، از ایفای برخی تعهدات فروش داخلی و صادراتی خود بازمانده است، گفت: «حجم تولید از دست رفته سیمان به واسطه محدودیت‌های مصرف برق در مجموع برای کارخانه زیان‌آور است. این میزان تولید از دست‌رفته می‌توانست درآمدی را نصیب کارخانه کند؛ اما محدودیت‌های برق در فصل گرم و حتی محدودیت‌های گاز در فصل سرد سال مانع از تحقق این درآمدها می‌شود.»

روز پنجشنبه ۲۵ مرداد خبرگزاری صداوسیما حکومت نیز در ارتباط با تعطیلی کارخانه سیمان کردستان با ۳۲۰ کارگر به دلیل قطع مکرر برق، گزارش داده بود که قطع برق و مشکلات ناشی از آن، کارخانه سیمان کردستان را تعطیل کرد. رضا نیک‌پور مدیرعامل شرکت سیمان استان کردستان گفته بود بی‌برقی باعث کاهش شدید تولید و به علت «عدم تحمل هزینه‌ها» و «انباشت بده» کارخانه کاملاً تعطیل شد.

وی توضیح داده بود: «در یک هفته گذشته که به صورت مکرر با قطعی برق مواجه هستیم، به علت سرد شدن کوره‌ها و ریختن آجرهای کوره بیش دو میلیارد تومان خسارت به این مجموعه وارد شد.»

نیک‌پور همچنین گفته بود که تعطیلی این کارخانه علاوه بر ضرر و زیان جبران‌ناپذیر باعث بیکاری بیش از ۳۲۰ نفر پرسنل بومی منطقه و همچنین کمبود سیمان در منطقه و سوء استفاده دلالان خواهد شد.

قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران، اعتراض کاسیان و مغازه‌داران را نیز برانگیخته است. کسبه و مغازه‌داران «پاساژ نور» تهران واقع در خیابان «ولیعصر» (پهلوی) روز چهارشنبه ۲۴ مرداد در اعتراض به قطع طولانی برق دست به اعتراض زده بودند.

آنها در محوطه جلوی پاساژ تجمع کرده بودند که مأموران نیروی انتظامی برای متفرق کردن آنها دخالت کردند. گفته شد که شماری از کسبه تهدید به بازداشت شدند.

در ارتباط با قطع گسترده برق در شهرهای مختلف ایران جعفر قادری نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی گفته است که صنایع آلومینیوم در استان فارس در سال جاری از سوددهی به سمت «زیان‌ده بودن» حرکت می‌کند.

مقامات دولت از ابتدای فروردین امسال با جیره‌بندی برق بخش صنعت تلاش کرده بودند قطع برق به بخش خانگی نرسد اما در مدیریت مصرف انرژی هم مانند تولید شکست خورده‌اند.

زیان هنگفت وارد شده به صنایع مختلف کشور در ماه‌های گذشته، در شرایطی که این صنایع به دلیل مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به سختی حیات خود را حفظ کرده‌اند، قابل جبران به نظر نمی‌رسد.

وبسایت «عصر ایران» در همین ارتباط نوشت در عمل از برق هسته‌ای خبری در «زندگی مردم» نیست؛ که اگر بود

جزییاتی از پرونده فساد چای «دبش» متهم ردیف اول در زندان است اما همکاری نمی‌کند!



ساداتی‌نژاد در امور تولیدات دامی، و اسماعیل قادری‌فر مدیر عامل سابق سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران هم دیده می‌شود. همه این افراد بعد از برکناری ساداتی‌نژاد به طور ناگهان از سمت خود عزل شده‌اند.

در بخشی از این گزارش تأکید شده بود که تاریخ تنظیم دادنامه این پرونده در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی مربوط به دی‌ماه ۱۴۰۲ و بعد از افشای فساد چای دبش است، اما ظاهراً پرونده بیش از یک سال پیش در تیر ماه ۱۴۰۱ تشکیل شده است. دی‌ماه ۱۴۰۲ همان تاریخی است که محسنی اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا از صدور کیفرخواست برای ساداتی‌نژاد خبر داده بود. فساد چای دبش به عنوان بزرگترین فساد علنی شده در جمهوری اسلامی حتی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز ابزار انتخاباتی شد.

محمدجواد ظریف در جریان تور انتخاباتی مسعود پزشکیان با حضور در گردهمایی شهر کاشان با فریادهای مکرر و حالتی غیرطبیعی پشت تریبون حاضر شد. او وقتی با شعار شماری از حاضران که خطاب به او فریاد «دروغگو، دروغگو» و «هیئات من الذله» سر دادند روبرو شد، با فریادهای مکرر و چشمانی دریده از پشت تریبون چند بار فریاد زد «هیئات من الذله، هیئات من الچای دبش، هیئات من الچای دبش!»

او در ادامه گفت «یادتان نیست نا نماینده کاشان که روزگار من را در مجلس سیاه کرده بود، گند چای دبش را درآورد. ببینید همه اختلاسگران از آغاز تاریخ تا آخرش را بیاورید، به اندازه چای دبش نمی‌شود.»

این فریادهای «کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!» در حالی سر داده شد که اسناد مربوط به فساد بزرگ «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» با رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سال ۹۸ و در دولت حسن روحانی آغاز شده و در دولت ابراهیم رئیسی ادامه یافته است.

آذرماه سال گذشته فساد سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری شرکت «گروه کشت و صنعت دبش» به عنوان یکی از بزرگترین فسادهای اقتصادی در تاریخ ایران خبری و نام جواد ساداتی‌نژاد وزیر برکنار شده جهاد کشاورزی دولت ابراهیم رئیسی نیز مطرح شد. یک ماه بعد و در دی‌ماه ۱۴۰۲ رئیس قوه قضاییه اعلام کرد که «برای وزیر پیشین کشاورزی و سایر افراد دخیل در پرونده، کیفرخواست صادر شد و تا کنون هشت جلسه دادگاه برگزار شده و قاضی پرونده به زودی انشای رأی را آغاز خواهد کرد.»

قوه قضاییه جمهوری اسلامی توضیحات زیادی درباره جزئیات پرونده فساد معروف به «نهادهای دامی» ارائه نکرده است اما بهمن‌ماه گذشته وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داده بود که جواد ساداتی‌نژاد «به همراه چندین مقام دیگر وزارت جهاد کشاورزی مرتکب فسادی به مبلغ هزار و ۱۷۱ میلیارد تومانی شده‌اند.»

وبسایت «رویداد ۲۴» به نقل از منابع غیر رسمی اعلام کرده بود که «دلیل عزل ساداتی‌نژاد از وزارتخانه کشاورزی پرونده چای دبش بوده، اما شواهد نشان می‌دهد این تنها پرونده فساد وزیر سابق کشاورزی دولت ابراهیم رئیسی نبوده و پرونده نهادهای دامی، قبل از پرونده چای دبش در مراجع قضایی در دست بررسی بوده است.»

همچنین آمده بود که «این افراد در پرونده فساد نهادهای دامی به چندین عنوان متهم شده‌اند؛ از جمله «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز»، «ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس»، «وارد کردن یا توزیع عمده آنها اعم از داخلی و خارجی» و «معاونت در اخلال در نظام تولیدی و توزیعی نهادهای دامی کشور از طرق مختلف.»

این گزارش افزوده بود که در پرونده فساد نهادهای دامی به جز ساداتی‌نژاد، نام‌های آشنایی، چون محسن کاظمینی سردار سپاه و قائم مقام سابق وزیر جهاد کشاورزی در قرارگاه امنیت غذایی، حسین دماوندی نژاد، معاون

● سخنگوی قوه قضاییه: «در حال حاضر یک نفر از وزارت جهاد کشاورزی یک نفر از بانک مرکزی و سه نفر از کارمندان چای دبش در بازداشت بسر می‌برند.»

● آذرماه سال گذشته فساد سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری شرکت «گروه کشت و صنعت دبش» به عنوان یکی از بزرگترین فسادهای اقتصادی در تاریخ ایران خبری شد.

سخنگوی قوه قضاییه از صدور قرار تأمین و احضار ۶۵ تا ۷۰ نفر در رابطه با پرونده فساد چای دبش خبر داده و گفته علت طولانی شدن روند رسیدگی به این پرونده عدم همکاری اکبر رحیمی متهم ردیف اول در مرحله تحقیقات است.

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری روز سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ جزئیات جدیدی از روند رسیدگی به پرونده فساد بزرگ چای «دبش» را مطرح کرد.

به گفته سخنگوی قوه قضاییه «تا کنون ۶۵ تا ۷۰ نفر احضار و برای آن‌ها قرار تأمین صادر شده است. پرونده مدیران و کارمندان وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی، سازمان ملی استاندارد، گمرک، سازمان غذا و دارو و شبکه بانکی نیز در حال تکمیل است.»

سخنگوی قوه قضاییه افزوده «در حال حاضر یک نفر از وزارت جهاد کشاورزی یک نفر از بانک مرکزی و سه نفر از کارمندان چای دبش در بازداشت بسر می‌برند.»

او افزوده «اکبر رحیمی متهم ردیف اول این پرونده، به اتهام اخلال در نظام اقتصادی، قاچاق ارز و کالا و رشوه و ارتشاء، به دلیل ناتوانی در تودیع وثیقه ۱۵۷ هزار میلیاردی همچنان در بازداشت است.»

اصغر رحیمی علت طولانی شدن روند رسیدگی را «عدم همکاری متهم ردیف اول در مرحله تحقیقات» عنوان و تأکید کرده «این موضوع مانع از ادامه تحقیقات نخواهد شد.»

همزمان کانال خبری «صابرین نیوز» ادعا کرد که ساداتی‌نژاد روانه زندان شد و نوشت: «امروز وزیر وقت وزارت جهاد کشاورزی دولت سیزدهم، جواد ساداتی‌نژاد روانه زندان شد تا دوره حبس ۳ ساله خود را بگذراند.

ساداتی‌نژاد در پرونده فساد چای دبش محکوم شده است.»
خبر محکومیت جواد ساداتی‌نژاد وزیر پیشین جهاد کشاورزی در دولت رئیسی اردیبهشت امسال توسط غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی اعلام شد. محسنی اژه‌ای توضیح داده که «در کل، در این پرونده برای ۸ نفر اعم از وزیر و معاون وزیر، حکم صادر شد که به تازگی با درخواست اعمال ماده ۴۷۷ از ناحیه محکومین مواجه شده‌ایم.»

بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در صورتی که رییس قوه قضاییه، رای قطعی صادر شده از هر یک از مراجع قضایی، را خلاف شرع تشخیص دهد، می‌تواند پرونده را جهت اعاده دادرسی کیفری به دیوان عالی کشور بفرستد تا به آن رسیدگی شود.

رئیس قوه قضاییه در بخش دیگری از سخنانش به پرونده فساد «چای دبش» اشاره کرد و گفت: «در این پرونده عدد بزرگی بالغ بر سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مطرح است و تا کنون ۴۵ نفر در این خصوص تهمیم اتهام شده‌اند و از تعداد بیشتری نیز تحقیقات به عمل آمده است؛ همچنین در روز گذشته در رابطه با پرونده مزبور دو وزیر سابق احضار شدند.»

تهدید امنیت غذایی میلیون‌ها شهروند در ایران

اعلام وضعیت بحرانی در هشت استان

دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم است. طبق این تعریف موجود بودن غذا، دسترسی به غذا و پایداری در دریافت غذا سه رکن اصلی می‌باشند.

در حالی که افشار زیادی به دلیل کاهش ارزش واقعی دستمزدها و افزایش هزینه زندگی توان تأمین نیازهای حداقلی را حتی در زمینه خوراک و مسکن ندارند، در آسودگی تولید محصولات کشاورزی در ایران نیز با افت حجم و کیفیت روبرو است که تهدیدی جدی در رابطه با امنیت غذایی شهروندان به شمار می‌رود.

وبسایت «تجارت نیوز» در اینباره گزارش داده که پیرو قطعی برق به صورت مکرر، تولید محصولات کشاورزی و معیشت شهروندان دچار مشکلات متعددی شده است. وزارت نیرو به خاطر پاییند بودن به تعهدات خود، باید به کشاورزان خسارت پرداخت کند. از سوی دیگر ادامه این ناترازی انرژی تهدیدی جدی برای تأمین امنیت غذایی کشور شده است.

عطاءالله هاشمی عضو شورای هماهنگی تشکلهای بخش کشاورزی در گفتگو با وبسایت «باشگاه خبرنگاران جوان» گفته قطع برق ۱۹ ساعته کشاورزان، زیان بالای ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی به کشاورزان وارد کرده است و «قطع برق چاه‌های کشاورزی حداقل ۲۵ درصد افت تولید محصولات اساسی را به همراه دارد».

به دنبال ادامه قطع برق و اختلال در تأمین آب، گروهی از کشاورزان و باغداران استان‌های تهران، فارس و اصفهان تاکنون اعتراض خود را به قطع‌های برق نشان داده‌اند. کشاورزان استان تهران می‌گویند موتورهای آبیاری که استفاده می‌کنند مدام قطع می‌شود و همین موضوع موجب خشک شدن زمین‌های کشاورزی و درختان آنها شده است. همچنین قطع برق خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ادوات و ابزارهای کشاورزی که هزینه تعمیر بسیار بالایی دارند وارد کرده است.

امنیت غذایی به دلیل مشکلات در تولید محصولات کشاورزی و البته در این روزها، قطع برق بخش کشاورزی، به صحن علنی مجلس شورای اسلامی در جلسات بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم هم کشیده است. در بخشی از جلسه امروز مجلس، دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۳ غلامرضا نوری قزلبه وزیر پیشنهادی کشاورزی به ارائه برنامه‌های خود پرداخت.

در این نشست رحمت‌الله نوروزی در مخالفت با وزیر پیشنهادی گفت: «اقدام به واردات گوشت با ارز ترجیحی، حذف ارز ترجیحی برای کشاورزان و دامداران مشکلات متعددی را به دنبال داشته است. امروز معیشت و امنیت غذایی با قطع مکرر برق به خطر افتاده است. پول گندم کاران چرا پرداخت نشده، حدود ۶۲ همت با همت رییس مجلس برای آنها دیده شده است، به تازگی هفته گذشته پرداخت شده است. با افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت کود و سم چکار می‌کنید؟»

وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی در این نشست وعده‌ها و برنامه‌هایی را ارائه داد؛ از جمله گفت: «ضریب خودکفایی در محصولات اساسی که امنیت غذایی ما به آنها بستگی دارد، ۸۰ درصد است که بنا داریم به ۹۰ درصد ارتقا دهیم و حدود ۲۰۰ اقدام مشخص تدوین شده است.»



مهم اقتصادی است که سطح عمومی قیمت‌ها را در طول زمان نشان می‌دهد. این شاخص بر اساس سبد کالا و خدمات مصرفی یک خانوار تعیین می‌شود. از دلایل اهمیت شاخص قیمت مصرف‌کننده این است که نشان می‌دهد قدرت خرید مردم در طول زمان چگونه تغییر کرده است. به عبارتی دیگر، قیمت کالا و خدمات مصرفی مردم چقدر تغییر کرده است. اگر عدد این شاخص افزایش یابد، نشان‌دهنده تورم و اگر کاهش یابد نشان‌دهنده کاهش قیمت‌ها است.

افزایش قیمت‌ها سبب کاهش سرانه مصرف مواد خوراکی در کشور شده بطوری که افشین صدر دادرس مدیر عامل اتحادیه مرکزی دام سبک کشور درباره وضعیت تولید و میزان نیاز بازار گوشت گفته «تا سه سال قبل حدود یک میلیون تن مصرف گوشت قرمز کشور اعم از گوسفندی و گوساله بود؛ سال‌هایی که هر فرد ۱۲ کیلو گرم مصرف سرانه داشته است. از این عدد ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تن در داخل تولید و تأمین می‌شد و ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تن هم گوشت صنعتی برای مصارف محصولات غذایی مانند سوسیس، کالباس و... وارد می‌شد.»

به گفته مدیر عامل اتحادیه مرکزی دام سبک کشور سرانه مصرف گوشت در ایران نصف شده است؛ او گفته «سرانه مصرف کاهش پیدا کرده و به حدود ۶ تا ۷ کیلو گرم به ازای هر نفر در سال رسیده با برآورد جمعیتی ۸۵ میلیون نفر نیاز کشور حدود ۵۱۰ هزار تن خواهد بود.»

حسن تقی‌زاده نایب رئیس انجمن صنف برنج‌فروشان مازندران نیز شرایط اقتصادی مردم را یکی از دلایل تشدیدکننده رکود در بازار برنج ارزیابی کرده و گفته «سرانه مصرف برنج خانوارها کاهش قابل توجهی کرده و شاید بتوان گفت که میزان مصرف نصف شده است.»

محمدرضا بنی‌طبا سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران هم گفته سرانه مصرف لبنیات در کشور در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۷۰ کیلوگرم است. این در حالیست که مصرف سرانه لبنیات در سال ۱۳۹۷ در محدوده صد کیلوگرم بود. امنیت غذایی بنا بر تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۸۶،

شاخص کل قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور در تیرماه امسال به ۲۵۵/۲ رسیده است. این در حالیست که این رقم در ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی، ۱۰/۹ بود. این شاخص طی ۱۳ سال بیش از ۲۳ برابر شده است.

استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، هرمزگان، بوشهر، خوزستان، کرمان و خراسان جنوبی هشت استانی هستند که در رابطه با امنیت غذایی وضعیتی بحرانی را سپری می‌کنند.

افشار زیادی به دلیل کاهش ارزش واقعی دستمزدها و افزایش هزینه زندگی توان تأمین خوراک را ندارند و تولید محصولات کشاورزی در ایران نیز با کاهش حجم و کیفیت روبرو است.

رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی کشور از وضعیت بحرانی هشت استان در زمینه امنیت غذایی خبر داده است. نادیده گرفتن اقتصاد کشاورزی در چهار دهه گذشته و مشکلات مضاعفی مانند قطع برق در بخش کشاورزی، امنیت غذایی میلیون‌ها تن را در ایران به خطر انداخته است.

محمد اسماعیل مطلق رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی کشور اعلام کرده ۸ استان کشور از نظر تغذیه نیاز به توجه بیشتری دارند که در سند ملی امنیت غذایی نیز برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود وضعیت امنیت غذایی در این استان‌ها تدوین شده است.

استان‌های سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، هرمزگان، بوشهر، خوزستان، کرمان و خراسان جنوبی هشت استانی هستند که در رابطه با امنیت غذایی وضعیتی بحرانی را سپری می‌کنند.

به گفته محمد اسماعیل مطلق با توجه به لزوم دسترسی جامعه بویژه افشار کم درآمد به سبد غذایی حداقلی، برای تأمین پروتئین و کالری و ریزمغذی‌ها به منظور رفع نیازهای تغذیه‌ای و حفظ سلامت جامعه و در جهت هدفمندی یارانه‌ها اقداماتی در دبیرخانه شورا به عمل آمده است.

رئیس دبیرخانه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی در حالی توزیع کالابرگ الکترونیک برای خرید اقلام غذایی را از اقدامات برای حل بحران دسترسی افشار کم درآمد و تنگدست به سبد غذای «حداقلی» عنوان کرده که بیشتر کارشناسان اقتصادی توزیع کالابرگ را ناکافی ارزیابی کرده بودند.

آمارهای اقتصادی نشان می‌دهند شاخص کل قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور در تیرماه امسال به ۲۵۵/۲ رسیده است. این در حالیست که این رقم در ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی، ۱۰/۹ بود. به عبارت دیگر، شاخص کل طی ۱۳ سال بیش از ۲۳ برابر شده است.

وبسایت «اگو ایران» با انتشار جزئیات افزایش قیمت مواد خوراکی طی ۱۳ سال گذشته نوشته متوسط قیمت گروه «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» در این دوره بیش از ۴۱ برابر شده است. در این میان، گروهی که بیشترین افزایش قیمت را داشته، گروه «سبزیجات» بود که در این مدت بیش از ۶۳ برابر شده است. کمترین افزایش قیمت متعلق به گروه «نان و غلات» بود که در این دوره ۲۶/۵ برابر شده که اصلی‌ترین دلیل آن قیمت‌گذاری دستوری و تعلق یارانه به این بخش است.

شاخص قیمت مصرف‌کننده یا CPI یکی از شاخص‌های

فقر در ایران تابع علت‌های متفاوت؛ از وضعیت سیاست خارجی و منطقه تا ناکارآمدی در تصمیم‌گیری و بودجه‌ریزی



در بخش‌هایی از جامعه کم شده باشد، اما این حاصل فقیرتر شدن همه است.»

آرمان ذاکری فقر موجود در ایران را «حاصل مجموعه‌ای از برنامه‌ها» می‌داند که «این برنامه‌ها در این چهار دهه تکرار شده است و الان هم عده‌ای از سیاست‌گذاران در پی تکرار آن هستند.» وی همچنین گفته سیاست‌های افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز سیاستی ناعادلانه، غیرصادقانه و به ضرر تمامی آحاد جامعه هستند.

او توضیح داده که «امروز در مقالات اقتصاد مدام می‌خوانیم که دولت باید در اقتصاد تصمیمات سخت بگیرد، جراحی اقتصادی کند که اینها همه کلیدواژه گران کردن بنزین‌اند اما چون جامعه واکنش منفی نشان می‌دهد، غیرصادقانه کلمه را به ناترازی انرژی و جراحی دردناک ... تغییر می‌دهند. زمانی که جامعه از طریق این سیاست‌ها مورد تهاجم قرار می‌گیرد به طرق مختلف از خودش دفاع می‌کند و باعث عقب‌نشینی سیاست‌ها می‌شود. از نگاه من جامعه‌شناس، عقب‌نشست دولت از این برنامه‌ها که در سال ۷۱ انجام شده دفاعی بود که جامعه از خود با خون خودش کرد.»

اجتماعی، مهاجرت، مسکن، اشتغال و جرائم و ... وضعیت زنان سیاه‌تر و جدی‌تر است. زنان سرپرست خانوار براساس آمارها فقیرترین فقرا در کشور محسوب می‌شوند. ما هر جایی که داریم برنامه می‌ریزیم، باید مسئله زنان مطرح باشد.»

زهره کاویانی اقتصاددان نیز فقر را زاینده سیاست‌های اقتصادی می‌داند که پیامدهای اجتماعی دارد: «وقتی کلان‌روندهای اقتصادی را در دنیا نگاه می‌کنید، هم‌زمان که اقتصادها رشد می‌کنند و تولید سرانه داخلی بالا می‌رود، فقر هم در این جوامع کاهش پیدا می‌کند. هر چقدر جوامع به سمتی می‌روند که ثروت بیشتری تولید کنند، فقر هم کاهش پیدا کرده و نمونه بارز آن چین است. اما در تمام کشورهای ثروتمند با بالاترین درآمد سرانه نیز همچنان فقر داریم.»

این اقتصاددان افزوده که «باید دو مفهوم فقر و نابرابری را جدا کنیم. اتفاقی که در ایران افتاده، این است که معمولاً با افزایش فقر، نابرابری کاهش پیدا کرده. اصطلاحاً نامش توزیع عادلانه فقر است. آنجایی که نابرابری مذموم شمرده می‌شود، حتی در اقتصادهایی که فقر در آنها بسیار پایین است، اینجا زمینه اجتماعی پیدا می‌کند که جامعه شما هرچقدر هم فقر در آن کم باشد اما شکاف‌های اجتماعی پررنگ است.»

حسین اشرفی عضو معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران نیز به تازگی با ارائه نتایج یک پژوهش درباره آثار تورم بر قشر متوسط گفته که تورم ناشی از بازگشت دوباره تحریم‌ها، در کنار حادث شدن نابرابری دستمزدها در کشور سبب شده حدود ۸۸ درصد از جمعیت متوسط به جمعیت فقرا افزوده شود.

وی توضیح داده که شاخص‌های اقتصادی کلیدی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران بعد از سال ۲۰۱۲ هم‌زمان با تأثیر این تحریم‌ها در کاهش سریع درآمدهای نفتی

در همین رابطه نشستی با عنوان «آینده‌پژوهی فقر و نابرابری» با حضور آرمان ذاکری جامعه‌شناس، زهرا کاویانی اقتصاددان، فرشاد اسماعیلی حقوقدان، ناهید سرداری پژوهشگر اجتماعی و مقصود فرستخواه جامعه‌شناس در موسسه «رحمان» برگزار شده است.

در این نشست آرمان ذاکری با اشاره به آمارهای ارائه شده از سوی دولت درباره جمعیت فقیر کشور گفته «یکی از این شاخص‌های آمارهای وزارت رفاه، شاخص فقر قطعی است. به معنای اینکه هر خانواری که دارای دو شاخص از سه شاخص «تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی بودن»، «جزء سه دهک پایین جامعه بودن» و «فاقد درآمد ثابت ماهانه بودن» باشد، دچار فقر قطعی است.

او در ادامه گفته با این معیار، ۲۲/۸ درصد از جامعه در سال ۹۹ زیر خط فقر قطعی بودند؛ یعنی اگر جمعیت را ۸۰ میلیون فرض کنیم، حدود ۱۶ میلیون نفر زیر خط فقر قطعی بودند. این شاخص در سیستان و بلوچستان ۵۱ درصد است، یعنی حدود نیمی از جمعیت.»

این جامعه‌شناس درباره توزیع این فقر و نابرابری در کشور هم گفته پنج استان فقیر ایران به ترتیب عبارتند از سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی و هرمزگان.

به گفته ذاکری همه ایرانیان در یک دهه اخیر فقیرتر شده‌اند: «بر اساس گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد فقرا در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، ۱۰ میلیون نفر بیشتر شده است و فقط در دو سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، سطح فقر از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است و نکته مهم دیگر این است که فاصله جمعیت فقیر با خط فقر افزایش پیدا کرده و از طرفی، فاصله جمعیت غیرفقیر نیز با خط فقر کاهش پیدا کرده؛ بنابراین ممکن است نابرابری

۲۲/۸ درصد از جامعه در سال ۹۹ زیر خط فقر قطعی قرار داشتند؛ یعنی اگر جمعیت را ۸۰ میلیون فرض کنیم، حدود ۱۶ میلیون نفر زیر خط فقر قطعی بودند.

پنج استان فقیر ایران به ترتیب عبارتند از سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی و هرمزگان.

آرمان ذاکری جامعه‌شناس فقر موجود در ایران را «حاصل مجموعه‌ای از برنامه‌ها» می‌داند که «این برنامه‌ها در این چهار دهه تکرار شده است و الان هم عده‌ای از سیاست‌گذاران در پی تکرار آن هستند.»

کاشناسان با هشدار نسبت به فقیرتر شدن همه جامعه ایران بطور نسبی معتقدند فقر در ایران تابعی از علت‌های متفاوتی مانند وضعیت سیاست خارجی، وضعیت منطقه، نظام بودجه‌ریزی و ... است. آخرین آمارهای رسمی نشان می‌دهد حدود ۲۳ درصد از جامعه در سال ۹۹ زیر خط فقر قطعی قرار داشتند که این رقم طی چهار سال گذشته با توجه به وضعیت فزاینده تورم قطعاً افزایش پیدا کرده است.

آمار دقیق فقر در ایران مشخص نیست؛ دولت از ارائه آمارهای دقیق خودداری می‌کند اما کارشناسان و پژوهشگران معتقدند دست‌کم یک سوم جامعه ایران با فقر دست و پنجه نرم می‌کند و بیش از ۵ میلیون نفر با گرسنگی روبرو هستند.

در همین رابطه نشستی با عنوان «آینده‌پژوهی فقر و نابرابری» با حضور آرمان ذاکری جامعه‌شناس، زهرا کاویانی اقتصاددان، فرشاد اسماعیلی حقوقدان، ناهید سرداری پژوهشگر اجتماعی و مقصود فرستخواه جامعه‌شناس در موسسه «رحمان» برگزار شده است.

در این نشست آرمان ذاکری با اشاره به آمارهای ارائه شده از سوی دولت درباره جمعیت فقیر کشور گفته «یکی از این شاخص‌های آمارهای وزارت رفاه، شاخص فقر قطعی است. به معنای اینکه هر خانواری که دارای دو شاخص از سه شاخص «تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی بودن»، «جزء سه دهک پایین جامعه بودن» و «فاقد درآمد ثابت ماهانه بودن» باشد، دچار فقر قطعی است.

او در ادامه گفته با این معیار، ۲۲/۸ درصد از جامعه در سال ۹۹ زیر خط فقر قطعی بودند؛ یعنی اگر جمعیت را ۸۰ میلیون فرض کنیم، حدود ۱۶ میلیون نفر زیر خط فقر قطعی بودند. این شاخص در سیستان و بلوچستان ۵۱ درصد است، یعنی حدود نیمی از جمعیت.»

این جامعه‌شناس درباره توزیع این فقر و نابرابری در کشور هم گفته پنج استان فقیر ایران به ترتیب عبارتند از سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، خراسان شمالی، آذربایجان غربی و هرمزگان.

به گفته ذاکری همه ایرانیان در یک دهه اخیر فقیرتر شده‌اند: «بر اساس گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد فقرا در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، ۱۰ میلیون نفر بیشتر شده است و فقط در دو سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، سطح فقر از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش یافته است و نکته مهم دیگر این است که فاصله جمعیت فقیر با خط فقر افزایش پیدا کرده و از طرفی، فاصله جمعیت غیرفقیر نیز با خط فقر کاهش پیدا کرده؛ بنابراین ممکن است نابرابری

سفیر جمهوری اسلامی در مسکو: ایران آماده انتقال گاز روسیه از خاک خود است



انعقاد قرارداد انتقال گاز روسیه به ایران / تیرماه ۱۴۰۳

مقتضی صادرات گاز، برنامه‌ریزی خاموشی فصلی برخی صنایع پرمصرف و سوزاندن گازوئیل گران‌قیمت و نفت کوره کم‌کیفیت در برخی نیروگاه‌ها برای تولید برق روبرو شد. مسئله دیگر که «شان» به آن اشاره کرد «بن‌بست روسیه در صادرات گاز به اروپا پس از جنگ اوکراین» است. در واقع جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد فرصت است تا با «واردات گاز» از روسیه به «قطب گازی» تبدیل شود!

پیش از این جواد اوجی وزیر نفت دولت ابراهیم رئیسی تیرماه ۱۴۰۳ پس از امضاء قرارداد ۳۰ ساله با روسیه گفته بود، ایران روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز از روسیه دریافت خواهد کرد. در همین ارتباط شرکت روسی «گازپروم» با شرکت ملی گاز ایران قرارداد بست.

اوجی گفته بود «احداث خط ترانزیت گاز از شمال به جنوب از مسیر ایران اتفاقی بسیار بزرگ به شمار می‌آید که در تاریخ ایران سابقه نداشته است و سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار تبادلات مالی خواهد داشت».

وی انتقال گاز روسیه به ایران را «شاهکار دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم» دانسته بود که «می‌تواند سبب انقلاب اقتصادی و تأمین امنیت انرژی کشورهای منطقه از طریق ایران باشد».

موسی موسوی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به اهمیت قرارداد گازی ایران و روسیه گفته بود، «با این قرارداد در عمل به قطب گازی منطقه تبدیل می‌شویم و موازنه انرژی در منطقه نیز متحول می‌شود». اما بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این اقدام علیه منافع ملی ایران است.

پس از آغاز جنگ اوکراین و تحریم صنایع نفت و گاز روسیه توسط دولت‌های غربی، جمهوری خلق چین و هندوستان به اصلی‌ترین واردکنندگان نفت و گاز از روسیه تبدیل شدند.

● **خبرگزاری روسی تاس روز شنبه ۱۷ اوت (۲۷ مرداد) به نقل از کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در روسیه اعلام کرد که ایران آماده ترانزیت گاز طبیعی روسیه از طریق خاک خود است.**

● **این در شرایطی است که بعد از حمله به اوکراین، نفت و گاز روسیه تحریم شد اما مسکو غیرمستقیم با دور زدن تحریم‌ها همچنان به فروش آن ادامه داد.**

● **اوجی گفته بود «احداث خط ترانزیت گاز از شمال به جنوب از مسیر ایران اتفاقی بسیار بزرگ به شمار می‌آید که در تاریخ ایران سابقه نداشته است و سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار تبادلات مالی خواهد داشت».**

● **وی انتقال گاز روسیه به ایران را «شاهکار دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم» دانسته بود که «می‌تواند سبب انقلاب اقتصادی و تأمین امنیت انرژی کشورهای منطقه از طریق ایران باشد». اما بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این اقدام علیه منافع ملی ایران است.**

خبرگزاری روسی تاس روز شنبه ۱۷ اوت (۲۷ مرداد) به نقل از کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در روسیه اعلام کرد که ایران آماده ترانزیت گاز طبیعی روسیه از طریق خاک خود است.

این در شرایطی است که بعد از حمله به اوکراین، نفت و گاز روسیه تحریم شد اما مسکو غیرمستقیم با دور زدن تحریم‌ها همچنان به فروش آن ادامه داده است.

شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی «شان» که زیر نظر وزارت نفت جمهوری اسلامی فعال است ۲۶ امرداد در گزارشی با عنوان «آب‌پروژه انتقال گاز روسیه» به توجیه ضرورت واردات گاز از روسیه پرداخته است. در این گزارش اعتراف می‌شود که «در سال‌های اخیر مصرف گاز در فصل‌های سرد سال از تولید پیشی گرفت و کشور با مسائلی مانند قطع

و مختل کردن تجارت و سرمایه‌گذاری در تمامی بخش‌های اقتصادی، دچار شوک‌های شدیداً نامساعد در اقتصاد کلان شد صادرات نفتی تنها تحت این تحریم‌ها کاهش نیافت، بلکه دولت حتی نمی‌توانست درآمدهای صادراتی را به دلیل تحریم‌های مالی به داخل بازگرداند. علاوه بر این، رژیم سنگین تحریم‌ها که در سال ۲۰۱۲ به اوج خودش رسیده بود، در سال‌های بعد همراه با نوساناتی به روند خود ادامه داد.

اشرفی افزوده که عامل دیگری که به کاهش اندازه طبقه متوسط در ایران در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ کمک کرد، بدتر شدن نابرابری در درآمد بود. ضریب جینی یا نابرابری درآمد ایران بطور پیوسته از ۳۴ در سال ۲۰۱۳ به ۳۷/۴ در سال ۲۰۱۸ و ۳۶/۵ در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت. ترکیب رشد اقتصادی منفی و افزایش نابرابری، تعداد زیادی از خانوارهای طبقه متوسط را به سوی فقر سوق داد و باعث کاهش اندازه نسبی طبقه متوسط شد.

به گفته حسین اشرفی طی هشت سال گذشته درآمد سرانه به شدت کاهش یافته بطوری که شکاف درآمد سرانه در دوره سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ بطور متوسط سالانه ۲۲ درصد بوده اما در طول ۸ سال حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است.

عضو اتاق تهران افزوده سرانه واقعی بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۹ بطور متوسط حدود ۳۶۰۰ دلار بوده است. به عبارت دیگر، در صورت عدم وجود تحریم‌های اقتصادی عمده پس از سال ۲۰۱۲ متوسط درآمد سرانه می‌توانست ۳۶۰۰ دلار بیشتر افزایش پیدا کند. بیشترین کاهش نیز مربوط به سال ۲۰۱۹ است که در آن درآمد سرانه از دست‌رفته، به رقم ۴۲۷۶ دلار رسید.

او همچنین از بالا رفتن هزینه واردات کالا در هشت سال گذشته اشاره کرده و گفته کاهش ارزش ریال ایران باعث شد تا اضافه‌پرداخت بازار سیاه و هزینه‌های واردات افزایش یابد. هزینه‌های بالاتر واردات و کمبود دلارهای نفتی، تأثیر منفی بر واردات کالاها گذاشته و کمبود کالاهای وارداتی باعث افزایش قیمت‌ها شده و تلاش برای حفظ سطح زندگی را برای طبقه متوسط گران‌تر کرده است.

معاون بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران در ادامه گفته از آنجا که بسیاری از صنایع داخلی به مواد خام و قطعات وارداتی وابسته هستند، کاهش واردات می‌تواند خط تولید را مختل کرده و منجر به از دست رفتن مشاغل و کاهش فعالیت‌های اقتصادی شود که تأثیری منفی بر طبقه متوسط می‌گذارد. هزینه‌های بالاتر ورودی کالاهای وارداتی می‌تواند به مصرف‌کنندگان منتقل شده و باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات شود.

کوچک شدن طبقه متوسط در همه کشورها از جمله ایران اثرات مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در پی دارد چرا که این طبقه همواره اهرم اصلی در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود و بخش زیادی از تولیدات و توسعه فرهنگ بر اساس پویایی در این طبقه صورت می‌گیرد.

رانده شدن این قشر به زیر خط فقر، آنها را درگیر روزمره‌ترین دغدغه‌های اقتصادی از جمله تأمین هزینه خوراک و مسکن می‌کند.

از سوی دیگر افزایش جمعیت فقرا در ایران نیز به تهدیدی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده که احتمال شورش گرسنگان را به همراه دارد؛ موضوعی که همین حالا نیز از سوی برخی تحلیلگران مطرح می‌شود که شورش نان ممکن است به زودی به مشکلی جدی برای حیات حکومت تبدیل شود.

کازم خزائی از ووشوکاران مازندران هنگام کار در معدن شن و ماسه جان باخت!

یک ووشوکار کارگر به نام کازم خزائی ۴۰ ساله و اهل شهر «پول» از توابع نوشهر در یکی از معدن شن و ماسه مرزن آباد چالوس هنگام کار دچار حادثه شد و جان باخت. بسیاری از ورزشکاران در ایران حتا دارندگان عناوین و مدال‌های بین‌المللی برای تأمین مخارج زندگی خود مجبورند در کنار ورزش حرفه‌ای مشاغل دیگر داشته باشند تا بتوانند از آن طریق امرار معاش و همچنین مخارج تمرین‌های ورزشی خود را تأمین کنند.

یک مرگ مشکوک دیگر فقط یک روز پس از «آزادی» از زندان!

به گزارش منابع حقوق بشری، بهرام اشجع شهروند ساکن اردبیل یک روز پس از آزادی از بازداشت اداره اطلاعات اردبیل به طرز مشکوکی درگذشت.

این شهروند دو هفته پیش توسط ماموران به بهانه آنچه «فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و ارتباط با کنشگران» عنوان شده، بازداشت شده بود.

برخی منابع می‌گویند روز قبل از آزادی بهرام اشجع، ماموران به زور به او «دارو» خوراندند.

شکایت پاکبانان تهران از اضافه‌کاری اجباری و بدون دستمزد

پاکبانان شهرداری تهران می‌گویند برخی از روزها باید اضافه کاری کنند و یا زودتر از ساعت کاری، کارشان را شروع کنند اما کارفرما بابت آن پولی پرداخت نمی‌کند. کارفرمایان همچنین حق بیمه کارگران پاکبان را نیز پرداخت نمی‌کنند.

یکی از پاکبانان به خبرنگاری «ایلنا» گفته «ما در تمام روزهای ماه سر کار هستیم، البته گفتند دو روز مرخصی داریم، اما نمی‌دهند. شب عید از ساعت ۴ صبح می‌آمدیم تا



شکایت پاکبانان تهران از اضافه‌کاری اجباری و بدون دستمزد

۴ بعدازظهر در واقع ۱۰ الی ۱۲ روز اینطور می‌آمدیم، گفتند ۲ تومان اضافه کار می‌دهند که ندادند.»

یکی دیگر از پاکبانان با اشاره به دستمزد ناچیزی که دریافت می‌کند گفته «آخر حقوق ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی چیست که به ما می‌دهند. من دو جوان دارم که یکی از آنها بیکار است. نمی‌تواند ازدواج کند نمی‌توانم برای پسر همسر بگیرم.»

منوچهر فلاح، زندانی سیاسی، در پی اعتصاب غذا به کما رفت

منوچهر فلاح زندانی سیاسی محبوس در زندان لاکان رشت و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، در پی اعتصاب غذا به کما فرو رفت. وی از اول مرداد ۱۴۰۳ در اعتراض به وضعیت خود و بلا تکلیفی در زندان دست به اعتصاب غذا زده بود و سرانجام در روز یکشنبه، بیست و هشتم مرداد، هشیاری خود را از دست داد. این زندانی سیاسی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یازده ماه حبس محکوم شده بود و از ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ برای گذراندن دوران محکومیت خود در زندان لاکان رشت بسر می‌برد. با اینکه دوران حبس وی در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ به پایان رسید، اما مسئولین زندان از آزادی او خودداری کرده و همچنان او را در وضعیت بلا تکلیف در زندان نگه داشته‌اند. بر اساس گزارش‌ها، احمد درویش گفتار رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اعلام کرده است که در بررسی مجدد پرونده منوچهر فلاح، او با اتهام «محرابه با بخی» روبرو شده است.

هوشنگ حریرچیان بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون درگذشت

هوشنگ حریرچیان بامداد سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ چشم از جهان فرو بست. این بازیگر پیشکسوت که به تازگی ۹۲ ساله شده بود، ۲۰ مرداد ۱۳۱۱ در اصفهان متولد شد. وی فعالیت هنری خود را از سنین جوانی با ورود به عرصه تئاتر آغاز کرد. در شهریور ۱۳۳۲ و در سن ۲۱ سالگی به تئاتر «سپاهان» پیوست و با ادامه فعالیت‌های خود به یکی از چهره‌های برجسته تئاتر اصفهان تبدیل شد. در سال ۱۳۳۸، حریرچیان علاوه بر بازیگری به استخدام رادیو اصفهان درآمد و به عنوان هنرپیشه، تهیه‌کننده، گزارشگر، کارگردان و مجری به فعالیت پرداخت. اولین حضور حریرچیان در تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۴۳ بود که به اجرای «شو» نقش جهان» پرداخت. او در سال ۱۳۴۸ با بازی در سریال «عکاس باشی» به عنوان بازیگر جلوی دوربین رفت.



هوشنگ حریرچیان بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون درگذشت

پس از وقوع انقلاب اسلامی ۵۷ حریرچیان تا ۱۳۶۶ چهار نمایش روی صحنه برد، اما به دلیل مشکلات مختلف از ادامه فعالیت در تئاتر بازماند. ولی در سال ۱۳۶۶ با بازی در فیلم «جعفرخان از فرنگ برگشته» به کارگردانی علی حاتم‌ی به عرصه بازیگری بازگشت و به یکی از چهره‌های شناخته‌شده سینما و تلویزیون تبدیل شد. اوج شهرت او در دهه ۹۰ با بازی در سریال‌هایی مثل «ساختمان پزشکان» و «پژمان» بود.

توزیع رایگان میوه مرغوب و «فالوده شیرازی» ویژه زائران اربعین!

در شرایطی که میوه به علت گرانی از سبد خرید بسیاری از مردم حذف شده است، با پشتیبانی نهادهای حکومتی «موکب‌های ویژه اربعین» در مسیر راهپیمایی زائران در عراق میوه‌های مرغوب و فالوده شیرازی توزیع می‌کنند. حمید بدوی مدیرکل پشتیبانی امور دام استان خوزستان اعلام کرد بیش از دو هزار تن گوشت و مرغ میان گروه‌های عازم عراق برای مراسم اربعین توزیع شده است. بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی «صندوق‌های بازنشستگی» باید حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برای «تأمین منابع قرارگاه اربعین» پرداخت کنند. ائمه جمعه گفته‌اند «اربعین حسینی رزمایشی برای ظهور امام زمان است.»

جان باختن یکی از کارکنان پتروشیمی «رجال» بندر ماهشهر بر اثر گرمزدگی

صبح سه‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۳، یکی از کارکنان پتروشیمی «رجال» به دلیل گرمزدگی جان خود را از دست داد. این حادثه در ساعت ۱۰ صبح رخ داد و تلاش‌های اورژانس برای نجات جان او بی‌فایده ماند. علیرضا عبدالله‌زاده متولد سال ۱۳۶۲ و یکی از متخصصین واحد بهره‌برداری پتروشیمی «رجال» بود. او بیش از ۱۵ سال سابقه کار داشت و در روز حادثه به دلیل حجم بالای کار و شرایط نامساعد دچار گرمزدگی شدید شد که منجر به جان باختن او گشت.

اطلاعیه دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی

دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی در ارتباط با خبرهای نادرست و همچنین انواع سوء استفاده از جمله در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی طی اطلاعیه‌ای تأکید کرده است که هر خبر و بیانیه‌ای از سوی ایشان فقط از طریق وبسایت رسمی شهبانو منتشر می‌شود.



متن این اطلاعیه چنین است: «اخیراً در شبکه‌ی اجتماعی اکس (X)، خبری در یک حساب جعلی، مبنی بر دعوت شهبانو از هم‌میهنان برای حمایت از کتاب ایشان منتشر شده است. بدینوسیله به اطلاع هم‌میهنان گرامی می‌رسانیم که این خبر صحت ندارد و تأکید می‌کنیم که اخبار و بیانیه‌های ایشان تنها از طریق سایت رسمی شهبانو منتشر می‌شود. دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی»

سیراک ملکینان پیشگام هنر نوگرای ایران در ۹۲ سالگی درگذشت

سیراک ملکینان هنرمند ارمنی ایران و از پیشگامان هنر نوگرا در ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ در سن ۹۲ سالگی در کانادا درگذشت.

ملکینان، متولد ۲۴ مهر ۱۳۱۰ در تهران، با آثار خود که ترکیبی از انتزاع و تاکید بر خط و فرم بود، نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه هنر نوگرا در ایران ایفا کرد.

این هنرمند در دهه ۱۳۳۰ با رویکرد فیگوراتیو و اکسپرسیونیست فعالیت خود را آغاز کرد و پس از آن به هنر انتزاعی روی آورد. او در نمایشگاه‌های مهمی در ایران و خارج کشور شرکت کرد و جوایز متعددی از جمله جایزه سلطنتی بی‌ینال تهران را در سال ۱۳۳۷ کسب کرد. ملکینان در سال ۱۳۶۰ به کانادا مهاجرت کرد و تا پایان عمر خود در تورنتو مشغول کار و زندگی بود. آثار سیراک ملکینان در تاریخ هنر ایران جایگاهی ویژه دارند و در دهه‌های گذشته همواره مورد توجه منتقدان و هنرمندان قرار گرفته‌اند. آخرین فروش اثر او در حراج تهران نشان از ارزش و اهمیت هنر او دارد که به قیمت ۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان به فروش رسید.

خودکشی یک کودک کار پس از آزار و اذیت

خبرگزاری هرانا ۳۰ مرداد گزارش داد که یک نوجوان ۱۳ ساله اهل قروه (استان کردستان) به نام فرید صادقی که در سازمان میادین میوه و تره بار تهران کار می‌رد، پس از آزار و اذیت توسط چند نفر، دست به خودکشی زد و جان باخت. پیکر وی در زادگاه‌اش در قروه به خاک سپرده شد.

خروج ۸۱ میلیارد تومان پول از بورس در یک روز؛ خروج سرمایه‌ها سرعت گرفته

بر اساس گزارش رسانه‌های اقتصادی روز دوشنبه ۲۹ مرداد، بیش از ۸۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است.



خروج ۸۱ میلیارد تومان پول از بورس در یک روز؛ خروج سرمایه‌ها سرعت گرفته

«طرح سراسری نور» در دولت پزشکیان ادامه می‌یابد

احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی درباره اجرای «طرح سراسری نور» در دولت مسعود پزشکیان گفت: «هر چیزی که قانون باشد، پلیس مجری آن بوده و باید طبق قانون آن را انجام دهد، مگر اینکه از همان مسیر قانونی تکلیف از پلیس برداشته شود.» رادان همچنین گفته «آن چیزی که من متوجه شدم، این است که ریاست محترم جمهوری به شدت به اجرای قانون علاقه‌مند هستند و در صحتی که با همدیگر داشتیم، ایشان قانون را ملاک خودشان می‌دانند و بایستی مسیر را دنبال کنیم.» «طرح سراسری نور» از جمله طرح‌های سرکوبگرانه علیه زنان ایران است که از فروردین امسال و از سوی نیروی انتظامی در سطح جامعه برای سرکوب زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند در جریان است.

توزیع روزانه «۳۰ هزار پرس غذا» در نجف توسط استانداری تهران!

علیرضا فخاری استاندار تهران که برای زیارت به عراق رفته، روز یکشنبه ۱۸ مرداد گفت که ستاد پشتیبانی استانداری تهران به مناسبت «اربعین» روزانه ۳۰ هزار پرس غذا در نجف توزیع می‌کند!

خروج میلیاردها تومان از جیب ملت برای «اربعین» در حالیکه که در خود ایران سال‌هاست سفره‌ی بسیاری از مردم به علت فقر و نداری خالی مانده است.

طبقه متوسط در ایران طی هشت سال ۸۸ درصد آب رفت!

عضو معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران: تورم ناشی از بازگشت دوباره تحریم‌ها، در کنار حادث شدن نابرابری دستمزدها در کشور سبب شده حدود ۸۸ درصد از جمعیت متوسط به جمعیت فقرا افزوده شود. طی هشت سال گذشته درآمد سرانه به شدت کاهش یافته بطوری که شکاف درآمد سرانه در دوره سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۹ بطور متوسط سالانه ۲۲



طبقه متوسط در ایران طی هشت سال ۸۸ درصد آب رفت!

آتش‌سوزی مهیب در جنگل‌های ازمیر؛ ۵۵ هزار منزل مسکونی تخلیه شدند

آتش‌سوزی مهیب در جنگل‌های ازمیر در ترکیه صدها هکتار از جنگل‌ها را نابود کرده و خسارات سنگینی به طبیعت زده است. بر اساس گزارش منابع ترکیه‌ای این آتش‌سوزی از روز جمعه ۲۶ مرداد آغاز شد اما به علت وزش بادهای شدید به سرعت گسترش یافت و در برخی نواحی به مناطق مسکونی ازمیر رسیده است. در چند منطقه در حومه ازمیر بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و تجاری تخلیه شده‌اند. برخی منابع مدعی شدند این آتش‌سوزی عمدی است.

دو کشته و ۶۱ مصدوم در تصادف اتوبوس زائران کربلا با تریلی حامل قیر

بر اثر تصادف اتوبوس زائران ایرانی کربلا با تریلی حامل قیر در عراق دست‌کم دو نفر کشته و ۶۱ نفر مصدوم شدند. حال برخی مصدومان وخیم است. سازمان «هلال احمر» روز جمعه ۲۶ مرداد اعلام کرد این اتوبوس در جاده دیوانیه به ناصریه تصادف کرد.

ربودن پرستاران و کادر درمان به دلیل استفاده از حق اعتراض؟!

یاشار تبریزی فعال سیاسی چهارشنبه ۳۱ مرداد در شبکه «ایکس» نوشت: «چندین پرستار بیمارستان مسیح دانشوری از جمله خانم زهرا تمدن از کادر درمان هد نرس بخش ۱۰ بیمارستان مسیح دانشوری، دیروز توسط نیروهای امنیتی به اتهام لیدری اعتراضات کادر درمان ربوده شده است.» پرستاران ایران بیش از یک هفته است که در شهرهای مختلف در اعتراض به وضعیت حقوقی و معیشتی و همچنین فشار کار دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند.

آلن دلون اسطوره سینمای فرانسه در ۸۸ سالگی درگذشت

آلن دلون ستاره سینمای فرانسه در دو دهه ۱۹۶۰ و ۷۰



آلن دلون اسطوره سینمای فرانسه در ۸۸ سالگی درگذشت

میلا، یکشنبه ۱۸ اوت (۲۸ مرداد) به دلیل بیماری و کھولت در ۸۸ سالگی درگذشت. خانواده دلون در بیانیه‌ای اعلام کردند، «او با آرامش در خانه خود در شهر دوشی فرانسه و در کنار سه فرزند و خانواده‌اش درگذشت.» دلون در سال ۱۹۸۵ «جایزه سزار» بهترین بازیگر مرد را برای بازی در فیلم «داستان ما» دریافت کرد. او در سال ۱۹۹۱ نشان افتخار لژیون دونور فرانسه را نیز دریافت کرده بود.

درصد بوده اما در طول ۸ سال حدود ۲۸ درصد کاهش یافته است. کوچک شدن طبقه متوسط در همه کشورها از جمله ایران اثرات مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در پی دارد چرا که این طبقه همواره اهم اصلی در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود و بخش زیادی از تولیدات و توسعه فرهنگ بر اساس پویایی در این طبقه صورت می‌گیرد.



عکس هفته | دومین وزیر زن در نظام و دولت مذکر و ضدزن!

فرزانه صادق مالوآورد وزیر راه چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی به ریاست پزشکیان است که با تأیید علی خامنه‌ای برای این مقام پیشنهاد شده بود. نخستین زن وزیر در رژیم ولایت فقیه، مرضیه وحید دستجردی از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ در دومین دولت محمود احمدی نژاد وزیر بهداشت بود.